

كوز الاسرار الخفية

في

علم الغيب

جلد اول

تهيه و تنظيم

أقل العباد شيخ صيب بن موسى الرضا

افشارى اروميه في النخف

از انتشارت كتابخانه اروميه

قمر گنج خان

حقوق طبع محفوظ للمؤلف

کنوز الاسرار الخفية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى
 خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَسَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ
 إِلَيْهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ قَوْلُهُ تَعَالَى إِفْرَادُ رَبِّكَ الْأَكْرَمِ
 الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ قَوْلُهُ تَعَالَى
 وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا وَبَعَثَ تَوْفِيقَ رَبِّي
 نَصِيبَ ابْنِ جَانِبِ حَبِيبِ بْنِ مُوسَى الرَّضَا بْنِ شَيْخِ نَظَرِ
 عَلِيِّ افشاري اروميه‌اي كه ميبرد كه مدت ها يجمع آوري
 كتب خطي كه نزد ابن حقيير بود اشتغال آوردم تا مجموعه
 كتبي كه در علوم غريبه مانند جامع الفوائد و كشاكش
 در علوم غريبه و در علم جفر چند قسم و علم رمل و
 وغيره و بچاب رسیده و در دسترس طالبان

مقدمه كتاب

ابن علوم فرار گرفت و چون مشاهده شد كه ابن
 قبيل كتب نزد بعض كتابخانه هاي خصوصي رپوده
 بود ليكن بهيچ وجه در دسترس همگان فرار نميدهند
 و بدنيجمت ابن قبيل از مخطوطات نفيه قد بيه جمع
 آوري نمود وليكن از زمانها تا از دست نظا اول زمانه
 محفوظ ماند و اتلاف انها جلوگيري شود و ابن
 مجموعه را بنام كنوز الاسرار الخفية مسمي نمودم
 بعد از صرف مدت ها دست براي جمع آوري و تصحيح
 انها نمودم بجد الله توفيق رفيق و بطبيع ان موفق
 كرديد باري اميد است ارباب بصيرت در آن يد يد
 عفو و اغماض ميكرديد و اگر بعلت كبر سن و كرت اشتغال
 در آن سهوي مشاهده ما بل در تصحيح ان بكوشند
 و از آن خطا چشم پوشند كه در العفو عند كرام
 النَّاسِ مَقْبُولٌ و ابن حقيير را از دعاي خير فراموش
 نفرمائيد و الله و لِي التَّوْفِيقُ
 آنانكه بصير در عقايب باشند داننده اسرار و قايبن باشند
 بر نيك و به خلق چو حكمنده تصديق كند عقل كه لا اله الا الله
 العلم كثر و ذخر لا قائله نعم القرين اذا ما صاحب ضحبا

این مجموعه ایت بر دو مجلد و جلد اول مشتمل است
 بر بیست و سه باب و هر باب بر چند مطالب و فوائد
 باب اول در بیان معرفت حروف تمجی و کلمات آن
 باب دوم در بیان معرفت قواعد حروف الاسماء
 باب نهم در بیان معرفت علم حروف و خواص اسماء
 باب چهارم در بیان قواعد وفق اعداد و ان شانزه
 باب پنجم در بیان خواص چهل اسم موافق اعداد
 باب ششم در بیان خواص حروف بیست و هشت گانه
 باب هفتم در بیان خواص وفق مربعات و اقسام
 باب هشتم در بیان معرفت علم اعداد
 باب نهم در بیان وفق بعضی از طلاسم و محبت
 باب دهم در بیان از کار و اوارد و معرفت اوقات
 باب یازدهم در بیان معرفت الاواح
 باب دوازدهم در بیان معرفت اشکال و فوائد
 باب سیزدهم در بیان معرفت لوح شرف راس
 باب چهاردهم در بیان معرفت خواص طلاسم
 باب پانزدهم در بیان قواعد و ضوابط کلیه
 باب شانزدهم در بیان اسماء ملائکه که اعوان
 باب هفدهم در بیان معرفت صفت لوح مثلث
 باب هجدهم و مابقی در آخر کتاب مراجعه بنماید

بسم الله الرحمن الرحيم

فصل باب اول در بیان معرفت حروف تمجی و کلمات آن
 وصف جمیل بر وجه تعظیم و تمجیل سزاوار آن صاحب جمال است
 که نفس حقایق انفاس خلایق را گردانید و کتاب معجم در عرب
 و عجم خطور و سطور وجه اصحاب حسن و جمال فانی را گردانید
 و الف قامت خوبان را در عین مشهور بر استواء وجود احدیت
 ذات دال و مستور ساخت و از خال رخط محبوبان که هندسه
 روحانی در قوم دفتر معانی است چه هر قدر نقطه که بر صفحه کا
 بیات و صفحه صحیفه موجودات مرقوم و مسطور است ساخت
 ان علمی که در مکتب خانه و کتبنا که فی الا کواج ادم را معلم
 ارواح و مدرس اشباح کرد و در محاسبه ابجد عشق او را
 قیاس با جمیع کتب سماوی ساری الراح کرده و لغت جلیل
 و ستایش جزیل بر سمای صفا و بسین که در محاربه منکران
 حروف مقطعه شفاش حم لا ینصرون که هیص
 بود و در میعاد حل عقود و جواهر قران و فتح باب خزان
 رحمان متکلم بکلمه انا انصع من تکلم بالضاد بود و بر آل
 و اصحاب تخصص بر قائلی ان کلام الله الناطق که
 نقطه تحت الباء از روی توفیق مرتبه ولایت شد و

و حروف کتاب کلمات نقطه جزوید از عالم علم و در ابتدا
 بالناس فقیری که ناگاه از مطلع غیب طالع شد و از حسن
 ظالمی که داشت استدفا و التماس نسخه کرد در حروف تعجبی
 و آنچه فکر را مجال در میآیدین مسؤالات او باشد نوشته کرد
 و بر حسب ملتسم او بطریق بدیده هر روز آن مقدار که قدرت
 بر حفظ آن داشت از منی ضمیر بر صفحه ظاهر بسطور میگردید
 و بواسطه تفرقه چند که لازم اوقات شریف اهل حق از
 محاسده و معاندده در باب شیاطین میآشد فرصت آن نشد
 که در لثام خیام کلمات انرا طنابی رود اما چون حواشی شریف
 لبان مختصر و مفید افتاد و از غایت نفاست مضمون و لطافت
 مفهوم بر مطایف الحقایق شد و از حسن مخوی که داشت این
 رباعی از عالم معنی در وصف ارزوی نمود

این نسخه نفایس الحقایق باشد دانستی او فرض خلائی باشد
 در نزد مبارزان میدان حرف شریف بمثال شاهد فائق باشد
 و دیگر آن قطعه نیز بموافقت آن رباعی بدین پنج دست داد
 گرچه بسیار از رسائل هست انشای شریف
 هر یکی با خطبه و بیاجه مضمون خوب
 بهر فهم مبتدی مانند این نسخه نیست

یاك من كل العيوب ارفیض علام الغیوب
 هر که مستحضر این نسخه در علم حروف
 کس بر آن در معرفت مشکل تواند خبر شد
 بر مثال صیقل افتاد است نسبت با کسی
 که غبار چهل مرات ضمیرش تیره شد

وبالله العظمة والتوفیق اب ت ث ج ح خ د ذ ز
 س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و ه
 لا ی ج ز ک پ و علم آدم الاسماء کلها علم الاسماء
 تمام این بود تا بنیذ داری که باین دین بود از این حروف
 مذکور ۱۴ اورا محکمت وام الکتاب بخوانند و ۱۴ دیگر را
 ظاهر ابیت امیئات مینامند چنانکه نص قرانی را دلالتی بر
 این است كما قال الله تعالى هو الذي انزل عليك الكتاب
 منه آيات محكمات هن ام الكتاب و آخر متشابهات
 ان کیت که فرد فرستاد بر تو ای محمد ۳ کتاب را که بعضی از
 او آیات محکمت است که انها مادر و اصل کتابند و بعضی دیگر
 از متشابهات است و ان چهارده که محکمت است اینست
 الر ک ه ی ع ص ط س ح م ق ن و ان دیگر که متشابهات
 است این است ب ت ث ح خ د ذ س ض ظ ف غ

وان ۱۴ محکات که در تلفظ میانند از این متشابهات
 ۳ حرف دیگر همراه خود دارند چنانکه از الف یا قاف یا
 یا کاف ف و از صاد د و از فون ن ظاهر میشود پس در
 حقیقت محکات ۱۷ میشود و متشابهات ۱۱ گویند که این
 حرف تهمی وضع کیست و انرا برای ترتیب که بنا کرده گوئیم
 که اورا برای نهم که حالات مرتب شده است از آدم ۴ است
 زیرا که حدیثی که ابوذر غفاری روایت میکند از حضرت رسالت
 ۴ دلالت بر این معنی دارد ابی ذر غفاری رضی الله عنه قال
 سَنَلَك رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ۴ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ كُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ
 بِمَرَهُ مُرْسَلٍ قَالَ بَلَىٰ مَزَلْ عَلَىٰ آدَمَ فَقُلْتُ أَيُّ كِتَابٍ
 مَزَلِ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ آدَمَ قَالَ الْكِتَابُ مَعَكُمْ فَقُلْتُ أَيُّ
 كِتَابٍ مَعَكُمْ قَالَ ابْتِجِ إِلَىٰ آخِرِهِ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ
 كَمْ حَرْفًا قَالَ تِسْعَةٌ وَعَشْرِينَ حَرْفًا فَغَضِبَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
 حَتَّىٰ أَحْمَرَتْ عَيْنَاهُ ثُمَّ قَالَ يَا أَبَادِرُ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا
 مَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَمُّ عَلَىٰ آدَمَ إِلَّا تِسْعَةً وَعَشْرِينَ حَرْفًا فَقُلْتُ
 يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَيْسَ فِيهَا الْفُ وَاللَّامُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَامُ
 الْفِ حَرْفٌ وَاحِدٌ قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَمُّ عَلَىٰ فِي صَحِيفَةٍ وَاحِدَةٍ
 وَلَهُ سَبْعُونَ الْفِ مَلِكٌ مِنْ خَالَفَ لَامَ الْفِ فَقَدْ كَفَرَ

بما أنزل الله تَعَمُّ على آدم ومن لم يعد لام الف حرفاً واحداً
 وهو برقی منی و ابا برقی منه ومن لم یومن بالحروف و
 تسعة وعشرون حرفاً لا یخرج من النار ابداً مضمون این
 حدیث است که روزی ابوذر غفاری میگوید که پرسیدم از حضرت
 رسالت که یا رسول الله هر نبی که مرسل است بچه چیز مرسل است
 در جواب فرمود بکنای که فرود فرستاده است انرا حق تعالی بر آدم
 کفتم کدام است که حق تَعَمُّ بر آدم فرستاده است گفت که کتاب معجم
 کفتم کدام است کتاب معجم گفت اب ت ث ج الا اخر کفتم یا رسول
 الله چند حرف است گفت بیست نه حرف است کفتم یا رسول الله
 شمردم بیست و هشت حرف است حضرت رسالت ۴ خشم گرفت
 چنانچه چشم مبارکش سرخ شد گفت یا اباذربدان خدا سوگند
 میخورم که مرا بحق بحق فرستاد از روز پیغمبری که فرود فرستاد
 خدا این تعالی بادم الا بیست نه حرف کفتم یا رسول الله در این
 حروف لام الف نیست فرمود که لام الف حرف واحد است
 که فرستاد خدا این تعالی انرا بر آدم در یک صحیفه و در وقتیکه
 اورا میفرستاد با او هفتاد هزار فرشته همراه بود و هر کسبیکه
 خلاف کند در لام الف پس بدرستی که کافر شد بهر چه
 خدا تبع بادم فرستاد و هر کسبیکه لام الف را حرف واحد

ندانند پس او نیز بیزار است از من و من بیزارم از او و هر
 که ایمان بحروف ندارد و حال آنکه او ۲۹ حرف است بدون
 نیاید از دوزخ ابداً اگر گویند که چرا الف را مقدم جمیع
 حروف گردانیدند آنستکه چون الف را اشارت بذات
 احدیت است از روی فردانیت و وحدانیت و استواء
 که دارد حق تعالی جمیع ذرات هم چنین الف در مرتبه حروف
 مقدم بر همه شد اگر گویند که بعد از الف در حروف نهی
 چرا ب و ت را نوشته اند گوئیم از جهت آنکه در مرتبه نوع
 انسان که کلام ناطق حق است بقول جناب علی ع که فرموده
 اَنَا كَلَامُ اللَّهِ نَاطِقُ انْشَانَ كَامِلٌ مَقْدَمٌ اَبْنُ نَوْعٍ اَسْتَدْرُ
 مَرْتَبَهُ كَلَامٌ صَامِتٌ خَوَاسْتَدْرُ بِيَّتِي رِعَايَتٌ كُنْتَدُ كَهْوَنٌ
 مَلَاخِطَةٌ وَ مَشَاهِدَةٌ اَنْ يَنْبَايَنْدُ اَوْ رَا لَانِي وَ مَنَاسِبِي بِلَا
 نَاطِقٌ بَايَنْدُ كَهْوَنٌ اَسْتَدْرُ بِيَّتِي رِعَايَتٌ كُنْتَدُ كَهْوَنٌ
 صَوْرَةٌ بَ اَبَ كَهْوَنٌ اَسْتَدْرُ بِيَّتِي رِعَايَتٌ كُنْتَدُ كَهْوَنٌ
 چُونِ جَمْعِيَّتِ اَنْدَ اَبْتِ مِي شُورُ چَا نَجْدُ رِزَانِ فَرْمُود
 اَسْتَدْرُ كَهْوَنٌ اَسْتَدْرُ بِيَّتِي رِعَايَتٌ كُنْتَدُ كَهْوَنٌ
 عَشْرًا كَوَكْبًا وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ رَايَنْتَمُ لِي سَا جِدْ بِي
 یعنی یوسف گفت بر پدر خود که بعقوب است که ای پدر

من دیدم بارزده سناره و آفتاب و ماه را که مرا سجده میکردند
 اگر گویند که چرا بی نقطه بریزد دارد گوئیم که چون الف دلالت
 دارد بر ذات احدیت از روی یکنواختی چون بی دربی او است
 مرتبه ادم دارد زیرا که آدم را حق تعالی خلیفه خوانده است
 چنانکه گفت وَأَزَقَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَأَنَكَةِ اِنِّي جَاعِلٌ فِي الْاَرْضِ
 خَلِيفَةً وَ خَلِيفَةُ اَرْسِي دَرَايَنْدَه رَا كَوْنِي دَر سِي
 الف درآمد و خلیفه او شد و ادم منصب خلافت دارد
 و اول انبیا است پس پنی باشد و نبوت او را ثابت است
 و نقطه مرتبه ولایت دارد از جهت آنکه نقطه ولایت بر وحدت
 دارد و قسمت پذیر نیست هم چنین مرتبه ولایت مقام وحدت
 است و قابل قسمت و تجزیه نیست و هر چند که ولایت مرتبه
 فوقیت دارد نسبت با نبوت اما چون نبوت تعلق بظاهر
 اشیا دارد و منصب ظهور است و ولایت را تعلق بباطن
 است و باطن نسبت بظاهر محجب ابتدای فطرت در تحت
 او واقع شده است زیرا که اصل درخت نسبت با فرعش
 مرتبه تخمینیت دارد و این امر نسبت بغایت ظاهر از اینست
 که علی ع که مقام و منصب ولایت مطلقه دارد زیرا
 که ولایت حضرت رسالت است و ایشان با همدگر

اشترک و اختصاصی که دارند در اینجا مرتبه است چنین میفرماید
 که أَنَا النُّقْطَةُ تَحْتَ الْبَاءِ یعنی منم نقطه که زیر با است زیرا که
 که چون گفتیم که بی مرتبه آدم دارد و علی ۴ فرزند خاص آدم
 است و فرزند مجب وجود مرتبه در تحت پدر است و وجه
 دیگر آنکه نقطه که در تحت بی واقع شده است در عین کاتب
 است و از اصحاب بین میشود بخلاف آنکه در فوق واقع شود
 و علی ۴ از اصحاب بین است از این بود که گفت أَنَا النُّقْطَةُ
تَحْتَ الْبَاءِ و نقطه میز است یعنی تمیز میان حروفات بنقطه
 واقع میشود و بعضی را نیز بیک نقطه حاصل است و بعضی را
 بدو نقطه و بعضی را سه نقطه و این نقاط بعضی در تحت
 اند و بعضی در فوق و حکمت هر یکی را باز نمودن که چنین چرا
 از قبل سؤال دردی میشود اما چون مرتبه حروفات حکم الف
 و بی و تی دیگر است و ایشانرا مجب منزلت و مقامی که دارند
 اشارتی بمرتبه حق که آدم است میباشد از این جهت در این
 مرد و فی الجملة مستخفی چند گفته میشود که علی ۴ فرمود که الْعِلْمُ
نُقْطَةٌ كَثْرَتُهَا الْجَاهِلُونَ یعنی علم بیک نقطه است او را بسیار
 گردانیده اند جاهلان و جهل جهال اقتضای آن میکنند
 که شامده و حدت در کرات کرده نشود و توجه بعالم

و حدت که غایه القصوی اهل توحید است بیفتند نقطه منبسط
 شد و در لباس کثرت ظهور کرد سُرَّالِ كُنْدِ كِه چرا نقطه را عدد
 زیاده از سه نیست هم چنانکه در ثِيْنٍ وَغِيْرَه كُوْنِيْمِ وَاللّٰهُ اَعْلَمُ
 که چون نقطه انبساط یافت و در لباس حروف ظهور کرد
 و کمال ظهور آن آنستکه در قرآن است وَقْرَانِ كِه کلام حق است
 در سه مرتبه ظاهر کثرت یکی توحید است چنانکه قُلْ هُوَ اللّٰهُ
اَحَدٌ تَاَخِرٌ وَاَيْضًا وَاَللّٰهُمَّ اِلٰهٌ وَاَحَدٌ و غیر آن این اینها
 که دلالت از وجود حدت حضرت حق دارد مرتبه امر و معنی
 است چنانکه يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ
وَلَمْ يَكُن لَّهُ كُفُوًا أَحَدٌ و امثال این آیات که دلالت بر امر
 و معنی کند سیم فصص و اخبار است چنانکه إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ
يَا أَبَتِ إِنَّكَ إِنَّا عَلِمْنَا بِهٖ سُرَاتِنَا إِنَّكَ نَافٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ
 و سایر آیات که در اقصه آدم و نوح و غیرها باشد پس قرآن
 از این سه نمط و سه طریق بیرون نیست که نقطهها مجب ظهور
 از سه عدد زیاده نیست گویند که حروف تمجی چرا منحصر در
 ۲۹ است در کلام محمدی ۴ و حکمت این عدد چیست گویم
 که کلمه الْحَمْدُ قبل از ظهور در نظرها انسان منزله است از کثرت
 عدد یعنی صیحه واحد است اما چون خواست که در نظرها

انسان ظاهر شود حکمت حق افطاری ان کرد که در لباس زوج
 و فرد بظهور آید زیرا که عدد یا زوج است یا فرد و فردیت لازم
 ثلثه است و زوجیت لازم اربعه است پس عدد هفت ملزوم
 زوج و فرد است و در ابتدای که این کلمات الهی ظاهر میشود
 و زوج ادم ظهور کرد و چون ادم در خرد ادم مرکب از عناصر
 از جه بود این عدد هفت نسبت با هر یک از عناصر خود را
 ظاهر کرد و هفت را که در چهار ضرب کنند ۲۹ است
 اگر گویند ۲۸ را چه حکمت است از انحصار تمام کلمات
 در ۲۸ چراست گویم که چون حکمت حضرت باری معلوم
 شد و متعین شدن کلمه موقوف است بر ترکیب عنصری
 یعنی کلمات الهی که مجرد است از شکل و صورت و پیکر
 چون خواهد که مثال و علیت خود ظاهر کند او را هستیات
 عنصری انسان کز برینست اکنون این بیت هشت کلمه
 و این چهار مرتبه ظهور آید که عناصر اربعه باشد راست باشد
 این فی الجمله وجهی است در انحصار کلمه در این عدد
 گویند که نقطه اشرف و اعلی از حرف است با آنکه حرف از نقطه
 گوئیم که وجود حرف مکتوب موقوف است بر نقطه از روی
 بیان و ادای حقایق و معانی و کلمات معنوی و تصویری

حرف را زینتی بر نقطه هست و پیشی ذکر شد که نقطه مرتبه ولایت
 دارد بلکه از نقطه حرف متعین است و نقطه مقوم وجود حرف
 است اما در اظهار کلمات نقطه موقوف بر حرف است و
 حرف در وجود موقوف نقطه است از این است حق جل و علی
 خود را حرف خوانده چنانکه یس و طه و حم و حضرت
 ولی غالب علی بن ابی طالب ۴ خود را نقطه گفت و تعلیم و
 تفهیم مسائل شرایع و حکمت الهی حضرت ولی محتاج نبی است
 و منزلت و مشریت او تنزل است چنانکه فرمود علی بن رسول
 الله ص الف باب یعنی تعلیم کرد مرا حضرت رسالت هزار
 باب از حکمت پس کثوره شد مرا از هر بابی هزار باب
 گویند که چرا حروف تهنی منتهی به بی در حساب جل که حساب
 معبر اینیاست ده است و ده عدد کامل است باین معنی
 که از یکی ناده همه اعداد احاد مستقل اند بوجود خود و
 مضاف با دیگری نیستند و چون بده میرسند همه مضاف
 و منسوب بده میشوند همچنانکه بارزه که از یکی و ده است
 در وازده که ده است و دو و ده چینی تا بیست و ان مقدار
 که با لا رو پس مبداء اصناف و نسبت ده باشد پس
 کمال دارد و این عدد از ان روی که مرتبه احاد همه با مضاف

میشود و مذکرات اعداد است از روی اضافه و دیگر از جمیع
 حروف او را خصوصیتی هست در ده لالت کردن بر آنکه اسم
 عین سما است زیرا که این الفاظ که تمجی کند در حقیقت اسمند
 که نمای ایشان از حروف مفزده بسیط است که او در تلفظ
 مثلاً الف اسمیت از ان وب اسمیت از ان وهم چنین نابی
 که اسمیت از ان واسم و سما هر دو یکی اند و هیچ اسمی را این
 حال فی است اگر چه واو و میم و نون نیز بخوردی خود منتهی شود
 چنانکه ی که بخوردی منتهی است اما در میان خورد واسطه
 دارند که واو الف در میان دارد و میم بی و نون و اما ی بخورد
 قائم است پس از این وجه هر حروفات منتهی و ختم بحرف فی
 شده اند وی بدو وجه ملفوظ و مکتوب میشود هم چنانکه
 یا که در عبارات عربی چنین است و یکی آنکه منتهی و ختمی
 میشود پس وقتیکه منتهی بالف میشود وان وجه رد اعتبار
 میکنیم در هفت مرتبه از حروف ظهور دارد وهم چنانکه
 در جیم و سین و شین و عین و غین و میم و یکی در جو را
 هفده باشد زیرا که آورده است و با هفت حرف همراه
 اوست که دلالت بر هفده محکمت کند چنانکه الر
 کَهْفِصَ طَسَ حَمَّاقَ نَ و سه حرف دیگر از اینها
 بر

میشود که از الف با قاف یا کاف و و از صاد ال و از نون
 واد وقتیکه خوانیم بطریق اماله که بی منتهی و ختم بنفس خود
 شود راست او را دلالتی بر ۲۸ میشود زیرا که در هفده مرتبه
 از حروف ظهور دارد و یکی نفس او هم چنانکه بی تی تی
 جی حی نخ دی ذی سین شین طی ظی عین غین
 فی میم هی بی و این حال نیست با هیچ یک از حروف نبود
 لاجرم ختم باشد گویند این بیست و هشت حرف را اشکال
 و صور آدم بدار کرد بنعیم حق که علم بالقلم علم الانسان
 ما لم يعلم ای علم الله الخیط الانسان بالقلم یعنی حق تعالی
 تعلیم کرد بقلم انسانرا خط و مراد از انسان آدم است بدلیل آیه
 هل اتی اعلی الانسان حین من الدهر لم یکن شیئا مذکوراً
 یعنی بدر سیکه آمد بر انسان هنگامی از دهر که شی مذکور را
 نبود بحسب ظاهر مکرر علم الله و اشکال و صور اگر چه بسیار
 است اما اصول آن از سه شکل بیرون نیست مستدبر و معوج
 و مستوی یعنی لرد و کج و راست و هر شکل صوری که در امکان
 مقدر است یا مستوی معوج و شکل مدور است که بنبری
 پدیده تحقیق معرفت انسان بدین شکل معین مصور است
 اکنون الف شکل مستواء و لام شکل اعوجاج و میم شکل مستدبر

لغت که در کلام ابتدا الحروف مقطعه کرده اند و افتتاح بالف
 و لام و میم شد تا مع اشکال ثلاثه باشد و در جمیع خطوات که
 هست حرکات از این سه شکل بیرون نیست انتکه گاه باشد
 که الف در خطی از خطوت شکل استوانه داشته باشد بلکه حروف
 دیگر را شکل مستوی داده باشد و این ۲۸ حرف را هر طایفه از
 غیر ملل و اهل ملل اشکال خاصی مینهند بر مفضضای طبیعت
 و ارادت خود اما با وجود آنکه اشکال مختلفه بحسب طباع مختلفه
 و اشخاصی بسیار این حروف ۲۸ گانه را پیدا میکردند ولیکن
 از این سه شکل بیرون نیست و اشکال ذاتی حروف نیست که
 بهیچ وجه تغیر بحسب ازمه و امکانه و اشخاصی نباید و ان نیست
 الا ان کتابت که حق جل و علی بر وجه آدم مکتوب گردانند که ان
 بهیچ وجه از هیات خاصی که دارد مبدل نمی شود بلکه این
 حروف از اشکال و صور در حق ذات خور منزله

همچو حق بی صورت از صورت بوی بر رخ آدم از آن صورت گری
 غیر ربی هر یک در ذات حق فاش گفتم رفت سرپوش طبق
 گویند چرا بعد از بیت دهشت حرف لام الف را می نویسند
 گوئیم زیرا که حضرت رسالت گفته اند که بعثت بمجامع الکلم
 یعنی بر آنکسجه شدم بکلمات جامع و کلمات جامع ۲۸ کلمه

صحنه

صحت و محمد ص ۴ منکلم بان چهار حرف عجمی نبود در عوض
 ان چهار حرف لام الف را حضرت حق تعالی با و داد تا و
 فتنه مکرر از لام الف بدو رویم چهار حرف همانند بدین
 طریق ل امری گویند که چرا لام و میم ننهادند یا کلمه
 دیگر که سه حرفی باشد گوئیم لام الف حرفی است که دلالت
 بر نفی دارد چون در ترکیب بر نفی دارد چون در ترکیب ظاهر
 میشود ترکیب وجود لام و الف لا آمد و برای نفی اشیاء
 تا اثبات این معنی کند که بغیر از این کلمات مذکوره که قبل
 از لام الف واقع شد اند هیچ شیئی که موجود باشد بوجود
 مستقل نیست و دیگر آنکه الف که اول حرف و فاقست در
 تلفظ سه حرف است که الف و لام و فی باشد خواستند
 که حرفی که در آخر همه واقع میشود حرفی باشد که او را عینیتی
 و بسنتی با حرف اول باشد اکنون لام الف دو حرف است
 ظاهر در کتابت حروف تعجمی که الف سه حرف است ثلثان
 است که منعکس شده است و لام الف کشته تا دلالت
 کند بر آنکه اول و آخر همه یک حقیقتند که ان الف است
 که دلالت بر ذات احدیت دارد و هیچ حرف را از این ۲۸
 حرف بغیر از الف باین حال نبود که ثلثان اول لام الف شود

باردالت بر نفی اشیا باشد گویند که انزل القرآن علی
 سبعة احرف چه معنی دارد گوئیم که مراد از این حدیث
 آنستکه این جمیع حروف بعضی از آن قبیل است که مرکز
 و منزل ایشان واقع شده است یکی از آن قبیلست چنانچه
 الف و قاف و کاف را منزل یعنی محل نزول فی شده است
 و بعضی را بی همچون بی و تی و نی و جی و حی و خی و
 وری و زری و طی و طی و هی و بی که منزل ایشان
 بی است و بعضی را میم مانند جیم و لام و میم و بعضی را
 دال مثل صاد و ضاد و بعضی را لام همچون دال و زال
 و بعضی را نون همچون سین و شین و عین و عین و نون
 و بعضی را واو مثل واو و قتیکه اعتباراً بیت کنیم در اینها
 بعضی الف هم یکی از این جمله است همچون با و تا و الی آخره
 اما چون الف منتهی نفی میشود از آن وجه اعتبار رهان هفت
 کره اند گویند که این بیت دهشت حرف را چون است
 که بعضی را حکم میگویند در این اصطلاح و بعضی را مشابهات
 و محکمات چون است که اصل است نسبت با مشابهات
 گوئیم که از آن جهت اصل است که مشابه در قیام وجود
 محتاج بحکمات است و محکمات محتاج نیست و هر چه محتاج
 الیه

امینت او را فرعیست ثابت است نسبت با آنکه محتاج نیست
 مثلاً ا ح ذ ر س ص ظ ع ف ق ک ل م ن و ه ی
 این هفده حرف در قیام خود محتاج غیر خود نیستند چنانکه
 الف قائم به فی و بی و پی و بی و بی و حی به بی و دال
 به لام و در بی و سین به نون و صاد بدال و طی به بی و عین
 به نون و بی به بی و قاف به ف و کاف به فی و لام به میم و
 میم و نون بنون و واو بر او و هی به بی و بی به بی پس همه
 بوجود خود قائمند یعنی حرف محکمات همه بحرف چند قائمند
 که آنها هم از محکمات بخلاف مشابهات که قیام ایشان
 بی محکمات است مثلاً بی تی بی بی قائمست که از محکمات
 است و میم بهیم که میم از محکمات است و بی به بی و زال بلام
 و ز به بی قائمند و شین بنون و ضاد بدال و طی به بی و
 عین بنون که از محکمات اند پس همین نکته که مشابهات
 را در میکند بر وجهی معینی اینست که این حروف مشابه
 بغیر آخر شد از این است که در حساب ابعاد عین در آخر
 ترکیب ابعاد است و دلالت بر هزار دارد زیرا که نهایت ندارد
 در نهایت عدد هزار است و در مرتبه حروف و قتیکه محکمات
 را از مشابهات بیرون میبری و مشابهات را ذکر میکنیم

بر ترتیب عین از همه اخراست و نهایت حروف است
 هم چنین ب ت ث ج ح خ ذ ز ش ض ظ غ و ی ک و ح
 دیگر احتیاج مقشابهات بحکامات اینست که محکامات برمتشا
 بهات مقدم اند که والفضل للمتقدم و محتاج نقطه اند
در نمیز در قرآن که کلام الیه است و مرکبات واقع شده اند
 سائل سئوال کند که تو گفتی که یکی از صفات محکامات آن است
 که مقدم اند برمتشابهات که والفضل للمتقدم پس میگوئی
 در جیم و حی و حی که حی از محکامات است و مناخر است از آنچه
 از متشابهات است که جیم است گوئیم که چون این سه حرف
 بحب اشکال مناسب هم اند پس خواستند که حی از محکامات
 است در وسط واقع شود ناسر نکته خیر الامور اوسطها
 ظاهر کرد کونید که از این حروف ۲۸ گانه کدام حروف
 را جامعیت بیشتر است بحب مرتبه یعنی الف که دلالت بر ذات
 احدیت دارد گوئیم نون را زیرا که از روی عدد پنجاه است
 که دلالتی بر پنجاه حرف دارد و نقطه قرانی یعنی ۲۸ حرف را
 بیست دو نقطه همراه است پس حرف که دلالت بر جمیع حروف
 قرانی دارد و نقاط و حروف بغیر از نون حرفی دیگر نبوده و
 دیگر آنکه از حروف قرآن وقتیکه خواسته که ترکیب کنند

دلالت بر ایجاب و تکوین اشیا کند و جامع اجزاء حروف نجی و
 انبساط او باشد بغیر از کلمه کتی هیچ کلمه دیگر مناسب ندیدند
 و این کلمه منتهی بنون است و اقل عدد که او را بوحدت قرب
 باشد دو است و این کلمه کن دو حرف است که چون خواهند
 که او را دو صورت فردیت اعتبار کنند و هر یک حرف که نهایت
 او است قرار دهند آن حرفیت که بحب مضمون و مفهوم عددی
 ارای جمیع حروف و نقاط قرانی کند

گرنه این بودی ز حروف کافان این همه نفی از کی آید برون
 بلکه از یک حرف او آید همین معنی بوسین و او اونی بین
 گویند که چرا حرفی که جامعیت دارد بحب مراتب سین نباشد
 که دلالت بر ۲۸ و ۲۸ دارد گوئیم دلالت بر دارد و هجده
 دیگر که میماند مرتبه عالم است بوجهی زیرا که از پنجاه وقتیکه
 برای مرتبه اسماء ذات و کلیات صفات که عین ذات است
 بدر میرسیم هجده که مرتبه عالم است میماند که هجده هزار
 عالم بوجهی اعتبار از این است از این جهت که عالم ماسوی
 الله را میگویند و این هجده که ماسوی الله که مرتبه ذات
 اشیاست و عین ذات حق است میماند اگر گویند که هر یک
 از این هجده هزار چون میشود جواب گوئیم که چون در مرتبه

ذات هر شیئی که هست عین ذات است که اگر نباشد کثرت در ذات
لازم آید یعنی ذات محل کرات کرد ذات حق منتهی همه اشیا است
بحکم وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ و هزار مرتبه مراتب عدد است
پس هر یک را در آن مرتبه حکم هزار گرفته اند و صفت منتهائی پیدا
کرده اند و السلام اگر گویند که چرا حرف و نقطه از چهار بیش
نیست اند سین و شین جواب گوئیم که از جهت آنکه این حروف
تجیی چون در ذات خود وحدتی و فردانستی دارند و اعداد را
مراتب است یکی احاد و عشرات و مئات و الوف و مرتبه احاد
از یکی نماند است پس خواستند که وقتیکه حروف تجیی در لباس
اجرا و نقاط ظهور کند از مرتبه احاد تجاوز نکنند و در عدد
کامل ظاهر شود اکنون حروف بحسب تلفظ از دو دسته درنی
گذرد پس بی باعتبار حرف و نقطه هفت است که ملزوم
زوج و فرد است و شین از روی حرف و نقطه نه است که
نهایت مرتبه احاد است و چون این حروف مفرد همه در
مصاف باید بیکر اتحاد دارند زیرا که همه اشیا اند و مبدء
خیر و شر اند و قهر و لطف پس همه در ذات خود یک کلمه
باشند و فردانست همه را ثابت باشد و چون کلمه کن را
انبات خود بحرف و نقطه نه میشود بدین صورت کاف
وزن

باب اول در معرفت حروف

و نون که شش حرف و سه نقطه باشد تا هم در حقیقت دلالت
بر کلمه کنی داشته باشند اگر گویند که در اصطلاح طائفه
حروفیه است که میزان همه ارکان شرعی این حروف است و هر
عددی که در لسان صاحب شرع بغین رفته است بر این میزان
راست میاید همچون عددهای نماز پنج گانه که بعضی دو رکعت
و بعضی سه رکعت و بعضی چهار رکعت و از این نمیکند دراز کجا
و بر چه میزان سنجیده گوئیم که نماز وتر که در اصح اقوال بیک رکعت
است که أَنَّ اللَّهَ وَتَرَوْحِبُ الْوَتْرِ در ازای الف است و دو
رکعت در مقابل بی است و سه رکعت در ازای تی است و دو
نقطه او و چهار رکعت در ازای ثی است و سه نقطه او زبرا
که این حروفات با نقطه خود دلالت بر مفهوم خاص میکنند
گویند که نوز طایفه شیعه مقرر است که امام دوازده است بر
این میزان چون راست میاید و چرا باید که بیش کم نباشد
گوئیم که چون سین در مرتبه دوازدهم حرفست ۱۲ امام را
ال پس میخواهند باید که بیش از این نباشد گویند که حضرت
رسالت چون بود نه زن خواست و بیش از این نه در عقد
او بود گوئیم که حق نَهْ او را سین خوانند و جفت سین
شین است و شین بحسب حرف و نقطه نه است و حرف

باعتبار حرف و نقطه زیاده از این نیست گویند که این حرف
حروف ترا هیچ معنای خاصی هست برایشان وضع از برای
ان کرده باشند گوینم که بیش از این که در ترکیب ایدایشان
دلالت بر هیچ معنی نیست زیرا که چون هر یک در حد ذات خود
عین حقند و بجمع صفات کمال که احاطه برایشانست و غیر
مفید شدن و مرئی بودن است ار استند اند پس اگر چنانچه
ایشان را دلالتی بر معنی خاص باشد این احاطت و صفاتی
چند که مستلزم کمالیت ایشانست نخواهد بود و دلالت
بر اعداد که میکنند مقرر است که در ترکیب اجد ظاهر میگردند
هر صفت کز یک بجوئی این بر

دیگری دارد همان بکشانظر

اما در اصطلاحات صوفیه آمده است که الْأَلِفُ يُشَارِبُهُ
إِلَى الذَّاتِ الْإِحْدَیَّةِ أَيْ الْحَقِّ مِنْ حَيْثُ هُوَ أَوَّلُ الْإِ
شَاءِ فِي أَزْلِ الْأَوَالِ یعنی الف اشارت است بذات
احدیت که حق باشد از آن حیث که از اول اشیاست در ازل
ازال هر چند که این چنین گفته اند اما این سخن ایشان معترض
است از جهت آنکه هر چه مشار الیه شود از دو حال خالی نیست
که مراد بان اشارت حق خواهد بود با اشارت عقلی اگر
اشارت

اشارت حسی باشد لازم میاید که حق تعالی جسم باشد از این
جهت که تعریف جسم باشد چنین گفته اند که مشار الیه با اشارت
حسی باشد باز مبنی که توان گفت که اینجاست یا اینجا و السلام
و اگر مراد با اشارت اشارت عقلی باشد هم ممنوع است و فساد
لازم میدهد زیرا که هر چه مشار الیه با اشارت عقلی شود پس
ناچار است که حکم کند عقل بترکیب او از این جهت که هر چه
محدود میشود البته مرکب است دور معنی لازم آید که حق تعالی
محل کثرت میدهد و دیگر آنکه اشارت کنند بحقیقت
چیزی مدعای او است که انچه ان چیز را یافته است و تصور کرده
است پس واجب میگرداند او را حدی که ذهن او انجام واقف
شود و فرار گیرد او را نمیزند از غیر او هر چه چنین باشد
عقل او را احاطت کرده باشد و حق را جل جلاله هیچ شیئی
محیط نمی شود و دیگر بحسب صوفیه از مرتبه عقل نیست هم
چنانکه ربیس طایفه ایشان یعنی شیخ محی الدین عربی در
فصوص میگوید که وَهَذَا إِلَى يَعْرِفُهُ عَقْلٌ بِطَرِيقِ نَظَرٍ فِكْرِي
بَلْ هَذَا الْفَنُّ بَيْنَ الْأَدْرَاكِ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنْ كَشْفِ الْمَنِيِّ
یعنی این علم حقیقت را در نمی باید عقل بنظر فکری بلکه این
فن از ادراک نمیشد الا از کشف الهی و در فصوص در

در محل دیگر میگوید که فَمَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ بَهَايِنَ طَرِيقِ النَّظَرِ
 الفکری فقد اسمهن ذورم و تفتح فی غیر ضرم یعنی هر
 که خواهد که علم بحقیقت نفی و ماهیت او از طریق نظر فکری
 راه عقل باشد حاصل کند پس بدرستی که خداوند و راه
 را فریب میدهد پس میدمد در اثنای بی فروزیه و در محل
 دیگر میگوید الحق محسوس مشهور عند المؤمنین و اهل
 الکشف و الوجود و ما عدا هذین الصنفین فالحق عندهم
 معقول و الخلق مشهور و لکم بمنزلة العذب الفرات
 التابع لشاربه یعنی حق محسوس و مشهور است نزدیک
 مؤمن و اهل کشف و وجود آنها که بغیر از این دو طایفه اند پس
 حق نزدیک ایشان معقولست و خلق مشهور است و هم یعنی
 این دو طایفه که حق نزدیک ایشان معقول است و خلق مشهور
 بمنزله آب شور تلخند و آن طایفه که حق نزدیک ایشان
 محسوس و مشهور است بمنزله آب خوشگوارند نسبت با
 کسانی که سیامند اثر اعراض آنکه نزد طایفه صوفیه
 وجود بحکم بر مشهور و امور حقه است و حکم عقل را چندان
 اعتباری نمیکند پس اشارت از این دو بیرون نیست
 یا عقلیت یا حتی و این هر دو نسبت با حق راست
 نانه

نماید پس الالف بشاربه الی الذات الاحدیت چون
 باشد و دیگر مراد از این الف الف مکتوب است یا مملو
 و هر دو متعلق بعید است و ظاهراً روایت و دیگر آنکه امیر
 امیر المؤمنین علی علیه السلام فرموده است که من اسار
 الیه فقد حدّه و من حدّه فقد عدّه یعنی هر که اشاره
 بحق کرد پس بدرستی که او را حدی پیدا کرد و هر که او را
 حدی پیدا کرد بدرستی که او را شمار کرد پس نشاید
 با و اشارت کردن و الله اعلم بالصواب المنان
 باب دوم در بیان معرفت علوم حروف
 بسم الله الرحمن الرحیم

در هر علمی اولاً باید سه چیز تصور کرد اول موضع آن علم
 دوم دانستن آن علم سیم تعریف آن علم موضوع علم اعداد
 می که عدد است تعریف شریف او و شناختن الواح است
 فائده سؤال نصب و نخب و تفریق و هكذا اولاً باید دانست
 نشد طرح و وفق الواح که از سه در سه تا صد وفق او
 چیست و طرحش چیست از این شعر معلوم میشود نظم
 نصف کن لوح و یک بده تحفیف
 ضرب در ضلع و ضلع و نیم تضعیف

این چنین وفق او شود ظاهر
در فنون عدد شود ظاهر

ضلع از وفق گیرندازی
طرح الواح اعیان سازی

معنی توضیح شعر اینست سه در سه نه خانه است نصفی و چهار نیم
میشود یکی از تخفیف به سه و نیم میشود بعد راضی کن در
یک ضلع ده نیم میشود یک ضلع و نیم که چهار نیم باشد تضعیف
کن میشود پانزده و این وفق سه در سه هر چه منتهی که ملاحظه
مکنی و فکش پانزده است یک ضلع که می اندازی بممانند
دوازده همان دوازده طرح است از اصل همه و این طرح
و وفق جمیع الراح اصل سه در سه از هشت قسم بیرون
نیت دو آنتی دو باری دو آبی دو خاکی هر عدد
یک در وسط ضلع بالا است آنتی اگر در وسط ضلع
طرف راست است باری است اگر در ضلع طرف چپ
است آبی اگر در ضلع پائین است خاکی آنتی از برای
تبرع است باری از برای فتوحات آبی از برای تحریب
خاکی از برای تفریق و مثالها اینست چهار قسم میشود
نوشت و چهار قسم دیگر عکس آنها میکنند مشخص میشود

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

۱	۱	۶
۳	۵	۷
۴	۹	۲

۶	۷	۲
۱	۵	۹
۸	۳	۴

۲	۷	۶
۹	۵	۱
۴	۳	۸

فاندة دفنار سه در سه بطه زهج واح است این سه
کله خداوند سه در سه است و این هشت معتدل است و غیر
از این هشت قسم است آن ندارد مثلاً میخوای عددی را بعد
اسمی را در سه در سه پر کنی قاعده است اینست که اولاً عدد را
ملاحظه کن که کسر وارد یا ندارد اگر ندارد دوازده طرح کن
و عدد را ثلث کن و همان ثلث را در خانه اول بنویس و در خانه
دویم یکی زیاد کن تا آخر آنوقت هر طرف که ملاحظه میکنی وفق
میده اگر کسی داشته باشد یا یکی است یا دو تا است اگر یکی است
طریقی که عددش ۲۰ است زیاد کن اگر دو است اجزای که
۲۵ است زیاد کن مثلاً رضا عددش هزار یک است ثلث صحیح
ندارد کسر دارد و کسرش هم دو است دوازده طرح میشود
از اصل عدد باقی بممانند ۹۸۶ لفظ اجزای زیاد میکنم که
۲۵ عدد است با عدد رضا بعد از طرح میشود ۱۴ ثلث
میشود سه عدد ۳۳۸ سی را هشت همین ثلث را در خانه اول
بنویس و در خانه دویم یکی زیاد کن تا آخر اصل عدد رضا
هزار یک بود اجزای زیاد شد سه هزار بیست شش حالاً

از هر طرف اینجا که نگاه میکنی با این عدد یکی باشد مثلا باقر

۲۳۹	۲۴۶	۲۴۱
۲۴۴	۲۴۲	۲۴۰
۲۴۳	۲۳۸	۲۴۵

عددش ۲۵۳ است کاظم ۹۶۱ است

جمع هر دو ۱۲۶۴ است ملاحظه ثلث

صحیح ندارد کسر دارد و کسرش یکی است

باید عدد طرزا زیاد شود اصل عدد ۱۲۶۱ طرزا که زیاد

میشود ۱۲۸۹ حال ثلث بر میدارد ۱۲ طرح میشود باقی

میمانند ۱۲۶۹ ثلث او میشود ۴۲۳ همین ثلث را در خانه

اول بنویس و در خانه دوم یکی زیاد کن تا آخر اما هرگاه ثلث

۴۲۴	۴۲۱	۴۲۶
۴۲۹	۴۲۷	۴۲۵
۴۲۸	۴۲۳	۴۲۰

صحیح دارد مثلا عدد ۱۵۲ بگیر ۹۲۶

طرح کن باقی میماند ۹۵ ثلثش میشود

۱۵۲۵ ثلث را در خانه اول بنویس

و در خانه دوم یکی زیاد کن آخر همین تفصیلی که گذشت و در

هر هشت قسم مثلث جدی است خود خوانند اقصاقتش را بر میکند

اصل عدد ۱۵ و هرگاه بخواهی

۵۲ تفریق بکنی میان دو نفر قاعده

این است که عدد آن دو نفر را می بیند

۳۱	۳۸	۳۲
۳۶	۳۴	۳۲
۳۵	۳۰	۳۷

چه میشود بعد ایه شریفه القینا بینهما یوم القیامة همه اسماء

میکند و ۶۲ طرح میکند و باقی را ثلث میکند و ثلثش در

خانه اول بنویسند و در خانه دوم یکی زیاد میکند تا آخر

اگر ثلث داشته باشد اگر ثلث نداشته باشد همان قاعده

سابق با اجهزط اگر کسی دو است یا طرزا اگر کسر است

مثلا حسن ۱۱۸ دم فتحعلی عدد ایه شریفه ۲۳۳۶ جمع

هر سه اینست ۴۵۵۲ ملاحظه میکنم ثلث ندارد و کسر هم

دو است اجهزط زیاد میشود با اصل هم و این میشود ۴۵۷۷

۱۳۵۶	۱۳۶۳	۱۳۵۸
۱۳۶۱	۱۳۵۹	۱۳۵۷
۱۳۶۰	۱۳۵۵	۱۳۶۲

طرح ۱۲ باقی ثلث ۱۳۵۵

فائده چیزهای که در سه در سه

از برای تفریق بکار میخورد اینست

وقتی که خانه اول را مینویسد

یکدفعه بگوید اطط هیال در خانه دوم دو دفعه بگوید

بطط هیال در خانه سیم جطط هیال در خانه چهارم دطط

هیال در خانه پنجم هطط هیال در خانه ششم و طط هیال

در خانه هفتم زطط هیال در خانه هشتم حطط هیال در خانه

نهم ططط هیال اطراف لوح هم بنویسد همین اسمها را که بسیار

مفید است قاعده اعمال در الواح بردو قسم است یا آخر

بست یا لطفی بباره آخری یا جلالی جمالی اگر عمل قهری

و جلالی است در سه در سه که ثلث ندارد و طرزا یا اجهزط

باید زیاد شود اگر عمل اط و اگر جی است اگر کسر است عدد

در بیان قواعد علم اعداد

۷	۱۵	۴
۸	۵	۲
۶		۹

اسمی برکنی باید ثلث داشته باشد اگر
ثلث ندارد میشود باسط که هفت و ۲
است در این جا باید ۱۵ قسمت بشود

۱۵ پنج میشود هفتاد پنج سه کم میآید در آن جائیکه یکی
علاوه کرده مقابل آن یک قسمت باید زیاد شود که در حقیقت
۳ قسمت زیاد شده است و عوض آن یکی که در رفتار زیاد
شد در این دو جا که قسمت زیاد میشود یکی کم میشود باسط
۷۲

۵	۴۱	۱۶
۳۸	۲۴	۱۱
۲۹		۴۳

قاعده مثلث ذوالکتابه آنهم باید ثلث
داشته باشد و عددش هم زیاد نباشد
اول سه اسم در ضلع بالا بنویس و ثلث

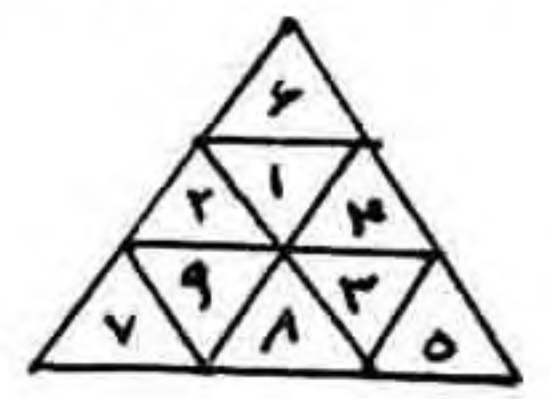
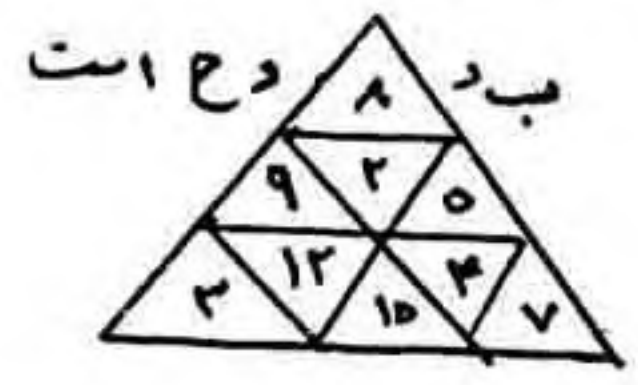
او را بگیر در خانه وسط بگذار بعد دو قطر را درست کن بعد
تمام کن مثال

۹۲	۱۸	۱۳۵
محمد	حسن	فاطمه
۱۵۸	۱۱۵	۷۴
۹۵	۱۱۲	۱۲۱

ثلث راستی بیش ۵۹۱
که در قلب است و ثلث
طرف چپ میشود ۱۱۵
که در قلب است

جیب	عدد	الم
۴۵	۵۹	۲۸
۵۲	۴۲	۸۳

ان مثلث بدو رخ رفتارش است خود بدو رخ است در این مثلث



بدو رخ زیاد کند و اگر کسر ۲ است ۵ که در خانه قلب است پہلوی
بدو رخ بگذارد و زیاد کند چونکه ۵ در جمع اضلاع سه در سه مشا
مشارکت دارد این مناسبت خوب است قاعده در ذیل
این قاعده باید مثلث دو تا و مثلث بدو رخ و مثلث ضلع
الکتابه فهمیده بشود اما مثلث دو پا باید خانه اولش خالی
بماند چه خاکی چه آتشی چه بادی چه آبی فرق نمیکند رفتار
ش اینست حالا میخواهیم اسمی برکنیم هر اسمی میشود

۱	۸	۳
۶	۴	۲
۵		۷

باید اسمی باشد که ثلث صحیح داشته باشد
باسط ۷۲ است و ثلث صحیح وارد باید
دوازده قسمت بشود یک قسمت را در خانه

اول عارضی بگذارد و بقدر همان قسمت بفراید در خانه دوم
بگذارد تا آخر حال ۷۲ دوازده شش است شش را در خانه
اول و در خانه دوم شش دیگر علاوه کنی الی آخر مثال اینست

۶	۴۸	۱۸
۳۶	۲۴	۱۲
۳۵		۴۳

قاعده مثلث دو پا و فوق آن ۱۲ است
میشود که بانزده باشد مثل اینکه اول
در خانه آعارضی مینویسی و ۲ را در

خانه دوم و عوض ۴۳ مینویسی یکی زیاد میکنی و در خانه
قلب ۵ مینویسی و در خانه شش ۶ و در خانه ۷ هشت
مینویسی ایضا یکی زیاد میکنی مثال اما هر گاه بجواهی

قاعده مربع از این شعر معلوم میشود
 با طریق جدی کن است معیار چهار در هر ضلعی تو فضل و شش بنکار
 پس هر رقمی و فعل را هفده گیر نادر فن اعداد شوی بر خوردار
 آخر بر جده هشت حرفت معیار چهار در ۴ است مینویسند در ضلع او را
 اگر فضل نوشته ضلع و کمر را فضل بنویسد و هکذا از بالا به
 بین و از پایین به بالا و از طرف چپ بر است و از طرف
 راست بحسب بسط و مرکب و مرتب و مشوش بهرقسمی که
 بنویسد صحیح است بعد همین رقومات که نوشته شده است
 با خانه قبلیش هفده عدد بگیرند مثل این معتدل است

	۸	۱		قاعده		۲	۷	
۲			۷	لوح چهار بر دو		۳		۶
	۳	۶		قسم است معتدل			۵	۴
۵			۴	و غیر معتدل		۸		۱

آنست که هر قطری که ملاحظه میکنی
 از هر دوری یک قسمت بوده باشد و غیر معتدل آن است
 که از هر دوری دو قسمت بوده باشد و هر دوری ۱۴
 است آتش بار و آب و خاک ۴ در ۴ چهار دو است
 بعبارة آخری لوح معتدل به دو قسم است معتدل

و غیر معتدل معتدل آنست که کسر بر میدارد غیر معتدل

خانه اول در ۴ و ۳ و ۲ تا آخر بین تربیت است

آتش ۱	بار ۲	اب ۳	خاک ۴
خاک ۲	اب ۳	بار ۴	آتش ۱
بار ۳	آتش ۴	خاک ۱	اب ۲
اب ۴	خاک ۱	آتش ۲	بار ۳

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
	۱۶	۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

که عدد کسر دارد و وفق نمید

هد قاعده خانه اول لوح را مفتاح مکتوبید و آخرش
 مغلاق با آخر یا آخر ابتدا و انتهای توضیح طرح و وفق
 ۴ در ۴ اینست که مربع ۱۶ خانه نصف کن هشت میشود
 یک تخفیف بده باقی بماند هفت هفت را ضرب میکنی در
 ضلع که چهار است میشود ۲۸ یک ضلع نیم تضعیف میکنی
 که ۴ است میشود ۳۴ این وفق ۴ در ۴ است طرحش
 انداختن یک ضلع است که ۱۲ است بس طرح ۴ در ۴ ۲۰
 است حالا اگر نخواهی عددی را در ۴ در ۴ بنویسی اول
 سی و پنج از اصل عدد طرح کن به بین عدد ربع تمام دارد
 باندارد و اگر ربع صحیح دارد در خانه اول بنویسی و در خانه
 دوم یکی زیاد کنی تا آخر اگر عدد کسر دارد ۳ است یا دو
 است یا ۱ است آخر ۴ است در خانه پنج یکی زیاد کنی

و اگر کسر است در ۱۳ یکی زیاد کن
قاعده

۲۲۷	۲۳۵	۲۲۴	۲۳۵
۲۲۳	۲۲۱	۲۲۶	۲۳۱
۲۲۲	۲۳۶	۲۲۸	۲۲۵
۲۲۹	۲۲۴	۲۲۳	۲۲۵

هرگاه عدد ربع صحیح داشته باشد
۳۵ طرح میکند در ربع را بنویسند
در خانه اول و در خانه دوم یکی
زیاد میکند تا آخر الوقت هر طرف
که ملاحظه وفق میدهد عدد
۲۳۵

طرح باقی ربع
۲۰۰ ۴۰ ۵۰

۵۷	۶۱	۶۳	۵۰
۶۲	۵۱	۵۶	۶۱
۵۲	۶۵	۵۸	۵۵
۵۹	۵۴	۵۳	۶۴

این قاعده پر کردن عم در ۴
است آن اقسام ۴ در ۴ از
دو هزار بالا تراست این ها
نوشته شد بجهت آنکه رفتارش
مشخص شود انشاء الله بعد از این

بباید بر سر مطلب تلبیه لوح بر چهار قسم است
فرد الفردند او آن است که فرد است و ثلث هم دارد مثل
سه در سه و نه در نه و ده در ده و هکذا در دوم فرد مطلق
و او انت که فرد است اما ثلث ندارد مثل ده در ده و لا در
۷ و او ۱۳ و او ۱۵ و او ۱۹ و هکذا سیم زوج الزوج و او انت
که نصف دارد و ربع هم دارد مثل ۴ در ۴ و ۸ در ۸ و

در درجه

و ۱۲ و ۱۲ او ۶ او ۲ و هکذا چهارم زوج الفرد و
و انت که نصف دارد اما ربع ندارد مثل ۱۰ در ۱۰ و ۱۴
در ۱۴ او ۱۸ در ۱۸ و هکذا اما آخر قاعده و قاعده
در ذیل این قاعده ذکر میشود بجهت کسر که در جمیع الراج است
اول آنکه عدد که در لوح می نویسد هرگاه کسر داشته باشد
همان کسر را هر چه باشد در اول دور آخر بنویسند صحیح است
دوم آنکه مثلا کسر در ۴ اگر سه است در اول دور دوم که
خانه پنج است یکی زیاد میکنند اگر کسر ۲ باشد در اول دور
۳ که خانه ۹ است یکی زیاد میکند اگر کسر باشد در اول دور
عم باشد که خانه سیزدهم است یکی زیاد میکنند ۵ در ده کسر
عم است یا سه است یا ۱۲ است یا ۱ است اگر عم است
در اول دور ۲ که خانه ۶ است یکی زیاد میکند اگر کسر
۲ است در اول دور ۳ یکی زیاد میشود اگر ۲ است در اول
دور ۴ که ۴ است زیاد میشود اگر کسر است در دور ۵
زیاد میشود او را همچنین است تا صد در صد قاعده لوح
مربع معتدل بر دو قسم است بسیط و مرکب بسیط که در قسم
است مرتب و مشوش مرتب هم بر دو قسم است منصوب و
و مغلوب لوح معتدل بسیط مرتب منصوب قاعده است

اینست که عدد اورا آتش آبی نویسد ۲ در آتش ۲۲ در آتش ۳۳ در آتش ۴۴ در باد اول در باد ۷۲ در باد ۸۳ در باد ۹۴ در باد ۱۰۱ در باد ۱۱۲ در باد ۲۲ در باد ۳۳ در خاک ۴۴ در خاک ۱۴۱ در خاک ۱۵۲ در خاک ۶۳ در خاک ۴۴ مثال لوح بسیط منصوب اینست

۱۴	۱۱	۸	۱
	۵	۱۰	۱۵
۹	۱۶	۳	۶
۷	۲	۱۳	۱۲

اما بسیط مرتب مغلوب آنت که عدد آرا در خانه آتش چهارم بنویسند ۲ در آتش ۳ در آتش دوم ۴ در آتش اول ۵ در باد چهارم ۶ در باد سیم ۷ در باد دو ۸ در باد اول ۹ در باد چهارم ۱۰ در باد سیم ۱۱ در باد اول ۱۲ در باد چهارم ۱۳ در باد سیم ۱۴ در باد اول ۱۵ در باد چهارم ۱۶ در باد سیم ۱۷ در باد اول ۱۸ در باد چهارم ۱۹ در باد سیم ۲۰ در باد اول ۲۱ در باد چهارم ۲۲ در باد سیم ۲۳ در باد اول ۲۴ در باد چهارم ۲۵ در باد سیم ۲۶ در باد اول ۲۷ در باد چهارم ۲۸ در باد سیم ۲۹ در باد اول ۳۰ در باد چهارم ۳۱ در باد سیم ۳۲ در باد اول ۳۳ در باد چهارم ۳۴ در باد سیم ۳۵ در باد اول ۳۶ در باد چهارم ۳۷ در باد سیم ۳۸ در باد اول ۳۹ در باد چهارم ۴۰ در باد سیم

۱۵	۱۰	۵	۴
	۸	۱۱	۱۴
۱۲	۱۳	۲	۷
۶	۳	۱۶	۹

مغلوب اینست قاعده اما شوش هم بر سه قسم است شوش دوری آنت که عدد در آتش اول بنویسد ۲ در آتش سیم ۳ در آتش دوم ۴ در آتش ۵ در باد اول ۶ در باد سیم ۷ در باد دوم ۸ در باد چهارم ۹ در باد اول ۱۰ در باد سیم ۱۱ در باد دوم ۱۲ در باد چهارم ۱۳ در باد اول ۱۴ در باد سیم ۱۵ در باد دوم ۱۶ در باد چهارم ۱۷ در باد اول ۱۸ در باد سیم ۱۹ در باد دوم ۲۰ در باد چهارم ۲۱ در باد اول ۲۲ در باد سیم ۲۳ در باد دوم ۲۴ در باد چهارم ۲۵ در باد اول ۲۶ در باد سیم ۲۷ در باد دوم ۲۸ در باد چهارم ۲۹ در باد اول ۳۰ در باد سیم ۳۱ در باد دوم ۳۲ در باد چهارم ۳۳ در باد اول ۳۴ در باد سیم ۳۵ در باد دوم ۳۶ در باد چهارم ۳۷ در باد اول ۳۸ در باد سیم ۳۹ در باد دوم ۴۰ در باد چهارم

آب اول ۱۵ در باد سیم ۱۱ در باد دوم ۱۲ در باد چهارم ۱۳ در خاک اول ۱۴ در خاک سیم ۵ در خاک دوم ۶ در خاک چهارم ۷ در باد سیم ۸ در باد دوم ۹ در باد چهارم ۱۰ در باد اول ۱۱ در باد سیم ۱۲ در باد دوم ۱۳ در باد چهارم ۱۴ در باد اول ۱۵ در باد سیم ۱۶ در باد دوم ۱۷ در باد چهارم ۱۸ در باد اول ۱۹ در باد سیم ۲۰ در باد دوم ۲۱ در باد چهارم ۲۲ در باد اول ۲۳ در باد سیم ۲۴ در باد دوم ۲۵ در باد چهارم ۲۶ در باد اول ۲۷ در باد سیم ۲۸ در باد دوم ۲۹ در باد چهارم ۳۰ در باد اول ۳۱ در باد سیم ۳۲ در باد دوم ۳۳ در باد چهارم ۳۴ در باد اول ۳۵ در باد سیم ۳۶ در باد دوم ۳۷ در باد چهارم ۳۸ در باد اول ۳۹ در باد سیم ۴۰ در باد دوم

۱۵	۱۰	۸	۱
	۵	۱۱	۱۴
۹	۱۶	۲	۷
۶	۳	۱۳	۱۲

اما بسیط شوش عنصری اینست که عدد اورا آتش اول بنویس ۲ در آتش دوم ۳ در آتش سیم ۴ در آتش چهارم ۵ در باد اول ۶ در باد سیم ۷ در باد دوم ۸ در باد چهارم ۹ در باد اول ۱۰ در باد سیم ۱۱ در باد دوم ۱۲ در باد چهارم ۱۳ در باد اول ۱۴ در باد سیم ۱۵ در باد دوم ۱۶ در باد چهارم ۱۷ در باد اول ۱۸ در باد سیم ۱۹ در باد دوم ۲۰ در باد چهارم ۲۱ در باد اول ۲۲ در باد سیم ۲۳ در باد دوم ۲۴ در باد چهارم ۲۵ در باد اول ۲۶ در باد سیم ۲۷ در باد دوم ۲۸ در باد چهارم ۲۹ در باد اول ۳۰ در باد سیم ۳۱ در باد دوم ۳۲ در باد چهارم ۳۳ در باد اول ۳۴ در باد سیم ۳۵ در باد دوم ۳۶ در باد چهارم ۳۷ در باد اول ۳۸ در باد سیم ۳۹ در باد دوم ۴۰ در باد چهارم

آب دوم ۷ در باد سیم ۸ در باد چهارم ۹ در باد اول ۱۰ در باد سیم ۱۱ در باد دوم ۱۲ در باد چهارم ۱۳ در باد اول ۱۴ در باد سیم ۱۵ در باد دوم ۱۶ در باد چهارم ۱۷ در باد اول ۱۸ در باد سیم ۱۹ در باد دوم ۲۰ در باد چهارم ۲۱ در باد اول ۲۲ در باد سیم ۲۳ در باد دوم ۲۴ در باد چهارم ۲۵ در باد اول ۲۶ در باد سیم ۲۷ در باد دوم ۲۸ در باد چهارم ۲۹ در باد اول ۳۰ در باد سیم ۳۱ در باد دوم ۳۲ در باد چهارم ۳۳ در باد اول ۳۴ در باد سیم ۳۵ در باد دوم ۳۶ در باد چهارم ۳۷ در باد اول ۳۸ در باد سیم ۳۹ در باد دوم ۴۰ در باد چهارم

۱۴	۷	۱۲	۱
۴	۹	۶	۱۵
	۱۶	۳	۱۰
۱۱	۲	۱۳	۸

اما بسیط شوش دوری و عنصری آنت که عدد اورا آتش اول بنویس ۲ در آتش سیم ۳ در آتش چهارم ۴ در آتش دوم ۵ در باد اول ۶ در باد سیم ۷ در باد دوم ۸ در باد چهارم ۹ در باد اول ۱۰ در باد سیم ۱۱ در باد دوم ۱۲ در باد چهارم ۱۳ در باد اول ۱۴ در باد سیم ۱۵ در باد دوم ۱۶ در باد چهارم ۱۷ در باد اول ۱۸ در باد سیم ۱۹ در باد دوم ۲۰ در باد چهارم ۲۱ در باد اول ۲۲ در باد سیم ۲۳ در باد دوم ۲۴ در باد چهارم ۲۵ در باد اول ۲۶ در باد سیم ۲۷ در باد دوم ۲۸ در باد چهارم ۲۹ در باد اول ۳۰ در باد سیم ۳۱ در باد دوم ۳۲ در باد چهارم ۳۳ در باد اول ۳۴ در باد سیم ۳۵ در باد دوم ۳۶ در باد چهارم ۳۷ در باد اول ۳۸ در باد سیم ۳۹ در باد دوم ۴۰ در باد چهارم

سیم ۷ در باد چهارم ۸ در باد دوم ۹ در باد اول ۱۰ در باد سیم ۱۱ در باد دوم ۱۲ در باد چهارم ۱۳ در باد اول ۱۴ در باد سیم ۱۵ در باد دوم ۱۶ در باد چهارم ۱۷ در باد اول ۱۸ در باد سیم ۱۹ در باد دوم ۲۰ در باد چهارم ۲۱ در باد اول ۲۲ در باد سیم ۲۳ در باد دوم ۲۴ در باد چهارم ۲۵ در باد اول ۲۶ در باد سیم ۲۷ در باد دوم ۲۸ در باد چهارم ۲۹ در باد اول ۳۰ در باد سیم ۳۱ در باد دوم ۳۲ در باد چهارم ۳۳ در باد اول ۳۴ در باد سیم ۳۵ در باد دوم ۳۶ در باد چهارم ۳۷ در باد اول ۳۸ در باد سیم ۳۹ در باد دوم ۴۰ در باد چهارم

در خانه دومش یکی زیاد کن تا با آخر دورش برسد و هم چنین خانه سیم را ملاحظه کن که از اول دورش دو خانه بیش افتاده

محمد	حسن	علی	باقر
۱۱۱	۲۰۲	۹۳	۱۵۷
۳۵۱	۱۰۸	۱۶۵	۹۷
۱۵۹	۹۵	۲۰۰	۱۰۹

است از همان اسم کم کن و در اول دورش مثال ضلع الکتابه اینست هر گاه چهار زاویه را از اسم بنویسی همین قاعده که گذشت جاری میشود و باید ملاحظه دورش را

کرد اگر از اول دورش بیش نیفتاده است در خانه دوم یکی زیاد میشود تا آخر دورش اگر بیش افتاده است به بیند اگر یک خانه بیش افتاده یکی کم کند اگر ۲ خانه بیش افتاده ۲ عدد کم کند اگر سه خانه بیش افتاده ۳ کم و علی هذا القیاس هر گاه چهار خانه قلب را بنویس بهمین قاعده است و همچنین چهار خانه سبب ضلع طرف راست ضلع میان ضلع یائین ضلع طرف چپ همه قاعده اش یکی است بقاعده سابق پر میشود اما ثمره ضلع الکتابه اینست آیات و اسماء الحسنی که از برای هر ردی هر مطلبی هست در یک ضلع مینویسد و پر میکنند اولاً بعد لوحی نومی کشند و خانه بخانه بر رفتار لوح معتدل بسط مرتب منصوب می نویسند از برای همه پر

دوری عنصری اینست

	۶		۱
۳		۸	
۵		۲	
	۴		۷

اما مرکب هم بر دو قسم است مرتب و مشوش مرتب هم بر دو قسم است منصوب و مغلوب مشوش هم بر

سه قسم است دوری و عنصری و دوری و عنصری با هم مرکب مرتب منصوب اینست

			۱
	۲	۷	
۳			۶
	۵	۴	

	۴	۱۵	۱۰	۵
	۹	۶	۳	۱۶
۲	۷	۱۲	۱۳	
	۱۴	۱	۸	۱۱

قاعده از جمله اقسام ۴ در ۴ یکی ضلع الکتابه است دو الکتابه هم میگردند

قاعده پر کردن ضلع الکتابه این است مثلاً ضلع بالا را چهار اسم منی نویسد و عددش را بالا مینویسد اسمی که در خانه اول است در دور اول واقع شده است خانه دومش یکی زیاد میکنند تا دورش تمام شود خانه دیگر را ملاحظه کند اگر از دور دوم است سه بیش افتاده است سه عدد از همان اسم کم کند و در خانه اول دورش بنویسد

دوره خانه

خوب است لوح بسیط سابقاً معلوم لیکن بجهت ایضاح نوشته شد تا خوب معلوم شود

		۸	۱
۴	۵		
		۳	۶
۷	۲		

قاعده از جمله اقسام فی الكتابه مضمر و منظر است جبر و جذرش هم میگویند قاعده اش اینست که اسم چهار حرفی مطر از اسماء الله بآیه

از آیات مجزا میکند و در ضلع بالا می نویسند باین طریق

مثلاً اسماء الله از قبیل رزاق و علام و ستار و غفار و حاکم و باسط و باری

ر	ز	ا	ق
---	---	---	---

هر چه از این قبیل باشد قاعده پر کردنش اینست عددی که در خانه آتش اول است با عددی که در خاک دوم است دو قسمت مختلف میکنند و در خاک اول و آتش ۲ می نویسند که می محازی با آن دو حرف که در وسط حرف اول که در آتش اول است و حرف آخر که در خاک دوم است باشد و آن دو حرف میانرا که یکی در خانه بار چهارم که خانه ۱۴ است و یکی در خانه آب سیم که خانه است هم دو قسم است مختلف میکند بکسمت را در خانه دهم که بار سیم است می نویسند و آن را در آب چهارم که خانه ۱۵ باشد بزرگ

در بیان معرفت قواعد اعداد ۴۵

می نویسند که محازی باشد با عددی که در آتش اول و خاک ۲ واقع شده است باین طریق لکن که هشت اینست و خانه را که قسمت مختلف می کنند قسمت کمتر را محازی بیشتر بنویسند و قسمت بیشتر را محازی کمتر بنویسند بهمین قسم که در این شکل نوشته شده است بعد از آن که ضلع پائین نوشته شد ملاحظه کن اگر خانه آتش اول و خانه بار چهارم که خانه ۱۴ است عددشان بیشتر از آن دو خانه است که خانه ۱۱ بار ۳ و خانه ۸ است خاک ۱۲ اند و خانه کمتر را ثانیاً دو قسمت مختلف بکن بنویس بکسمت را در خاک سیم که خانه ۱۲ است و یکسمت را در خانه هفتم که آب دوم است یا بالعکس عدد آب سیم که خانه ۱۱ است و خاک ۲ زیاده است آنها را زیر این دونا بنویس باین طریق قلیل بکثیر و کثیر را بقلیل انوقت دو ضلع طرف راست اگر از طرف چپ آمده باشی بواسطه قلت عدد یا از طرف راست بچپ آمده باشد از دو ضلع خانه که خالی میماند حساب کن با مجموع عدد هر چه باقیست در خانه خالی بنویس ایندو ضلع که تمام شد قسط را ملاحظه کن و در قسط هم يك خانه باقی میماند او را با مجموع عدد جمع کن هر چه کسر است در خانه خالی بنویس سه خانه

طریق است از طرف راست بطرف چپ میآید لکن در باسط و باری و هر چه که دو حرف اولش ۲ باشد عدوه از یاد میشود و الا وفق نمی دهد این شکل نوشته شد مشخص شود

۱۰	۲۰۰	۱	۲
ی	ر	ا	ب
۷	۶		
۴۷	۴	۸	۱۰۶

۳	۲۰	۱	۱
م	ك	ا	ح
۳	۶	۲۵	۳۵
۱۷	۲۷	۱۱	۱۴
	۱۶	۳۲	۱۲

ثمره جذر و جبر این است از برای هر مسمی از قبل فتح الباب عقد البول در رشک و سایر برخی اسماء الحسنی را ملاحظه کند

۱۵	۲۰۰	۱	۲
ی	ر	ا	ب
۷	۶		
۴۱	۴	۸	۱۵

هر يك از برای هر مرض خوب است بنویسد اول در جانی دیگر بقاعده جذر بعد بر فنا ر بسط منصوب بنویسد و بدهد که انشاء الله تاثیر خواهد کرد از جمله اسمائی که بطریق جذر درست نمی شود یکی دیان است و یکی قابض که ممکن نیست درست شود اما ر بنا میشود درست کرد مثال اینست سراغ دوزالکتابه

۱	ی	ل	ر
	۳۱	۵	۱۶
۱۷	۲۲	۷	۱۹
۳۴	۲	۴	۲۶

دیگر خالی میباشد از طرف که میخواهی جمع کن هر چه از اصل عدد کسر میباشد در خانه خالی بنویس تا تمام شود دو سه شکل در صفحه بنده نوشته میشود بجهت سهولت و اسانی

۲۰۰	۱	۱	۱۰۰۰
ر	ا	ف	غ
۶۲۲	۲۴۱	۱۴۹	۵۲
۴۵۲	۸۷	۵۹۷	۱۹۳
۴۵	۷۴۵	۱۵۵	۲۶

۱۰۰	۱	۷	۲	۶۰۰
ق	ا	ز	ا	ر
۸۵	۱۲۲	۹۲	۹	
۱۱۷	۱۵	۸۴	۹۷	
۶	۱۷۵	۱۲۵	۲	

مجموع ستار اعه

مجموع عدد در نواق ۳۵۸ جمع عدد فتاح ۱۵

ر	ا	ت	س
۳۵۴	۱۵۶	۶۶	۱۳۵
۸۱	۴۹	۸۵	۱۹۱
۱۲۶	۱۴۵	۱۱۵	۳۷۵

ح	ا	ت	ف
۹۷	۲۸۳	۳	۶
۲۸	۵۰	۵۲	۳۵۸
۳۵۶	۵۵	۲۲	۴۵

خاکم چون دو خانه اول عددش کمتر است دو قسمت مختلف بوده شد است و در زیر آن دو که بیشتر است نوشته شده است باسط و باری و هر چه از این قبیل باشد بمبین

طریق

که می آید آیت اول همین چهارخانه نوشته شد. است نویسی بعد ۲۲ در ۲۲ زیاد کنی تا دو تمام شود بعد قطر هارا بعد باقی را تا تمام شود از جمله دو الکتابه مشکل عین است

۶۷	۵۷	۱۱۴	اسم
۹۶	۸۸	۴۵	۷۹
۱۵	۵۸	۱۳	۲۳
۳۵	۱	۱۲۲	مومن

قاعده این مربع آیت که دودو می نویسند بقاعده اخر بعد هر عددی که میخواهد بکنند و نصف میکنند بعد از نصف ۸ طرح میکنند باقی را در خانه دومی نویسند و یک

یک زیاد میکنند تا اخر که وفق بان عدد که گرفته است یکی است و اگر کسر باشد در خانه ۱۳ یکی زیاد میشود مثلاً علی ۱۱۰ نصف ۵۵ طرح ۴۷/۸ قاعده از جمله اقسام ۴

۸	۴۹	۵۲	۱
۵۱	۲	۷	۵۰
	۵۲	۴۷	۶
۴۱	۵	۴	۵۳

در ۴ قاعده رک در فرد است که از برای نجیب است و بسیار تاثیر عظیم دارد آمده اند و لفظ از اسماء الله که یکی محبب است و یکی محبوب آزرده اند و عدد محب

که ۵۰ است ضرب کرده اند در عناصر میشود و عدد صغیرش پنج است ضرب کرده اند در عناصر میشود این دو بیت بیت اسم گذاشتند رک که دو بیت و بیت است و رک

از برای طالب است و عدد محبوب که ۵۸ است ضرب کرده اند در عناصر شده است ۲۳۲ عدد صغیرش ۱۳ است و پنج از پنجاه این میشود ۱۳ این عدد صغیرش را هم ضرب کرده اند در عناصر شده است ۵۲ مجموع میشود ۲۸۴ اسم این عدد را گذاشته اند رفته که دو بیت هفتاد و چهار است این رفت از برای مطلوب است این وجه تسمیه رک و رفت اما قاعده که مشهور است میان اعداد بین در خصوص نجیب رک و رفت آیت اول عدد طالب با عدد رک جمع میکنند و بر که زوج است یا فرد اگر زوج است عدد را نصف میکنند بعد از آن که نصف کردند ۴ طرح میکنند باقی را در خانه اول مینویسند که آتش اول است و در خانه دوم همان عدد در خانه اول را بعینه مینویسند یکی علاوه میکنند در خانه سیم میکند در خانه چهارم هم هکذا له اما اول دور و دوم ۲ عدد علاوه کند و در خانه دوم و سیم و چهارم همان یکی که قاعده بود زیاد کند این هشت خانه که دو دور است طالب و رک می نویسند و هر خانه باید عددش وفق بدهد با عدد کلی که نصف نشده بود بعد دو مطلوب را با سرند جمع میکنند انهم زوج است یا فرد اگر زوج است نصف میکنند

بعد از نصف ۴ طرح میکنند باقی را بعد از طرح مینویسند
 در اول دو رسم که خانه نم است و در خانه دویش یکی زیاد
 میکنند بقاعده سابق ها اول دور ۴ ۲۲ زیاد میکنند و در
 خانه بعدش همان یکی زیاد میشود و صورت طالب درك
 و مطلوب و رفت بهمین طریق است که نوشته شده است
 در صورت که عدد زوج باشد

طالب	مطلوب	رفت	لطیف
فقی رك	فقی	۲۸۲	۳۶۵
۲۲۰	۵۱۰	۱۶۰	
<hr/>			
	۷۳۰	۴۴۴	
<hr/>			
	۲۲۲	۲۱۱	طرح
	۲۱۱	۳۶	باقی

مشکل اول هشت خانه طالب و رك است

۲۶۹			۲۶۱
	۲۶۲	۲۶۱	
۳۶۳			۳۰۷
	۲۶۶	۲۶۴	

مشکل هشت خانه مطلوب و رفت است
 هر ضلع باید با عدد طالب و رك
 و مطلوب و رفت و فق یکی باشد
 طرف قطر هم اما هرگاه
 عدد فرد باشد بهمان قاعده است
 مگر در حرف فرق میکند یکی آنکه در فرد

	۲۲۵	۲۲۴	
۲۳۲			۲۲۱
	۲۲۶	۲۱۸	
۲۱۹			۲۷۵

۳ در اینجا ۴ و دیگر آنکه در فرد با وجود کسر در ۱۳ یا غیر
 هیچ زیاد نمیکند همان یکی که خانه بخانه زیاد میشود همان
 است و پس در دیگر مثل در دور دویش چیزی زودر نمیشود
 مثال فرد رك و رفت اینست و این هم هر دو خانه باید با

اصل عددش یکی باشد

طالب	رك	مطلوب	رفت
جمع	۲۷۵	۱۶۲	۲۸۲
	۵۳		
<hr/>			
	۳۵۳		
<hr/>			
	۵۷۳		
<hr/>			
	۳۳۷		
<hr/>			
	۲۸۶		
<hr/>			
	۱۶۱		
<hr/>			
	۱		
<hr/>			
	۱		
<hr/>			
	طرح		
	۳		
<hr/>			
	طرح		
	۳		

باقی ۱۶۵ باقی ۲۸۳

اما قرا عده
 که در رك دو
 رفت است گفته
 اند این هاست

	۱/۴	۱/۵	
۱/۴			۱/۴
	۱/۴	۱/۵	
۱/۴			۱/۴

۲۹			۲۸۲
	۲۱۴	۲۱۹	
۲۱۵			۲۶۸
	۲۱۶	۲۱۵	

که در این ذیل نوشته میشود قسم اول اولاً عدد طالب را ضرب میکنند در دود و حاصل ضربش را میگیرند بعد مطلوب را ضرب میکنند در لطیف و حاصل ضربش را میگیرند عدد آیه شریفه وَهُوَ الَّذِي اسَاوَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ رَاحِمٍ میگیرند و هر سه را با هم جمع کنند رفت رک را ضرب در ۱۹ کنند رفت را ضرب در ۱۵ کنند و حاصل ضرب رک و رفت را زیر جمع کل بنویسند بعد همان حاصل ضرب رک رفت را از جمع کل کم کنند با دارد یا ندارد اگر کسر دارد یا ۱۳ است یا ۲ یا اگر سه است در خانه پنج و اگر ۲ است در خانه ۵ اگر یک است در خانه ۱۳ اگر کسر ندارد چیزی زیاد نمیکنند خلاصه ربع یا عدد ثلث میگردند و در خانه آتش بنویسند بعینه همین عددی که در آتش اول است ثانیاً در باد اول می نویسند با عدد رک همین عدد را بعینه در خانه آب و خاک می نویسند با عدد رفت تا آخر بهمین تفصیل آتش بارک و آب و خاک را با رفت مثل حسن طالب ضرب در دود و همین مطلوب ضرب در لطیف مطلوب همین

۱	۱	۲	۸
۲	۲	۴	۶
۹	۹	۱	۷
۱	۱	۱	۲

حاصل ضرب همین در لطیف
۱۶۵۱۲

۱	۲	۲	۵
۱	۱	۱	۰
۱	۱	۱	۰
۱	۱	۱	۰

رفت
۴۱۸

۱	۱	۱	۱
۲	۲	۲	۶
۳	۳	۳	۱۶
۴	۴	۴	۱۶

حاصل ضرب حسن در دود
۲۳۶۰

۱	۲	۸	۴
۱	۲	۸	۴
۵	۱	۴	۶
۵	۱	۴	۶

جمع دو حاصل ضرب طالب و مطلوب
و عدد آیه شریفه
۲ ۳ ۴ ۳ ۲

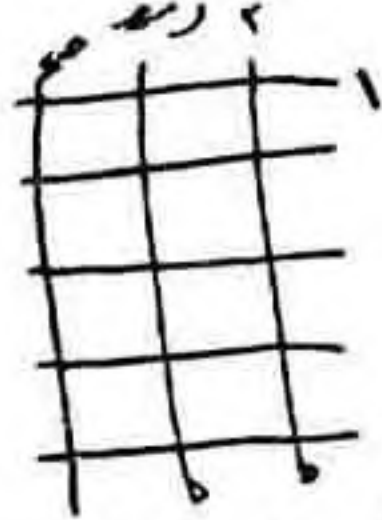
مفصل
رک و رفت از کل عدد بالا باقی میماند
۳ ۷ ۴ ۱

عدد رفت
۲ ۱ ۴

عدد رک
۲ ۲ ۵

این اشکال در صورتی است که عدد کسر نداشته باشد بهمین قاعده مشخص میشود هشت خانه که آتش و باد باشد از رک است و هشت خانه دیگر که آب و خاک باشد از رفت است

هر ضلعی با قطری باید وفق میدهد با جمع کل که حاصل ضرب طالب و مطلوب و آیه شریفه و این قاعده رک را در ۱۹ ضرب کردیم و رفت را در ۱۵ در باب موکلان طلب کسی از برای طلسمات را باید که خانه ۴ ناحیه آنرا حساب کند و بر سرائیل فرود آورد امثلاً ۱۲ باشد و از باقی خانها اسم جینی بیرون آورند و بر سر جین پوش فرود آید و الله اعلم



۵۷۶۴	۶۴۸۰	۷۲۱۲	۲۹۶۸
۶۹۹۲	۴۱۸۸	۵۴۸۰	۶۷۷۲
۴۴۷۲	۷۷۸۰	۵۹۸۴	۵۱۹۶
۶۲۰۴	۴۹۷۶	۳۷۵۶	۷۴۹۶

قاعده دیگر
مثلا هرگاه رک راد را
۱۵ ضرب کنیم و رفت را
در ۱۶ ضرب کنیم قاعده
اش اینست که حاصل ضرب

طالب و مطلوب را با آیه شریفه جمع میکنند و حاصل ضرب رک
ورفت را میکند اگر کسر دارد بقاعده کسر اگر ندارد همان
ربع را با عدد رک در خانه مینویسند و همان عدد خانه ا را
بارفت در خانه دوم مینویسند آخر یک خانه از رک و یک
دیگر از رفت که آتش و آب از رک میشود و باد و خاک
از رفت است صورت شکل که یک خانه ربع را بارک مینویسند
و یک خانه همان عدد را که در خانه اول است بارفت مینویسند
و آتش و آب رک و باد و خاک رفت

مطلوب همین ضرب در لطیف

۱	۱	۲	۱
۲	۲	۴	۱
۳	۳	۶	۲
۴	۴	۸	۳

حاصل مطرب ۱۶۵۱۲
عمر

طالب

اسکندر ضرب در دود است

۱	۱	۲	۱
۲	۲	۴	۱
۳	۳	۶	۲
۴	۴	۸	۳

حاصل ضرب طالب در دود ۶۷۰۰

ک ۲۲۵

۱	۲	۲
۱	۱	۱
۱	۱	۱

جمع
عدد آیه شریفه حاصل ضرب طالب
و مطلوب ۲۷۷۷۲
حاصل دو ضرب رک و رفت در ۱۸
۳۹۶۵

د ۴ ۸ ۴

۱	۲	۱	۴
۱	۲	۱	۲
۱	۲	۱	۲
۱	۲	۱	۲

نقص
رک و رفت از جمع کل است
۱۹۲۶۸
د ۴۸۱۷

حاصل ضرب رفت در ۱۶
۴۵۴۴
قاعده دیگر در رک و رفت ایضا

طالب را ضرب کند در دود و رک در آتش بنویس بعد
مطلوب را در لطیف و حاصل ضرب هر دو را جمع کند با عدد
آیه شریفه همان عدد در او رفت ها آخر رک و رفت را هم در
۱۷ ضرب کند و حاصل هر دو را کبر و کم کند از طالب و مطلوب
و آیه و انوقت ربع کند و اگر کسر وارد بقاعده کسر و اگر ندارد
ربع را با عدد رک در خانه اول بنویسد و خانه دوم و سیم را
رفت بنویسد و خانه چهارم رک بنویسد باین معنی که آتش
و خاک از رک است و باد و آب از رفت نا اشکال بیاید

طالب ابراهیم

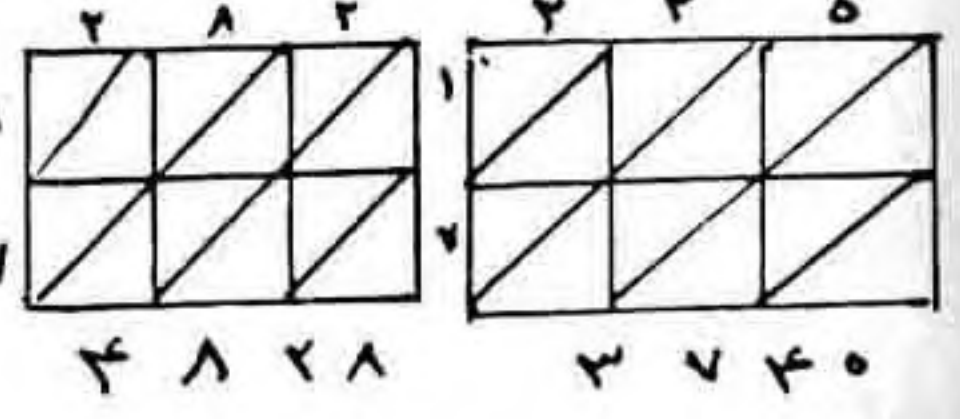
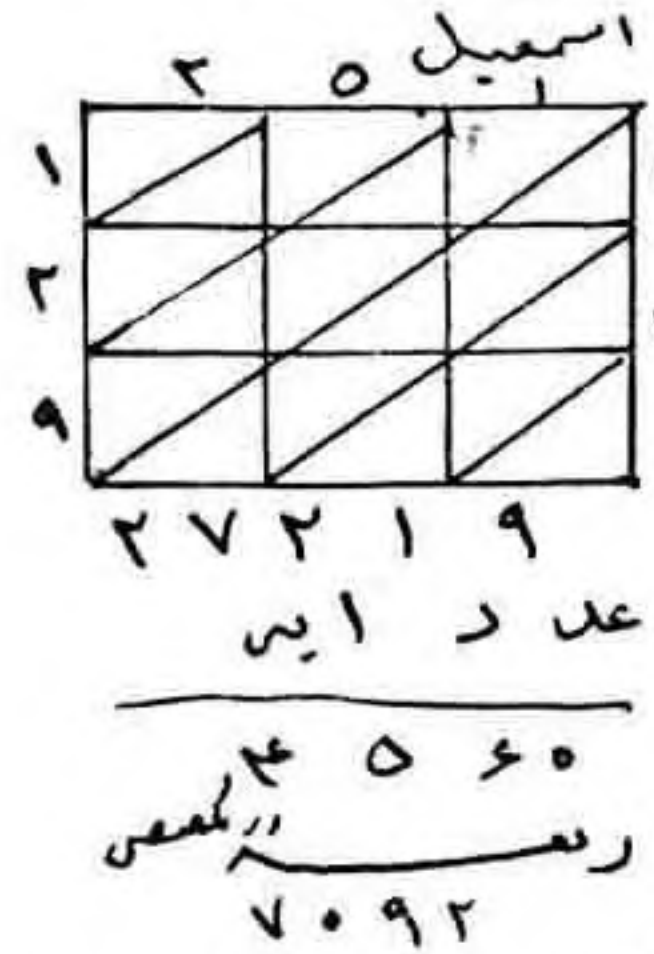
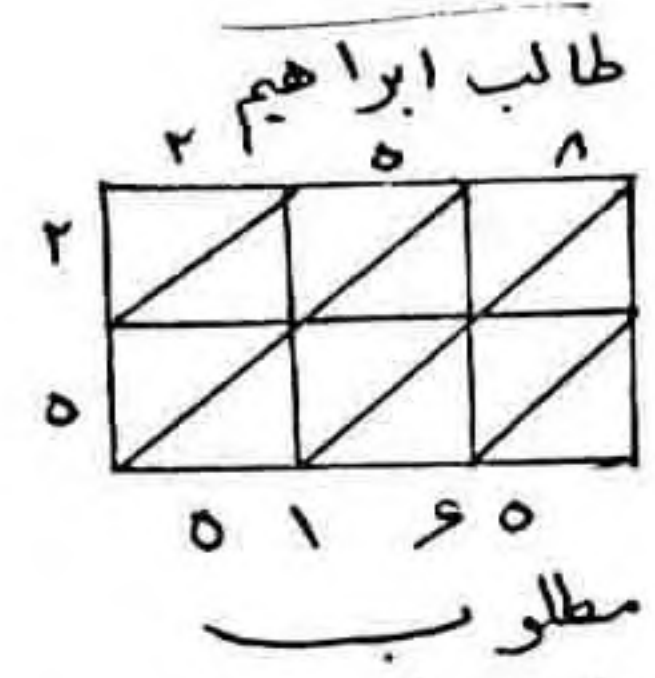
طالب را بارت بنویس و هشت خانه آخر را بتضعیف مطلوب
 بآرند هرگاه طالب فرد باشد و مطلوب زوج طرح طالب
 ۶ است و در مطلوب ۸۸ در اول دور دوم از یاد
 میشود و در او وارد دور چهارم ۴۴ زیاده میشود تا
 العکس فهو العکس مثال طالب فرد و مطلوب زوج

۲۰۳	۲۵۲	۴۴	۶۹
۴۱۹	۹۰۱	۱۸۰	۳۷۵
	۲۸۵	۳۰۹	۱۵۸
۲۳۱	۱۲۶	۱۲۵	۴۶۲

۱۱۳ وفق هر ضلع با قطر این است
 دور دورا که طالب
 ورتک است عدد دور
 ۱۰۶۵ خانه را که جمع میکنی باید و نقشی با کل
 عدد طالب ورتک باشد و هم چنین دو خانه مطلوب ورتک
 باید و نقشی با کل عدد مطلوب ورتک باشد و عوض کسر
 همان یکی که در آوردیم یا چهارم زیاد میشود هرگاه فرد
 باشد بمان قاعده که نوشته شد است با عدد طالب اگر

مطلوب طالب
 ۵۱۵ ابطال
 ۵۱
 رفت جمع
 ۲۲۵ ۲۸۴ ۷۹۴ رتک
 جمع
 ۲۷۱
 نصف
 ۱۳۵
 کسر
 طرح
 ۶۶
 ب
 ۳۰۹ رتک
 ۳۷۲
 خانه را که جمع میکنی باید و نقشی با کل

۹۱۰۹۸۹۷	۶۲۱	۷۳۱۲
۱۰۳۲۷	۷۵۹۶	۸۸۸۹
۷۸۸	۱۱۱۲۵	۹۳۲۹
۹۶۱۳	۸۳۲۱	۸۱۰۰
		۱۰۹۰۵



جمع
 ۳۶۹ ۳۹
 دو حاصل ضرب طالب و مطلوب
 و عدد این رتک
 ۲۸۳۷۱
 فصل
 ۷۰۹۲
 رتک
 ۴ ۵ ۶ ۵ ۴

قاعده دیگر در رتک و رفت که تضعیف کسری کنند
 بگیرد عدد طالب و مطلوب را با هر دو زوج یا فرد اگر هر
 دور زوجت ۸۸ طرح است و در هر خانه کذاک ۲۲ زیاد
 می کنند مگر در آوردیم ۴۴ زیاد میکنند و در آورد
 چهارم ایضا کذاک و مابقی خانهها ۲۲ و اگر هر دو فرد
 باشند طرح ۶۶ است و در آوردیم دور چهارم
 زیاد میشود و سایر خانهها ۲۲ هشت خانه تضعیف عدد

طالب

آیه چیزی نخواهد زیاده کند بکنه اما مطلوب ضرورت نیست
اگر نخواهد چنان بنویسد

قاعده دیگر در تجیب که زیاده مؤثر است بنویسد لوحی
در خانه عدد عزیز بنویسد و در خانه دوم ۲۲ زیاده کند
و در خانه سیم همان عدد خانه دوم را ۲۲ زیاده کند و در خانه
چهارم همان عدد سیم را ۲۲ زیاده کند و بنویسد و در دور
دوم عدد آیه شریفه وَأَنَّهُ لَحَبُّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ که ۱۲۹۱
است ع کم کند و بنویسد و در خانه دومیش ۲۲ زیاده
کند بهمان قاعده دور تا دور تمام شود دور سیم عدد
طالب با عدد حروف باری بنویسد و در خانه دومیش
بقاعده دور است تا آخر دورش دور چهارم عدد مطلوب را
با عدد حروف آتش بگیرد و ع کم کند در خانه سیزدهم
بنویسد در خانه بعدش ۲۲ زیاده کند تا آخر بقاعده دور
حروفی که حضرت صادق ع فرمودند حروف آتش
ا ه ط م ف ن ذ حروف باری بر سن ضمن حروف ابی
جز کس فسط حروف خاکی و حلق رخغ اسر فوع است
دوم منسوب سیم مجرور چهار مکسور

عدد حروف آتش حروف باری حروف ابی حروف خاکی
۱۱۳۵ ۱۴۵۱ ۱۵۹۰ ۱۹۱۲

قاعده در عقد اللتان بنویس
اولاً عقدت اللتان حين و عدد
ش را در خاک دوم بنویس بعد
عدد مانع که اسم حضرت باری است
زیاده کن در خاک سیم بنویس ایضاً

عدد مانع زیاده کن در خاک چهارم بنویس ایضاً عدد مانع
زیاده کن در خاک اول بنویس این دور تمام شد دور دوم
فی حق حسن را عددش را بگیرد در باد دوم بنویس بعد عدد
مانع زیاده کن در باد چهارم بنویس ایضاً عدد مانع زیاده
کن در باد اول بنویس این دور هم تمام شد عدد ختم بکم
ع فهم لا يتكلمون ۱۰۲۴ است در آب دوم بنویس
بعد عدد مانع زیاده کن در آب سیم بنویس ایضاً عدد مانع
زیاده کن در چهارم بنویس ایضاً عدد مانع زیاده کن و آب
آب بنویس این دور هم تمام شد عدد آیه ختم الله علی قلوبهم
الی عذاب عظیم میشود ع ۵۷ ضلع بایشین راجع کن
هر چه از این عدد آیه کم است در آتش دوم بنویس بعد
عدد مانع زیاده کن در آتش سیم بنویس ایضاً عدد مانع زیاده
کن در آتش چهارم بنویس ایضاً عدد مانع زیاده کن در آتش

ابنویس فی حق حسن عقد اللسان حسین عدد مانع که زیاد
میشود عدد صم بکم تا آخر عدد ختم الله تا آخر عدد و فوق

	۱۶۱	۵۷۶۶		
۸۷۴	۱۱۸۵	۶۴۸	۳۶۹	
	۲۹۰۸	۷۹۹	۱۰۲۴	۱۰۳۵
	۱۵۷۷	۱۱۹۶	۲۷۴۷	۳۶۶
	۴۷۷	۷۵۸۶	۱۳۵۷	۱۳۴۶

۱۰۲۴
مربع با عدد ایه شریفه
ختم الله تا آخر یکی باشد
اما شرایط وقت نوشتن
باید عامل ساکت باشد
تا تمام شود وقتی تمام

لوله کند وقت لوله ایه شریفه صم بکم و با قسام بخواند
و ایه ختم الله و اهم بخواند و اطراف مربع این شکل بنویسد
اجد رسصطعکله و از خانه خاک دویم نباشد است
بجهت آنکه خاک خانه مرک است و خاکی دلالت بر این میکند
در خانه این مربع بسیط بنویس دور است

قاعده احضار مثلاً عدد احضار حسین را در آتش ۲

بنویس و عدد جیب که ۲ است در خانه دویمش علاوه کن
تا دور تمام شود عدد جیب را عدد را در بار و دویم بنویس
جیب را در خانه دویمش زیاد کن تا دورش تمام شود در آند
سیم عدد طالب و مطلوب را بنویس که آب ۲ است و در خانه

۲ است و در خانه ۲ جیب زیاد میشود تا دورش تمام شود
دو چهارم را از خاک ۲ باید نوشت صبح بالا که خاک ۲
در دست جمع کن به بین هر چه از آن عدد کسر است در خاک
دویم بنویس بعد جیب را زیاد کن در خاک سیم بعد چهارم بعد
امثال اینست

احضار حسین دور اول بادیه دور دویم عبد آب دویم دور سیم طالب
که این است رجب
۱۱۳۸
۳۲۹
مطلب
۵۷۳

حسین رجب عدد دور چهارم که وقت کل مربع است و کسر دور
۶۵۹۲

خاک دویم نوشته میشود جیب که در چهار دور زیاد میشود

قاعده دیگر در احضار بطریق ذوالکتابه ۴ در ۴ می توان

بعض	ربع	عشر	مخمس
احضار	عینه	لله	مخمس

۴۴۴	۵۹۵	۳۷۳	۱۲۴
۱۴۲	۲۹۵	۵۷۳	
۶۳۹	۲۹۰	۱۱۶	۲۲۹۰
۳۵۱	۱۳۸		۶۱۷

نوشت

بخورات بجهت

تجیب مشک

عین و عود

مصطکی حسن لبان صعد کوفی زعفران قاینی کندر بخوراة
تفریق مشق بخور مکی مغل ازرق جبر سفوطی در وقت نوشتن
باید این هارا بخور کرده
قاعده در تجیب اینست که بسیار خوب است و زیار تاثیر

دارد ولی بسم طالب را ضرب در دور میکنی و حاصل ضربی را
 میگیری و مطلوب بر اضرب در لطیف و حاصل ضرب طالب و
 مطلوب و در آیه شریفه وَهُوَ الَّذِي انشَاءكُمْ هر سه را جمع میکنی
 بعد عزیز را ضرب ورده میکنی و رک را در ۱۹ و رفت را در ۱۵
 و حاصل ضرب عزیز و رک و رفت جمع میکنی و از کل عدد طرح
 میکنی باقی طرح میکنی و اگر کسر دارد و بقاعد کسر رفتار
 میکنی و الا فلا همان ربع را با عدد عزیز و رک در خانه آمی
 نویسی و در خانه ۲ عزیز را اضافه نمیکنی در خانه سیم و ۴
 بارتد میزبسی دور آتش دویم عزیز را اضافه بکن و در
 بار ۲ همان رک را اضافه کن و در آب و خاک بارتد تا
 اخر بهین قسم است دو خانه آوردیم بارک بنوبید با اضافه
 عزیز در خانه او در دویم ۴ سیم و ۴ بهین قسم است که آ
 دورها باید عزیز اضافه شود طریقه ضربها و خود لوح اینست

طالب نجف ضرب در دور

	۶	۵	۲
۱	۶	۲	۲
۲	۱	۲	۴
۳	۵	۱	۱
	۷	۷	۶

	۱	۳	۳
۲	۶	۶	۶
۵	۵	۵	۵

حاصل ضرب طالب مطلوب و عدد آیه شریفه

و عدد آیه شریفه ۸۴۱۷۸
 عدد آیه شریفه طرح و جمع عزیز و رک ۴۵۶۰
 عدد عزیز که ضرب در ۱۱ است ۹۳۸۵
 رفت در ۱۵

۹۴۰
 ضرب رک در ۱۹
 ۷۵۴۹۸
 ۱۵۵۷۴

دفعه مربع با حاصل ضرب طالب و مطلوب و عدد آیه یکی است
 عزیز و رک و رفت ۹۳۸۵

۲۱۰۷۸	۲۱۸۹۷	۲۲۷۱۵	۱۹۱۸۸
۲۲۴۹۵	۱۹۴۰۸	۲۰۷۹۴	
۱۹۶۹۲	۲۲۲۸۳	۲۱۲۹۲	۲۰۵۱۰
۲۱۶۱۳	۲۰۲۹۰	۱۹۹۷۶	۲۲۹۹۹

لفلك در قبرستان
 یهودی دفن کند اگر
 بشود انجانی که میخواهد
 یا می نشیند

مصطع ملک
 ۲۲۹ ۹۵

خانقن آیه شریفه جمع هر طرح
 ۱۴۸۱ رسته الاخر ۲۴۷۰
 ۳۲۰۳ اما لیوسا

۱۴۲۲	۱۴۲۹	۱۴۲۴
۱۴۲۷	۱۴۲۵	۱۴۲۳
۱۴۲۶	۱۴۲۱	

ثلث ۴۲۱
 تمت بیرون آیه
 یا مستقیماً
 ۱۴۲۸
 یا مطلقاً
 یا مطلقاً

باب سیم در بیان خواص اسماء الحسنی و قواعد آن
 کوز ان اردت ان تسخر شخصاً فانظر الی هذه الال
 الاسماء فان اسماً مکتوباً فی تحت حرفاً من الحروف اسم
 ذلک الشخص فاجمعها علی ترتیب حروف اسم مثلاً
 ان اردت ان تسخر محمد فاجمع یا باری یا مهین یا باری
 یا مالک سخر لی قلب محمد الی بالمحبة مائة مرة هذه
 الاسماء

ا	ب	ج	د	ه
یا الله	یا رحمن	یا رحیم	یا مالک	یا قدوس
و	ز	ح	ط	ی
یا سلام	یا مؤمن	یا مهین	یا عزیز	یا جبار
ک	ل	م	ن	س
یا متکبر	یا خالق	یا باری	یا مصوب	یا غفار
ع	ف	ص	ق	ر
یا قهار	یا وهاب	یا رزاق	یا رازق	یا علیم

ش	ت	ث	خ	ذ
یا قابض	یا باسط	یا حافظ	یا رافع	یا معز
ض	ظ	ع		
یا مذل	یا بصیر	یا سمیع	اللهم انی استلک	

یا باری یا مهین یا باری یا مالک سخر قلب محمد
 الی بالمحبة

نوع دیگر ابن علی بسیار قریب و عجیب است در محبت
 سوره فاتحه الكتاب را بر قند بخواند و سوره انا اعطینا
 له الکوثر را بر نبات بخواند و سوره اذ لزلزله را بر شکر
 خام و سوره و العاریات را بر انکبین و سوره اخلاص
 بر کز نکبین و سوره و التین را بر خرما و سوره المرثع
 را بر کشمش بخواند بشرط آنکه ابن حلویات در روز
 مسادی باشند یا یکدیگر هر یک سوره بخواند بد مد
 بعد از آن همه را بهم همزوج نماید و مخلوط و هر کسی که
 قدری از آن بخورد هر کس بدهد انکس محب و دیوانه

آن شود و بر او ارم نشود اگر ماه رو بآن عالم بوی عرضه
کنند بخواند او را اگر از وی جدا شود و بر آنه او شود این
عمل بسیار از موده است مجرب است

نوع دیگر هر کس هر روز سوره اذ جاء نصر الله را
بجای مرتبه بخواند توانگر گردد و کار او نیکو گردد درین مجرب است

نوع دیگر بجهت قضاء حوائج در شب جمعه ۴ رکعت نماز
بگذارد و بدو سلام و در هر رکعتی بکمرتبه فاتحه و بخرتبه
اذا جاء نصر الله را بخواند و چون از نماز فارغ شود
سر بسجده گذارد و صد مرتبه بگوید یا من لا یحتاج
الی البیان و التفسیر روز باشد که خداوند عالم
حاجت او را روا گرداند مجرب است

نوع دیگر مردیست که هر که را هر حاجتی باشد صباح
کند روز جمعه را و حال آنکه روزه باشد شصت مرتبه
بگوید لا حول و لا قوة الا بالله پس بخواند حاجت
خود را که برآورده است انشاء الله

نوع دیگر منقولست که هرگاه بر کسی کرسنگی غالب
شود در رکعت نماز بگذارد و بعد از آن بگوید
در

رَبِّ اَطْمِئِنِّي فَاِنِّي جَائِعٌ حَتَّى تَعَالَى در ان ساعت طعام کرامت
کرامت فرماید

ختم سوره مبارکه بس انستکه در مبین اول سوره
والشمس را بخواند و در مبین دوم سوره نبت را بخواند
و در مبین سیم سوره انا اعطینا را بخواند و در مبین
چهارم سوره الرحمن و اذا جاء نصر الله را بخواند و در
مبین پنجم سوره انا انزلنا را بخواند و در مبین ششم سوره
قل هو الله را بخواند و در مبین هفتم سوره قل اعوذ
برب الناس را بخواند هر حاجتی که دارد از خداوند
عالم بخواند که حاجت آن برآورده می شود بدون الله

نوع دیگر منقول است که هرگاه کسی مریضی داشته باشد
و شفاء آن بیمار چهل ریک پول را در دور بیمار بگذارد و هر
یک را بکمرتبه سوره مبارکه اقرء را بخواند و جمع نماید و در
زیر بالین بیمار بگذارد و صبح قبل از طلوع آفتاب او را بر
دارد هر دانه را بسک فقیر بدهد آن بیمار به نیکی شفا یابد

نوع دیگر ختم سوره مبارکه انا فتحنا روز یکشنبه ابتدای
طلوع آفتاب شروع باید کرد روز دوشنبه میان نماز
ظهر و عصر سه شنبه محل چاشت چهارشنبه وقت عصر

پنجشنبه وقت دوال یعنی نزدیک ظهر جمعه بعد از نماز عصر شنبه
وقت ظهر هر روز پنج نوبت ناشبه دیگر هر روز آخر ختم بارزه
نوبت بخواند که مجموع چهل و یک نوبت می شود بعد از اتمام
ختم چهل نوبت این دعا را بخواند **اللهم يا حبيب الفقراء**
يا ابيس الغرباء يا معين المضعفاء يا عظيم الرجاء يا
يا ابيس المتوحشين يا دليل المتحزين يا غياث المستغيثين
اغثني يا حي يا قيوم يا بديع السموات والارض يا ذ
الجلال والاکرام اللهم يا فارح الهمم ويا كاشف الغم
فرح همي واكشف عني واهلك عدوي وحصل مرضي
برحمتك يا ارحم الراحمين ويا اقدر القادرين وبعدها
ان سر بسجده رفته حاجت خود را طلب نماید

در این نوع دیگر هر که را همی باشد روز شنبه وقت ظهر یا صد مرتبه
بخواند و اگر برای محبت که صد مرتبه مطهر شریف بخواند و
بد مدد و بمطلوب بخواند قدرت حق مشاهده کند **بسم الله الرحمن الرحيم**
الم تر كيف فعل باصحاب الغيل يا بدوح الم يجعل كيدهم في التظليل
يا خالق يا ميكائيل وارسل عليهم طيرا اباييل يا رشيد ما هراييل
ترميم بحجارة الرحمن يا امواكيل من سجيل يا كنفائيل
فجعلهم كعصف مأكول يا عظيم يا روقياييل

بسم الله الرحمن الرحيم

باب الطلسمات باب چهارم در قواعد وفق اعداد
بدانکه سیم اعداد الوقت سیم شریف است و اهتمام تمام دارد
و آنچه از خواص این حاصل کردیم در این رساله مختصراست اینکه
باید که احتیاط تمام دارد و تا از مقصود باز نمانند انشاء الله
و این کتاب بر شانزده باب نهاده شد اولاً باید که ملاحظه
نمایند که چگونه بعمل میباید آورد و از نا اهل احتراز نمایند و
شرح این بسیار است اگر در این شروع نمایم از مقصود باز
میانم هذه فهرست الابواب

- ۱ در حب ۲ در بغض ۳ در عقد النوم ۴ در عقد
- الذکر ۵ در عقد النظر ۶ در عقد الطریق ۷ در
- کتابش کارها ۸ در نصرة و فتح ۹ در حب شدید
- ۱۰ در دفع خصمان ۱۱ در فتح زبان ۱۲ در بند زبان
- ۱۳ در آوردن خصمان ۱۴ در بغض ۱۵ در محبت
- زنان ۱۶ در محبت خلایق اگر خواهی کسی را عاشق **باب**
- خود کردانی چنانکه بی ارام باشد بگیرد کاغذ پاکیزه و نام **در حب**
- انکس و مادرش و نام خود و مادر خود را بحساب جل بزرگ بگیرد
- و هزار و پنجاه دیگر بروی افزاید و در مربع برکن و چون

باب چهارم

نویسی قدسی عود یا کشته بسوزاند و باید که در روز یکشنبه ساعت اول نویسی بنظر قدید افتاب یا فرد قدیم عروسی بگیرد و در این موم گیرد و اگر از بهر زن کند بر بازوی چپ بندد و اگر از جهت مرد باشد بعکس آن تا مراد یابد

نوع دیگر بنویسد در روز دین در وقت طلوع افتاب بمشک و زعفران و کلاب بر کاغذ و اسم مطلوب و مادر او و اسم طالب و مادر او در حساب نموده و سیصد پنجاه دیگر بروی

۱	۱۵	۱۴	۴
۱۲	۶	۷	۹
۸	۱۰	۱۱	۵
۱۳	۱۷	۷	۱۶

افزاید بدین موجب و موم عروسی و پاره فلفل سیاه بگیرد و باوی جمع کند و در ادیم گیرد و با خود دارد و آنکس که او را ببیند بیقرار گردد و اینست که نمود را

نوع دیگر چون افتاب در نور باشد در روز چهارشنبه وقت طلوع افتاب بنویسد و در خانه بیاویزد تا باد آنرا میخاند و پاره مقل ازرق در زیروی بسوزاند و بر اسمی ایشان هزار چهار صد عدد دیگر بفراید و در خانه نیز نهاد اینست

۱	۱۱	۱۴	۸
۶	۱۶	۹	۲
۵	۵	۴	۱۵
۱۲	۲	۷	۱۳

نوع دیگر بنامد مقل ازرق و فلفل سفید و موم که از عروسی باشد و همه را بگوید در

۱	۱۵	۳	۴
۸	۱۵	۱۱	۵
۱۳	۶	۷	۹
۱۳	۳	۲	۱۶

در بیان قواعد دفع شانزده باب

روز یکشنبه وقت طلوع افتاب و باید که قبل در برج اسد باشد بنظر تثلیث در وی نکرده و تعویذ سازد و با خود دارد و زنفار که پاک دارد که اسم اعظم است در وقت نوشتن انقدر که گرفته باشد ششصد ششصد و چهار عدد بر او افزاید اینست

نوع دیگر شب ۵ شنبه بنویسد بر کاغذ پاک وقت در قوس باشد و تقدیس با عطار در موم گیرد و بر بازو بندد و در محل نوشتن یکمزار چهل هشت عدد دیگر بر

۱	۱۱	۱۴	۸
۶	۱۶	۹	۳
۱۲	۲	۷	۱۳
۱۵	۵	۳	۱۵

وی افزاید زنفار جلال کند اینست مجرب است

نوع دیگر چون افتاب در نوزده درجه حمل باشد اسم طالب و مطلوب را بحساب حمل در عدد آورد و ششصد پنجاه چهار عدد دیگر بر اسم بفراید و در نیکین انگشتری کند زنفار

۱	۱۴	۱۵	۴
۱۲	۷	۶	۹
۸	۱۱	۱۱	۵
۱۳	۷	۴	۱۶

مخود نگاه دارد اینست

نوع دیگر چون افتاب در نور باشد روزه شنبه بمشک و زعفران و کلاب بنویسد و بر عدد اسمی چهار صد و دو ازیلار کند با خود دارد که مجرب است

۱	۱۴	۱۱	۸
۱۲	۷	۲	۱۴
۸	۱	۱۶	۳
۱۵	۴	۵	۱۰

باب چهارم

نویسی قدسی عود یا کشته بسوزاند و باید که در روز یکشنبه ساعت اول نویسی بنظر قدید افتاب یا فرد قدیم عروسی بگیرد و در این موم گیرد و اگر از بهر زن کند بر بازوی چپ بندد و اگر از جهت مرد باشد بعکس آن تا مراد یابید

نوع دیگر بنویسد در روز دین در وقت طلوع افتاب بمشک و زعفران و کلاب بر کاغذ و اسم مطلوب و مادر او و اسم طالب و مادر او در حساب نموده و سیصد پنجاه دیگر بروی

۱	۱۵	۱۴	۴
۱۲	۶	۷	۹
۸	۱۰	۱۱	۵
۱۳	۱۷	۷	۱۶

افزاید بدین موجب و موم عروسی و پاره فلفل سیاه بگیرد و باوی جمع کند و در آدیم گیرد و با خود دارد و آنکی که او را ببیند بیقرار گردد و اینست که نمود را

نوع دیگر چون افتاب در نور باشد در روز چهارشنبه وقت طلوع افتاب بنویسد و در خانه بیاویزد تا باد آنرا میخاند و پاره مقل ازرق در زیر وی بسوزاند و بر اسمی ایشان هزار چهار صد عدد دیگر بیفزاید و در خانه نیز نهاد اینست

۱	۱۱	۱۴	۸
۶	۱۶	۹	۲
۵	۵	۴	۱۵
۱۲	۲	۷	۱۳

نوع دیگر بنامد مقل ازرق و فلفل سفید و موم که از عروسی باشد و همه را بگوید در

۱	۱۵	۳	۴
۸	۱۵	۱۱	۵
۱۳	۶	۷	۹
۱۳	۳	۲	۱۶

در بیان قواعد دفع شانزده باب

روز یکشنبه وقت طلوع افتاب و باید که قبل در برج اسد باشد بنظر تثلیث در وی نکرده و تعویذ سازد و با خود دارد و زنفار که پاک دارد که اسم اعظم است در وقت نوشتن انقدر که گرفته باشد ششصد ششصد و چهار عدد بر او افزاید اینست

نوع دیگر شب ۵ شنبه بنویسد بر کاغذ پاک وقت در قوس باشد و تقدیس با عطر در موم گیرد و بر بازو بندد و در محل نوشتن یک هزار چهل هشت عدد دیگر بر

۱	۱۱	۱۴	۸
۶	۱۶	۹	۳
۱۲	۲	۷	۱۳
۱۵	۵	۳	۱۵

وی افزاید زنفار جلال کند اینست مجرب است

نوع دیگر چون افتاب در نوزده درجه حمل باشد اسم طالب و مطلوب را بحساب حمل در عدد آورد و ششصد پنجاه چهار عدد دیگر بر اسم بیفزاید و در نیکین انگشتر وی کند زنفار

۱	۱۲	۱۴	۴
۱۳	۷	۶	۹
۸	۱۱	۱۱	۵
۱۳	۷	۴	۱۶

مجرب نگاه دارد اینست

نوع دیگر چون افتاب در نور باشد روزه شنبه بمشک و زعفران و کلاب بنویسد و بر عدد اسمی چهار صد و دو ازیل کند با خود دارد که مجرب است

۱	۱۴	۱۱	۸
۱۲	۷	۲	۱۴
۸	۱	۱۶	۳
۱۵	۴	۵	۱۰

باب دوم در عقد اللسان اگر کسی دشمنی بسیار داشته باشد یا از کسی ترسد بستاند ورق از اهو و نام خود و مادر خود در عدد در آورد و چهار صد نوز شش عدد بر وی

۷	۱۲	۹	۶
۱۴	۱	۴	۱۵
۲	۱۳	۱۶	
۱۱	۸	۵	۱۰

افزاید در چهارشنبه وقت طلوع آفتاب در موم گیرد و در خانه آنکس در چاه اندازد که آب از آن خورد یا در آب بشوید و بخورد دشمن دهد که مجرب است

۷	۱۲	۹	۶
۱۴	۱	۴	۱۵
	۱۲	۶	۳
۱۱	۸	۵	۱۰

نوع دیگر این حاب کند و چهار صد نوز هشت دیگر بر وی افزایش و بر ورق الطیر نویسد و بر کمر بندد که زبان دشمن بسته گردد

مغرب است

۷	۱۲	۹	۶
۱۴	۱	۴	۱۵
۷	۱۳	۶	
۱۱	۸	۵	۱۰

نوع دیگر بستاند در روز ۵ شنبه یا روز چهارشنبه یا جمعه یا یکشنبه ساعت عطار چون قمر در نوز باشد باید که مشتری یا زهره با قمر نظر داشته باشد هزار دو بیت عدد دیگر بر اسمی افزایش مجرب است

۱۰	۸	۵	۱۱
۱۵	۱	۴	۱۴
	۱۳	۱۶	۲
۹	۱۲	۹	۷

نوع دیگر بستاند پاره کاغذ پاکیزه و دو بیت نود عدد بر اسمی افزایش و در روز شنبه بنویسد بیاعنی که معلوم است در زیر سنگ کران نهد بقرار کرد

باب سیم در عقد النوم اگر خواهد که خواب کسی را بندد چون آفتاب با قمر و عطار و مشتری بنظر خوب باشد بنویسد بر پوست شیر در روز ۴ شنبه و نامها را حساب کند و چهار صد و سی پنج عدد دیگر بر وی افزایش و در زیر سر آنکس نهد مجرب است

	۶	۳	۹
۱۱	۱	۸	۱۴
۵	۱۵	۱۰	
۲	۱۲	۱۳	۷

۶	۹	۱۰	۳
۱۲	۷	۲	۱۳
	۱۴	۱۱	۸
۱۵	۴	۵	۱۰

نوع دیگر عقد النوم بستاند پاره کاغذ و نامها را بحساب جل شمارد نماید و هزار دو بیت شصت عدد دیگر بر وی

افزاید و در روز ادینه ساعت عطار و در ران چب بندد و بگوید بسم خواب ۲۴ را و سخن نگوید که بحسب و لحواه خواب آنکس بسته شود

۱۲	۲	۷	۱۳
۱۵	۵	۴	۱۰
۱	۱۱	۱۴	
۶		۹	۳

باب چهارم در عقد الذکر نام طالب و مادر او جمع کرده هزار نصد و پنجاه هشت عدد دیگر بر اسمی افزایش و در دو این مربع نام طالب و مطلوب را بنویسد بجن هذه الاسماء الاعظم و چون بنویسد بستاند پاره زه صلاحان بر وی بندد و بر جا نگاه که نم داشته باشد در زیر شسته کران نهد و باید که بجلال نکند تا

زبان کار نشود و اسم اعظم در این است ملتفت باشد در رحمت گرفتار نشود و اله اعلم

۲	۱۶	۱۳	۳
	۹	۱۲	۶
۱۱	۵	۸	۱۰
۱۴	۴	۱	۱۵

نوع دیگر بتاندر پوست اهور در روز شنبه ساعت عطار و هم چنان نامها را حساب کرده و یکمزار چهل دیگر بروی اسامی بیفزاید و در بند زیر جامه بندد و این است

۵	۱۰	۱۵	۴
۱۶	۳	۶	۹
۲	۱۳	۱۲	
۱۱	۸	۱	۱۴

نوع دیگر بتاندر روز سه شنبه هم چنان اسامی را حساب کرده بحساب چهل نه هزار دیگر بروی اسامی بیفزاید و در زیر سنک کران بندد که بسته شود و در

چهار دور او بنویسد عفتت ۴ ۲ ۴ علی فرج فلانه بنت فلان بحق هذه الاسماء العظام اینست

۲	۱۷	۱۲	۷
	۳	۶	۹
۵	۱۰	۱۵	۱۴
۱۱	۸	۱	۱۳

نوع دیگر بتاندر روز ۴ شنبه و در خانه خالی رو و پانزده مقل ازرق بسوزاند اسامی چهار خانه را حساب را

حساب کرده بحساب چهل سه هزار دیگر بر این اضافه کند در استانه خانه انکس که خواهد وقتی بکند که بسته شود مجرب است

۷	۳	۱۲	۲
۴	۱۰	۱۵	
۱۵	۳	۶	۱۶
۱۴	۸	۱	۱۱

نوع دیگر بتاندر پاره کاغذ و اسامی چهار کانه را بحساب چهل حساب کند

بسم

سیصد دیگر بر اسامی بیفزاید و در قیر گیرد و در چاه اب اندازد و چنان کند که انکس از این اب چاه بخورد البته بسته شود این اینست

۳	۱۶	۱۳	۷
	۹	۱۲	۶
۱۰	۵	۸	۱۱
۱۵	۴	۱	۱۴

نوع دیگر بتاندر پاره پوست پیش شب یکشنبه ساعت عطار و اسامی را بحساب مذکور حساب کند و چهل هزار و

بازده بر اسامی اضافه کند در قیر یا موم کار نفرموده کرد و مقل ازرق و فلنل سیاه در این کرد و در اب چاه اندازد که

۴	۱۰	۱۵	۵
	۱۳	۱۲	۷
۸	۳	۶	۱۶
۱۴	۸	۱	۱۱

اب از آن چاه خورند مجرب است اینست نوع دیگر بتاندر پاره پوست کرب در شب یکشنبه بنک و شجرف و نامها را حساب کند و هزار سیصد و دو دیگر بر اسامی افزاید

و در پوست نویسد و در خمیر گیرد و بخورد و جانوران دهد انکس بسته شود این است

۲	۶	۱۳	۳
۱۱	۵	۸	۱۰
	۹	۱۲	۶
۱۴	۴	۱	۱۵

نوع دیگر بتاندر روز سه شنبه ساعت عطار دیگر ورق اهو و اسامی را حساب کند سیصد و شصت نه دیگر

بیفزاید و عود و حسن لبان و سندروس و مقل ازرق و پاره

عنه و زه طان بروی بچید و در سنک بند و در چاه اب اندازد که هرگز از این چاه بجز روند محرب است

۳	۱۶	۱۳	۲
۱۰	۵	۸	۱۱
۷	۹	۱۲	۶
۱۵	۴	۱	۱۴

باب پنجم در عقد النظر اگر خواهی که نظر کسی را به بندی که بجز از وی کسی دیگر را نظر کند اختیار کند روز را و ساعت را نیز اختیار کند و نظر ستاره

هفت گونه نگاه دارد و این دو شرایط که گفته شد باید که بجای آورد که چون عامل عمل کند روز و ساعت و نظرها بتلیث و تندیس و تزیین و مقابله و مقارنه را نگاه دارد و اگر اینها نداند ساعت عطار د یازهره باید باشد باید بتاند پاره کاغذ پاکیزه در روز سه شنبه بنام آنکس که خواهد و نام مادر او و نام طالب و مادر او نه هزار و نه دیگر بر این بیفزاید و برین پاره نقش کند و پاره موم کار نغمه موده بگیرد و در آن موم گیرد و در کنا منجلا ب حمام د فن کند تا آنکس بجهت دیگری نظر نکند و در دو مربع اسامی چهار گانه بنویسد و در زینهار

۲	۱۳	۱۶	۳
۶	۱۲	۹	۷
۱۰	۸	۵	۱۱
۵	۴	۱	۱۴

بهرام نکند که عاصی خواهد بود نوع دیگر بتاند پاره پوست خرد در روز ۴ شنبه ساعت عطار د و اسامی

چهار گانه را بحساب حمل بگیرد و هزار یکصد نود دیگر بر این بیفزاید و در مربع نویسد بر سر راه آنکس یا استانه خانه د فن کند چشم نداشته باشد که او را ببیند محرب است

۴	۱۵	۱۰	۵
۱۶	۶	۳	۹
۷	۱۲	۱۳	۲
۱۴	۱	۸	۱۱

نوع دیگر بنویسد بر پاره پوست روباه و بیست هزار نهمصد پنج دیگر بر اسامی اضافه کند در کورستان در میان گوری د فن کند که محرب است اینست مربع

۲	۱۳	۶	۳
۶	۱۲	۹	۷
۱۰	۸	۵	۱۱
۱۵	۴	۱	۱۴

نوع دیگر بنویسد بر کاغذ در شب یکشنبه ساعت عطار د در شکم ماهی تازه نهد در کورستان د فن کند که محرب است و باید که هزار صد و دوازده دیگر بر او بیفزاید یا عجایب ببیند

نوع دیگر بنویسد در روز دوشنبه در میان گوشت نهد و در آتش حمام اندازد و در نوشتن ده هزار ده عدد دیگر بر او بیفزاید تا عجایب ببیند اینست مربع

۲	۱۳	۱۶	۳
۶	۱۲	۹	۷
۱۰	۸	۵	۱۱
۱۵	۴	۱	۱۴

نوع دیگر بنویسد بر پوست کمرک در روز دوشنبه و دو بیت و چهار عدد دیگر اضافه اصل کند و در منجلا ب حمام باره

که این کار را شایسته باید که قمر در برج ثابت باشد و این هشت طریق است بنام پست گفتار در روز شنبه و نامها چهارگانه حساب کن دو بیت شصت عدد دیگر بروی بیفزای و در کورستان یهودان دفن کن که مجرب است بسیار

۵	۱۶	۹	۶
۱۶	۵	۴	۱۵
	۱۱	۱۴	۱
۹	۲	۷	۱۰

نوع دیگر بستاند پاره کاغذ و نامها چهارگانه را حساب کند در روز یکشنبه و چهار صد نو عدد دیگر بروی بیفزاید و در زیر سنگ کران نه که دارد مجرب است

۵	۱۰	۱۱	۸
۱۶	۳	۳	۱۳
۴	۱۵	۱۴	۱
۹	۶		۱۲

نوع دیگر بستاند پاره کاغذ و اسامی چهارگانه را حساب کن چهار صد پنج عدد بر او اضافه کن در روز چهارشنبه نویسی و در موم بکیر بخورد خر ماده ده تاراه انکی

بسته شود این است

۱۳	۷	۲	۱۲
۱۰	۴	۵	۱۵
۸	۱۴	۱۱	۱
	۹	۱۳	۶

نوع دیگر بستاند پاره پوست اهود در شب یکشنبه و نامها را بحساب جل در عدد در او در هزار هفتصد

۱۰	۴	۵	۱۵
۱۳	۷	۲	۱۲
۸	۱۴	۱۱	
۳	۹	۱۶	۶

نچاه دیگر بروی افزاید و در زیر خاک بنهان کند مجرب است اینست =

۲	۱۴	۱۲	۷
	۱۵	۱۰	۴
۱۱	۶	۳	۹
۱۶	۱	۸	۱۴

گذرا انکی دفن کند که مجرب است نوع دیگر بستاند پاره کاغذ در روز شنبه و اسامی چهارگانه را بحساب جل بکیر بیت هزار و چهل دیگر نیز بران بیفزاید در

شکم سبک ابی نهد در کورستان یهودان دفن کند مجرب است

۷	۱۲	۱۳	۲
۹	۶	۳	۱۶
	۱۵	۱۰	۵
۱۴	۱	۸	۱۱

نوع دیگر بنویسد در روز سه شنبه و سی هزار پانصد چهل دیگر بر اسامی اضافه کند که بنایت نیک است و مربع اسمان است که اول نوشته شد اینست

	۱۳	۱۶	۲
۱۰	۸	۵	۱۱
۶	۱۲	۹	۷
۱۵	۱	۴	۳

باب ششم در عقد الطریق اگر خواهی کسی را نگاه داری که بسفر نرود و راه او بسته شود نام انکی و نام مادر

انکی را بحساب جل بکیر نظرات کواکب سبعة نگاه دارد و احتیاط کند حرام نباشد تا مؤثر باشد اول در شناختن روز هار ساعتها که این کار را شاید روز شنبه ششم و در هر روز یکشنبه هفتم روز در شنبه باطل روز سه شنبه اول هفتم روز چهارشنبه دوازدهم روز پنجشنبه باطل است شب یکشنبه پنجم شب دوشنبه تا شب جمع باطل دیگر در دانستن بروجات که

باب عقد الطریق

که این

نوع دیگر بستاند پاره پوست اهو و نامها را بحساب کن مشصده
چهل و چهار دیگر بروی اضافه کن و در شب یکشنبه بر سر راه او

۱۳	۹	۶	۹
۱۳	۷	۳	۱۶
۱	۱۴	۱۱	
۸	۱۰	۵	۱۵

دفع کن که راه آن کسی بسته شود بحرب است

نوع دیگر بستاند پاره پوست اهو و نامها

را بحساب جل کن و مشصده چهل چهار دیگر

برو افزای در شب یکشنبه و نامها را حساب

کن و در استانه دفن کن که بحرب است

۱۳	۷	۹	۱۶
۱	۱۴	۱۱	۸
۱۵	۱۰	۵	۱۵

باب هفتم در فتح الباب و کشایش کارها

اگر کسی دست تنگ شده باشد بنویسد

چنانکه گفته شد اول شرایط بجای آورد

و نظرات کواکب سبعة را بتلیث و تدیس و تریج و مقابله
و مقارنه و ساعتها نگاهدار که این کار در ساعت بنویسد اسم
طالب و مطلوب و والدین بحساب جل گرفته اما باید که ساعت
روز و شب را خوب داند تا این کار را شاید اول روز شب را
شاید و روز یکشنبه و دو شنبه سیم و دهم شاید روز سه شنبه را
شاید روز چهارشنبه پنجم و دوازدهم شاید روز پنجشنبه اول و
هشتم را شاید روز جمعه چهارم و پنجم را شاید شب شنبه هفتم
شاید شب یکشنبه را شاید شب دو شنبه اول هشتم را شاید
شب سه شنبه پنجم و دوازدهم را شاید شب چهارشنبه بغایت

بهر

بدست شب پنجشنبه ششم را شاید شب جمعه دهم را شاید دیگر
در دانستن بر چها که این کار را شاید حمل بد بود نور نیک بود
جوزا و سرطان نیک اسد و مسینه بد بود میزان در درجه
اول جدی نیک بود عقرب بد بود قوس نیک بود جدی

و دگر بد بود حوت بغایت نیک بستاند پاره کاغذ و نام طالب
و مطلوب و اسم والدین محمود را بحساب جل بگیرد هزار و پنجاه
بر او بیفزاید روز یکشنبه سیم در ساعت مشتری در آن ساعت
که گفته شد در وقت نوشتن قدری عود و ادش بخور کند
و با خور دارد که کشایش در کارها او پیدا شود باید که مشک

۷	۹	۱۶	۶
۱۴	۳	۱	۱۵
۳	۱۳	۱۱	
۱۰	۸	۵	۱۱

نیار در این ان مربع

نوع دیگر بستاند پاره هریری سفید

و نامهای چهارگانه را حساب کند هزار یک

دیگر اضافه کند در روز پنجشنبه در مربع

نویسد و در موم و مصطکی گیرد و بر بارزی راست بندد که

فتح و کشایش در کار او پیدا شود اینست

نوع دیگر بستاند پاره ورق اهو در

روز دو شنبه ساعت مشتری و نامها را

حساب کند چهار صد و شصت عدد

۷	۹	۱۲	۷
۱۲	۱	۳	۱۵
۲	۱۳	۱۶	۳
۱۱	۸	۵	۱۰

دیگر بر او افزایش و با خود لادن بخورد کند و آن مربع را در موم

۲	۱۳	۱۲	۷
۱۱	۸	۱	۱۴
	۱۰	۱۵	۴
۱۶	۳	۶	۹

گیرد که کار نغمه بوده باشند با خود دارد اینست
نوع دیگر بستاند کاغذ پاک و اسامی
چهار گانه بحساب جمل در آورده نهصد
و پنجاه عدد دیگر بر او اضافه کند در مربع

نویسد در روز چهارشنبه در موم گیرد و با مداد در اب اندازد
و از آن اب روی خود را بشوید و خشک نکند که کتایش پدید آید

۵	۱۰	۱۵	۴
۱۱	۸	۱	۱۴
۲	۱۳	۱۲	۷
	۳	۶	۹

نوع دیگر بستاند پاره مقل ازرق و پاره
موم کار نغمه بوده و پاره لادن و بر هر یکی
چهل یکبار الحمد بخواند و بسم الله نیز بگوید
و هر سه بار بگوید کتاشم کار بسته خود را

و نامها را حساب کند شش هزار چهل یک عدد دیگر بر او افزایش
در شب شنبه بخورد بسوزاند و با خود دارد کتایش در کار او
پیدا شود اینست

۱۰	۵	۸	۱۱
۱۵	۴	۱	۱۴
۳	۱۶	۱۳	۲
	۹	۱۲	۷

نوع دیگر بستاند بنویسد بر هر پاره سفید
در شب دوشنبه و نامها را حساب کند هفت
هزار پنجاه عدد دیگر بر او بیفزاید و در مربع
نقش کند و با خود دارد که خوب است

نوع دیگر بنویسد بر کاغذ چهارصدی
دیگر بر آن اضافه نماید بر عدد اسامی
در شب شنبه بخورد بخورد کند و با خود
دارد که همه مراد برسد و بر دشمن ظفر

۱۱	۵	۸	۱۰
۱۴	۴	۱	۱۵
۳	۱۶	۱۳	۲
	۹	۱۲	۷

باید این است مربع

۱۰	۵	۸	۱۱
۱۵	۴	۱	۱۴
۲	۱۶	۱۳	۳
	۹	۱۲	۷

نوع دیگر بنویسد بر ورق آهور
نامها را حساب کند چهار هزار نود پنج
عدد دیگر بر او زیاده کند و در مربع

بنویسد و با خود دارد و در محل نوشتن باید که شب چهارشنبه
باشد و بخورد بسوزاند مربع مذکور واضح باشد

۱۱	۵	۸	۱۰
۱۴	۴	۱	۱۵
۲	۱۶	۳	۳
۷	۹	۱۲	

نوع دیگر در شب چهارشنبه بنویسد
بر هر پاره سفید و چهل یک عدد دیگر
و چهل یکبار سوره قل اعوذ برب الفلق
بخواند و پاره مقل ازرق بستاند

و چهل و یکبار سوره قل هو الله بر آن بخواند و همه را بگوید و
در محل نوشتن بسوزاند و نوشته را با خود دارد کتایش
بسم را میکند و چون مربع تمام شود دور مربع اسم طالب
و والده را بنویسد و آن اینست

۷	۹	۱۲	۶
۱۳	۱۴	۱	۱۵
۲	۱۶	۱۳	
۱۱	۵	۸	۱۰

باب هشتم در نصرت و نفع و رفتن نزد
ملوک اگر خواهی اورا عزیز دارند نام
اورا و نام مادر او و نام خود و نام مادر
خود را بحساب جمل در آورد و نظرات
پنجاه را ملاحظه نماید و ساعتها که این کار را شاید باید که
روز یکشنبه اول و ششم و هشتم روز دوشنبه نهم روز
سه شنبه دهم و نهم بهتر بود روز چهارشنبه ششم روز پنجم
اول و سیم روز جمعه پنجم و هفتم روز شنبه نهم شب
یکشنبه ششم شب دوشنبه سیم و دویم شب سه شنبه هفتم
و دوازدهم شب چهارشنبه یازدهم شب پنجم ششم شب
ادینه سیم و پنجم شب شنبه دویم دیگر در آنتن بروج
دوازده گانه جمل چه بود نوز نیک بود میزان نیک بود
عقرب بد بود قوس جدی دلو بد بود حوت نیک بود
دیگر در نظرات پنجاه تلیت و تدیس نیک بود تریح مقابله
مقارنه بد بود که پاره کاغذ پاک بتاند نام خود و مادر
خود و مطلوب و مادر مطلوب حساب کند سبصد پنجاه شش
دیگر بر او بیفزاید و در مربع بکنجاند و در موم گیرد و موم باید
که در مجلس بزرگان و پادشاهان گفته باشد و با خود دارد که مجرب است

۱	۱۴	۱۱	۸
۱۵	۴	۵	۱۰
۶	۹	۱۶	
۱۲	۷	۲	۳

نوع دیگر بنویسد هم چنانکه در پیش ۹۹۹
دیگر بر او زیاد کند در روغن بادام اندازد
و هفت روز بگذارد و بعد از آن در پیش
هر که رود از آن روغن در روی خود مالند

۱۴	۱۵	۴	
۱۲	۷	۶	۹
۸	۱۱	۱۰	۵
۱	۶	۳	۱۶

انگس اورا دوست دارد و این است
نوع دیگر بتاند پاره کاغذ در روز
چهارشنبه و نامها را حساب کند و ۲۱ و ۵
دیگر بر او افزاید و در موم گیرد و هر کسی
را که خواهد که ببیند آن نوشته را در آب اندازد و از آن آب روی
خود را بشوید و خشک نکند که هر که او را ببیند دوست دارد

۱	۱۱	۱۴	۸
۱۶	۹	۳	
۱۲	۲	۷	۱۳
۱۵	۵	۴	۱۰

نوع دیگر بتاند درق اهور روز شنبه
همچنانکه نامها را حساب کند و هزار و ده
عدد دیگر بر او زیاد و با خود دارد و پنجم
بسوزاند مجرب است

۱	۱۴	۱۱	۸
۱۲	۷	۲	۱۳
۶	۹	۱۶	
۱۵	۴	۵	۱۰

نوع دیگر بتاند پاره حریر سفید
و نامها را حساب کند هزار
دو بیت و چهار عدد دیگر
بر او بیفزاید در روز
سه شنبه با خود دارد مجرب است

۱	۱۵	۱۴	۴
۱۰	۱۱	۵	
۱۲	۶	۷	۹
۱۳	۳	۲	۱۶

نوع دیگر بتاند پاره کاغذ و نامهای چهارگانه را حساب کند و نه هزار و چهار عدد دیگر بر او افزاید در روز دین

۱	۱۱	۱۴	۱
	۱۶	۹	۳
۱۵	۵	۴	۱۰
۱۲	۲	۷	۱۳

بمشک و زعفران بنویسد و برابر و راست خود بنند بجهب است

نوع دیگر بتاند پاره ورق الطیر و نامهای چهارگانه را حساب نماید و

هفت هزار و چهل و نه عدد دیگر بر او افزاید در روغن یا سمین اندازد و شب سه شنبه بنویسد و شب در برابر ستاره کان بر او بگذراند و روز دیگر برگیرد و هر روز قدری در روی خود مالد در پیشی بزرگان که در روی عزیز دارند اینست

۱	۱۴	۱۵	۳
۸	۱۱	۱۰	۵
۱۲	۷	۶	
۱۳	۲	۳	۱۶

باب نهم در جبه و دوستی اگر خواهد که مردم را محبت خود گرداند باید که مربع را در عمل در آورد و شرایط اختیار کند چنانکه گذر این اول روزها و ساعتها که این عمل را

شاید روز شنبه پنجم و دوازدهم روز یکشنبه دوم و هفتم و نهم روز دوشنبه ششم روز سه شنبه ششم و هر روز چهارشنبه هفتم روزه شنبه چهارم و هشتم روز جمعه یکم و هفتم شب شنبه سیم و هر شب یکشنبه یکم و هفتم شب ۲ شنبه یکم و چهارم و ۵ و ۱۲ شنبه ۵ شنبه ۲ و ۶ و ۹ شب جمعه ۳ و ۱۰ و باید

کم ببرد

که بروج را نیز بدانند که این عمل را شاید حمل بد بود ثور جوزا نیک بود میزان نیک بود عقرب بد بود قوس نیک باشد جدی و دلو بد بود حوت نیک بود دیگر در دانستن نظرهای پنجاهگانه که کدام این کار را شاید بتسلیب و تقدیس نیک بود و تریب و مقابله و مقارنه بد بود این شرایط را نگاه دارد و با اعتقاد درست این نه سحر است همه اسامی خداست بتاند پاره پوست اهو و نامها را حساب کند ۴۵۰ دیگر بر او افزاید در روز سه شنبه این عمل کند نوشته با خود دارد که بجهب است

۷	۹	۱۳	۶
	۱۶	۱۳	۳
۱۴	۴	۱	۱۵
۱۱	۵	۸	۱۰

نوع دیگر بتاند پاره کاغذ و اسامی را حساب نمود و یک هزار بیت یک عدد دیگر بر او افزاید و در مربع بنویسد و در ادبم گیرد و برابر و روی راست بنند

نوع دیگر بتاند پاره کاغذ و نامها را حساب کرده هزار چهار صد پنجاه عدد دیگر بر او افزاید در روز سه شنبه و در موم گیرد که در عشرت سوخته باشد و بر نامداد در کلاب اندازد و بدان روی بشوید انکس او را ببیند دیوانه شود

۳	۱۰	۱۵	۵
۷	۱۳	۱۲	۲
	۸	۱	۱۱
۹	۳	۶	۱۶

نوع دیگر بتاند پاره کاغذ و نامها را حساب کند هزار چهار صد و پنجاه عدد دیگر بر او افزاید در روز سه شنبه

در موم گیرد که در عشرت سوخته باشد و هر بامداد در کلاب اندازد و بدان روی بشوید آنکس که او را ببیند دیوانه شود

۱۶	۳	۶	۹
	۱۳	۱۲	۷
۱۱	۸	۱	۱۴
۵	۱۰	۱۵	۴

نوع دیگر بتاند پاره هر بر سفید بنویسد و در باز و بندد بعد از آن که نامها را حساب نموده باشد پنجم هزار چهار صد و پنجاه شش عدد دیگر بر او افزاید در

روز چهارشنبه این عمل کند هر کس او را ببیند دیوانه شود

۴	۱۰	۱۵	۵
۷	۱۳	۱۲	۲
۱۴	۸	۱	۱۱
	۳	۶	۱۶

نوع دیگر بنویسد بر پاره کاغذ و در روغن یا سمین اندازد و در روز بگذارد و بعد از آن بردارد هر که اثر در روی مالدهر کسی که او را ببیند عاشق شود

که نامها را حساب کند نصف صد سی و پنج عدد دیگر بر او افزاید در روز پنجشنبه بنویسد که بسیار مجرب است اینست

۴	۱۰	۱۵	۵
۷	۱۳	۱۲	۲
۱۴	۸	۱	۱۱
	۳	۶	۱۶

نوع دیگر بنویسد در ورق اهو در روز جمع و نامها را حساب نموده هزار و نه عدد دیگر بر او افزاید و در روغن بادام اندازد و هفت روز بگذارد و بعد از آن

۱۱	۵	۸	۱۰
۲	۲	۱۳	۳
	۴	۱	۱۵
۷	۹	۱۲	۶

در روی خود مالدهر کسی او را ببیند دوست او شود و مربع اینست نوع دیگر بنویسد بر پاره کاغذ و در

روغن یا سمین اندازد و سه روز بگذارد و بعد از آن بر گیرد و بر روی خود مالدهر باید که نامها را حساب کند نصف صد سی و پنج عدد دیگر بر او افزاید در روز پنجشنبه این عمل بجای آورد

مربع اینست

۷	۱۳	۱۲	۲
۴	۱۰	۵	
۱۴	۸	۱	۱۱
۹	۳	۶	۱۵

نوع دیگر در شب شنبه بعد از حساب نامها را شش هزار چهل شش عدد دیگر بر او افزاید و در روغن زیت اندازد و تا سحر باشد و در روی خود مالدهر

کسی او را ببیند دوست او گردد

۶	۹	۱۲	۷
	۱۶	۱۳	۲
۱۵	۴	۱	۱۴
۱۰	۵	۸	۱۱

نوع دیگر بنویسد بر پاره هر بر سفید و اسامی را حساب کند و بیست و دو هزار و نصف صد و شش عدد دیگر بر او افزاید

و پاره موم سفید کار فرموده بتاند و مقل ازرق و فلفل و هر سه را بکوبد و بخورد کند و مربع را در میان ادویه نهاده در آدیم گیرد و بر بازو بندد هر کس که او را ببیند دوست

دوست او شود و مربع اینست
باب دهم در بیان دفع خصمان
اول روزها و ساعتها را بدانند که این کار را شاید روز شنبه چهارم و یازدهم

۱۰	۵	۸	۱۱
	۱۶	۱۳	۲
۱۵		۱	۱۴
۶	۹	۱۲	۷

باب دهم در دفع خصمان

روز یکشنبه پنجم و هفتم و یازدهم روز دوشنبه پنجم و دوازدهم روز
سه شنبه و روز ۴ شنبه ۳ و ۱۰ روز ۵ شنبه و جمع بد بود
شب شنبه ششم دسیم شب یکشنبه ششم شب دوشنبه و سه
شنبه بد بود شب چهارشنبه اول و هفتم شب پنجم و دوازدهم
شب جمع پنجم و ششم نیک بود دیگر در دانستن برج حمل نیک
نیک است بود ثور جزا بد بود سرطان نیک بود اسد و
سنبله بد بود میزان میانه عقرب بی نیک قوس نیک بود
جدی بد بود دلو نیک بود حوت بد بود دیگر در دانستن
نظرات پنجگانه ثلث تسدیس بد بود تربع مقابله مقا
مقارنه نیک بود بستاند پاره پوست شیر و نامهای
چهارگانه را حساب کند که هزار یک عدد برابر افزایش در
روز شنبه چون اسعور کبک بنویسد و در ویرانه که انجا
ادب خانه باشد دفن کند و بگوید که این بعشق فر ۲ فر
انا لله وانا الیه راجعون انکس بعد از سه روز هلاک
شود زینهار بناحق نکند که مبتلا میشود که ضامن او در کردن
باشد اینست مربع

۱۰	۵	۴	۱۵
۳	۱۶	۵	۶
۱۳	۲	۷	
۸	۱۱	۱۴	۱

نوع دیگر بستاند پاره پوست پلنگ
و بر یک روی او نامها را حساب کند
دو هزار صد و پنجاه چهار عدد دیگر

بر او افزایش و در روز یکشنبه بنویسد و در سوراخ خانه انکس
دفن کند ایضا دیگر بنویسد بر پاره پوست پلنگ و نا
نامها را حساب کند شش هزار عدد برابر افزایش و بخون آدمی
بنویسد و در کرباس گیرد که از کفن مرده مانده باشد در

کور دفن کند اینست مربع

۱۳	۷	۲	۱۲
۳	۴	۵	
۱۰	۹	۱۶	۶
۸	۱۴	۱۱	۱

نوع دیگر بستاند پاره کاغذ و نامها را
حساب کند و در روز چهارشنبه بنویسد
و دو هزار صد و چهارده عدد دیگر بر او

افزاید و در کفن جام دفن کند بخون آدم بنویسد
ایضا دیگر بستاند پاره کاغذ و نامها را حساب کند نه
هزار پنج عدد دیگر بر او افزایش و بر کرباس پاره گیرد که از
کفن مانده باشد و بستاند پاره قبر و از وی صورت سازد
و نوشته را بر میان آن صورت نهاد تا بوقی سازد و صورت
را در تابوت نهاد و در کورستان دفن کند و باید که در شب

سه شنبه نویسد مربع اینست ۱۱

۱۳	۱	۸	۱۱
۷	۱۲	۱۳	
۹	۶	۳	۱۶
۴	۱۵	۱۰	۵

باب یازدهم در بیان کثادن مردان
بر زنان اگر مردی بسته باشند و خواهد
که بکشد نام انکس و مادر انکس که

۱۴	۱	۸	۱۱
۷	۱۲	۱۳	۲
۹	۷	۳	۱۶
۴	۱۵	۱۰	۵

دارد این است مربع

نوع دیگر بتاند پاره کاغذ در روز سه شنبه و نامها را حساب کند و دوازده

هزار عدد بر او افزاید بمشک و زعفران در روز پنجشنبه و بکلاب بشوید و بخورد مجرب است این است مربع

۱۴	۱	۸	۱۱
۴	۱۵	۱۰	۵
۹	۶	۳	۱۶
۷	۱۲	۱۳	۲

نوع دیگر بتاند پوست اهو و نامها را حساب کند پنجاه هزار پنجاه عدد دیگر بر او افزاید بمشک و زعفران بشوید باخورد دارد این است مربع

۱۴	۱	۸	۱۱
۷	۱۲	۱۳	۲
۹	۶	۳	۱۶
۴	۱۵	۱۰	۵

نوع دیگر بشوید بر کاغذ زرد در روز پنجشنبه بمشک و زعفران و نامها را حساب کند و نوزده هزار دیگر بر او

افزاید و بر بازوی چپ بندد که بغایت مجرب است

۱۵	۱	۴	۱۴
۱۰	۸	۵	۱۱
۷	۱۲	۹	۶
۳	۱۳	۱۶	۲

نوع دیگر بتاند پاره ورق اهو و نامها را حساب کند در روز جمعه نه هزار و پنجاه عدد دیگر بر او افزاید و در موم کبره در آب اندازد و هر

بامداد روی خود را بان آب بشوید بعد از سه روز کشتار کرد

که بروی بسته اند و یکی از این مربع همچنانکه بروی نهاد اول در دانستن روزها و ساعتها که این کار را شاید روز سه شنبه دوم و نهم روز یکشنبه دوم روز سه شنبه اول و هشتم و سیم و دهم روز سه شنبه اول و هفتم روز ۴ شنبه بد بود روز ۵ شنبه اول ۳ و ۸ و ۱۰ روز جمعه هفتم شب شنبه ۷ شب یکشنبه بد بود شب دوشنبه اول و هشتم شب سه شنبه بد بود شب ۴ چهارشنبه و شب پنجشنبه ششم شب جمعه سیم و دهم دیگر در دانستن بر چهارجل بد بود نور میانه جوزا نیک سرطان بد اسد سبته میانه میزان بد عقرب نیک قوس و جدی و دلو بد حوت نیک دیگر در دانستن نظرات پنجمانه تثلیث و تدیس نیک بود تربیع و مقابله و مقارنه بد بود اول بتاند پاره پوست اهو نام آنکس و نام آنکه بروی بسته اند با نام والده حساب کند شصت و چهل عدد دیگر بر او افزاید و روز دو شنبه در بازوی

۱۴	۱	۴	۱۵
۷	۱۲	۹	۶
۱۱	۸	۵	۱۰
۲	۱۳	۱۶	۳

راست بندد که مجرب است مربع اینست
نوع دیگر بتاند پوست اهو و نامها را حساب کند پنج هزار پنجاه عدد دیگر بر او افزاید بمشک و زعفران بشوید باخورد

باب چهارم

نوع دیگر بنویسد نامها را حساب کند
 و سه هزار دو بیت عدد بر او افزاید و
 در کاغذ نویسد در شب سر شنبه و با
 خود دارد که مجرب است اینست مربع

۱۴	۱	۳	۷
۱۱	۸	۵	۲
۷	۱۲	۱۵	
۴	۱۳	۱۶	۳

نوع دیگر بتاند پاره حریر سفید و نامها را
 حساب کند و چهار صد و دوازده عدد
 دیگر بر او افزاید در شب دوشنبه بنویسد
 و در موم گیرد بر بازوی راست بندد مجرب

۱۱	۱	۸	۱۴
۱۶	۶	۳	۹
۲	۱۲	۱۳	۷
۵	۱۵	۱۰	۴

نوع دیگر بتاند پاره حریر سفید
 و نامها را حساب کند در شب پنجشنبه
 دوازده هزار هفتصد پنجاه یک بر او
 افزاید و در کمر گاه خود بندد مجرب است

۱۱	۱	۸	۱۴
۱۶	۶	۳	۹
۷	۱۲	۱۳	
۵	۱۵	۱۰	۴

نوع دیگر بتاند پاره ورق اهو و
 نامها را حساب کند سی و دو هزار شصت
 پنج دیگر بر او افزاید نوشته با خود دارد
 مجرب است

۱۱	۱	۸	۱۴
۶	۲	۹	
۲	۱۲	۱۳	۷
۵	۱۵	۱۰	۴

باب دوازدهم در بند زبان
 اول دانستن روزها که این کار را شاید
 روز شنبه سیم و دهم روز یکشنبه هفتم و دهم

۱۵	۱	۴	۱۴
۶	۱۲	۹	۷
۸	۵	۱۰	۱۱
۳	۱۳	۱۶	

در بیان فوائد شانزده خانه

دوشنبه بد بود روز سر شنبه اول روز چهارشنبه پنجم روز
 پنجشنبه و جمعه بد بود شب شنبه ششم شب یکشنبه و دو شنبه
 بد بود شب سه شنبه ششم شب چهارشنبه اول و سیم شب
 پنجشنبه ۴ شب جمعه یازدهم دیگر در دانستن بر چهار حمل بد
 بود ثور نیک جوزا بد سرطان نیک اسد بد سنبله نیک
 میزان بد عقرب میانه قوس بد جدی نیک دلو حوت
 بد دیگر در دانستن نظرات تثلیث و تسدیس بد تریج
 مقابله مقارنه نیک اول بتاند پوست شیر یا روده
 کوسفند و بنه بلند تا ان خصم کجا پول میکند از ان جایگاه
 تازه کل بردارد هفت کلوه کند و در ان پوست اندازد و
 و سردی محکم کند بیاویزد و در روز یکشنبه این عمل کند و نام
 او و نام مادر او حساب کند زینها را از حرام محفوظ باشد مجرب

۹	۷	۶	۱۲
۴	۱۴	۱۵	
۱۶	۲	۳	۱۳
۵	۱۱	۱۰	۱

نوع دیگر بتاند پاره کاغذ و نامها را
 حساب کند پنجمزار و شش دیگر بر او
 افزاید و در موم نقش
 کند در روز یکشنبه و ان
 کاغذ را زیر سنک کران گذارد مجرب است
 نوع دیگر بتاند پاره کاغذ و نامها را

۱۳	۲	۷	۱۲
۸	۱۱	۱۴	۱
	۵	۳	۱۵
۳	۱۶	۹	۶

باب ۱۲ در زبان

حساب کند در روز سه شنبه سه هزار دوازده و دیگر بر او افزاید
در مربع نویسد و در استانه انکس یا پاره گذارد فن کند

۱۰	۵	۴	۱۵
	۱۱	۱۴	۱
۱۲	۲	۷	۱۲
۳	۴	۹	۶

نوع دیگر بنویسد بر کاغذ نامهار
و حساب کند یک هزار و چهار صد ده
دیگر بر او افزاید پاره کلی بگیرد از
انجا که انکس بول کند او کرده باشد

در میان این مربع دافند در میان خانه بیاید و باید
روز چهارشنبه بنویسد مجرب است

۳	۹	۱۶	۶
	۱۴	۱۱	۱
۱۳	۷	۲	۱۲
۱۰	۴	۵	۱۵

نوع دیگر در عقد النساء بگیرد پاره
کاغذ و نامهار حساب کند بیست و هزار
دوازده عدد دیگر بر او افزاید و در شب

شنبه بنویسد و دو جای که نم داشته باشد دفن کند این است

۳	۹	۱۶	۶
	۱۴	۱۱	۱
۱۰	۴	۵	۱۵
۱۳	۷	۲	۱۲

نوع دیگر در عقد النساء بنویسد
بر کاغذ و در پاره جامه انکس بچید و
در چاه اندازد که آب از آن بخورد و
نامهار حساب کند در شب چهارشنبه

شش هزار و بیست و نه عدد زیاده کند
نوع دیگر بتانند پاره کرباس و این
مربع را در او نویسد و در محل نوشتن

۹	۶	۷	۱۲
۴	۱۵	۱۴	۱
۱۶	۳	۲	
۵	۱۰	۱۱	۸

هزار چهل عدد دیگر بر او افزاید و در آب روان اندازد مربع

۵	۱۰	۱۱	۸
۴	۱۵	۱۴	۱
	۲	۷	۱۲
۹	۶	۷	۱۳

باب سیزدهم در آوره کردن خصمان
از شهر و مقام خود باید که شرایط نگاه
دارد اولاً ملاحظه روزها و شبها و ساء
عتمها نماید روز شنبه اول و سیم و هفتم

روز یکشنبه اول و دوم و ششم و هفتم روز دوشنبه اول و
دوم و هشتم روز سه شنبه و چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه بد بود
شنبه شنبه ششم و بازدهم و دوازدهم شب یکشنبه دوم و سیم
شب دوشنبه و سه شنبه بد است شب چهارشنبه اول و
۵ و ۷ / شب پنجشنبه سیم و چهارم شب جمعه اول و دوم
و هفتم دیگر در دانستن بروج و نظرات فر که این کار را
شاید حمل نیک بود لور و جوزا بد بود سرطان و اسد
میان سنبله نیک و میزان میانه عقرب بد قوس نیک
جدی بد دلو میانه حوت نیک دیگر دانستن نظرات
تثلیث و تدیس بد تربع و مقابله و مقارنه نیک روز
شنبه پاره کاغذ بتانند و نامهار حساب کند هزار دو
بست بیست عدد دیگر بر او افزاید و در مربع بنویسد و
مربع را در بال کچشک بندد و به بیرون شهر روانه کند

باب
آورده
۱۶

۱۳

آوره شود این است مربع

۳	۹	۶	۶
۸	۱۴	۱۱	۱
۱۰	۴	۵	۱۵
۱۳	۷	۲	۱۲

نوع دیگر بتاند پاره کاغذ و نامهارا حساب کند روز یکشنبه هزار چهل پنج عدد دیگر بر او افزاید و در میان گوشت

نهد و در آب روان اندازد و این است مربع

۱۲	۷	۲	۱۳
۱	۱۴	۱۱	۸
۱۵	۴	۵	۱۰
۶	۹	۱۶	۳

نوع دیگر بتاند نامهارا حساب کند و هزار پانصد عدد دیگر بر او افزاید و در کاغذ نویسد و در کورستان بپودان

دفعه دیگر بتاند نامهارا حساب کند پنج هزار عدد دیگر بر او افزاید و در کاغذ نوشته در استانه خاندوی پنجمان کند انکس آوره شود مربع اینست

۱۵	۴	۵	۱۰
۱	۱۴	۱۱	۸
۱۲	۷	۲	۱۳
۶	۹	۱۶	۳

نوع دیگر بتاند نامهارا حساب کند و شش هزار عدد بر او افزاید در شب یکشنبه و در کاغذ نویسد زیر پر کجشک بند و درها کند انکس آوره شود مربع اینست

۶	۱۶	۹	۳
۱	۱۱	۱۴	۸
۱۳	۲	۷	۱۳
۱۵	۵	۴	۱۰

نوع دیگر بتاند پاره کاغذ یا کرباس که از کفن مانده

بگذرد

باشد بفرست و نامهارا حساب کند و در کاغذ نویسد و در کفن گیرد و در خانه انکس دفن کند و در محل نوشتن نامهارا حساب کند و چهارده زیر آهن در میان کرباس

۱۲	۶	۷	۹
۱	۱۵	۱۳	
۱۳	۳	۲	۱۶
۸	۱۰	۱۱	۵

نقد این است

نوع دیگر نامهارا حساب میکند هفت هزار هفتصد و چهار عدد دیگر بر او اضافه کند و در هر کدر انکس دفن کند و باید

۸	۳	۱۱	۵
	۱۵	۱۴	۴
۷	۱۰	۲	۱۶
۱۲	۶	۱۳	۹

در دوشنبه نویسد مربع اینست

باب چهاردهم در بیان جدائی ما

۶	۱۶	۹	۳
	۱۱	۱۴	۸
۱۵	۵	۴	۱۰
۱۲	۲	۷	۱۳

بین دو کس که مجرام باشد بشرایط نگهدارد و ملاحظه ساعتها و ساعت نماید

روز شنبه اول و هشتم روز یکشنبه پنجم و دوازدهم روز دوشنبه ۲ و ۵ و ۹ و ۱۲ روز سه شنبه اول و چهارم و هشتم و یازدهم روز ۴ شنبه ۲ و ۳ و ۸ و ۱۰ روز پنجشنبه و جمعه بد است شب شنبه اول و پنجم و ششم و هشتم و دوازدهم شب یکشنبه ۲ و ۵ و ۹ و ۱۲ شب ۲ شنبه بد بود شب سه شنبه ۱۳ شب چهارشنبه اول و سیم و ششم و هفتم و هشتم و نهم شب پنجشنبه پنجم و هفتم و دوازدهم شب جمعه ۲ و ۴

۹ و ۱۱ دیگر در دانستن بروج حمل نیک بود نور جوز اید
سرطان نیک اسد و سنبله و میزان بد بود عقرب نیک قوس
بد بود جدی و کوحوت نیک بود دیگر در دانستن نظرات
تثلیث و تدیس بد تریح و مقارنه نیک بستاند پاره
کاغذ و نامها را حساب کند یکمزار پنجاه عدد بر او افزاید
در روز شنبه و در خانه انکس دفن کند و مربع انست

۱۴	۴	۱	۱۵
۷	۹	۱۲	۶
۱۱	۵	۸	۱۰
۳	۱۶	۱۳	۲

نوع دیگر بستاند پاره کاغذ و نامها
را حساب کند در روز یکشنبه هزار
دویت دو عدد بر او افزاید و در
خانه انکس دفن کند یا در کوزه وی

اندازد که آن کوزه اب میخورده باشند مجرب است

۱۱	۸	۱	۱۴
۷	۱۲	۱۳	۶
۱۶	۳	۶	۹
۵	۱۰	۱۵	۴

نوع دیگر بنویسد در روز دوشنبه
نامها را حساب کند و در هزار پنج عدد
دیگر بر او افزاید و در کرباس که از کفن
مانده باشد بگیرد و در کورستان
یهودان دفن کند که از جمله مجرب است

نوع دیگر بنویسد بر پاره پوست
خر و نامها را حساب کند و در روز

سه شنبه ششمزار پنجاه شش عدد دیگر بر او افزاید و در جای
که نم داشته باشد دفن کند مجرب است

۱۵	۱	۴	۱۴
۱۰	۵	۸	۱۱
۷	۹	۱۲	۶
۳	۱۶	۱۳	۲

نوع دیگر بستاند پاره کاغذ و نامها
را حساب کند در روز چهارشنبه پنجمزار

هفصد نه عدد دیگر بر او افزاید و در استانه خانه پنهان کند

۱۴	۴	۱	۱۵
۱۱	۵	۸	۱۰
۷	۹	۱۲	۶
۳	۱۶	۱۳	۲

نوع دیگر بنویسد و در میان گوشت
نهد در شب دوشنبه دو هزار دو بیت
پنج عدد دیگر بر او افزاید در منجلاب

حمام اندازد

نوع دیگر بنویسد بر کاغذ در میان
خمیر نهد و در اب حمام اندازد و میباید
که نامها را حساب کند و سه هزار عدد
دیگر بر او افزاید و در محل نوشتن باید

۴	۸	۱	۱۱
	۳	۶	۱۶
۷	۱۳	۱۲	۲
۱۴	۱۰	۱۵	۵

که شنبه باشد مجرب مربع است

۱۴	۸	۱	۱۱
۴	۳	۶	۱۶
	۱۰	۱۵	۵
۷	۱۳	۱۲	۲

نوع دیگر بنویسد بر پوست خرد
و نامها را حساب کند و باید که شب
شنبه باشد یا شب چهارشنبه یا شب
پنجمشنبه بیست پنج هزار عدد بر او افزاید و در سر راه خانه انکس

پنجمشنبه بیست پنج هزار عدد بر او افزاید و در سر راه خانه انکس

انگس اندازد مجرب است
نوع دیگر بنویسد بر کاغذی بایر
پاره پوست و در میان و بند نمود و در
پاره کرباس که از کفن مانده باشد

۱۵	۴	۱	۱۴
۹	۹	۱۲	۷
۱۰	۵	۸	۱۱
۳	۱۶	۱۳	۲

در کورستان دفن کند بعد از سه روز آورده شود

۱۴	۹	۱	۱۱
۰	۳	۶	۱۶
۴	۱۰	۱۵	۵
۷	۱۳	۱۲	۲

باب پانزدهم در بیان دیدن خوا
خوانین اگر خواهی که او را دوست دارند
اول در دانستن ایام و ساعات روز شنبه
۱۲ و ۵ / و روز یکشنبه اول و دوم و

چهارم روز دوشنبه ششم و هشتم و یازدهم روز سه شنبه ۲
و ۳ و ۹ و ۱۰ روز چهارشنبه ششم و هفتم روز پنجشنبه اول
و دوم و ششم و چهارم و هشتم و نهم و یازدهم روز جمعه هفتم
ساعت نکند باقی نیک است شب یکشنبه یکم و هشتم شب
دوشنبه همه ساعات نیک است شب چهارشنبه پنجم و یازدهم
و چهاردهم شب پنجشنبه اول و ۲ و ششم و ۹ / شب جمعه
۲ و ۵ و ۹ شب شنبه ۲ نهم و ۳ و یکم و ۴ و ۷ و یازدهم
دیگر در دانستن بروج حمل بد نور جزا نیک سرطان بد
اسد میانه سنبله و میزان نیک عقرب بد قوس نیک

جدی و دگر بخت نیک دیگر در دانستن نظرات بتلیث
و تبدیس نیک تریع و مقابله و مقارنه بد اولاً بستاند پاره
کاغذ و نامها را حساب کند چنانکه گفته شده و پانصد پنجاه
عدد دیگر بر او زیاره کند در روز شنبه بمشک و زعفران بر

۱۶	۲	۳	۱۳
۷	۶	۱۲	
۱۱	۱۰	۸	
۴	۱۳	۱۵	۱

بر بازوی راست بندد و این مربع اینست
نوع دیگر بنویسد بر پاره کاغذ یا
حریر سفید اگر باشد بهتر است و نامها را
حساب کند در روز یکشنبه و دو هزار

صد عدد دیگر بر اوی افزاید و نوشته را با خور دارد و این مربع

۱۰	۵	۴	۱۵
۱۶	۹	۶	
۱۳	۲	۷	۱۲
۸	۱۱	۱۴	۱

نوع دیگر بنویسد بر ورق اهو بنویسد
در موم گیرد و هر بامداد در کلاب
اندازد و روی خود را بدان کلاب بنویسد
هر کس که او را بیند دوست خود میگرد

میباید که در روز دوشنبه نامها را حساب کند روز سه شنبه
یا شب شنبه پنجاه رویت بر او افزاید و در روغن بادام اندازد

۱۳	۷	۲	۱۳
۱۰	۴	۵	۱۵
۹	۱۶	۶	
۸	۱۴	۱۱	۱

و چون پیش پاره شاه و بزرگان رو باره
از آن در روی خود مالده مربع اینست
نوع دیگر بنویسد در روغن یاسین

باب چهارم

۱۰۴

اندازد و هفت روز بگذارد بعد از آن بگیرد و در روی خود مال
چون بیش آنکس روز اول نامها را حساب کند در روز چهارشنبه
یا پنجشنبه دو بیت نور دیگر عدد بزرگتر بر او افزاید و بروی چهره

۱۳	۲	۳	
۸	۱۱	۱۰	۵
۱۲	۷	۶	۹
۱	۱۴	۱۵	۴

سفید نویسد و با خود دارد مجرب است
نوع دیگر بنویسد بر حریر سفید با خود
بردارد و نامها را حساب کند در روز آدینه
باشب سه شنبه شش هزار شصت و شصت

۱۳	۲	۳	۱۶
۸	۱۰	۱۱	
۱۲	۷	۶	۹
۱	۱۴	۱۵	۴

عدد بر او افزاید این است مربع
نوع دیگر بنویسد بر کاغذ در موم
گیرد که در عروسی یا در مجلس عشرت
سوخته باشد با خود دارد و باید که در شب
یکشنبه باشب دوشنبه نامها را حساب کند و چهار هزار
و پانصد پنجاه عدد دیگر بر او افزاید این است مربع

۱۳	۲	۳	۱۶
۸	۱۰	۱۱	
۱۲	۷	۶	۹
۱	۱۴	۱۵	۴

نوع دیگر بنویسد بر کاغذ و در موم
گیرد که در عروسی یا در مجلس عشرت
گرفته باشد و با خود دارد و باید که در شب
یکشنبه باشب دوشنبه نامها را حساب کند
در این شبها یا بر پوست اهو و نه هزار چهل هشت عدد دیگر

از نوبت

در بیان خواص شانزده خانه

۱۰۵

۱۶
باب
مختص
زن و شوهر

۱۵	۵	۴	۱۰
۱۲	۳	۷	۲
۶	۱۶	۹	۱۳
۱	۱۱	۱۴	۸

بر او افزاید مربع اینست و برابر و بنود
باب شانزدهم در بیان محبت بین
زن و شوهر بهر کار که خواهد بغیر از
بغض و عداوت بهر کاری که موافق

مشنع باشد اول ایام و ساعات را ملاحظه نماید روز شنبه
۱۲ و ۵ روز یکشنبه یکم ۷ و ۶ و ۴ و در روز دوشنبه

۲ و ۹ و ۳ روز ۴ شنبه اول ۷ و روز پنجشنبه ۲ و ۹

۵ و ۸ و ۱۱ و روز جمعه یکم ۸ و ۲ و ۴ و ۵ و ۱۱ شب شنبه

۲ و ۹ شب یکشنبه بد بود شب ۲ شنبه ۱ و ۹ و ۴ و ۵ و ۱۱

۱۲ و شب چهارشنبه بد بود شب پنجشنبه ۲ و ۹ و ۶ و شب

جمعه بد بود دیگر در دانستن بروج حمل بد بود ثور و جوزا

نیک سرطان بد بود سنبله میانه میزان نیک عقرب بد

بود قوس نیک جدی و دلو بد حوت نیک دیگر در دانستن

نظرات تثلیث تسدیس نیک تربیع مقابله مقارنه بد بود

بستاند پاره کاغذ و نامها را حساب کند هزار بر او افزاید

و در بازوی راست بنود مربع اینست

نوع دیگر بستاند پاره کاغذ و نامها

را حساب کند و هفت صد بیت عدد

۷	۱۳	۹	
۲	۱۲	۱۶	۳
۱۴	۱	۴	۱۵
۱۱	۸	۵	۱۰

عدد بر او افزاید و با خود دارد محرب است مربع اینست

۹	۶	۳	۱۶
	۱۵	۱۰	۵
۱۴	۱	۸	۱۱
۷	۱۲	۱۳	۲

نوع دیگر بنویسد بر پرست اهو و نا
مهارا حساب کند و چهار صد دیگر
بر او افزاید و با خود دارد محرب است

۱۱	۸	۵	۱۰
۲	۱۳	۱	۳
۱۴	۱	۴	۱۵
۷	۱۲	۹	۶

نوع دیگر در روز سه شنبه یا چهارشنبه
نامهارا حساب کند پنج هزار عدد بر او
افزاید که محرب است اینست مربع

۵	۱۵	۱۰	۴
۲	۱۲	۱۳	۷
۱۱	۱	۸	۱۴
۰	۶	۳	۹

در قاعده اسم کنجائیدن غیر نظم طبیعی
انستکه که عدد انرا بگیرد و سی از ان
طرح کند و مابقی را بر چهار قسم سازند
اگر ربع صحیح باشد ثلثش را بیدار

و مابقی را در خانه اول بنویسد و هیچ اضافه نکند و در
خانه دوم یکی اضافه کند و در سیم دو اضافه کند تا آخر
و اگر ربع صحیح نباشد اگر یکی زیاده باشد انرا در خانه ۱۳
اضافه کند و اگر دو زیاده باشد یکی در خانه نهم و اگر سه
زیاده باشد یکی در خانه پنجم اضافه نماید و قاعده اسم
کنجائیدن در مربع مضمربطریق سدسی انستکه تا سیزده

نظم

بنظم طبیعی بکنند یعنی عدد مقرر بنویسد و از سیزده تا
شانزده که چهار خانه است اسم را حساب کند که چند عدد
است بعد از ان بیست و یک از ان طرح کند و تمه را در
خانه سیزدهم بنویسد و یکی بر ان افزاید و در خانه چهارم
تا آخر تمت رساله بید الحفیة الشیخ جیب اردبیلی

باب پنجم در بیان در خواص چهل اسم بنوعی که از حضرت
امام جعفر ابن محمد صادق علیه السلام روایت شده اینست هر که
هر روز سیصد شصت شش بار بخواند حق تعالی حاجتهای
دین و دنیاى وی بر او رده گرداند و اگر کسی را فرزند نشود
هر روز هزار پنجاه بار بخواند و صائم باشد و از حیوانی پرهیز
نماید حق تعالی فرزند دهد و اگر بیماری سخت بود هر روز هزار
پانصد یکبار بخواند و حلال خورد و صحت بخشد حق تعالی و اگر

۹	۴	۱۴	۷
۶	۱۶	۱	۱۲
	۱۰	۸	۱۳
۱۵	۵	۱۱	۲

عدد و نون ۴ در ۴ بنویسد چون فرود
سینه باشد با خود دارد از دیوان و پریان
امان یابد و اگر در کشت او بزد از انست
سالم یابد و اگر هفت روز روزه بدارد

و هر روز نهار بدین شکل را شسته زن و شوهر خوردند وقتی نویسد

که قمر در میزان باشد حق تعالی فرزند دعت اینست
اللهم يا خالق النور يا نور النور وتوالت بالنور والنور
في نور نورك يا نور

هر که هر روز یکبار بخواند در دنیا و آخرت محتاج نشود و اگر
بیش پاره شاهان رود چهل یکبار خواند بود با فتح باز
کرد و اگر اعداد وفق ۴ در ۴ نویسد و با خود دارد و در
فتیحه قمر در حمل باشد از افت دیو پری درمان باشد و
بیش هر که بحاجت رود و اگر در حوت بود نوشته

با خود دارد همه جا عزیز بود اسم اینست
یا عزیز نعزرت بالعزرت والعزرت فی
عزة عزتك یا عزیز وفق اینست

۱	۱۴	۱۱	۸
۱۳	۷	۲	۱۲
	۹	۱۶	۳
۱۵	۴	۵	۱۰

۶

دویم

هر که سی و هفت بار بخواند در بیش خلق باوقار گردد با هیبت
نماید و یکصد و سی نه بار بخواند و صایم بود سی یک روز بزرگی
یابد هر که اعداد وفق ۴ در ۴ بنویسد از افت دیو پری امان
یابد و چون قمر در دلو باشد نوشته با خود دارد با هیبت نماید
و از او ترسند و اگر بنویسد چون قمر در قوس است و در کردن
چهار پاشی و در کردن کله در سه درنده دران کله و رمه در نیابه
اینست

اینست اسماء یا جلیل تجللت یا الجلال
والجلال جلال جلالک یا جلیل

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
	۱۶	۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

هر که یکمزار پانزده بار هر روز بخواند از
نرس و پریشان احوال ایمن بود و قرب حق تعالی یابد و صاحب
یعین گردد و اعداء وفق ۴ در ۴ بنویسد چون قمر در میزان
بود در کردن مصروع بند از افت دیو پری امان باشد یا در
کردن مجنون بند خلاص شود و اگر چهار پایان شیرین دهند
و در ساعت شمس نوشته در کردن بند

۱۶	۴	۱۱	۲
۶	۱۰	۱	۱۳
	۱۵	۸	۱۲
۹	۵	۱۴	۷

دشیر دهد بر امر باری تعالی
یا واحد توحدت بالوحدانیه والوحد
فی وحدانیه وحدانیتک یا واحد ربی

۴ چهارم هر که بریشان احوال باشد و سامان خود
ندانند باید که سه هزار سه بار بخواند حق تعالی در زرق بر او بکشد
و سامان او پیدا شود و اگر خواهند بهتر این مردمان باشند بعد
از فریضه شصت یکبار بخواند و اگر اعداد وفق ۴ در ۴ بنویسد
چون قمر در جدی باشد و نزد خود دارد از دیوان و پریشان درمان
باشد و حق تعالی بریشان از او برگیرد و هرگز محتاج نشود

۳

يَا فَرْدَ تَقَرَّبَتْ بِالْفَرْدَانِيَّةِ وَ
الْفَرْدَانِيَّةِ فِي فَرْدَانِيَّةِ فَرْدَانِيَّتِكَ يَا فَرْدَ
۵ پنجم

۱۲	۱۵	۲	۵
	۶	۱۱	۱۶
۷	۴	۱۳	۱۰
۱۴	۹	۸	۳

هر که این اسم را بیار هزار و هشت بار بخواند صحت یابد و اگر براسیب روزه باشد یکبار بخواند صحت یابد و اگر در صبی یا گرفتار دالمی بود بیست یک روز روزه دارد و هر روز هزار پانصد یکبار بخواند حق تعالی نجات دهد و اگر اعداد وفق ۴ در ۴ نویسد چون قمر در لوبود براسیب روزه یا بیمار بندد شفا یابد و چون قمر در جوزا بود نوشته با خود دارد از حبس خلاص شود نوشته در زراعت استاد کند از جمع اوقات حق تعالی نگاه دارد و نموبیاری کند و اسما اینست

۹	۴	۱۴	۷
۶	۱۵	۱	۱۲
	۱۰	۸	۱۳
۱۶	۵	۱۱	۳

يَا جَبِيلَ تَجَمَّلْتَ يَا جَمَالَ وَالْمَجْدَالَ فِي
جَمَالَ جَمَالَكَ يَا جَبِيلَ ۶ ششم

اگر کسی حیران روزه کار و سرگردان بود و احوال او بگدائی رسیده باشد باید که هر روز دو هزار یکبار بخواند و از حیوانی پرهیز نماید حق تعالی اسباب راحتی او را بسازد و در رزق بر او بکشد هر که اعداد وفق ۴ در ۴ بنویسد چون قمر در برج عقرب بود

و بر خود بر دارد و در نزد خلق مکرم گردد و خلق تواضع بجا آورند

يَا كَرِيمَ تَكْرَمْتَ بِالكَرَمِ فِي كَرَمِ كَرَمِكَ
يَا كَرِيمَ ۷ هفتم

۱۲	۱۵	۲	۵
	۶	۱۱	۱۶
۷	۴	۱۳	۱۰
۱۴	۹	۸	۳

هر که زیر دست بود و خواهد زیر دست

شود سه روز هر روز هفصد بار بخواند حق تعالی او را زیر دست گرداند و از خلق عزیز گرداند و بسیار محتاج او باشند هر که اعداد وفق ۴ در ۴ بنویسد چون قمر در جوزا باشد و بر خود دارد و از زبردستی خلاص یابد و اگر بجزمت باشد با خود دارد در نظر خلق عزیز گردد و بزرگی یابد

يَا عَزِيزَ تَعْظَمْتَ بِالْعِظَةِ وَالْعِظَةِ فِي
عِظَةِ عِظَتِكَ يَا عَظِيمَ ۸ هشتم

۷	۱۳	۱۳	۲
۱۴	۱	۸	۱۱
	۱۵	۱۰	۵
۹	۶	۳	۱۶

هر که هلاک دشمن خواهد هفت هفت روزه دارد و حیوانی نخورد هر روز

یکصد یا زده مرتبه بخواند دشمن هلاک شود یا او آواره گردد البته و اگر دوستی خواهد هر روز یکصد هشتاد بار بخواند تا چهل روز آنکس از دوستی او حیران شود هر که اعداد ۴ در ۴ بنویسد چون قمر در قوس باشد بر خود دارد دوستی و محبت شود و اگر نوشته سه روز زن دشمن را خوراند دوستی بهم رسد

يَا جِبَارَ تَجَبَّرْتَ بِالْجَبْرُوتِ الْجَبْرُوتِ
جَبْرُوتِكَ يَا جِبَارُ ۹ نهم

۱۶	۵	۱۱	۲
۳	۱۰	۸	۱۳
	۱۵	۱	۱۲
۹	۴	۱۴	۷

هر که این اسما را بسیار خواند بزرگی باید
و اگر بعد از نماز فریضه سیصد شصت

بار بخواند حق تعالی بنظر رحمت بر او نگرند و هر که اعداد رفت
۴ در ۴ نویسد و در کردن کودک بنده حق تعالی محفوظ
باشد و اگر چون نویسد فر در حوت بود از دیو پری ایمن
باشد و اگر در سراب کور کند آن زراعت را حق تعالی اکمال
رساند و اگر با جود دارد هرگز زیر دست نگرند و نزد پادشاهان
اعتبار یابد يَا كَبِيرَ تَكَبَّرْتَ بِالْكِبَرِ يَا وَ الْكِبَرِ يَا وَ فِي كِبَرِ يَا

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
	۱۶	۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

کبریا نیک یا کبیر ۱۰ دم

هر که رفت مصاف خواهد بردشمن غالب
کرد و هر که در دشمن غالب بود هر شب هزار
ببار بخواند آن دشمن دفع شود هر که را

اعداد رفت ۴ در ۴ بنویسد چون فر در میزان باشد و در
ساق دست بند از دیو پری ایمن باشد و در راه مانده
نشود و اگر خواهد بردشمن غالب کرد با خود دارد
يَا قَدِيرَ تَقَدَّرْتَ بِالْقُدْرَةِ وَالْقُدْرَةَ فِي قَدْرَتِ قَدْرَتِكَ يَا قَدِيرَ

۱۱۲

۱۱ یازدهم

۷	۱۳	۱۳	۲
۱۴	۱	۸	۱۱
۴	۱۵	۱۱	۵
۹	۶		۱۶

اگر دشمن غالب یادارنده بود خواهد که
دفع کند او را چهل بگرد روزی دارد و حیوان
نخورد و هر روز پنج هزار مرتبه بخواند آن

دشمن هلاک شود و بقوت این پادشاهان عظیم و لشکرهای قوی
توان دفع کرد و اگر دوستی خواهند هر روز پانصد پنج بار بخواند
که از محبت هلاک شود هر که اعداد رفت ۴ در ۴ نویسد چون
فر در حلی بود و در کور کهنه گذارد هر روز پانصد بار بر قبر خواند
دشمن هلاک شود و باید که بی گناه ننگند خود هلاک شود و اگر

فر در غضب بود نوشته خواند از دیو پری ایمن شود
يَا فَتَّارُ تَفْتَتَرْتَ بِالْفَتْرِ وَالْفَتْرَ فِي فَتْرِ فَتْرِكَ يَا فَتَّارُ

۱۲ دوازدهم

۱۴	۱۱	۸	
۱۲	۷	۲	۱۳
۶	۹	۱۶	۲
۱۵	۴	۵	۱۰

هر که هر روز صد یازده بار بخواند دل او
روش کرد اگر تهمت گرفتار شده باشد
یا مصیبت یابد که هر روز هزار چهار صد بار

بخواند تا چهل روز حق تعالی خلاص گرداند او را و اگر پیش پادشاهان
و اکابر و در چهل و یک بار بخواند و بر خود دست مطیع دستگیر شوند
اگر چه رنجیده باشد هر که اعداد رفت ۴ در ۴ نویسد چون

چون قمر در اسد بود با خود دارد بیشی کسی روز حاجت او براید
و عزیز باشد و اگر نبخت گرفتار شود چون قمر در دلو بود نوشته
با خود دارد در دست بند خلاص شود و اگر با خود دارد روزی

۷	۱۴	۴	۹
۱۲	۱	۱۵	۶
۱۳	۸	۱۰	
۲	۱۱	۵	۱۶

مهرام در وجود او نرود یا قدوس تقدست
بالقدوس والقدوس فی قدوس
قدسك یا قدوس بر این ۱۳ بیزم

هر که هر روز نصد نه بار بخواند تا چهل
و پنج روز حق سبحانه و تعالی حاجت های او را بر آورد و اگر بیست
روز روزه دارد و هر روز پانصد پنج بار بخواند حق تعالی
فرزند باد عطا کند و اگر چهل روز هر روز چهار بار
بخواند نادر الملك گردد هر که اعداد وفق ۴ در ۴ نویسد
در ساعت سعد با خود دارد اگر فقیر بود غنی گردد و بیشی

۱	۱۴	۱۱	
۱۲	۷	۲	۱۳
۶	۹	۱۶	۳
۱۵	۴	۵	۱۰

پادشاهان عزیز گردد بر این است
یا مَلِكْ تَمَلَّكَ بِالْمَلِكِ وَالْمَلِكُ فِي
مَلِكْ مَلِكْ يَا مَلِكْ ۱۴ چهاردهم

هر که پریشان احوال باشد و سامان خود
ندانند نزد مردم فقیر و خوار باشد هر روز
هفتاد پنج بار بخواند تا چهل روز و صائم باشد حق تعالی سامان
او را

او را میباید که هر که اعداد وفق ۴ در ۴ نویسد چون قمر
در ثور باشد با خود دارد حق تعالی در سفر و حضر سلامت
دارد و اگر نوشته در هر چه نهد از درز ایمین باشد و از انش
حق تعالی نگاه دارد اینست مربع

۹	۷	۳	۱۶
۴	۱۵	۱۰	
۱۴	۱	۸	۱۱
۷	۱۲	۱۳	۲

یا رَبِّ تَرَبَّيْتُ بِالرَّبِّوَيْبِيَةِ وَالرَّبِّوَيْبِيَةِ
فِي رَّبِّوَيْبِيَةِ رَبُّوَيْبِيَتِكَ يَا رَبِّ ۱۵ بیزم
هر که مدام خواند حق تعالی باطن او را

صاف گرداند و اگر کار صعب بیش اید چهل بگر و ز روزه
بدارد و جوانی نخورد هر روز هزار و یکبار بخواند حق تعالی
بر آورده گرداند و اگر بیش کسی روز چهل پنج بار بخواند
و برود مدد حاجتش براید هر که اعداد وفق ۴ در ۴
چون قمر در ثور بود با خود دارد بیشی هر کسی روز مقصود
حاصل شود چون قمر در دلو بود نوشته با خود دارد حق تعالی
باطن او را صاف کند و اگر در ساعت قمر نوشته با خود
بیش همه کسی عزیز شود و اگر بخت دختر
بر ایسته باشند چون قمر در میزان بود
نوشته بر کردن بند کفشاره کرده و برای
زن بسته هم گویند این است مربع

۹	۳	۶	
۴	۱۵	۱۰	۵
۱۴	۱	۸	۱۱
۷	۱۲	۱۳	۲

بَارْحَمَنَّ تَرَحَّمَتْ بِالرَّحْمَةِ فِي رَحْمَةِ رَحْمَتِكَ يَا رَحِيمَ ^{وَأَنْتَ}
 اگر پادشاهی یا بزرگی رنجیده و سرغضب آمده باشد بیست
 هفت روز روزه دارد هر روز هفصد هفتاد پنج بار بخواند
 حق تعالی قهریان گرداند و عطا و بیار بوی کنده و اگر پیش
 کسی بجاخت رود سنی و یکبار بخواند و بر خورد مدد دهد آنکس
 قهرمان گردد و حاجت برآید و اگر مدارت نماید هرگز بکسی
 محتاج نگردد هر که اعداد وفق ۴ در ۴ نویسد چون قمر در عقب
 باشد با خود دارد برد شمتان صفر باید و از دیو پری امان
 باید و اگر زنی فرزند نماند همین شکل را بر کردن بندد بکمال
 برسد بَارْحَمَنَّ تَرَحَّمَتْ بِالرَّحْمَةِ وَالرَّحْمَةِ
 فِي رَحْمَةِ رَحْمَتِكَ يَا رَحِيمَ ۱۷ هفدهم

۱۲	۱۵	۲	۵
	۶	۱۱	۱۶
۷	۴	۱۳	۱۰
۱۴	۹	۸	۳

اگر کسی را از کار معزول کند یا بچشم
 حقارت بوی بنگرد شصت یکروز هر روز

نفسد پنجاه یکبار بخواند و از حیوانی اجتناب کند حق تعالی
 بجاه و منزلت رساند اما باید که بر انصاف باشد و اگر کسی را
 بواسطه یا برص داشته باشد و چهل یکروز روزه دارد هر روز
 شصت شش بار بخواند حق تعالی شفا باید از این علت هر که
 اعداد وفق ۴ در ۴ نویسد چون قمر در دگر بود و بر صاحب

باز

بواسطه یا برصی بندد و یا خنازیر حق تعالی شفا دهد و اگر
 صاحب تب بندد زایل شود يَا وَهَّابَ تَوْهَبْتَ بِالْمَهْبَةِ
وَالْمَهْبَةِ فِي هَبَةِ هَبَتِكَ يَا وَهَّابَ

۷	۱۲	۱۳	۲
۱۴	۱	۸	۱۱
	۱۵	۱۰	۵
۹	۶	۳	۱۶

۱۸ هجدهم
 اگر کسی را دام بسیار باشد و ذلیل
 بود هر روز هفصد پنجاه یکبار بخواند

حق تعالی بی مشقت او نماید و اگر کسی علمی خواهد پنجاه یکروز یا نوزده
 روز هر روز هزار پنج بار بخواند و از حیوانی اجتناب کند بهر
 علمی که رجوع کند حق تعالی روزی گرداند علم و معرفت بیابد
 و اگر غایبی بود و آمدن او خواهند سی سه روز هر روز شصت
 شش بار بخواند حق تعالی او را رغبت بوطن رساند هر که
 اعداد وفق ۴ در ۴ بنویسد چون قمر در جوزا بود و بیاید
 میان زن و مرد دوستی عظیم شود و اگر هفت روز روزه
 دارد و هر روز پنجاه پنج بار بخواند نیکو شود و هر که اعداد
 وفق ۴ در ۴ بر حریر سفید نوشته در زیر بالین بندد

	۱۳	۱۲	۷
۱۱	۸	۱	۱۴
۵	۱۰	۱۵	۳
۱۶	۲	۶	۹

غایب را در خواب ببیند مربع اینست
يَا مَنَّانَ تَمَنَّنْتَ بِالْمِنَّةِ وَالْمِنَّةُ
فِي مِنَّةِ مَنَّاتِكَ يَا مَنَّانَ ۱۹ نوزدهم

هر که یکصد بکروز روزه دارد و هر روز سه هزار مشصه
 سه بار بخواند و از جوانی پرهیز نماید حق تعالی محرم اسرار
 گرداند و حکمتها روشن شود و علمها هر انواع بدست آید هر
 که هر روز هفتاد پنج بار بخواند بهر علمی رجوع کند حاصل شود
 هر که اعداد وفق ۴ در ۴ نویسد چون قمر در ثور بود
 و با خود دارد حق تعالی چندین علمها بران آسان کند
 و از دیوانه پیری در امان و اگر در چیزی گذارد برکت پیدا
 شود **يَا حَكِيمُ تَحَكَّمْتَ بِالْحِكْمَةِ وَالْحِكْمَةُ فِي حِكْمَةِ حِكْمَتِكَ**

۱۲	۱۵	۲	۶
۱	۶	۱۱	۱۶
۷	۴	۱۳	۱۰
۱۴	۹	۸	

يَا حَكِيمُ
 هر که با خداورد سازد حق تعالی
 کناهان او را بیاریزد هر که بیمار داشته
 باشد و اطبا از معالجه او عاجز
 باشند هر روز دو بیت نه بار بخواند حق تعالی آن زحمت
 ببرد اگر مهم صعب و کار مشکل بیش باشد بر سر قبر
 بزرگی رود و هر روز پنجاه پنج بار بخواند تا چهل بکروز
 مراد برآید هر که اعداد وفق ۴ در ۴ بنویسد ساعت
 زهره برگردن مریض بندد نیک شود اگر ساعت
 زحل نویسد با خود دارد حق تعالی از آید بگرداند

یا فانی

يَا غَفَّارُ تَغْفِرْتَ بِالْغَفْرِانِ وَالْغَفْرِانِ فِي غَفْرِانِ غَفْرَانِكَ
يَا غَفَّارُ

۱۲	۱۵	۲	۵
۱	۶	۱۱	۱۶
۷	۴	۱۳	۱۰
۱۴	۹	۸	

هر که بسیار گوید در پیش خلق عزیز
 گردد و اگر سرگردان بود هر روز پانزده
 بار بخواند حق تعالی ازان وسواس

او را برگیرد هر که اعداد وفق ۴ در ۴ نویسد چون قمر
 در قوس بود و بر خود دارد حق تعالی او را در میان خلق
 عزیز گرداند و اگر بسیار بخواند نیستی از او برکرد

يَا مُجِيدٌ تَجَدَّدْتَ بِالْمَجْدِ وَالْمَجْدُ فِي مَجْدِ مَجْدِكَ يَا مُجِيدٌ

۸	۱۱	۱۴	
۱۳	۲	۷	۱۲
۳	۱۶	۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

هر که در کاری درمانده باشد یا موی
 دشواری می پنج روز روزه دارد
 و هر روز پنجاه شش بار بخواند حق
 تعالی ان مهم را بکفایت رساند و اگر

بیمار خواند هفتاد پنج بار بخواند حق تعالی شفا دهد اگر
 مدام خواند حق تعالی عمر او را دراز گرداند هر که اعداد وفق
 ۴ در ۴ نویسد چون قمر در حوت بود برگردن کودک
 بندد صحت یابد و در هر چه نفعد برکت یابد بفرمان الله تعالی

يَا قَدِيمُ تَقَدَّمْتَ بِالْقَدَمِ وَالْقَدَمُ فِي قَدَمٍ قَدَمَكَ
يَا قَدِيمُ

۱۰	۵	۴	۱۵
۱۶	۹	۶	۳
۱۳	۲	۷	۱۲
۸	۱۱	۱۴	۱

هرکه چهل روز هر روز سیصد
شصت پنج بار بخواند حق تعالی
حمیده خصال گرداند و اگر هر

روز چهل یک بار بخواند حق تعالی مقال بد از او ظاهر
نکند و نامش بنیکوئی گیرند و اگر هر روز بیست یکبار
بخواند بیسی پادشاهان عزیز باشد هرکه وفق اعداد
۴ در ۴ نویسد چون فرورد سرطان باشد در کردن
بندد شومی نکند و اگر بیش خود دارد بیش همه کسی
عزیز باشد و از دیو پری امان یابد يَا حَمِيدُ بِحَمْدِكَ

۱۰	۳	۱۲	۸
۱۶	۲	۱۱	۵
۴	۹	۷	۱۴
۱۵	۶	۱۳	۱

بِالْحَمْدِ وَالْحَمْدُ فِي حَمْدِكَ
يَا حَمِيدُ
اگر کسی را بد خوی باشد هر روز
نود پنج بار بخواند حق تعالی ان

بد خونی بر طرف گرداند و اگر دوستی خواهند هر روز
شصت سه بار بخواند آنکس مطیع شود اگر بیش
پاره شان خواند هر روز صد یازده بار بخواند تا صد و

و شصت یکروز مسخر می شود و اگر هر روز بیست پنج بار
بخواند خلق او را دوست دارند و اگر در کشت زراعت خواند
بار بسیار او در هر که اعداد و فوق ۴ در ۴ بنویسد چون
قر در میزان باشد و در زراعت استار کند از افت سالم
ماند در کردن چهار پابند از مرک خلاص باشد و اگر

شیرند هد در کردن چهار پابند و شیر دهد يَا حَلِيمُ

۷	۱۲	۱۳	۲
۱۴	۱	۸	۱۱
۱۵	۱۰	۵	۳
۹	۶	۴	۱۶

تَحَمَّلْتَ بِالْحَلْمِ وَالْحَلْمُ فِي حَلِمٍ
حَلِمَكَ يَا حَلِيمُ
هرکه بار لغوه و فالج بود پنجاه
یکروز روزه دارد روزی هفصد

هفت مرتبه بخواند و اگر تسخیر سلاطین یا ملوک خواهد هفتاد
هفت مرتبه هر روز هزار یکبار بخواند امید که یکساعت
تواند ماند و اگر دوستی کسی خواهد چهل پنج روز هر روز
بیست و هشت بار بخواند مطیع شود هر که اعداد و فوق ۴ در
۴ نویسد چون فرورد جدی بود بر بیمار بندد صحت یابد
و از دیو پری امان یابد و بیش سلاطین بعزت باشد و
و مقصود حاصل شود و اگر بنام کسی بنویسد دوستی قائم
ماند يَا شَهِيدُ تَشْهَدَاتُ بِالشَّهَادَةِ وَالشَّهَادَةُ فِي

شَهَادَةُ شَهَادَتِكَ يَا شَهِيدَ

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۱۶	۹	۶	۳
۱۰	۵	۴	۱۵

هر که یکصد بیت یکروز پنج هزار
پانصد پنجاه پنج بار بخواند حق تعالی

اما صائم باشد و از حیوانی اجتناب کند و اگر خواهد غنی گردد
هر روز چهار صد چهل چهار بار بخواند حق تعالی بزرگی دهد
و اگر بر بیمار خواند هر روز صد بیت بار بخواند شفا یابد
هر که اعداد وفق ۴ در ۴ نویسد چون قدر جدی بود
با خود در حق تعالی خشنود گردد و اگر نوشته بر مریض بندد
صحت یابد و برگردن چهار پایان بندد بد خوئی نکند
يَا قَرِيبَ قَرِيبٌ بِالْقَرِيبِ وَالْقَرِيبُ فِي قَرِيبِ قَرِيكَ
يَا قَرِيبَ

۲	۱۱	۵	۱۶
۱۳	۸	۱۰	۳
۱۴	۱	۱۵	۶
۱۴	۴	۹	۷

هر که بندی و سختی یا نهمی عاجز
باشد چهل چهار روز هر روز صد
هفتاد پنج بار بخواند حق تعالی کفایت

فرماید و اگر در جنگ نصد یکبار بخواند مضفر و منصور
گردد و اگر کسرا بگشتن دهند هزار یکبار بخواند خلاص یابد
و اگر پاره شاه غضب یابد چهل یکبار بخواند بیش رود مهربان
گردد و هر که اعداد وفق ۴ در ۴ نویسد زیر نگیب نفااره در

در دست کند پادشاه و جمیع خلقان مسخر شوند چون قمر در
سرطان بود نوشته در نود خود دارد هر که او را بیند دوست دارد
و اگر در جنگ روز با فتح بازاید و بهر حاجت که روز حاصل
شود و از شر دیو پری در امان باشد یا نصیر نصرت

۱۶	۳	۶	۹
۵	۱۰	۱۵	۶
۱۱	۸	۱	۱۴
۳	۱۲	۷	۲

بِالنَّصْرَةِ وَالنَّصْرَةَ فِي نَصْرَةِ
نَصْرَتِكَ يَا نَصِيرَ
هر که در تنگی یا نیستی یا در مضیقتی
یا جسی گرفتار باشد یکصد سه

روز هر روز پانصد پنج بار بخواند حق تعالی کتایش دهد
و اگر یکصد سه روز هر روز یکصد پنج بار بخواند حق تعالی
معشیت او را روزی کند و اگر یکبار هر روز بخواند بر چشم
رمد و روشنای چشم را زایل نکرده و اگر نیا بخواند حق تعالی
ستوده گرداند هر که اعداد وفق ۴ در ۴ نویسد چون قمر
در آسد باشد حق تعالی بهیج مصیبت گرفتار نکرداند و
معشیت او را کثاره گرداند و روشنای چشم زیاده شود

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۱۶	۹	۶	۳
۱۰	۵	۴	۱۵

و اگر در غله گذارد برکت افتد و اگر
بیمار دارد به شود و از شر جن در
آمان باشد این اذکار است

يَا شَكُورُ تَشَكَّرْتَ بِالشُّكْرِ وَالشُّكْرُ فِي شُكْرِكَ يَا شَكُورُ

هر که هر روز نود یکبار بخواند حق تعالی بنظر رحمت بر او نگاه کند و هرگز بکسی محتاج نگردد

و اگر گرفتار بمصیبتی یا بلائی افتد هر روز بیست دو بار بخواند

حق تعالی مقصود او برآورد و اگر در جنگ بخواند هر چه بر او

کار نکند و اگر در وقت درماندگی بخواند حق تعالی کتایش

دهند و اگر وام دار بود یکصد بیت یکبار بخواند حق تعالی

پی منت وام او را بشود و اگر دختر یا پسر یا یاغیره را

بخت بسته باشد و کتایش نیابد هر روز شصت شش بار

بخواند کتایش یابد و اگر پریشان احوال و تنگی بسیار باشد

و سامان خود نداند چهل یک روز روزه دارد هر چه خواهد

بیاید و اگر هزار حاجت داشته باشد حق تعالی برآورده کند

هرگز بکسی محتاج نگردد و ستوده خلق گردد و هر که اعداد

رفق در ۴ نویسد چون قمر در دلو باشد با خود دارد

و بیش پادشاهان و بزرگان روز خشنود گردد و جمیع خلایق

او را عزیز دارند و اگر بر بیماری بندد صحت یابد و اگر در

کردن کار بندد از مرض و جمیع آفت سالم ماند و شیر بسیار

دهد و اگر در کشت دارد بار بسیار آورد و از آفت امان

باید

باید و اگر در کردن مصروع یا مجنون یا مسحور بندد شفا

یابد و از آفت دیو پری و کفار امان یابد و الله اعلم

يَا مَسْتَارَ تَسْرَهْتَ بِاللَّيْلِ وَاللَّيْلُ سَتْرٌ سَتْرَكَ يَا مَسْتَارَ

۷	۱۲	۱۳	۲
۱۴	۱	۱	۱۱
۴	۱۵	۱۰	۵
۹	۶	۳	۱۶

هر که پیش پادشاه رود سیصد

بیت یکبار خواند بر خود مدد

بافتد باز آید و اگر پادشاه زنجیده

و کسی را مغزول کند بیست نه روز

روز دارد هر روز چهار صد و پنجاه یکبار بخواند حق تعالی

بمنزله اول رساند و اگر بر بیمار خواند صحت یابد و اگر هر روز

بیت و یکبار بخواند نزد مردم عزیز باشد و پر دشمنان طفر

یابد و از دیو پری امان باشد هر که اعداد رفق در ۴ در ۴

نویسد چون قمر در جوزا بود با خود دارد نزد همه کس عزیز

باشد و اگر با خود دارد بیش پادشاهان عزیز و مکرر بود

يَا فَتَّاحَ تَفَتَّحْتَ بِالْفَتْحِ وَالْفَتْحُ فِي الْفَتْحِ فَتَّحَكَ يَا فَتَّاحَ

۹	۴	۱۴	۷
۶	۱۵	۱	۱۲
۳	۱۰	۸	۱۳
۱۶	۵	۱۱	۲

هر که این اسم را هر روز هفتاد هفت

بار بخواند حق تعالی فهم و حفظ او را بیفزاید و بزرگ کرد
در دشمنان وی مقهور گردد و اگر هر روز صد و بیست یکبار
بخواند محرم اسرار گردد حق تعالی عجب به روزی گرداند هر که
وفق ۴ در ۴ نویسد چون قدر در جدی بود با خود دارد
زیرک دل گردد و فهم بیفزاید و دشمنان وی هلاک شوند

ایست یا علم تعلیت بالعلم و
العلم فی علم علمک یا علم

۱۶	۵	۱۱	۲
۱۰	۸	۱۳	۳
۶	۱۵	۱	۱۲
۹	۴	۱۴	۷

هر که مغلس و فقیر بود خواهد که

غنی یا صاحب جاه باشد نود و چهار روز روزه دارد هر روز
چهار صد نود بار بخواند حق تعالی مقصود او را حاصل کند و اگر
زیر دست بود و خواهد نجات یابد که پنجاه نه روز روزه دارد
و هر روز صد و بیست نه بار بخواند حق تعالی زیر دستی رها گرداند
و اگر بیماری بود که صحت نیابد و هیچ دارد به نشود چهل بگردد
هر روز صد و چهل یکبار بخواند حق تعالی صحت بخشد هر که اعداد

۱۶	۵	۱۱	۲
۱۰	۸	۱۳	۳
۶	۱۵	۱	۱۲
۹	۴	۱۴	۷

وفق ۴ در ۴ چون قدر نور بود
نویسد با خود دارد اگر زیر دست بود
زیر دست گردد و مرتبه یابد و اگر بیمار
بند و صحت یابد و از دیو پری و دشمنان

ایمان یابد ایست یا رافع ترقتت بالرفعتت والرفعت
فی رقتت رفعتک یا رافع

هر که در بلانی یا افتی یا دشمنی بود پنجاه هفت روز هر روز
صد پنجاه نه مرتبه بخواند حق تعالی خلاصی دهد و اگر مسازی
باشد هر روز یکصد بار بخواند حق تعالی سلامت از جمیع ناخرمان
ایمن گردد و اگر هر روز بیست و یکبار بخواند حق تعالی از دیو پری
و از گرفتار و سحر نگاه دارد هر که اعداد وفق ۴ در ۴ نویسد
چون قدر در حوت بود با خود دارد حق تعالی از جمیع دشمنان و
دزدان و راه زنان و از غرق شدن و سوختن و از جمیع درنده
و راه کم شدن نگاه دارد و اگر بیماری با خود دارد صحت یابد
و اگر در کردن چهار پاسبند هیچ درنده گردا و نکرده و دردی نبرد
و اگر بیمار بود صحت یابد یا حفظ تحفظت بالحفظ
فی حفظ حفظک یا حفظ

۱۰	۳	۱۳	۸
۱۶	۲	۱۱	۵
۴	۹	۷	۱۴
۱۵	۶	۱۲	۱

هر که گرفتار بلانی یا افتی باشد یا دشمنان
قوی یا بیماری بود یا تنگ روشی یا بر بیانی
احوال بود صد هفتاد پنج روز روزه
دارد هر روز یکبار بخواند حق تعالی مقصود او را بر

بر آورد و اگر هر روز چهارده بار بخواند حق تعالی مرتبه دهد
 و سنده اهل اکابر و سلاطین کرده و هر که اعداد وفق ۴ در ۴
 نوبت چون قر در نور باشد و با خود دارد از بلاها و افتها
 دشمنان و حبس و تنگ رزق و برایشان احوال حق تعالی او را
 نگاه وارد و نوزدهم کسی عزیز کرد اینست **يَا فَاضِلُ فَضَّلْتُ**

۱۶	۵	۱۱	۲
۳	۱۰	۸	
۶	۱۵	۱	۱۲
۹	۴	۱۴	۷

بِالْفَضْلِ وَالْفَضْلُ فِي فَضْلٍ
فَضْلِكَ يَا فَاضِلُ

هر که هر روز هزار یکبار بخواند از
 سختی ها و بدی ها برهد و اگر بر
 اسب زده بخواند برهد و شفا

یابد هر که اعداد وفق ۴ در ۴ نوبت چون قر در حوت
 بود با خود دارد از بدی و پری ایمن باشد و اگر بر کفتار زده
 بندد صحت یابد **يَا فَاعِلُ تَفَعَّلْتُ بِالْفِعْلِ وَالْفَعْلُ فِي**

۱	۱۴	۱۱	۸
۱۳	۷	۲	
۶	۹	۱۶	۳
۱۵	۴	۵	۱۰

فِعْلٍ فَعِلِكَ يَا فَاعِلُ

هر که هر روز پنجاه بار بخواند حق
 تعالی از مرگ مفاجات و جمیع
 آفات ها نگاه دارد هر که اعداد

وفق ۴ در ۴ نوبت و با خود دارد بسیار منفعت یابد

یا فاضل

يَا قَارِضُ تَفَرَّضْتُ بِالْفِرْضِ وَالْفَرَضُ فِي فِرْضِ فَرَضِكَ
يَا قَارِضُ

۱	۱۴	۱۱	۸
۱۲	۷	۲	
۶	۹	۱۶	۳
۱۵	۴	۵	۱۰

هر که سی پنج روز هزار سیصد بار
 بخواند دعائی بکند قبول شود هر
 مہمی یا کار صعب یا حاجتی که پیش

ابد چهل بگردد هر روز هزار یکبار بخواند و صائم باشد
 حق تعالی بر آورده گرداند اگر دشمن صعب داشته باشد
 و از او ترسد چهل پنج روز هر روز سیصد بار بخواند حق
 تعالی حاجت او بر آورد اما صائم باشد و اگر چهل یکبار بر
 بیمار بخواند حق تعالی صحت دهد هر که اعداد وفق ۴ در ۴
 نوبت چون قر در حمل بود با خود دارد او را در همه جا عزیز
 گرداند و از آفت جمیع درنده و کزنده در امان باشد و
 اگر بر کشت و زراعت او یزد سالم ماند و اگر بر فرزند بندد

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۷	۲	
۶	۹	۱۶	۳
۱۵	۴	۵	۱۰

بکمال رسد اینست
يَا سَمِيعُ تَسَمَّعْتُ يَا السَّمْعَ وَالسَّمْعُ
فِي سَمْعِ سَمْعِكَ يَا سَمِيعُ

۶

هر که تنگ رزق بود شصت یکروز روزه دارد هر روز
 يك هزار يكصد يازده بار بخواند حق تعالی روزی کرامت
 کرداند و اگر مالی رفته باشد چهل یکمزار هر روز بخواند
 اگر نتواند هزار بار بخواند حق تعالی انمال روزی او کرده
 هر که اعداد وفق ۴ در ۴ نویسد چون قمر در برج سرطان
 بوده با خورد دارد حق تعالی در رزق بکشد و اسباب
 او بسیار و محتاج کسی نشود و اگر در کشت نهاد از اذیت
 سالم ماند و بار بسیار دهد و اگر برگردن چهار پانصد

۹	۶	۳	۱۶
۴	۱۵	۱۰	
۱۴	۱	۸	۱۱
۷	۱۲	۱۳	۲

و شرب بسیار دهد یار زاق
 تَرَاقَتْ بِالرِّزْقِ وَالرِّزْقِ
 فِي رِزْقِ رِزْقِكَ يَارِزَاقَ

هر که در سفر و حضر روزی

یکصد و شصت یکبار بخواند حق تعالی سفر او را سلامت
 دارد و هیچ ننگی باوردی نکند از دزدان در راه زنان و
 درنده نگاه دارد و اگر بیمار خواند صحت یابد و هر چه
 باو کار نکند از سوختن در آمان خدا باشد اگر اعداد و
 وفق ۴ در ۴ نویسد در وقتیکه قمر در برج ثور باشد

بافز

با خود دارد در سفر و حضر برد شصت و شصت ضفر باید است

۹	۶	۳	۱۶
۴	۱۵	۱۰	
۱۴	۱	۸	۱۱
۷	۱۲	۱۳	۲

يَا سَلَامُ تَسَلَّمَ بِالسَّلَامِ
 وَالسَّلَامُ فِي سَلَامٍ سَلَامِكَ
 يَا سَلَامُ

هر که این اسم را هر روز یکمزار

دو دست بار بخواند و صائم بوده باشد حق تعالی حاجات
 او را بر آورد و اگر چهل یکبار بخواند پیش پاره شاه دور
 با فتح و فیروزی باز آید و اگر چنانچه عدد وفق ۴ در ۴
 نویسد در ساعت زهره و با خود دارد حق تعالی جمیع
 حاجت های او را بر آورد و هر چه از خدا خواهد یابد است

۷	۱۲	۱۳	۲
۱۴	۱	۸	۱۱
۴	۱۵	۱۰	
۹	۶	۳	۱۶

بِالْاِلهِ الْاِلهِ هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ
 وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

بدانکه خواص این اسم را از

حضرت امام ناطق جعفر بن

محمد الصادق ۴ است تمت اسماء بیده الامیر شیخ حسین

نویسه در بیار ۱۷ ربع المائة ۴۰۴

باب ششم در بیان خواص حروف بیست و هشت

در خواص حروف بیست هشت گانه و طریق دعوت آن

بقول اکابر دین قدس الله ارواحهم اجمعین

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْأَلِفِ عَلَيْكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ مِنْ
أَوْدَعِ اسْرَارَهُ فِي أَسْمَائِهِ يَا إِلَهَ

نقد عر نوبت این اسم را بخواند کار بسیار او شود و اگر

چندانی این اسم را بخواند که بی هوش شود مستجاب دعوت

کردد و اگر هزار صد و سیصد الف بر کاغذ نویسد و بر هر

الف یکبار این اسم را بخواند و با خود دارد و هیچ مرزی باشد

قدر و جاه بفراید و بر جمله دشمنان ظفر باید

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْبَاءِ عَلَيْكَ يَا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا

مُنْتَهَى نُبُورٍ فَايُضِئْهُ يَا بَدِيعُ

هر که بکار در مانده باشد چنانچه راه بیرون شدن نداند

۲۵ نوبت این اسم اعظم را بخواند کتاده کردد و اگر چندان

بخواند از عالم غیب حال او به کردد و دم او چنان روان

شود و اگر بمثل تپاه شده باشد بدم او باز مجال نیگونی

باز کردد و اگر دو هزار چهار صد نوبت برودق آهو نویسد

و با خود دارد و اگر روی بکوه نمند یا این برنگردد

اسئلت

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ النَّاءِ عَلَيْكَ يَا تَوَّابَ الْغَفُورِ زِلْزَلَةَ الرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ
عَلَى كُلِّ خَلْقٍ يَا تَوَّابُ

اگر کسی کاری چند بد کند و این اسم را سی نه بار بر سب

بخواند و بخورد وی دهد از آن کار بد باز کردد و اگر چندان

بخواند که بخواب رود هر چند گناه داشته باشد الله تعالی هر

را بیامرزد و مقبول القول کردد و اگر شش هزار چهار

صد و شصت نه نوبت بنویسد بهر حرف یک بار این اسم

اعظم را بخواند هر که خون از وی رود که بهیج وجه رفع نشود

چون با خود دارد هیچ زخم بروی کار نکند بعون الله تعالی

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ النَّاءِ عَلَيْكَ تَأْتِ الْمَثَبَاتِ الْقَوِيَّ الْمُقْتَدِرُ

فَلَا شَيْءٌ يَغَاوِمُهُ يَا تَائِبُ

هر که بد دعوی یا خصی بیرون آید و خواهد که ظفر نیاید

و اگر چندان بخواند که حال پیدا کند دل او از هیچ چیز نترسد

و اگر هزار ششصد سی چهار نوبت بنویسد و بر هر یکی یکبار

این اسم اعظم را بخواند هر که ریش خواب نیاید با خود دارد

در خواب رود و اگر فرسوده باشد نترسد

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْجِيمِ عَلَيْكَ يَا جَامِعَ الْكُلِّ فَلَيْسَ شَيْءٌ

غَيْرُ صِفَاتٍ هُوَ تَيْبُهُ يَا جَامِعُ

اگر کسی را تفرقه یا بیخضوری هر روز سی سه نوبت بخواند
 تا سی سه روز بگذرد از علم غیب هر چه تمام تر بیاید و اگر
 چندان بگوید که از خود بخود شود جمله مکونات حال در سخن
 آیند و از علم لدنی بهره ور گردد و اگر هزار مفسد بیت
 شش جیم بر کاغذ کند و بر هر یکی یکبار این اسم را بخواند
 دل جمله مخلوقات بحبت او میل کند و خواهان او باشد
 اسئلك بحق الخار عليك يا حفيظ ذالما من جميع
 الشدايد في سرارات حفظه يا حفيظ

هر که ترسند باشد از سلطان یا ظالمی چهل یک نوبت این
 اسم اعظم را بخواند و برخورد مدد آسمان قلبش حاصل شود
 و از شر او ایمن شود و اگر چندان بگوید که در خواب رود خدا تعالی
 مال و اموال و اولاد او را محفوظ دارد و سر حکمت در دل او بکشد
 و اگر سه هزار دو بیت هشتاد نه تا بنویسد و بپریک بکنوبت
 این اسم اعظم را بخواند و باد برخورد مدد هیچ آفت بروی نرسد
 و اگر بیمار این نوشته در موم گیرد و در آب اندازد و آب از روی این
 بخورد شفا یابد
 اسئلك بحق الخار عليك يا
 خبير فلا يخفى عليه شيء فلا يغرب مثقال ذرة عن
 قلبه يا خبير

هر که فراموشی بروی غالب باشد این اسم را سی دو نوبت
 بخواند میان برد و هر چه از یادش رفته با یادش آید و اگر
 این اسم را بسیار خواند هر چه در دل و زبان وی بگذرد
 بیان واقع باشد و هزار دو بیت هجده خ بنویسد و بر
 هر یکی یکبار این اسم را بخواند بیت او آره کرد دشمن در دیوار
 خانه انکس نهد او آره شود و اگر ببت د فین خواند در زیر
 بالین نهد البته د فین را در خواب بیند که در چه محل است
 اسئلك بحق الدال عليك يا دليل المنجربين في كل حال
 يرفق بعباده يا دليل

هر کسی که راه کم کند یا سرگردان بود در حال خود دو رکعت
 نماز بگذارد و بعد از نماز سی شش نوبت این اسم را بخواند
 خدا تیمم او را راه نماید و از جمله خلافت معارفت بیاید
 و هر که بسیار بخواند که بهوش شود بمراتب اولیا برسد هر
 که هزار چهار صد چهل شش نوبت برور فی نویسد و بدین
 مداومت نماید بمقام اکابر برسد
 اسئلك بحق الدال عليك يا ذاري ذا الذخر الكبير فلا
 يعرف الخلائق قدره يا ذاري
 هر کسی که مال او تلف شود و خواهد که حق خود بیاید هر

هر روز چهل یکتوبت این اسم اعظم را بخواند البته باز یابد
و اگر چندان بگوید که بهوش شود او را دلش بخشد که
در جمله عالم سیر کند و اگر بعد در جهل جمله این اسم زال بکشد
و بهر بار یکتوبت بخواند و باد بر خود دمدمی نیاز کرد
و همه دشمنان زیر دست او شوند و الله اعلم

اَسْتَلِكُ بِحَقِّ الرَّأْسِ عَلَيْكَ يَا رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ ذَا الْعَرْشِ
يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهٖ يَا رَفِيعُ

این اسم بغایت رفیع است و هر که هر روزی سی بار بخواند
در نظر مردم باشکوه و عزت باشد و هر چندان که بگوید
حال بروی بگردد و جمله خلایق مطیع او شوند از انس و جن
و وحش و طیور و املاک و انجم و اگر مداومت نماید شاهد
های عجیب و غریب کند و هر که بعد از اسم تمام حروف بکشد
و حرز سازد و بدان مداومت نماید هر که او را بلند ترس
در ضل او بدید اید و روی بر هر دشمن کند مظفر کرد

اَسْتَلِكُ بِحَقِّ الرَّأْسِ عَلَيْكَ يَا زَارِعُ كُلِّ شَيْءٍ مَتَّبِعُهُ يَا زَارِعُ
هر که هر روزی و در خلی و باغی باشد و از آفت او ترسد هر
روز چهل یکتوبت بخواند و باد بر خود دمدمی کرد از
آفت و هر که چندان بگوید که بیخود کرد روزی از فراخ شود

چنانچه جهت کند و هر که بعد از اسم این حروف را بنویسد و
و بهر یکتوبت این اسم را بخواند هر چه خواهد میسر کرد
اَسْتَلِكُ بِحَقِّ الشَّيْنِ عَلَيْكَ يَا سُلْطَانَ الْمَسْحَرِ كُلِّ شَيْءٍ فَلَا
يُشَارِكُ أَحَدٌ يَا سُلْطَانَ

هر که خواهد بر سر قومی مسلط کرد رسی و هفت روز هر
روزی سی و هفت نوبت بخواند و حاجت خواهد البته بدست
آید و هر کس که چندان بگوید که خوش وقت شود هر چه
در خاطر دارد او مسخر او شود و اگر همین حرف بعد از اسم
بنویسد و بهر نوبت یکبار این اسم اعظم را بخواند چون نیت
باشد یا بیماری صعب اب از روی آن باز خورد شفا یابد
اَسْتَلِكُ بِحَقِّ الشَّيْنِ عَلَيْكَ يَا شَكُورُ أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ
عَلَى الْعِبَادِ نِعْمَةً ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً يَا شَكُورُ

هر که از معیشت در تنگی باشد هر صباح و ضو سازد و شصت
نوبت بخواند و آب برگیرد و روی بشوید از دست تنگی معیشت
خلاص شود و هر که هر شب چندان بگوید که بخواب رود بدو چه
اولیای کبار رسد هر که حرف شین بعد از اسم بکشد و بهر یکبار
این اسم بخواند و حرز سازد هر که ویرا بیند انعام کند
اَسْتَلِكُ بِحَقِّ الصَّادِ عَلَيْكَ يَا صَانِعَ الْعَجَائِبِ بَعْدَ رَيْبِهِ لَمْ

بَلِّغْ أَوْهَامَ الْعَارِفِينَ بِحِكْمَتِهِ يَا صَانِعُ

هر که در کاری باشد و بروی دشوار کرد و هر صبح این اسم اعظم را بعد از نماز ۴۳ نوبت بخواند بروی آسان گردد اگر چندان بخواند که از هوش پرور علم و حکمت و سبباً بروی کشف گردد هر که حرف صاد بعد اسم مزد بنویسد و این اسم بخواند یا با خود دارد بارهای بسته بروی کشاره گردد

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الضَّادِ عَلَيْكَ يَا ضَائِنُ مِنَ الْمُتَفَرِّدِ عَنْ كُلِّ شَيْءٍ بِكُلِّ كِبْرِيَاءٍ عَظِيمَةٍ يَا ضَائِنُ

هر که کامل نماز باشد یا در دست ظالم گرفتار باشد هر روز سی و نه مرتبه بخواند از دست دشمن خلاص شود و دشمن هلاک شود و هر که چندان بگوید که از خود پرور باطن حل ارواح مقدسه گردد و هر که حرف ضاد بعد اسم در کاغذ بکشد و با خود دارد و چندان اسرار بروی کشف گردد که از حد بیرون باشد

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الظَّائِرِ عَلَيْكَ يَا ظَاهِرَ الْمَعْرُوفِ الدَّائِمِ أَنْتَ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا وَلَا يَحْصَاهُ غَيْرُهُ يَا ظَاهِرُ

هر که هر صبح وقت طلوع شمس ۵۴ نوبت این اسم اعظم بخواند مشهور و محمود جمله خلایق گردد چنانکه همه کس محتاج صحت او باشند و هر که خواهد که احوال کاری ها شخصی معلوم کند بعد

از نماز خفتن با هیچ کس سخن نگوید و این اسم را چندان بخواند که در خواب رود و او را از آن آگاه کند و بهر حرف یکبار این اسم را بخواند و هرگز سازد هر چه پوشیده باشد بروی منکشف شود و محبوب خلق گردد

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْعَيْنِ عَلَيْكَ يَا عَالِمَ الْقَادِرِ مَا كَانَ بِوَقْرًا فِي مَسِيَّتِهِ وَمَا يَغْطِي لِبَرِيَّتِهِ يَا عَالِمُ

هر که این اسم را چهل هفت نوبت بخواند دانا گردد و توانگری یابد و هر که چندان بخواند بهوش شود از عالم غیب او را فیض برسد که هر چیز بر وی زبان راند آن چیز واقع شود و در دانستن احوال در خواب بسی مؤثر است هر که حرف ع بعد اسم در کاغذ کشد و بهر حرف یکبار بخواند در دیوار خانه کسی نهد که ظلم بروی کرده باشد البته آن شخص آواره گردد و دعوت مشتری در این اسم است

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْعَيْنِ عَلَيْكَ يَا غَنِيَّ الْكَرِيمِ الْوَهَّابِ دَوُّ الطَّوْلِ فَلَا يَنْقُصُ شَيْءٌ مِنْ خَزَائِنِهِ يَا غَنِيَّ

هر که هر روز بیست چهار نوبت بخواند این اسم اعظم را روزی بروی فراخ گردد باید چهل چهار چندان بخواند که از حال پرورد از خدا بیع چندان مال و جاه دنیا خواهد بیاید که از عهد ه

آن بیرون تواند آمدن و اگر حرف غین بعد اسم بکشد و بهر
هر حرف یکبار این اسم اعظم بخواند و با خود دارد عجایب بیند
اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْقَائِمِ عَلَيْكَ يَا قَائِمُ كُلِّ مَقَالِدِ الْأُمُورِ بِيَدِهِ
يَا قَائِمُ

هر که راست و دل بسته باشد هر روز بیست و هشت نوبت
بخواند کثاره یابد بهره تمام تر و هر که چندان بخواند که خواب
رود بندها بدست او کثاره شود و هر که حرف ف بعد
اسم بکشد و بهر یکی یکبار بخواند هر که در بند باشد بروی
خلاص شود و اگر زنی سخت زاید بروی بندد اسان زاید
اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْقَائِمِ عَلَيْكَ يَا قَائِمُ فَمَا تَحِيْطُ أَحَدٌ بَعْدَ
نِعْمَاؤِهِ يَا قَائِمُ

هر که این اسم را سی و هفت نوبت بخواند از هر کس کرامت
یابد و هر که حرف قاف را بکشد و سازد در نظر سلا^{طین}
بزرگوار باشد و همه دشمنان مقهور گردند و اگر کسی را تب
سرد در باشد بروی بندند شفا یابد

اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْكَافِ عَلَيْكَ يَا كَفِيْلَ الْكَافِي الْوَكِيْلَ بِكُلِّ
حَيْثُ مِنْ فَضْلِهِ وَكَرَمِهِ يَا كَفِيْلَ

هر که هر روز این اسم را سی و نه نوبت بخواند هیچکس با وی
نامم

مخاصمت نتواند کرد و هر که با وی اندیشه خصومت کند بوی
باز کرد و اگر چندان بخواند که حال بروی غالب شود مردم
با او اعتبار کنند و از سخن او تجاوز نکنند و اگر حرف کاف را
بعد اسم بکشد و بهر یک یکبار این اسم را بخواند و در خانه
دشمن بغداد دشمن برافند

اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْأُمِّ عَلَيْكَ يَا لَطِيْفَ الْمَحِيْطِ بِكُلِّ شَيْءٍ
وَلَا بُدَّ وَ لَهُ الْإِبْصَارُ كَمَا لَهُ يَا لَطِيْفُ

هر که هر روز چهل بکوبد این اسم را بخواند همه مرادات
برسد و هر که چندان بخواند که در خواب روده اشیا را
گاهی مشاهده نماید و اگر حرف لام بعد اسم بکشد و در
جایی که غله در انبار باشد با چیزی در روی نهادن باشند
برکت در روی پیدا شود و از افت ایمن باشد

اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْمِيْمِ عَلَيْكَ يَا مَالِكَ الْمُلُوْكِ لِنَا فِدَا امْرَةٍ
وَلَا يَعْتَدِي عَلٰى اَهْلِ مَمْلِكَةٍ يَا مَالِكَ

هر که این اسم را هر روز چهل و دو نوبت بخواند بر فروش سرد
شود و اگر از پاره شاه یا از ظلمش ترسد شب سه شنبه این
اسم را چندان بگوید که بر کوبد افتد هر حاجت که بخواند
اجابت شود و اگر حرف میم بعد اسم بکشد و بهر یک حرف

آن بیرون تواند آمدن و اگر حرف غین بعد اسم بکشد و بهر
هر حرف یکبار این اسم اعظم بخواند و با خود دارد عجایب بیند
اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْقَائِمِ عَلَيْكَ يَا قَائِمُ كُلِّ مَقَالِدِ الْأُمُورِ بِيَدِهِ
يَا قَائِمُ

هر که راست و دل بسته باشد هر روز بیست و هشت نوبت
بخواند کثاره یابد بهره تمام تر و هر که چندان بخواند که خواب
رود بندها بدست او کثاره شود و هر که حرف ف بعد
اسم بکشد و بهر یکی یکبار بخواند هر که در بند باشد بروی
خلاص شود و اگر زنی سخت زاید بروی بندد اسان زاید
اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْقَائِمِ عَلَيْكَ يَا قَائِمُ فَمَا تَحِيْطُ أَحَدٌ بَعْدَ
نِعْمَاؤِهِ يَا قَائِمُ

هر که این اسم را سی و هفت نوبت بخواند از هر کس کرامت
یابد و هر که حرف قاف را بکشد و سازد در نظر سلا^{طین}
بزرگوار باشد و همه دشمنان مقهور گردند و اگر کسی را تب
سرد در باشد بروی بندند شفا یابد

اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْكَافِ عَلَيْكَ يَا كَفِيْلَ الْكَافِي الْوَكِيْلَ بِكُلِّ
حَيْثُ مِنْ فَضْلِهِ وَكَرَمِهِ يَا كَفِيْلَ

هر که هر روز این اسم را سی و نه نوبت بخواند هیچکس باوی
نامن

مخاصمت نتواند کرد و هر که با وی اندیشه خصومت کند بوی
باز کرد و اگر چندان بخواند که حال بروی غالب شود مردم
با او اعتبار کنند و از سخن او تجاوز نکنند و اگر حرف کاف را
بعد اسم بکشد و بهر یک یکبار این اسم را بخواند و در خانه
دشمن بغداد دشمن برافند

اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْأُمِّ عَلَيْكَ يَا لَطِيْفَ الْمَحِيْطِ بِكُلِّ شَيْءٍ
وَلَا بُدَّ وَ لَهُ الْإِبْصَارُ كَمَا لَهُ يَا لَطِيْفُ

هر که هر روز چهل بکوبت این اسم را بخواند همه مرادات
برسد و هر که چندان بخواند که در خواب روده اشیا را
گاهی مشاهده نماید و اگر حرف لام بعد اسم بکشد و در
جائی که غله در انبار باشد با چیزی در وی نفاذ باشند
برکت در وی پیدا شود و از آفت ایمن باشد

اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْمِيْمِ عَلَيْكَ يَا مَالِكَ الْمُلُوْكِ لِنَا فِدَا امْرَةٍ
وَلَا يَعْتَدِي عَلٰى اَهْلِ مَمْلِكَةٍ يَا مَالِكَ

هر که این اسم را هر روز چهل و دو نوبت بخواند بر فروش سرد
شود و اگر از پاره شاه یا از ظلمش ترسد شب سه شنبه این
اسم را چندان بگوید که بر کوبد افتد هر حاجت که بخواند
اجابت شود و اگر حرف میم بعد اسم بکشد و بهر یک حرف

یکبار اسم را بخواند و با خود نگاه دارد چون بهر که رو آورد آن مهم بوجه خوب میسر شود

اَسْئَلُكَ بِحَقِّ النُّوْنِ عَلَيْكَ يَا نَافِعَ الثَّانِي مَنْ طَابَ قَلْبُ الْمَحْسِنِ بِذِكْرِهِ يَا نَافِعُ

هر کسی در باین خسته شش روز هر روز چهل چهار نوبت بخواند البته شفا یابد و اگر حرف نون بعد اسم بکشد بهر یک بکنوبت این اسم را بخواند در دوستی جمیع خلافت براندارد و اگر با اسم دوستی بنویسد در خانه آنکس دفن نماید محبوب محب شود

اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْوَاوِ عَلَيْكَ يَا دُرْدَانُ الَّذِي جَعَلْتَ الْمَوَدَّةَ بَيْنَ الْمَرْءِ وَرَوْحِهِ يَا دُرْدَانُ

هر که را میان خود روزه موافقت چندان باشد شش روز هر روز چهل نوبت بخواند که خوش حال شود و دوستی وی در دل خلافت بدید آید و اگر حرف واو را بعد اسم بنام هر کسی که خواهد بیاید در وقت قرار نگیرد و از جهت

در دسر و شقیقه هم خوب است
اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْمَاءِ عَلَيْكَ يَا هَارِي كُلِّ شَيْءٍ وَالْبَيْدِ مَرْبَعَةٌ مَرْبَعَةٌ يَا هَارِي

۱۴۱

هر که خواهد که کبیر را از بد خوئی باز دارد این اسم را بملاقات اشخص ۵۲ نوبت بخواند بروی دمد البته خوش خوی گردد و اگر حرف ها را بعد اسم بکشد یا در صندوق یا در میان بار نهد ایمن باشد از زردان اگر بسوزاند بنام دوستی

دیوانه گردد و الله اعلم

اَسْئَلُكَ بِحَقِّ لَا عَلَيْكَ يَا لِإِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ مَا أَعْظَمَ شَانِكَ يَا لِإِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

این بهترین جمله اسم است اجابت دعوت این اسم کردن کار هر کسی نیست

اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْبَاءِ عَلَيْكَ يَا يَفْضَانُ الْحَيُّ الْكَائِنُ لَمْ يَزَلْ وَلَا يَزَالُ فِي كَيْتُونِيَّةٍ يَا يَفْضَانُ

هر که این اسم بزرگوار را هر روز ۶۲ نوبت بخواند بهر چه روی نهد برادر رسد و در قیامت او را عذاب نباشد و اگر چندان بگوید که بیوش شود و عالم ارواح را معاینه بیند و الحمد لله رب العالمین تمت بعون الملك الوهاب

بسم الله الرحمن الرحيم

باب هفتم در بیان افاق در بیات و دانستن آن

بدانکه و فوق هر مربعی است که عدد یک ضلع آن را در نفس خود ضرب کنند آنچه حاصل شود از اقسامتهای آن عدد گیرند و مبداء که یکی است بان ضم کنند و مبداء او شده را در نصف بیوت ضلع ضرب کنند آنچه حاصل شود و فوق آن عدد باشد مثل مربع ۴ در ۴ که چون چهار در چهار ضرب کنند شانزده شود یکی بر آن افزایند هفده شود و هفده را در دو دو که نصف بیوت یک ضلع است ضرب کنند سی چهار شود که چهار در چهار بی و فوق دهد و در مربع پنج در پنج چون ه د ه ضرب کنند و مبداء بر آن افزایند بیست شش باشد در دو نیم که نصف بیوت یک ضلع است ضرب کنند شصت پنج شود و فوق ه د ه شصت پنج باشد و در باقی مربعات

فس علی هذا بعد و فوق سه در سه پانزده باشد و سه در سه شکل شرف قمر است و از خواص این شکل است که بر دو پاره سفال آب ناریسند نویسند و بزنی نمایند که زاینده را دشوار باشد تا در آن نگرند بعد از آن هر یکی را در زیر قدم او بپند باستانی فرزند از وی جدا کرد و اگر زندانی با خود نگاه

دارد زود خلاص یابد و بعضی از انواع این شکل در این

مختصر منظور گشته است

۸	۱	۶
۳		۷
۴	۹	۲

۴	۳	۸
۹		۱۰
۲	۷	۶

۶	۷	۲
۱		۹
۸	۳	۴

و مربع چهار در چهار شکل شرف اقیاب است و از خواص او آنستکه اقیاب چون در درجه شرف باشد این شکل را چون برگشتند در هر

سرا و فریبند که بنهند از در دایم باشد و اگر کسی با خود دارد در میان مردم مقبول القول باشد و بر خصمان غالب آید و در پیش مردم معزز و مکرم باشد و بعضی از انواع این این شکل بر این مثال مصور شد و الله اعلم

۵	۱۰	۱۵	۴
۱۱	۸	۱	۱۴
۲	۱۳	۱۲	۷
	۳	۶	۹

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳		۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

۴	۱۴	۱۵	۱
۹	۷	۶	۱۲
۵	۱۱	۱۰	۸
	۲	۳	۱۳

و شکل پنج در پنج شکل شرف زهره
 است و در باب محنت دخل
 عظیم دارد و چون زهره در درجه
 شرف باشد این شکل را بر کباب
 پاره کنند و در آب شویند و آن
 ابرای کسی دهند که با شخصی عداوت داشته باشد که بلا
 شبیه این عداوت منقطع شود و محبت پیدا شود و اگر از
 آن آب بکودک دهند که شیر نستاند خواهند شیر گیرند
 خدا بی تعالی و از انواع این شکل نیز چندی مطور است

۱۸	۲۲	۱	۱۰	۱۴
	۳	۷	۱۱	۲۰
۵	۹	۱۳	۱۷	۲۱
۶	۱۵	۱۹	۲۳	۲
۱۲	۱۶		۴	۸

۳	۲۰	۷	۲۴	۱۱
۱۶	۸		۱۲	۴
۹	۲۱	۱۳	۵	۱۷
۲۲	۱۴	۱	۱۸	۱۰
۱۵	۲	۱۹	۶	۲۳

و چون مربعی را چنان وضع کنند که اگر قطع نظر از اضلاع
 اطراف آن کنند آنچه در میان بماند و فن مخصوص داشته
 باشد آن مربع را اهل این مخلق گویند و مربع مخلق در خاصیت
 اقوی از غیر مخلق است بر این مثال والله اعلم

در روی

در مربع شش در شش
 شرف زحل است و در امور
 زراعت و عمارات مدد و
 معادن چون کاهی نویسد
 که زحل در درجه شرف باشد
 و اگر درین هنگام برخستی

۶	۸	۲۳	۲۴	۴
۷	۱۲	۱۱	۱۶	۱۹
۵	۱۷	۱۳	۹	۲۱
۲۵	۱۰	۱۵	۱۴	۱
۲۲	۱۸	۳	۲	

نقش کنند و آن هشت را در زیر بنا بکار برند آن بنا مبارک
 باشد و مدتی موبد بماند و دیگران نشود و این سه شکل دو
 آن مخلق اند والله اعلم

	۳۰	۱۰	۲۱	۲۵	۱
۲۸	۱۸	۲۱	۳۴	۱۱	۹
۳۲	۲۳	۱۲	۱۷	۲۲	۵
۸	۳۱	۲۶	۱۹	۱۶	۲۹
۲	۲۰	۱۵	۱۴	۲۵	۲۴
۳۶	۷	۲۷	۶	۲	۲۳

۵	۲۸	۲۴	۲	۲۶	۶
۲۷	۱۴	۲۵	۲۰	۱۵	۱۰
۸	۲۴	۱۱	۱۸	۲۱	۲۹
۷	۱۷	۲۲	۲۳	۱۳	
۲۲	۱۹	۱۶	۱۳	۲۶	۴
۳۱	۹	۳	۳۵	۱	۳۳

شماره ثالث بعد از صفحه ۱۴۸ نوشته شده
 مربع هفت در هفت شرف عطارد است چون ۵۷ در سرطان
 بود و نظر ببطارد داشته باشد این شکل را بعل و زعفران
 بوکر باس پاره نویسد و چون عطارد بدرجه شرف رسد

۱۴۹ در بیان و فن و طلاسم و قواعد آن

۴۵

۴	۲۷	۴۳	۱۷	۴۰	۱۴	۳۰
۲۸	۴۴	۱۸	۴۱	۸	۳۱	۵
	۱۹	۴۲	۹	۳۲	۶	۲۲
۲۰	۳۶	۱۰	۳۳	۷	۳۳	۳۶
۳۷	۱۱	۳۴	۱	۳۴	۴۷	۲۱
۱۲	۳۵	۲	۳۵	۴۸	۱۵	۳۸
۲۹	۳	۳۶	۴۹	۱۶	۳۹	۱۳

۳۸

۲۲	۴۷	۱۶	۴۱	۱۰	۲۵	۴
۵	۲۳	۴۸	۱۷	۳۲	۱۱	۲۹
۳۰	۶	۲۴	۴۹	۱۸	۳۶	۱۲
۱۳	۳۱	۷	۲۵	۴۳	۱۹	۳۷
	۱۴	۳۲	۱	۲۶	۴۴	۲۰
۲۱	۲۹	۸	۳۳	۲	۳۷	۴۵
۴۶	۱۵	۴۰	۹	۳۴	۳	۲۸

باب هفتم

۱۴۱

۲۴

۳۱	۲	۴	۳۳	۵	۳۶
۱۲	۲۶	۱۰	۹	۲۹	۲۵
۱۳	۲۳	۲۱	۲۲	۱۴	۱۸
	۱۷	۱۵	۱۶	۲۰	۱۹
۳۰	۸	۲۷	۲۸	۱۱	۷
۱	۲۵	۲۴	۳	۳۲	۶

آن کرباس را باب پاک
 بشوید بخورد کسی دهند
 که نیان از او دفع شود
 و حفظ و کیاست پیدا
 و اگر کسی این شکل را بنویسد
 که عطار در درجه شرف
 باشد با خود نگاه دارد

از دحوش ضرر رسانند این کرد و از شر دشمنان و کید مکر
 ایشان سالم ماند و سه نوع نوشته شد اولین معلن است و الله اعلم

۸	۱۲	۱۰	۴۵	۴۶	۴۸	۶
۱۱	۱۸	۲۰	۳۵	۳۶	۱۶	۳۹
۹	۱۹	۲۴	۲۳	۲۸	۳۱	۴۱
۷	۱۷	۲۹	۲۵	۲۱	۳۳	
۴۷	۳۷	۲۲	۲۷	۲۶	۱۳	۳
۳۹	۲۴	۳۰	۱۵	۱۴	۳۲	۱
۴۴	۳۸	۳۰	۵	۴	۲	۳۲



باب هشتم در بیان معرفت علم اعداد
 این مختصریت در معرفت علم اعداد دو وفق و تکبیر حروف
 که افضل عوام است و خواص انبیاء بوده اکنون خواصه
 اهل الله است علما میگویند بر انبیاء شکر کشته یکی این علم است
 و در حدیث است که سبب نزول این علم آن بود که کفار بر
 حضرت ابراهیم خروج نمودند خانه مکه معظمه را که عمارت کردند
 کفار خراب کردند حضرت ابراهیم بدرگاه خدا بنالید خدا
 وند عالم این ظلم را بر طرف کرد و اجابت دعای حضرت ابراهیم
 را کرد این علم را جبرئیل با ابراهیم اموخت و گفت تا رود لای
 در سرف را در استانه خانه مکه رفتن نما تا مشران ظالمان
 از برکت آن دفع شود حضرت امیر المؤمنین ع در این علم مبالغه
 کرده چنانچه از آن زمان تا حال منتقل شد و هر بزرگ علم فریب
 و شکل نادره نموده اند و ستر این کتابت باید کرد و کشف نکرده
 اند که در این سخن باری و رموز گفته اند و حقایق اینرا اظهار
 نکرده اند و گفته اند که از چشم و زبان ناحرم دور باشد و
 مستحق آن روزی کند و این علم از کمال الدین حسین سمرقندی
 رسیده است و بقول اصح و اسهل مفهوم گردیده تا خواننده
 را فایده حاصل شود این مختصر از ج و ج و ج باب دریب

هر که مربع نه در نه در شرف مربع است و خاصیت او آنستکه
 چون مربع در دو وجه شرف باشد و ذره بوی ناظر باشد از
 تسدیس یا تثلیث این مربع را بر کاغذ یا بر کرباس کشند اگر
 در میان دو کسی خصومت بود خواه زن و شوهر و غیره این
 شکل بدیشان نمایند خصومت از میان ایشان مرتفع شود
 بفرمان خداییم و اگر در وقتیکه قر از مربع منصرف شده باشد
 و متصل بزهره بود این مربع را بنویسد هر که با خود دارد
 بر همه دشمنان غالب آید بقدرت خدای تعالی

۲۷	۷۸	۲۹	۷۰	۲۱	۶۲	۱۳	۵۴	۵
۶	۳۸	۷۹	۳۰	۷۱	۲۲	۶۳	۱۴	۴۶
۴۷	۷	۳۹	۸۰	۲۱	۷۲	۲۳	۵۵	۱۵
۱۶	۴۸	۸	۴۰	۸۱	۳۲	۶۴	۲۴	۵۶
۵۷	۱۷	۴۹	۹	۴۱	۷۳	۳۳	۶۵	۲۵
۲۶	۵۸	۱۸	۵۰	۱	۴۲	۷۴	۳۴	۶۶
۶۷	۲۷	۵۹	۱۰	۵۱	۲	۴۳	۷۵	۳۵
۳۶	۶۸	۱۹	۶۰	۱۱	۵۲	۳	۴۴	۷۶
۷۷	۲۸	۶۹	۲۰	۶۱	۱۲	۵۳	۴	۴۵

بار نمائیم تا که بر طالب اسان شود و برنا محرم مستور و نا
 دان نیاموزد ۱۲ و هر که از ضرر درج تایب دریب
 ضبط کردم درم و تادرج سرا انجام میتوان کرد و هر که
 این علم را برای محبت و باعداوت بین شخصین و یا عقد
 اللسان یا عقد المنکر یا عقد العصر یا عقد الطریق یا تسخیر
 سلطان یا حل الرجال یا حب النار یا رفع اعدا یا برای اوارگی
 دشمن یا برای فتح برای هر چه خواهد بنویسد و شرایط آن مجا
 آورد به هیچ وجه دفع تا اثرات آن نتوان کرد و صاحب این
 رعایت اوقات مناسب از خیر و شر و ریاضت با ختم که بی آن
 میر نشود و عامل این فعل را ابتداء از معرفت این چند کلمه
 چاره نیست تا بعمل از آن سزا و قوف باشد ابتدا کنیم بمثلث
 ۳ در ۳ اگر چه متقدمان نمی کرده اند چون خواهیم مثلثی
 ۳ در ۳ بنویسیم برای محبت باید فرود شرف باشد که بحسب
 اسم طالب یا مادرش حساب کند ۲۵۶ چون قواعد اسمی
 از اسماء الله که عدد آن با عدد اسمین و با عدد مذکور مطابق
 باشد بان ضم کند و بعد از آن ۲۱ بیرون کند و آنچه بماند
 بخش کند یکجتنس از آن بخش در خانه اول بنهد بنهد و یک
 یک زیاد کند تا آخر شود اگر سه بخش درست نشود بنکر
 ک

که کسری شود در خانه هفتم زیار کند و اگر دو باشد در
 خانه هشتم زیار کند و اگر بیست و هفت و عداوت باشد باید
 بنویسد اسمین را حساب کند ۲۹۷ بران زیار کند
 و ۳ بیرون کند و باقی را بخش کند در خانه اول بنهد
 چنانچه در مثال یابی و بدانکه ۳ در ۳ مثلث را نوشتن
 بسیار در حضرات که بشراط او را بجا آورد تا از ضرر دست
 محفوظ ماند اول از براری ۳ در ۳ بیش از نوشتن باید
 سه مرتبه این عزیمت بخواند اینست

عَزِمْتُ عَلَيْكُمْ بِحَقِّ رَبِّيَ وَرَبِّكُمْ يَا شِيرَائِيلَ يَا شَخَائِيلَ وَ
 شَيْطَائِيلَ وَيَا سُكْرَائِيلَ وَشَرَائِيلَ أَفْعَلُوا الْكِبْرَ وَكَذَّالْتَاغَةَ
 السَّاعَةِ بَعْدَ اِزَانِ عَدَدِ دَرْخَانَةِ اَوَّلِ بِنْتِ وَبِكُوَيْدِ اِقْسَمْتُ
 عَلَيْكُمْ يَا طَهْيَائِيلَ بَعْدَ اِزَانِ سَهِّ مَرْتَبَةِ دِيكَرْ هَمَانِ عَزِمْتُ اَوْرَا
 بِخَوَانِدِ بَعْدَ اِزَانِ خَانَةِ دَوِيمِ رَا بِنُوَيْدِ دَوِ مَرْتَبَةِ بِكُوَيْدِ
 يَا بَطَطَهْيَائِيلَ بَعْدَ اِزَانِ خَانَةِ مِيمِ رَا بِنُوَيْدِ وَ سَهِّ مَرْتَبَةِ بِكُوَيْدِ
 يَا حَطَطَهْيَائِيلَ وَ بَعْدَ اِزَانِ خَانَةِ چَهَارْمِ رَا بِنُوَيْدِ وَ چَهَارْمَرْتَبَةِ
 بِكُوَيْدِ يَا دَطَطَهْيَائِيلَ بَعْدَ اِزَانِ خَانَةِ نَجْمِ رَا بِنُوَيْدِ وَ نَجْمِ مَرْتَبَةِ
 بِكُوَيْدِ يَا هَطَطَهْيَائِيلَ بَعْدَ اِزَانِ خَانَةِ شَشْمِ رَا بِنُوَيْدِ شَشْمِ مَرْتَبَةِ
 بِكُوَيْدِ يَا وَطَطَهْيَائِيلَ بَعْدَ اِزَانِ خَانَةِ هَفْتَمِ رَا بِنُوَيْدِ هَفْتَمِ مَرْتَبَةِ

بگوید یا و ططه یال بعد از آن خانه هشتم را نوید هشت
 مرتبه بگوید یا هططه یال بعد از آن خانه نهم را ۹ مرتبه
 بگوید یا ططه یال بعد از آن در آخر بگوید بحق الحق
 الخالق یا تفعلا تفعلا کذا و کذا و عزمیه پیش از
 مثلث را بخواند و بعد از آن این عزمیه را بخواند
 برهنه کریر طوران کریر تنلیه حلوا یطیه زان مزجل
 بزجل تر لب تر طوهش غلسی هو طیر فلهو ر ابرشان
 کطهیر مؤسک برهنه برهبوا لا شکلی کر موال غسل
 لبط قراط عطر عنا هنا کید هو الا شیمجا هیر بحق
 العهد المناجیه علیکم الانقیاد فیما امرکم به و بجزه
 الغریز عده بطشه و شده قهره اربعه الله او
 عاهدوا و لا تنقضوا الایمان بعد توکیدها و قد جعلوا
 لله کفیلا ان تحضروه اذ تفعلا کذا و کذا و بحق الذی
 کلمه شیء و هو السمع البصر و بحق بدو ج اجهزة و
 هیچ و اج و بحق نسیم اوله ال و اخره ال ذوالجلال
 و الاکرام و بحق لا اله الا هو الحق القیوم افعلا
 ما تومرون بآرک الله فیکم و علیکم اراهم بما و صف
 علیکم انصرفوا بحق حق جنتم من اجله بلا ضرر و

الاضرار

والا ضرار بآرک الله فیکم و علیکم بعد از آن قل هو الله
 آهد و اینه الکرسی و معوذتین بخواند و بر خود مد تا از ضرر
 ایمن باشد و از وی تا اثرات عجایب بیند پس اکنون بدان
 ای عزیز که من کفتم عدد هر چیز باشد ۱۲ بیرون کردم و
 باقی را بخش کردیم اکنون این اسم هو در حساب کردیم ۱۵
 شد ۱۲ بیرون کردیم ۳ ماند پس بخش کردیم ۱۱ پس
 در خانه اول یک نهادیم و یکیک افزودیم تا با خروجت
 محبت عدد خانه اول ۳ در سه را در غرب میان شمال و جنوب
 نهادیم و مثال ۳ در ۳ اینست که در هیچ نسخه کویا نکرده است
 و این مثلث اشکال نادر است اثر عظیم دارد و اسم در این
 جا نمادن عظیم مشکل است و هر گاه که ۳ در ۳ نوید این
 شکل در پشت این نوید و شکل ۳ در ۳ که مذکور شد اینست

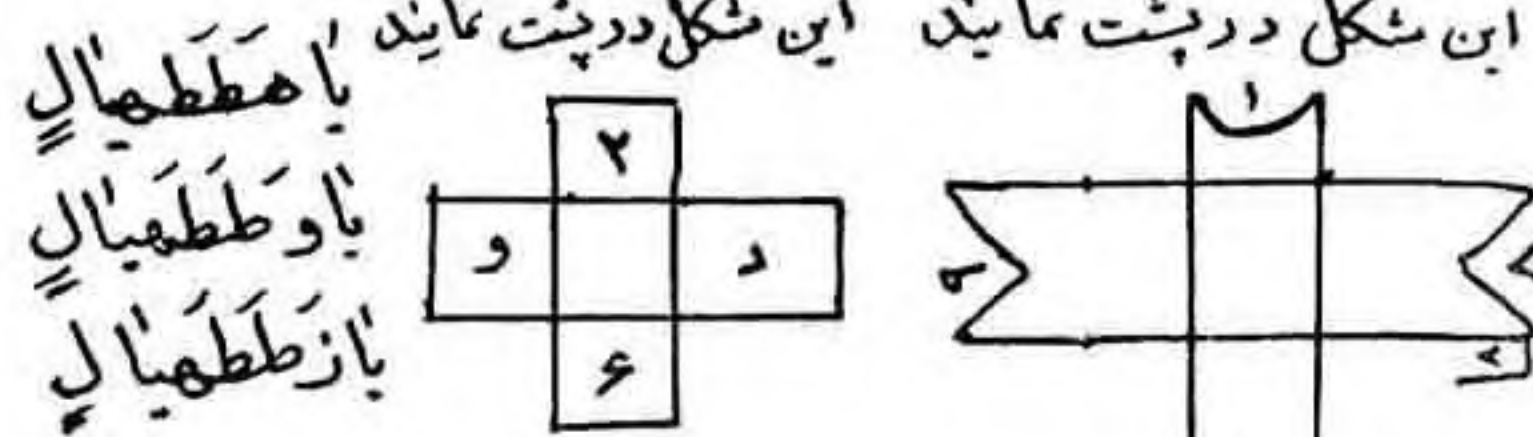
و شکل در پشت

مشرق برای محبت مغرب برای بغض

یا ططه یال	۶	۷	۲
یا بططه یال	۱	۵	
یا دططه یال	۱	۳	۴

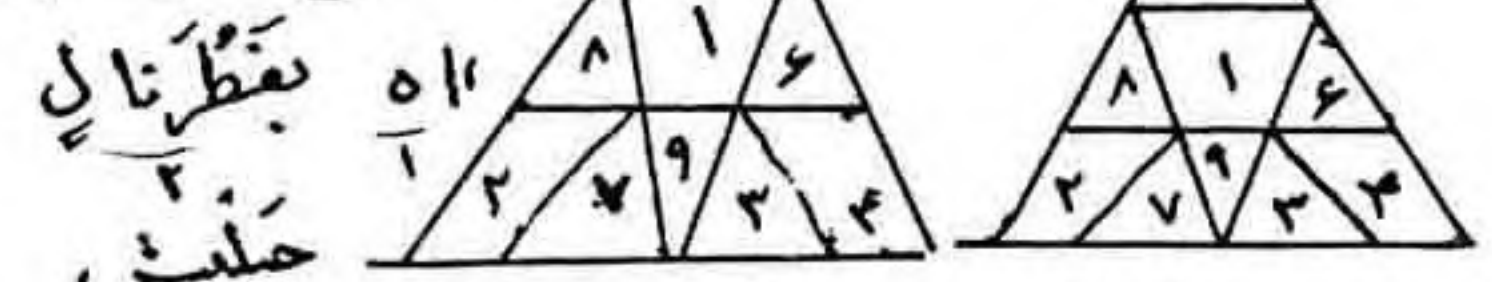
اسماء اینست

این شکل در پشت نمایند این شکل در پشت نمایند



یا مَطَطَهَيَالٍ یا طَطَهَيَالٍ

در اضلاع اهل یونان چنین



بِقَطْرِ نَائِلٍ جَلِيْبِيٍّ
رَمِيَالٍ يَا هَطَطِيْشٍ رَاوَلُوْهُمُ زَنْطَارٍ حَدَّ اَيْلٍ
طَنِيَايِلٍ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰

بعضی از حکما در حرف زکانه عمل میکنند و آن چنان است که با اصطلاح این قوم سه درسه یا مظهر است یا مضراست و مظهر است که اسم ط و مظهر را بجهت در وفق بنکارند مثل آنکه ط محمد ۹۲ و مطلوب محمود ۹۸ و اسم الودود ۴۴ این جمله دو بیت ده شد از این جمله ۱۳ طرح کردیم ۱۹۸ باقی ماند به قسمت کردیم خارج قسمت ۶۶ آمد و قسم دیگر طرح کردیم و یکم در مربع سه درسه آوردیم بدین مثل

اگر کسر داشته باشد ناچار از مثلث هندی گفته اند چون کسی مبتلای دل باشد و خواهد که دلش سرد شود اعداد سور و العصر و اعداد اسم شخصین گرفته درج کند باین طریق که نموده شد و در کوزه اب ندیده اند از د

۶۷	۷۲	۷۱
۷۴	۷	۶۶
۶۹	۶۸	۷۳

چون از آن کوزه آب بخورد دلش سرد شود و عدد آیه یا نار کونی برد او سلا ما علی ابراهیم و عدد اسم شخصین همین خاصیت دارد

و چون وفق داده شود در کنار آب روان وفق کند و سوره تبت همین خاصیت دارد و آیه وَالْقِيَامَةُ بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ با اسمین شخصین عدد گرفته درج کند و طرح کرده در خانه انکس دفن کند موجب تفریق باشد و درج کردن اعداد در سوره الم تر کیف با عدد اسم اشخاص موجب اخراج چون در قریش دفن کند یا در مقام او نماید دهد و آیه الم تر الى الذين خرجوا من ديارهم وهم الوف حذرنا الموت همین حکم کند و آیه لولا ان كتب الله عليهم الجلاء لعذبهم في الدنيا والاخرة ولهم عذاب النار همین خاصیت دارد و آیه وما رميت اذ رميت ولكن الله رمى و عدد

آیه استخوانها و نفق دهد و این آیه را بعد از اسم آن شخص بخواند و در قبرستان کهنه دفن کند آن شخص از مرتبه خود افتاده منزل کرد و عدد آیه فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضاً و لهم عذاب الیم و بعد از اسم شخصین و نفق داده بعد از آن این آیه را بخواند در گوشه قبرستان دفن کند یا در رگها در آن بیمار شود عدد آیه ضمکم کرمی فتمم الی یعقلون با عدد اسم کسی و نفق داده در زیر سنگ گران گذارد زبان بسته کرد و باید بنظر کواکب کند و بخورد بسوزد و در وقت نوشتن عزیمت بخواند باین طریق عزیمت علیکم واقمت علیکم بحق ربنا و ربکم یا شیدا ییل و یا شجاییل و یا شیطانیل و یا شکدا ییل افعلوا کذا و کذا الساعة الساعة اینستکه اولاً عدد را در وقت زکوة میدهند و منم که بمانند ثلث نموده دو ثلث او را درها کرده و یکثلث را در خانه اول بنکار و بعد از یکیک در خانه تا آخر هر یک یک اضافه کند الا آخر اگر دو اضافه باشد یک عدد در خانه چهارم اضافه نماید و اگر یکی اضافه باشد در خانه هفتم یک عدد اضافه نماید و طریقی رفتارش اینست

۲	۹	۴
۷	۵	۳
۶	۱	۸

اما مربع از اصل عددش سی زکوة بیرون میکنند منم که بمانند

تربیع

تربیع میشود سه ربع را طرح نموده یک ربع را در خانه اول بنکار و یکیک اضافه میکند تا خانه شانزدهم و اگر اضافه یک عدد باشد در خانه ۱۲ یکی اضافه و اگر دو باشد در ۹ یک عدد اضافه و اگر سه باشد در خانه ۵ یک عدد اضافه

نماید در رفتار نظم طبیعی خانه مربع اینست

۸	۱۱	۱۲	۱
۱۳	۲	۷	۱۴
۶	۱۶	۹	۳
۱۵	۵	۴	۱۰

عدد نام مبارک تمیثا را که یک هزار پانصد و پنجاه یک عدد است ضرب نماید در اسم مطهر و صل ضرب راسی عدد کم نموده

و بعد از طرح سی عدد فاضل را

بچهار قسم نموده و یک ربع را در مربع بیرون بطریق نظم طبیعی و در دو مربع بنویسد بخط هندی بر صفحه قلعی در روز ۵ شبه ساعت اول احرق قلب ۲۴ ف علی حب ۲۴ ف کلما احرق قلب زینجا علی یوسف ولین قلبه کما لیت المحمید لادد ۴ مربع بدوح در بیان تجب مربع را از خانه اول تا چهارم بدوح را بر رفتار نظم طبیعی بنکار و در خانه ۵ ۱۲ بگذار و با اضافه دو تا خانه هشتم و بعد اسم مط ط در خانه ۹ بگذار و با اضافه دو تا خانه ۱۲ نگاه مدد آیه انه

مِنْ سُلَيْمَانَ دَر خَانَه ۱۳ بگذارد باضافه دو تا خانه ۱۶ بشرطی که وفق لوح عدد ایه باشد بعد از آن وفق را گرفته بعنصران رساند و ایه را بعد در خودش بخواند یا بعد در اسم مطا احضار مجرب است و اگر بطریق مرقوم تا خانه هشتم بعد از آن اسم طالب را عدد گرفته در خانه ۹ یا اسم را بعینه بنویسد باضافه ۳ تا خانه ۱۲ بعد از آن اسم مطلوب را بنویسد و طالب باخور دارد رفتارش اینست که نموده می شود

۱۸	۱۷۵	۱۸۲۳	ب
۱۸۲۱	د	۱۶	۱۷۷
و	۱۸۲۷	۱۷۱	۱۴
۸۷۳	۱۲	ح	۱۸۲۵

اگر طالع وقت سعد باشد
و در برجی باشد که صاحبش
بفر دوست باشد مربع رک
را پر کند و ط و مط در خانه
خالی گذارد و چنان کند که

تزد ط باشد و در وقت مذکور مربع رفت را پر کند و مط در خانه خالی گذارد و بلیصق و احد اعلی الاخر که اثر تمام دارد چنانچه اگر رک بر کبوتر خانه گذارد و رفت بر کبوتر خانه دیگر کبوتر خانه دریم بکبوتر خانه اول میل کند و اگر اول را در لشکری باشد و دریم را بشکری دیگر دریم را میل اول کند و با اول بار میشوند و حامل ایشان ذره

نوة تمام دارد و وفق ۳۳۰ و وفق ۲۸۴ صورت وفق در فشارش اینست که نموده می شود اول اینست که نموده می شود

۷۰	۷۴	۷۷	۶۳
۷۶	۶۴	۶۹	۷۵
۶۵		۷۲	۶۸
۷۳	۶۷	۶۶	۷۸

۵۴	۵۸	۶۱	۴۷
	۴۸	۵۳	۵۹
۴۹	۶۳	۵۶	۵۲
۵۷	۵۱	۵۰	۶۲

۶۰

آخر ط و مط اول در ظهر خانه ۹ و دریم در ظهر خانه ۹ مرار حاصل شود و در خانه دریم وفق نماید رفتار اینست

۶۷	۹۱	۱۱۵	۱۱
۱۵۷	۱۹	۵۹	۹۹
	۱۳۱	۷۵	۵۱
۸۳	۴۳	۳۵	۱۲۳

۵۲	۷۰	۸۸	۱۰
	۱۶	۴۶	۷۶
۲۲	۱۰۰	۵۸	۳۰
۶۴	۳۴	۲۸	۹۴

۸۲

که باید خانه اولش خالی باشد چه خاکی چه آبی چه بادی چه آتشی فرق نمی کند و رفتارش

۳	۸	۱
۲	۴	۶
۷		۵

اینست
حالا میخواهیم اسمی پر کنیم هر اسمی نمی شود و باید اسمی باشد که ثلث صحیح

داشته باشد مثلا باسط ۷۲ است و ثلث صحیح دارد باید
دوازده قسمت بشود و یکفتم را در خانه اول عارضی بگذارد
و بقدر همان قسمت بفرزاید در خانه ۲ بگذارد تا آخر حال
۷۲ دوازده شش است شش را در خانه اول و در خانه
۲ شش است دیگر علاوه کن الی آخر مثال اینست که رفتار

نموده می شود

۱۸	۴۸	۶
۱۲	۲۴	۳۶
۴۲		۳۰

مثلث که وفق آ ۱۲ است میشود
که ۱۵ باشد مثل اینکه اول در خانه
آ عارضی مینویسی و ۲ را در خانه ۲
و عوض ۴۳ مینویسی یکی زیاد میکنی و در خانه قلب ۵
مینویسی و در خانه ۷ شش و در خانه ۷ هشت مینویسی
ایضا یکی زیاد میکنی مثالش اینست که نموده می شود

۴	۱۰	۱
۲	۵	۸
۹		۶

اما هرگاه بخواهی اسی پر کنی باید
ثلث داشته باشد اگر ثلث ندارد
نی شود حالا باسط ۷۲ است
در این جا باید که ۱۵ قسمت بشود
۱۵ پنج سه کم میاید در آن جائیکه یکی علاوه کرده مقابل
ایک قسمت باید زیاد شود که در حقیقت ۲ قسمت زیاد
شده است و عوض آن یکی که در رفتار زیاد شد در این

دو با

۱۹	۴۸	۵
۱۰	۲۴	۳۸
۴۲		۳۹

دو جا که قسمت زیاد میشود یکی کم می شود
باب نهم در بیان محبت و احضار
بجهت محبت و احضار بسیار مجرب
است بدانکه اگر علمای عدد این

طریق را عمل کرده اند و در این باب تاکید و مبالغه کرده اند
که از نام محرم مخفی دارند و آن طریقه آن است که آیه أَنَّهُ لَحَبَّ
الْخَيْرِ لَشَدِيدٍ را در خانه اول لوح منظر وضع کنند و در
خانه شانزدهم اسم مطلوب را ایضا منظر وضع کنند و در
اول زیاده کنند و در رابع کم بر آنکه زیادتی بر جانب باشد
و نقصان در جانب مطلوب زیادتی نماید و اگر خواهد که
عکس این عمل کند شاید که مجرب باشد اما بشرط آنکه سوره
یس بخواند و بارضو باشد رو بقبله باشد انوقت مقصود

دانه لحنه لشدید ۱۳۹۲	۱۳۰۳	۱۳۰۲	مجره لحنه لشدید ۱۳۹۴
۱۳۰۱	۱۲۹۸	۱۲۹۱	۱۳۰۴
۱۲۹۵	علی ۱۳۰۰	مجمع ۱۳۰۵	۱۲۹۴
۱۳۰۴	۱۲۹۳	۱۲۹۶	۱۲۹۹

حاصل شود و در وقت
عمل بخور لاین مثل صندوق
و عود و میخک و حسن
لبه و دیگر بخورات در
آتش اندازد مجرب است

مربع دیگر در این مربع نامیزده خانه عدد حقه خانه را

باب نهم ۱۶۴

نویسند و بعد از آن عدد اسم طالب و مطلوب را در آنچه کلمه محبت با عدوت که خواهند در او کنند از جمیع اعداد بیت یک عدد بنویسند و بعد از خانه سیزده چنانچه نوشته شد در پر کنند

۱	۱۱	۲۲	۳۳
۲	۲۲	۳۳	۴۴
۳	۳۳	۴۴	۵۵
۴	۴۴	۵۵	۶۶
۵	۵۵	۶۶	۷۷
۶	۶۶	۷۷	۸۸
۷	۷۷	۸۸	۹۹
۸	۸۸	۹۹	۱۰۰
۹	۹۹	۱۰۰	۱۱۱
۱۰	۱۰۰	۱۱۱	۱۲۲

مجرّب و از موده است نوع دیگر آنستکه دو دو می نویسند بقاعده اخری را بر جده بعد هر عددی را که میخواهند میگرد و نصف

میکنند بعد از نصف هشت طرح میکنند باقی را در خانه ۹ می نویسند و یکبار زیاد میکنند تا آخر که وفق با آن عدد که گرفته است یکی است و اگر کسی باشد در خانه سیزده یکی زیاده میشود مثلاً علی ۱۱۰ است نصف ۵۵ طرح باقی میماند ۴۷ اینست طریق اش

۱	۴۹	۵۲	۵۵
۲	۵۱	۲	۷
۳	۵۴	۴۷	۶
۴	۵۸	۵	۴
۵	۶۱	۶	۳
۶	۶۴	۷	۲
۷	۶۷	۸	۱
۸	۷۰	۹	۰
۹	۷۳	۱۰	۹
۱۰	۷۶	۱۱	۸

ذوالکتابه ان است مثلاً ضلع بالا را چهار اسم می نویسند و عددش را بالا می نویسند اسمی که در خانه اول است و در دور اول واقع شده است خانه

در بیان محبت واحضار و اعداد ۱۶۵

دویش یکی زیاد میکنند تا دورش تمام شود خانه دیگر را ملاحظه کند اگر دور دوم است سه بیش افتاده است سه عدد از همان اسم کم کند و در خانه اول دورش بنویسد و در خانه ۲ یکی زیاد کن تا با آخر دورش برسد و هم چنین بسم را ملاحظه کن که از اول دورش در خانه بیش افتاده است یا سه خانه یا یک خانه همان قدری که بیش افتاده است از همان اسم کم کن و در اول دورش بنویس مثال ذوالکتابه

است پس هرگاه چهار زاویه را ۹۲ ۱۵۸ ۱۰۰ ۳۰۳

محمد	محسن	علی	باقر
۱۱۱	۳۰۲	۹۳	۱۵۷
۳۰۱	۱۰۰	۹۴	۱۶۰
۱۵۹	۹۵	۳۰۰	۱۰۹

از اسم بنویس همین قاعده و گذشت جاری میشود باید ملاحظه دورش را کرد اگر از اول دورش بیش بیفتاده است دورش اگر بیش افتاده است بنویسد

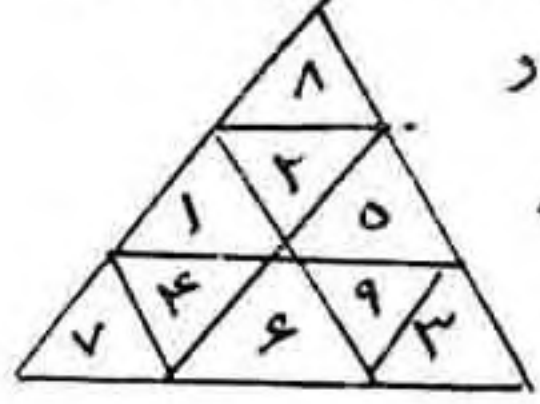
اگر یک خانه بیش افتاده یکی کم کند اگر دو خانه بیش افتاده سه عدد کم کند و علی هذا القیاس هرگاه چهار خانه قلب بنویسی بهمین قاعده و هم چنین چهار خانه صلیب ضلع طرف راست ضلع میان ضلع پایین ضلع طرف چپ همه قاعده اش یکی است در مثلث صحیح و مجرب که اسم طالب و مطلوب

و مقصد واسمی از اسماء الله که موافق مطلب بوده باشد بعد دور آورده و مجموع عدد را ۹۹ طرح کند و بهر نه که طرح شد فردی نگاه دارد و آنچه نگاه داشته باشد ۵۵ طرح کند و ببیند که چند پنج شده است انقدر در بیت اول گذارد و از مضاعف کرده در بیت دوم و همان بیت اول در بیت سوم را مضاعف کرده در بیت اول و دوم را در بیت چهارم تا تمام بیوت در تمام تمام کند چنانچه از طرح نه نه کرمانده باشد در خانه ۵ بزیار و کم واقع سازد و بعد از آن عدد کل بیوت عدد جمع است و این اصل عظیم است و از غرایب مغزیان است مثال چنان است که اصل عدد نصد و از نصد صد ماند و از صد بیت میشود پس پورا در خانه اول دادن بدین نوع زنهار در حرام تجربه نمایند و بمثال ظاهر تر شود ۹۰۰ که حصه اش صد میشود و صد پنج قسمت کردیم بیت عدد میشود ۵ باین صورت که نوشته شد و آن

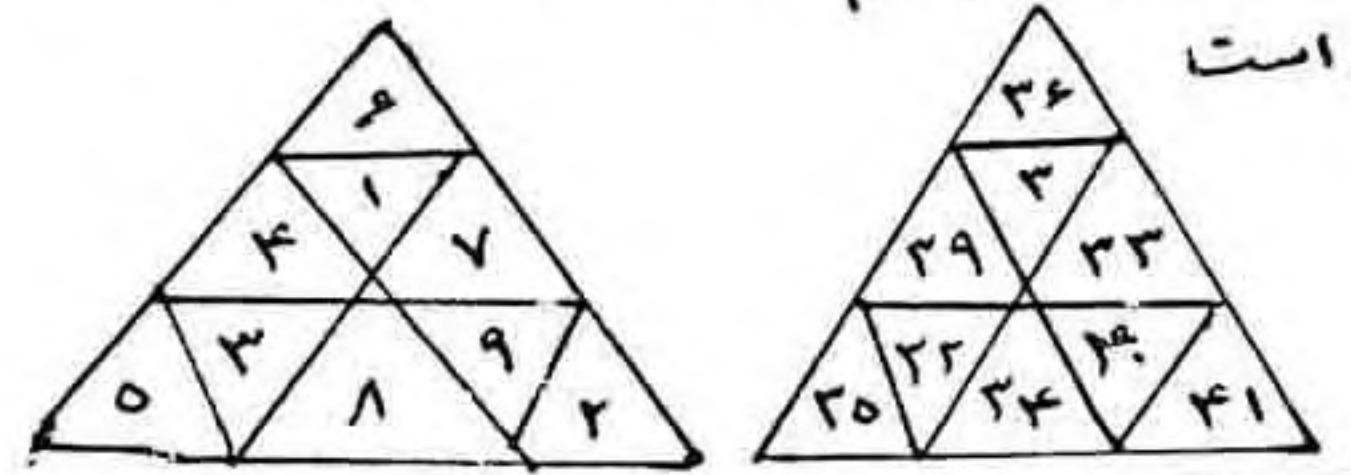
۴۰	۱۴۰	۱۲۰
۱۸۰	۱۰۰	۲۰
۸۰	۶۰	۱۶۰

مثلت هندی هرگاه در مثلث ۱ عدد اضافه باشد ۱۳ عدد نقصان نماید و ۳ عدد در خانه ۹

۹ افزایش بدین دستور درج نماید درست آید اینست مثلث هندی دیگر هرگاه سی و دو عدد باشد باشد ۱۴ عدد ۱۳ نقصان است نقصان نماید و یک عدد در خانه ۵ و یک عدد در نه افزایش بدین دستور عمل نماید موافق افتد عدد صد بود و کسر بود ۱۳ نقصان نمودیم باقی ۸۷ بماند او را مثلث کردیم ۲۰۹ و سه عدد در خانه ۹ افزودیم بدین دستور که عمل شده است مجرب است



است



قاعده در نوشتن مربع بدو ح در دور اول ۵ ۶ ۴ ۲ نوید و در خانه ۶ ۴ ۳ ۵ ۲ را ۱۲ عدد بطریق دور اول بنویسد و اسم ط را ۴ ۶ ۱۲ عدد کم کند در خانه ۹ گذارد و بطریق مذکور بنویسد و اسم مط ۳ ۵ ۲ عدد کم کرده در دور چهارم گذارد و بنویسد بطریق مذکور طالب محمد ابراهیم مطلوب خیری عدد طالب ۳ ۵ ۱ طره ۳ ۳ ۲ ۱ مط ۱۲ ط ح ت دره دره اول از اعداد ۶ ۱۱۵ ۵

باب نهم

۱۶۸

طرح کند و ه قیمت کتد
خمس را در خانه مط نمند
که اگر یکی باشد در ۱۲
و اگر دو باشد در خانه ۱۵
و اگر سه باشد در خانه ۱۷
بکعد اضافه کنند و اگر یکی
در خانه ۶ بکعد اضافه کنند رفتارش اینست که نموده
می شود

ب	۸۱۷	۲۳۴	حی
۲۳۶	بدی	د	۸۱۵
جوار	۲۳۰	۸۲۱	و
۸۱۹	ح	واجب	۳۳۲

۴	۱۲	۲۵	۸	۱۶
۲۳	۶	۱۹	۲	۱۵
۱۷	۵	۱۳	۲۱	
۱۱	۲۴	۷	۲۰	۳
۱۰	۱۸	۱	۱۴	۲۲

۱۶	۱۰	۹	۳	۱۸۴
۴	۱۸۵	۱۷	۱۱	
۱۲	۶	۴	۱۸۶	۱۸
۱۸۲	۱۹	۱۳	۷	۱
۸	۲	۱۸۳	۱۵	۱۴

مخمس خالی الوسط
بر نظم طبیعی از مفتاح
تا ۱۹ بنویسد و عدد
اسم طالب و مطلوب
و مدعا را جمع نموده
چهل طرح نماید و باقی
را در خانه بنسب گذارد
و بزیادتی واحد ۴
خانه دیگر را بر نماید
و خانه ۲۵ که خانه و
وسط است و خالی است
اسم مطلوب را بحروف

نظم

در بیان وفق حروف و اعداد

مقطعه نویسد مثال طالب محمد مطلوب علی اسم اعظم
و در وجهش ۲۲۲ طرح ۴۰ باقی ۱۸۲ وفق ۲۲۲
در صدس طرح ۱۰۰ است کسرش اگر اجماند در خانه ۶۳۱
و اگر دو باشد در خانه ۴۵ و اگر سه باشد در خانه ۱۹ اگر
۴ باشد در خانه ۱۳ و اگر ه باشد در خانه ۷ بکعد اضافه

۱	۱۱	۳۰	۲۲	۳۴	۴
۳۵	۱۱	۲۴	۲۱	۱۸	
۱۸	۲۲	۱۷	۱۲	۲۳	۹
۸	۱۶	۱۹	۲۶	۱۳	۲۹
۴	۲۵	۱۴	۱۵	۲۰	۳۱
۳۲	۲۷	۷	۵	۳	۳۶

نماید
در مسبع زکواة
۱۶۸ عدد بدهد
بعد از آن کسر اگر
ه باشد در خانه
هشت يك اضافه
نماید اگر ه در
خانه ۱۵ يك اضافه

نماید و اگر کسر ۴ باشد در خانه ۲۲ يك اضافه نماید
رفتارش اینست

وفق ۴ در چهار بدین اشعار نگاه کن و بساز که وفق
میدهد خدای واحد ثلثها ماه پی نقصان برادران شد
مصر بایبهای چنان بروج کوکب سیار مهره بزد شمار حاصل
که فراد شام داند آن ۱۲ جهات شست ۷ فلك ۲ اشکال زل ۱۳
۱۶ ۹ ۶

در بیان وفق و اعداد ۱۷۱

مربع متسع ۹ در ۹ تعلق بزحل دارد در شرف زحل نوشته در زیر عمادت گذارد هیچ ضرر با او نرسد و در نزد خود نگاه دارد مجرب است زکوة انرا ۳۶۰ بدهند

۴۵	۲۴	۲۳	۱۲	۱	۸۰	۶۹	۵۸	۴۷
۴۶	۴۴	۲۲	۲۲	۱۱	۹	۷۹	۶۸	۵۷
۵۶	۵۴	۴۳	۲۲	۲۱	۱۰	۸	۷۸	۶۷
۶۶	۵۵	۵۴	۴۲	۳۱	۲۰	۱۸	۷	۷۷
۷۶	۶۵	۶۳	۵۲	۴۱	۳۰	۱۹	۱۷	۶
۷	۷۵	۶۴	۸۲	۵۱	۴۰	۲۹	۲۷	۱۶
۱۵	۴	۷۴	۷۲	۶۱	۵۰	۳۹	۲۸	۲۶
۲۵	۱۴	۳	۷۲	۸۱	۶۰	۴۹	۳۸	۳۶
۳۵	۲۴	۱۳	۲	۷۱	۷۰	۵۹	۴۸	۳۷

مربع ده در ده تعلق بمر دارد در شرف فر نوشته با خود دارد همراه خود داشته باشد برای مهمات نیکوست و فایده بسیار دارد مجرب است زکوة انرا ۴۹۵ بدهند موافق نظم طبیعی ۵۰۵ است

ناب نهم

طلاق زنان نیمه ماه فصول سال اصحاب کتب

۲۲	۴۷	۱۶	۴۱	۱۰	۳۵	۴
۵	۲۳	۴۸	۱۷	۴۲	۱۱	۲۹
۳۰		۲۴	۴۹	۱۸	۳۶	۱۲
۱۳	۳۱	۷	۵۰	۴۳	۱۹	۳۷
۳۸	۱۴	۲۲	۱	۲۶	۴۴	۲۰
۲۱	۲۹	۸	۲۵	۲	۳۷	۲۵
۴۶	۱۵	۴۰	۹	۳۲	۳	۲۸

ایام قربان
۱۰
وفق هشت
در هشت موافق
طبیعی صحیح
اینست زکوة
اش ۲۰۲
است واضح باشد

۳	۱۶	۵۲	۱۴	۵۳	۱۱	۶۴	۲
	۲۰	۴۷	۴۹	۲۲	۴۲	۱۵	۶۰
۵۹	۱۷	۲۲	۳۵	۳۸	۲۵	۴۸	۶
۵۱	۲۶	۳۷	۲۶	۳۱	۳۶	۱۹	۷
۸	۲۱	۲۷	۴۰	۳۳	۳۰	۴۴	۵۷
۵۵	۴۱	۳۴	۲۹	۲۸	۳۹	۲۴	۱۰
۹	۵۰	۱۸	۶۱	۴۳	۲۳	۴۵	۵۶
۶۳	۴	۵۱	۱۳	۱۲	۵۴	۱	۶۲

۱	۹۱	۵	۹۸	۶	۹۴	۹	۹۸	۹۰	۱۰
۹۷	۲۰	۸۰	۲۳	۷۹	۲۴	۷۶	۷۵	۲۷	۴
۱۲	۸۲	۳۳	۶۷	۳۷	۶۶	۶۲	۲۸	۱۹	۱۹
۸۷	۲۸	۶۵	۴۳	۵۰	۵۲	۵۶	۲۶	۷۲	۱۴
۱۳	۷۱	۴۰	۵۲	۵۵	۴۴	۴۹	۶۱	۳۰	۸۸
۸۶	۹۹	۶۰	۴۸	۴۵	۵۸	۵۱	۴۱	۷۲	۱۵
۱۶	۶۹	۴۲	۵۷	۵۲	۴۷	۴۶	۵۹	۳۲	۸۵
۸۴	۳۱	۶۳	۲۴	۶۴	۳۵	۲۹	۶۸	۷۰	۱۷
۱۸	۷۴	۲۱	۷۸	۲۲	۷۷	۲۵	۲۶	۸۱	۸۳
۹۵	۲	۹۶	۳	۹۵	۷	۲۹	۸	۱۱	۱۰۰

سبع هشت در هشت شرف مشرقت تعلق بعلماء و اصحاب دیانت دارد چون مشتری در درجه شرف باشد و فرید و متصل این شکل را بنویسد هر کسی که با خود دارد معاون او باشد بر علم صواب و او را از جهل و غلای پاک گرداند و اگر کسی را دوری یا غلنی باشد و علاج آن بر اهلها مشکل بود این شکل را هم در وقت شرف مشتری و ابقالی

قرید و شیره انگور بر نان جوین نویسد و در وقت طلوع افتاب بدان بیمار دهد شفا یابد بفرمان خدا تعالی او در شکل مرقوم شده از کتاب ابو عباس بونی علیه الرحمه است صحیح و مجرب است

۱	۶۳	۳	۶۱	۶۰	۶	۵۸	۸
۵۶	۱۰	۵۴	۱۲	۱۳	۵۱	۱۵	۴۹
۱۷	۴۷	۱۹	۴۵	۴۴	۲۲	۴۲	۲۴
۴۰	۲۶	۳۸	۲۸	۲۹	۳۵	۲۱	۲۳
۳۲	۲۴	۳۰	۳۶	۳۷	۲۷	۳۹	۲۵
۴۱	۲۳	۴۲	۲۱	۲۰	۴۶	۱۸	۴۸
۱۶	۵۰	۱۴	۵۲	۵۲	۱۱	۵۵	۹
۵۷	۷	۵۹	۵	۴	۶۲	۲	۶۴

۱	۶۲	۵۹	۸	۹	۵۴	۵۱	۱۶
۶۰	۷	۲	۶۱	۵۲	۱۵	۱۰	۵۳
۶	۵۷	۶۴	۳	۱۴	۴۸	۵۶	۱۱
۶۳	۴	۵	۵۸	۵۵	۱۲	۱۲	۵۰
۱۷	۴۶	۴۳	۲۴	۲۵	۲۸	۳۵	۳۲
۴۴	۲۳	۱۸	۴۵	۳۶	۳۱	۲۶	۲۷
۲۲	۴۱	۴۹	۱۹	۳۰	۳۳	۴۰	۲۷
۴۷	۲۰	۲۱	۴۲	۲۹	۲۸	۲۹	۲۴

باب دهم در بیان ازکار و معرفت ان

روایت میکند حسین بن حسین بابویه از شیخ جعفر بن محمد که هر آن بنده از بندگان خدای عزه و جل و امتی از امتان محمد صلی الله علیه و اله و سلم که باین اسماء عمل کند کارهای دینی و دنیای او کفایت شود و هر پیغمبر که معجزه نمودی از برکت این اسمها بود شرط این است که این اسماء الله را از نا اهل نگاه دارد و رعایت کند و عمل بدین از سر اخلاص کند تا مقصود حاصل شود انشاء الله هُوَ اللهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ هر که روز هزار بار بگوید حق تعالی او را از اصحاب یقین گرداند و هر حاجت که از حق تعالی طلب کند بیاید و هر که بعد از نماز فرضیه صد بار بگوید حق تعالی او را از اصحاب کشف گرداند و در هر چه نظر کند حکمت آن بر وی ظاهر شود هر که از عقب هر نماز دو بیت نود هشت بار بگوید جمله مخلوقات از آدمی و پری او را دوست دارند بخشش نمایند و هر چه از حق تعالی طلب کند بیاید و دشمنان او بر وی مهربان گردند هر که هر روز هزار بار بگوید هر که او را ببیند مشفق و مهربان گردد و در آخرت حق سبحانه و تعالی او را منصور و نصیر خود کند هر که هر روز نود بار بگوید از خلق بی نیاز گردد و در دولت دنیا استقلال یابد و در عقبی از مملکت باقی بماند

بهره کرد هر که هر روز در وقت زوال صده و هشتاد نوبت بگوید دل او صاف و نورانی گردد و از شر انسی و وسوسه شیاطین در امان باشد هر که بعد از نماز جمعه هفت نوبت بر نان نویسد و بخورد ملائکه صف دهد هر که صد و سی و یکبار بر بیمار خواند شفا یابد و هر که سیصد و هجده بار بر شربی خواند و بدشمن دهد بخورد بروی مهربان گردد هر که بر نیکی نقره کند و انگشتری سازد و با طهارت نگاه دارد از شر شیطان ایمن گردد هر که بعد از غسل با طهارت صد بار بگوید اللهم مشرف گردد هر که چهل روز هر روز چهل یکبار بخواند هرگز محتاج خلق نشود و هر کدایم درد سازد و در میان مردم عزیز و با حرمت باشد لایق حال ملوکان و اکابر است و مملکت قرار گیرد بر ایشان و هر که از شاه ترسد چون نژادی برود و دوازده بار بگوید از وی ایمن گردد هم لایق حال ملوکان است و هر که بیش از صحت بازن ده بار بگوید حق تعالی او را فرزندی دهد که در میان مردم معزز باشد و از آفدای نرسد هر که هر روز آدین صد نوبت بگوید او را موسی فرمائید در کور و تنهایی گذارند هر که هفت روز روزه بگیرد و در وقت افطار بیست یکبار بر آب خواند و باب دمد و بیاشامد بفرزند نیکو صورت حامله شود هر که بعد از نماز آدین صد بار بگوید البته مراد حاصل شود انشاء الله

یا غفار اغفر لی ذنوبی حق تعالی کناهان اورا عفو فرماید
 و پرده اورا نوزد بندگان نذر حق تعالی غم و محنت از دل او بر
 دارد و بر نفسی غالب گردد و در میان فرض و سنت جمع نیت
 فمردشمنان صد نوبت بگوید دشمنانش مقهور گردد هر که در
 شب دوشنبه نیم شب دو رکعت نماز بگذارد و بعد از نماز سه سجده
 گذارد و هفت بار بگوید توانگری باید و هر حاجت که بخوای خود
 دارد هم شب در خانه خود یا در مسجد دست بردارد و صد و یکبار
 بگوید در سجده افتد که حاجت طلب کند و مرادش برآید
 روزی بروی فراخ گردد و محتاج نگردد هر که بعد از نماز باید
 از هر دو دست بر سینه نهد و هفتاد نوبت بگوید دل او روش و
 نورانی گردد و در بهر کاری و مهمی که نمند بروی آسان گردد و
 هر بستگی بروی کشاده گردد چون بسیار گوید و بدل همراه باشد
 از علم و معرفت بهره تمام باید و هر که خواهد از امر بجهان
 آگاه شود سر شب آئیده بعد از دو رکعت نماز صد و پنجاه بار
 بگوید آگاهی ان امر در خواب به بیند و بروی نمایند و چون قننه
 و سحری که کرده باشند با بوره یا کریمینه آگاهی باید سر روز
 روزی دارد و هر روز هزار بار بگوید اعلمنی من فلان و نام
 مقصود بزبان براند و با طهارت بخوابد که در خواب گماهی ان
 ۵۱۲۰

بروی روشن گردد هر که از دشمنان صعب ترسد و بیم باشد
 هزار بار به نیت ان دشمن بگوید البته ان دشمن هلاک شود
 هر که در سحر دست برداشته ده بار بگوید و دست بر روی مال
 همیشه دل خوش و خرم باشد و از غم و اندوه بیرون آید و از جانی
 که کمان به نزدت یابد و روزی بروی فراخ گردد جهت رفع
 دشمنان هفتاد و پنج بار بخواند بعد از نماز و بیرون سجده و بگوید
 و دعا کند که اللهم مرا از شرفلان ایمن گردان البته از شر او امان
 باید روز پنجشنبه جاشگاه بعد از دو رکعت نماز پانصد بار بگوید
 و بعد از ان هر دعا که می کند استجاب گردد در نیم شب چند ان
 بگوید که از خور غایب گردد حق تعالی او را معدن اسرار غیب
 گرداند در شب جمع بر نیت بر پارچه نان نویسد و بخورد حق
 تعالی خلافت را سحر وی کند بهر حاجت که دارد بعد از نماز
 دو رکعت مشد بار بگوید حاجت او را روا شود جهت پنجاه
 داشتن امری از امور صد بیت نوبت بر سنگ سیاه خواند
 و بچاه اب اندازد جهت دفع غم و کدورت و جهت فراخی روزی
 چهل و یکبار براب خواند و بیاشامد بروتی نهد و بر نکین
 خاتم نقش کند که نفس و مال و ملک و عرض و دن و فرزند
 و آنچه باو تعلق دارد محفوظ باشند جهت محبت در روز جمع

هزار بار بر شیرینی خواند و بخورد محبوب دهد و بجهت برانست
 زن و شوهر هزار بار بر طعام خواند اگر زن بخورد یا شوهر بخورد
 مرد بسند باشد چون هفت روز پانصد بار بگوید بکشد
 هر که فرزندی دارد و فریمان بر دار نیست در وقت صبح دست
 بر پیشانی او نهد و بیت و یکبار بگوید او را از صالحان گرداند
 همچنین اسم اعظم است هر که در سحر کاهاں بسیار گوید او را تصرفی
 در دلها پیدا کرد و عمرش دراز باشد و هر که این دو اسم را با یک
 یکرورد سازد مرادات دینی و دنیای او بر آید و مرادات جری
 و کلی کنایت شود فعلاً مختصر کردیم در باب این اسماء و دیگر این
 این اسمای عظام را که ذکر خواهد شد خواص بسیار است
 و جهت هر حاجتی اگر کسی بخواند یا تکبیر کند و یا خورد دارد
 بسیار بسیار نیکوست اولاً جهت کرسنگی اسم صد میکند و
 انقدر که قدرت داشته باشد باید خواند و اگر بقواعد
 مقرره که از جهل حساب بیرون نباشد بخواند غالباً که بهتر
 باشد و اگر تکبیرش و وقفش بنکارند هم از آن اعلاست دیگر
 جهت اسم هادی و رشید بخواند بهمان قاعده که در آن
 دو اسم بیشتر ذکر کرده شده بسیار مفید است اما بشرایط
 مذکوره و دیگر جهت دفع فقر اسم غنی و معنی بسیار مفید است
 دیگر

دیگر جهت ضعف بدن و ماندگی اسم قوی و متین بهمان
 قاعده که از پیش ذکر آن رفت بعمل آورد که فایده بسیار
 میدهد دیگر جهت دفع مذلت و خواری هم عزیز و عظیم
 بعمل آورد بقاعده مقرره دیگر جهت الام و امراض و اسم
 شافی و معافی بعمل آورد که بسیار فایده میدهد بحرب
 است دیگر جهت فیض و بستگی خاطر اسم باسط و جواد
 بعمل آورد دیگر جهت محب و راد اسم حبیب و درود بعمل
 آورد دیگر جهت غلبه بر اعداء اسم شدید البطش بعمل آورد
 دیگر جهت حیات و خیر در هر کاری اسم دائم و صبور بعمل
 آورد و عرض از عمل آن است که هر نوع که براند تکبیر اسماء
 مذکوره بنماید و وقفش بنکارند و عددش مرتب دارد که
 در خواندن مقرر زبانه و کم بخواند و بخورد سیوزاند و مفید
 بساعت مناسب بوده باشد اگر نظر سعدین باشد بهتر است
 همه حال در روز خوب و ساعات مناسب و طالع سعد و
 خوشحال برین عمل باید کرده با اثران ظاهر باشد شود
 و از برای هر عمل غالباً بر عامل صاحب وقوف پوشیده
 نخواهد بود که در چه ساعت و چه نضار و طاعت و اگر تفصیل
 آن شروع مرود از مقصود میبایم و این مختصر کنجایش آن

ندارد حالاً هر سه می که از پیش گذشت اکنون شروع
 در لوح چهارده در چهارده کنیم که وعده گذشته و سوره مقطعا
 یا اسمای الهی که از ان حروفش مع بینات مرکب است و شر
 و شرحش از پیش ذکر شده بلی یک حرف یا که مضاع بسم الله الرحمن
 الرحیم است که اسماء الهی داخل است زیرا که حروف بسم
 الله الرحمن الرحیم در اصل ده حرف است بلا تکرار او یک حرف
 فائده اش بادست که داخل حروف نورانی نیست و تعداد

این حروف داخل شده تا از قاعده بسم الله الرحمن الرحیم
 که فائده کلام حق است و خالی نباشد و صورت لوح این
 است بدان که مفتوح این اسم ۱۴ حرف نورانی است

وان این است ال مرص و ک م ی ع ط س
 ح ق ن بینات این حروف بلا تکرار از برای این است
 ف دو عدد حروف بینات ج و از حرف بسم الله ب
 و ترکیب این چهارده اسم از این حروف است و لوح در
 مقابل صفحه نوشته شده است

الله	لطیف	ملك	صفي	رحيم	كريم	هادي	عونه	عالي	طيب	سميع	حاكم	قويوم	نافع
لطيف	ملك	صفي	رحيم	كريم	هادي	نافع	الله	عونه	عالي	طيب	سميع	حاكم	قويوم
ملك	صفي	رحيم	كريم	هادي	نافع	قويوم	لطيف	الله	عونه	عالي	طيب	سميع	حاكم
صفي	رحيم	كريم	هادي	نافع	قويوم	حاكم	ملك	لطيف	الله	هادي	عالي	طيب	سميع
رحيم	كريم	هادي	نافع	قويوم	حاكم	نافع	صفي	ملك	لطيف	الله	عونه	عالي	طيب
كريم	هادي	نافع	قويوم	حاكم	سميع	لطيف	رحيم	صفي	ملك	لطيف	الله	عونه	عالي
هادي	نافع	قويوم	حاكم	سميع	طيب	عالي	كريم	رحيم	صفي	ملك	لطيف	الله	عونه
نافع	قويوم	حاكم	سميع	طيب	عالي	عونه	هادي	كريم	رحيم	صفي	ملك	لطيف	الله
عونه	الله	لطيف	ملك	صفي	رحيم	كريم	عالي	طيب	سميع	حاكم	قويوم	نافع	هادي
عالي	عونه	الله	لطيف	ملك	صفي	رحيم	كريم	طيب	سميع	حاكم	قويوم	نافع	هادي
طيب	عالي	عونه	الله	لطيف	ملك	صفي	رحيم	كريم	هادي	نافع	قويوم	حاكم	سميع
سميع	طيب	عالي	هادي	الله	لطيف	ملك	عالي	قويوم	نافع	هادي	كريم	رحيم	صفي
حاكم	سميع	طيب	عالي	عونه	الله	لطيف	قويوم	نافع	هادي	كريم	رحيم	صفي	ملك
قويوم	حاكم	سميع	طيب	عالي	عونه	الله	نافع	هادي	كريم	رحيم	صفي	ملك	طيب

فصل باب یازدهم در بیان معرفت الادواح

بدان ایدک الله تعالی در معرفت این الواح و لوح اول از جمله
 مهربان است و منجرات شیخ سیف الدین باخرزی است
 قدس الله سره هر که سوره اخلاص در وقت اگر چنانچه
 کسی مجوس باشد و با جمعی مجوس باشند چون این مربع را بکشد
 در ساعت اول روز پنجمه اول ماه و نام آن جمع مجوسان را
 بر طرف مربع تکبیر کنند و در استان آن بنده خانه دفن کند
 هم در روزان قوم خلاص یابند و اگر در روز خلاص نکرده شد
 جمعه بعد غایت این لوح را بخواند در روز البته البته اگر در بند
 آهن باشد که از ایشان مزوریزد و از آن بند خلاص شوند
 و از ساعت نوشتن تا وقت دفن کردن مربع را از چشم عبور

قل هو الله	الله الصمد	لم یلد ولم یولد	ولم یکن له
۲۲۰	۲۳۱	۲۴۰	کنوا احد
۳۸	یا کبیر	۲۳۲	یا حکیم
یا باری یا جمیل	۲۴۳	یا مدی	۲۱۹
۳۱	۲۴۳	۲۳۴	۲۱۹
۲۳۳	یا لطیف	۲۹	۲۴۲
۲۳۳	۲۱۵	یا بدیع	۲۴۲
۲۳۳	۲۱۸	۳۹	یا سیم یا باری
۲۴۱	۳۱۰	۲۲۱۰	۲۳
۲۴۱	۳۱۰	۲۲۱۰	۲۳

پوشید و نکذارند
 که شخص جنب بر آن نظر
 کند و اگر هیچکس نه
 بنید نیکوتر بود و در
 بن مشک و شبهه نیست
 بدین دستور باید
 نوشت و این مربع

لواح

لوح دوم آیت رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي درود
 است و این آیه از سوره طه و از مهربان شیخ السلام سعد المله
 والذین الحموی است و خواص بسیار دارد اما خواصی که زود تر
 اثر کند و بران مخصوص است آنست که چون شخصی را مهم مشکل
 پیش آید که بران عاجز گردد چون این لوح را بر کتف ساعت
 روز اول ماه از روز شنبه یا ساعت هشتم که تعلق بزحل دارد
 هم در آن روز آن مهم کفایت کرد و دیگر اگر کسی نکاح خواهد
 کرد در جمعی مانع گردند به نیت نکاح بر کتف و در زیر درخت انار
 مشربین یا توت یا سیب دفن کند که آن نکاح هم در آن روز بر آید
 دیگر اگر کسی دعوی دارد بان نیت در اول ساعت روز پنجشنبه
 بکشد که بر خصم در دار القضا فرود کرد و مهمات بر حسب خواه

درب شرح	لی صدری	و یسری	آخری
۷۱۱	۳۴۴	۲۱۶	۲۵۱
۳۱۷	۲۵۰	۷۱۲	۳۴۳
۲۱۲	۲۱۹	۲۴۵	۷۱۰
۲۴۹	۲۱۴	۲۴۶	۷۱۳
۲۴۶	۷۱۹	۲۱۲	۳۱۸
۳۴۵	۷۱۴	۲۴۸	۳۱۵
۳۱۷	۳۱۶	۷۱۲	۳۴۲

کفایت شود و در
 علوم خواندن و در نوشتن
 بغایت خوب است
 و در این مشک و شبهه
 نیست و مشکل مربع
 بدین صورت باید
 نوشت

لوح شیم آیه و نزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین
 در در حطب به جهت هر بیمار که بر کشد و نام او را با آیه حائیه
 کرده که درین لوح ثبت کرده ان و بر و تعلق کند بعد از سه روز
 شفاء حاصل گردد و اگر چنانچه بیمار را غایت خراب بود دویم مرتک
 بود باید که نام بیمار اسم لوح ثبت کند و هم بر طهر مربع تکبیر
 کند و در کوزه آب اندازد و تا چهار ازان کوزه آب خورده و کوزه
 نو باید ازان دیگری آب بخورد و اگر کوزه نو نباشد بعد از شستن
 اندرون و بیرون کوزه که این لوح در آن افکند من بعد دیگری
 ازان کوزه آب بخورد تا مدت هفت روز بقدرت خدای تعالی
 شفا یابد و این مجرب است و در این شک نیست و باید که مربع
 را در موم گرفته باشد مومی پاک و صافی و بعد از شفا یافتن بیمار

و نزل	من القرآن	ما هو شفاء	و رحمة
۱۴۲	۴۷۲	۴۲۴	۶۰۴
۱۴۲	۴۷۲	۴۲۴	۶۰۴
۴۲۳	۶۰۵	۱۴۲	۴۷۲
۶۰۱	۴۲۷	۴۷۲	۱۴۲
۶۰۶	۴۲۶	۴۷۰	۱۴۱
۴۷۴	۱۴۱	۶۰۲	۴۲۶
۴۷۱	۱۴۱	۶۰۷	۴۲۵
۴۲۵	۶۰۳	۱۴۴	۴۷۱

آن مربع را بیمار با خود
 نگاه دارد تا تمام از بیماری
 این باشد و لوح را در وقت
 روشنیه در ساعت اول
 نویسد و در وقت نوشتن
 لادن و زعفران قدری
 باش نهد و اگر از سبب

صفت

ضعف بیمار تاز در موعود صبر کردن متعذر باشد باید که
 لوح را در ساعت قمر نویسد و الله اعلم بالصواب
 لوح چهارم از اعمال خواجه عبد الرحمن خازن علیه الرحمه که
 صاحب دیوان اعداد وفق اوست و بسیار از اعمال غریبه
 و عجیبه از و جور آمده و این لوح را التسلیط خوانده و این آیه
 از سوره البقره است فَيَكْفِيكُمْ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
 در در حطب چون در اول ساعت روز سه شنبه بر کشد بجهت
 دفع دشمنان و تسلط بر ایشان یا تسلیط شخصی بر شخصی
 از هر افراد که باشد از انسان در محلی که قمر زاید النور باشد
 و اندکی مشک و پوست فندق بخور کند و نام مسلط را
 با آیه تکبیر باید کرد و این عمل برای تسلیط کردن بنفای
 اثری عظیم دارد و فراید بسیار و اگر بعد از سلام نماز جمعه
 یا در میان خطبه از برای غایب بر کشد بسیار اثر دارد از
 برای نفع غایب و بزوری و سلامت متوجه مقام گردد
 و در این لوح خواص با نورعت زینهار که قاعده این را از
 پوشیده باید داشتن مثلاً اگر در تسلط زوج خواهند بر
 زوجه حروف ناری و هوائی که در آیه واقع باشد مع آیه
 تمام با اسم مرد تکبیر کنند و در لوح ثبت نمایند و حروفات

باب بارزدهم

مائی و قرآبی را با حروف آیه دانه تکبیر کنند و بر ظهر مربع به قاعده تختی ثبت کنند و از مرد توتی باید و آن شخص لوح را بر دیبای سرخ دوخته و بر بازوی راست بسته که هیچ شک در این نیست و هر که این عمل را از جهال پوشیده ندارد و مرود و مطرود حق باشد و بالله التوفیق وهو بكل شیء علیم

لوح پنجم از اعمال	۲۲۰	۲۲۰	۲۲۰	۲۲۰
شیخ الاسلام	۱۷۸	۲۱۴	۸۴	۳۲۴
والمسلمین سعد	۱۷۸	۲۱۴	۸۴	۳۲۴
الذین المجموع	۸۵	۲۲۳	۱۷۹	۲۱۳
قدس الله سره	۷۸۵	۳۲۳	۱۷۹	۲۱۳
و این آیه در این	۲۱۲	۱۸۰	۳۲۶	۸۲
لوح در حسب	۲۱۲	۱۸۰	۳۲۶	۸۲

که المرالله لا اله الا هو الحق القيوم و این آیه اول سوره ال عمران است و خواص بسیار دارد و اگر روز یکشنبه در اول ساعت برکشند دارند بسیار مهیب و با عظمت رحمت نماید در نظر پادشاهان و مقبول القول شود بفرمان خدای تعالی و اگر در تثلیث زهره مشتری بکشند بشك و زعفران و بشك کلاب بشوید و بخورد کسی دهند که آری

در بیان فوائد الاواح

که اورا بسته باشند که مشهور نتواند کرد فالحال کثاره کرده و اگر بر مسجور تعلیق کنند سحر و جادوی را در ساهت باطل کنند و از نموده است و اگر بنام غائبی برکشند که مدتی باشد که رفته باشد و از خبر زندگی و مردگی نیابند و در محراب مسجدی کهنه دفن کند یا در میان دو کور کهنه هم در آن چند روز از و خبر تحقیق بیاید از حیات یا از موت و اگر کسی این لوح را از خود تعلیق کند بسیار فتح و روشنائی بروز کار او عاید گردد و در وقت نوشتن این لوح باید که قمر خوش حال باشد و از نحس ساقط و سعد بن ناظر که بسیار کثیر الفوائد و مربع الاثر

الم الله	لا اله الا	هو الحق	القيوم
۱۳۷	۱۱۰	۳۹	۱۸۷
۱۳۷	۱۱۰	۳۹	۱۸۷
۱۸۶	۵۲	۱۱۱	۱۳۶
۱۸۶	۵۰	۱۰۹	۱۳۸
۱۱۲	۱۳۵	۱۸۵	۶۱
۱۱۲	۱۳۹	۱۸۵	۱۳۷
۵۰	۱۸۵	۱۲۸	۱۹۰
۳۱۸	۱۸۴	۱۴۰	۱۱۱

باید و بالله التوفیق
لوح ششم از اعمال
المانعی است در محبة
بغایت پسندیده
و موثر است خاصه
در میان ازواج و
احباب اثری عظیم

دارد و در هیچ شکی نیست اگر از برای ازواج نویسد در ساعت اول روز یکشنبه باید نوشت و باید که قمر زاید النور و از نحوس

ساقط باشد و باید که پنجمین اول ماه باشد تا آن دوستی موثر
 و باقی بماند و اگر از برای احباب نویسد باید که جمعه اول
 ماه باشد و قمر خوشحال و ناظر سبعة و از غنس ساقط و
 اگر بر ورق کشد یا بر حریر زرد بمشک و زعفران و کلاب نوید
 و اگر بر حریر سفید باشد اثر زود تر سرایت کند و باید که نام
 شخصین با آیت ضم کند و اگر بر طهر مربع تکبیر کند هم شاید و
 درین عمل بسیار الواح ساخته اند اما این از مجربات است
 و در نزد اهل این فن این لوح فواید بسیار است بغیر از محبت
 و الفت و درین لوح دو آیه در حجت اول **يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ**
وَاللَّهُ رَاقِبٌ عَلَيْهِمْ وَمَنْ كَفَرَ مِنْهُمْ فَغَدَّ لَهُمْ فِي عَذَابٍ عَظِيمٍ
 و دوم **وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِي لَتُكْفِرَ بِهَا كَثِيرًا مِّنْ أَهْلِ**
الْأَرْضِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ و تفسیر این زمر بسیار است و آنرا هم

عجو و ألقیت	نهم عليك	کتاب محبت	الله منی شدید
۵۷۳	۲۶۵	۴۸۰	۵۱۴
۵۱۵	۱۷۹	۲۲۶	۵۵۲
۵۱۵	۱۳۲۰	۲۲۶	۵۸۰
۲۲۳	۵۷۱	۵۱۶	۱۸۲
۲۲۷	۵۷۹	۵۱۶	۱۳۱۹
۱۸۱	۵۱۷	۵۷۰	۲۲۷
۱۳۱۸	۵۱۷	۵۷۸	۲۲۸

لوح هفتم و این آیه
 در و در حجت که و
الْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ
وَالْبَغْضَاءَ در این
 آیه اثر عداوت و فرقت
 وجدائی افکندن است
 در روز شنبه آخر ماه

باید نوشت و اگر قمر منخوس و بد حال باشد بسیار عظیم الاثر
 باشد و در وقت نوشتن بخورد زحل پراقتی نهند و با کسی سخن
 نگویند تا تمام کردن لوح و این از اعمال رئیس ابو علی است
 و بسیار وصیت کرده اند در نا کردن این عمل مگر بحسب ضرورت
 از برای کمینه اثر عداوت زود تر واقع میگردد از محبت و به تخصیص
 که این لوح را از اعمال قاطعه است زنهار و الف زنهار که بی
 جزیره بنویسد و این لوح اینست

و ألقینا	بینهم	العداوة	و البغضاء
۱۹۸	۱۰۷۰	۵۱۲	۱۸۴۱
۱۸۴۲	۵۱۱	۱۰۸	۱۹۲
۱۸۳۸	۵۱۱	۱۰۸	۱۹۷
۱۰۹	۱۹۶	۱۸۴۳	۵۱۲
۱۰۹	۱۹۶	۱۸۳۹	۵۱۴
۵۱۹	۱۸۴۴	۱۹۵	۱۱۰
۵۱۳	۱۸۴۰	۱۹۹	۱۰۲

لوح هفتم و در این لوح
 آیه نصر من الله و فتح
 قریب و در حجت
 از اعمال شیخ برهان
 الدین و خواص
 بسیار دارد اگر بر
 کند در ساعت

افتاب اول روز یکشنبه بر حریر زرد با اجتماع قمر و افتاب پیام
 هر کس بر کشد بر عادی تسلط کند و تسلط بنایت باشد
 اگر بر علم لشکری کشند بر لشکر بیگانه ظفر باید و اگر در میان
 بنویسد یکی را بر دیگری تسلط باشد و اگر در حالت اجتماع

درین بنام خود برکشند در نزد ملوک و سلاطین و همه خلق محترم باشد و اگر بنویسد ساعت مزاج در اول سه شنبه و باید که قمر را با مزاج نضر تثلیث یا شدیث باشد و در دیوار خانه در طرف قبله پنهان کند و هر سحر و جادوی که کرده باشند و کنند براهل آن خانه باطل شود و معاش برایشان آسان گردد و کسی را برایشان تسلط نباشد در هیچ حالتی و به نیک نامی منسوب شوند باید که از مناهای متحرز باشد تا اثر زودتر حاصل آید و بالله التوفیق

نضر	۳۴۰	۱۵۶	۴۹۴	۳۱۲
نضر	۳۱۱	۴۹	۱۵۵	۳۴۱
نضر	۱۵۳	۳۴۲	۳۱۰	۳۹۶
نضر	۴۹۷	۳۰۹	۳۴۳	۱۵۱۰

لوح نهم و درین لوح آیت الله لطیف بالعباده در در حساب هم از اعمال شیخ برهان الدین علیه الرحمة و خواص بسیار دارد اما

خواصی که این لوح بدان منسوب است آنست که چون بزرگی از مرتبه خود بیفتد و از انقلاب او را شکستی افتد چون این لوح را برکشند در اجتماع بدین و از خود تعلیق کند اندکی برآید باز بجایه و مرتبه خود رسد و کار او از انحد بالاتر شود و اگر کسی

این لوح را با خود بطهارت نگاه دارد فرایند بی حد و نفع بسیار بر فرد کار او عاید شود و این اسرار از حکمت و باید که در محل نوشتن مثل منازل قمر را رعایت کنند و آن منزل که مناسب عمل باشد رعایت کنند تا در عمل خطا واقع نشود

الله	۶۶	۱۳۹	۷۵	۵
الله	۱۰	۷۴	۱۳۰	۶۵
الله	۱۳۱	۶۴	۱۱	۷۳
الله	۷۲	۱۲	۶۳	۱۳۲

لوح دهم گفته شیخ محی الدین و ابوالعباس که این لوح کثیرالوائد است خاصه در طلب معاش و تحلیس از حقوق الناس دارند این لوح از دین

مردم خلاص باید و معیشت زور کار بر او کشاده کرد زینهار که بی وضو با خود نگاه ندارد گفت شیخ قدس سره که این لوح دلالت می کند بر جاه و عزت و هبته هر که این لوح را برکشند در ساعت سعد با خود به پاکی نگاه دارد صاحب جاه و منصب شود و در چشم مردم به هبت و صلاب نماید و عزیز و مکرم باشد و اگر همی باشدش با سلاطین و امراء حاجتی زود روا کرد باید که از نضر نامحرم پوشیده دارد

مربع این است والله اعلم

الم الله	لا اله الا هو	الحى	القيوم
۱۳۷	۱۱۰	۴۹	۸۷
طه بن	هو هارى	كافى	مومن
۱۸۴	۵۲	۱۱۱	۱۳۶
ولى وكيل	سهل	سيد عالى	بهي بل
۱۱۲	۱۳۵	۱۸۵	۵۱
ن	طاسيم طاها	صحم	طسم
۵۰	۷۶	۱۲۸	۱۰۹

باب دوازدهم معرفت خواصى از طلاسم
 فايده از حضرت امير المؤمنين كه هر كه بنويسد محفوظ
 شود از جميع بليات وافات نزد مريض گذارد شفاء بايد از
 سر را باطل کند و اگر نزد طفل گذارد از جن و انس محفوظ
 شد و در شنائی چشم را زياد کند و اين لوح اينست والله اعلم

قل	هو	الله	احد	الله	الصمد	لم	يلد
هو	الله	احد	الله	الصمد	لم	يلد	ولم
الله	احد	الله	الصمد	لم	يلد	ولم	يولد
احد	الله	الصمد	لم	يلد	ولم	يولد	ولم
الله	الصمد	لم	يلد	ولم	يولد	ولم	يكن
الصمد	لم	يلد	ولم	يولد	ولم	يكن	له
لم	يلد	ولم	يولد	ولم	يكن	له	كفوا
يلد	ولم	يولد	ولم	يكن	له	كفوا	احد

فايده هر كه ابن طلسم را بخورد دارد و فايده بسيار دارد و
 چون نقش كند بر جاني و در اب اندازد روان آب را بخورد از
 جن و وسواس محفوظ باشد و ان مربع اينست

۱۸۹۲	۶۷۰	۳۲۹	۱۶۴۲
۳۹۲	۱۶۴۲	۱۵۹۲	۶۷۵
۱۶۴۲	۳۲۹	۶۷۵	۱۵۹۲
۶۷۵	۱۶۴۲	۳۲۹	۱۵۹۲

فايده هر كه اين شكل
 خاتم على ابن ابى طالب
 بخورد دارد از جميع بلاها
 واقتها و بيمار بيمار در پناه
 خداوند باشد و الله اعلم

ال ۲ ح ۵
ع ۱۱ ح ۲ ح ۱۵ ح ۸ ح ۱
ح ۲۱ ح ۱ ح ۱۱ ح ۱

فايده هر كسى اين شكل را بخورد
 دارد در نزد خلايق عزيز و محترم
 باشد و هي هذا والله اعلم

۱۸ ح ۱ ح ۱۱ و ۱
۱۸ ح ۱ ح ۱ و ۱
۱۱ ح ۱ ح ۱۱ و ۱
۱۲ ح ۱ ح ۱۱ و ۱

فايده هر كه اين شكل خاتم را
 بخورد دارد و هر روزى كه ميكند
 دولت و نعمت بر او كشارد

كه در دوزخ دنيا نياز بر كسى ندارد و نعمت بر او زياد شود
 والله اعلم و اين شكل ثبت صحت است

۱۹۴ باب دوازدهم

فایده هرکس این شکل را بخورد دارد زبان چله ضمان بروی بسته کرد و بسیار تجربه شده است والله اعلم اینست شکل

۱۰۰ ال ۱۰۱۱ عه ۸۰۱۹۱۱۰
۲۱ ل ۱۱۱۹۲۸
۲۱ ل ۱۱۱۵
۹۶۱۸۱۱۹۸۱۱۲۱

فایده هرکس این شکل را بخورد دارد پادشاهان و بزرگان مهربان او باشند و در امان خدا باشد

ن ۱۱۱۹۱۶ ص ر
۸ ی ۱۵ ا ۹۱۵ کل
۰۰۱۱۱ ۰۰۵۰۵ م

والله اعلم اینست شکل

فایده هرکس شکل را بخورد دارد هرکس نظر بر او اندازد مهربان او گردد و در نظر خلائق

۹۱ ۱۱۶ ۱۱ ۶۹ ۵
۱۶ و ۱۱

و بزرگان عزیز و شریفین کام باشد و شکل اینست

فایده هرکس این شکل را خاتم را بخورد دارد از جمیع افتخارها این کرد و این شکل است در مقابل صفحه است

۳۱۱ ۱۱ ۱۱ ۹۹۲ ۱۱۸
ل ل م ل ۱۱ ۱۱ ۹۹ ۱۱
۱۰۱۸۰ ۱۱۱ ۹۵۹ ل ۱۱ ۱۹۰۱۱ و
۲ ۱۹ ل ۵ ل ل ل ل ۱۱

در بیان فوائد طلسم

۱۹۵

فایده هرکس این شکل را با بخورد دارد ثواب بسیار دارد شکل مکرم و معزز پیش خلق بیست و نیت شکل

۱۱۸ ۱۱ ۹ ۱۱ ۱ ط ۱۱ ۲۱۱
۲ ص ۱۱۰ م ل ۱۹۱۹۱ ال ۱
۲ ۱ ال ۱۱ ۲۶۹۸

فایده هرکس این شکل را بخورد دارد از جمیع بلاها و در جمیع گرفتاریها این باشد و این شکل اینست

۵ ۳ ۹ ۱۱ ۹ ۱۱ ۱۱ ۰۰
۹ ۹ ۱۹ ال ل ال ۹
۱۱ ۱۱ ۹

فایده هرکس این طلسم را بجهت محافظت از مرگ مفاجات و ناکهات و دردهای بد بنویسد و با خرد دارد محفوظ بماند و طلسم اینست

۵ ۹ ۳ ۱۱ ۹ ۱۱ ۹
۱۰۰ ال ۱۵۹۱ ح
۹ ۱۱ ۵۹ ۱۱ ۲۶۳ ۱۱ ۰۰
۱ ۸ ۱۵ ال ۱۹ ۶۹

فایده اگر خواهی نزد بزرگان با عزت عزیز باشی بنویسد و خرقة بدودد مجرب است

۱۱۴۳	۱۱۴۶	۱۱۳۳	
۱۱۴۵	۱۱۳۴	۱۱۳۹	۱۱۴۴
۱۱۳۵	۱۱۴۸	۱۱۴۱	۱۱۳۸
۱۱۴۲	۱۱۳۷	۱۱۳۶	۱۱۴۷

۲۲۱۳۵۲۱۱۱ م ۱۱۹۱۹ ۱۲۸۲۲ ۱۰۷۱۰

باب سیزدهم در بیان معرفت لوح شرف راس کل کواکب بدان ایدک الله که شرف رأس و شرف کل کواکب در است و این اسم که حصه راس است اگر در هر شکل از اشکال مفرده بنکارند بیشتر است و در معادل الدور و التکثیر اینست و معادل الدور و عددی اینست که در صفحه نموده شده و معادل التکثیر در صفحه مقابل نموده شده و معادل التکثیر در صفحه نموده شده الله اعلم

لوح شرف راس و شرف کل کواکب

۱۲۹	۱۲۸	۱۲۷	۱۲۶	۱۲۵	۱۲۴	۱۲۳	۱۲۲	۱۲۱	۱۲۰	۱۱۹	۱۱۸	۱۱۷	۱۱۶	۱۱۵	۱۱۴	۱۱۳	۱۱۲	۱۱۱	۱۱۰	۱۰۹	۱۰۸	۱۰۷	۱۰۶	۱۰۵	۱۰۴	۱۰۳	۱۰۲	۱۰۱	۱۰۰	۹۹	۹۸	۹۷	۹۶	۹۵	۹۴	۹۳	۹۲	۹۱	۹۰	۸۹	۸۸	۸۷	۸۶	۸۵	۸۴	۸۳	۸۲	۸۱	۸۰	۷۹	۷۸	۷۷	۷۶	۷۵	۷۴	۷۳	۷۲	۷۱	۷۰	۶۹	۶۸	۶۷	۶۶	۶۵	۶۴	۶۳	۶۲	۶۱	۶۰	۵۹	۵۸	۵۷	۵۶	۵۵	۵۴	۵۳	۵۲	۵۱	۵۰	۴۹	۴۸	۴۷	۴۶	۴۵	۴۴	۴۳	۴۲	۴۱	۴۰	۳۹	۳۸	۳۷	۳۶	۳۵	۳۴	۳۳	۳۲	۳۱	۳۰	۲۹	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰
۲۰۰	۲۰۱	۲۰۲	۲۰۳	۲۰۴	۲۰۵	۲۰۶	۲۰۷	۲۰۸	۲۰۹	۲۱۰	۲۱۱	۲۱۲	۲۱۳	۲۱۴	۲۱۵	۲۱۶	۲۱۷	۲۱۸	۲۱۹	۲۲۰	۲۲۱	۲۲۲	۲۲۳	۲۲۴	۲۲۵	۲۲۶	۲۲۷	۲۲۸	۲۲۹	۲۳۰	۲۳۱	۲۳۲	۲۳۳	۲۳۴	۲۳۵	۲۳۶	۲۳۷	۲۳۸	۲۳۹	۲۴۰	۲۴۱	۲۴۲	۲۴۳	۲۴۴	۲۴۵	۲۴۶	۲۴۷	۲۴۸	۲۴۹	۲۵۰	۲۵۱	۲۵۲	۲۵۳	۲۵۴	۲۵۵	۲۵۶	۲۵۷	۲۵۸	۲۵۹	۲۶۰	۲۶۱	۲۶۲	۲۶۳	۲۶۴	۲۶۵	۲۶۶	۲۶۷	۲۶۸	۲۶۹	۲۷۰	۲۷۱	۲۷۲	۲۷۳	۲۷۴	۲۷۵	۲۷۶	۲۷۷	۲۷۸	۲۷۹	۲۸۰	۲۸۱	۲۸۲	۲۸۳	۲۸۴	۲۸۵	۲۸۶	۲۸۷	۲۸۸	۲۸۹	۲۹۰	۲۹۱	۲۹۲	۲۹۳	۲۹۴	۲۹۵	۲۹۶	۲۹۷	۲۹۸	۲۹۹	۳۰۰																													

لوح سعادت راس و سعادت کل کواکب

۱۰۰	۱۰۱	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴	۱۰۵	۱۰۶	۱۰۷	۱۰۸	۱۰۹	۱۱۰	۱۱۱	۱۱۲	۱۱۳	۱۱۴	۱۱۵	۱۱۶	۱۱۷	۱۱۸	۱۱۹	۱۲۰	۱۲۱	۱۲۲	۱۲۳	۱۲۴	۱۲۵	۱۲۶	۱۲۷	۱۲۸	۱۲۹	۱۳۰	۱۳۱	۱۳۲	۱۳۳	۱۳۴	۱۳۵	۱۳۶	۱۳۷	۱۳۸	۱۳۹	۱۴۰	۱۴۱	۱۴۲	۱۴۳	۱۴۴	۱۴۵	۱۴۶	۱۴۷	۱۴۸	۱۴۹	۱۵۰	۱۵۱	۱۵۲	۱۵۳	۱۵۴	۱۵۵	۱۵۶	۱۵۷	۱۵۸	۱۵۹	۱۶۰	۱۶۱	۱۶۲	۱۶۳	۱۶۴	۱۶۵	۱۶۶	۱۶۷	۱۶۸	۱۶۹	۱۷۰	۱۷۱	۱۷۲	۱۷۳	۱۷۴	۱۷۵	۱۷۶	۱۷۷	۱۷۸	۱۷۹	۱۸۰	۱۸۱	۱۸۲	۱۸۳	۱۸۴	۱۸۵	۱۸۶	۱۸۷	۱۸۸	۱۸۹	۱۹۰	۱۹۱	۱۹۲	۱۹۳	۱۹۴	۱۹۵	۱۹۶	۱۹۷	۱۹۸	۱۹۹	۲۰۰
۲۰۰	۲۰۱	۲۰۲	۲۰۳	۲۰۴	۲۰۵	۲۰۶	۲۰۷	۲۰۸	۲۰۹	۲۱۰	۲۱۱	۲۱۲	۲۱۳	۲۱۴	۲۱۵	۲۱۶	۲۱۷	۲۱۸	۲۱۹	۲۲۰	۲۲۱	۲۲۲	۲۲۳	۲۲۴	۲۲۵	۲۲۶	۲۲۷	۲۲۸	۲۲۹	۲۳۰	۲۳۱	۲۳۲	۲۳۳	۲۳۴	۲۳۵	۲۳۶	۲۳۷	۲۳۸	۲۳۹	۲۴۰	۲۴۱	۲۴۲	۲۴۳	۲۴۴	۲۴۵	۲۴۶	۲۴۷	۲۴۸	۲۴۹	۲۵۰	۲۵۱	۲۵۲	۲۵۳	۲۵۴	۲۵۵	۲۵۶	۲۵۷	۲۵۸	۲۵۹	۲۶۰	۲۶۱	۲۶۲	۲۶۳	۲۶۴	۲۶۵	۲۶۶	۲۶۷	۲۶۸	۲۶۹	۲۷۰	۲۷۱	۲۷۲	۲۷۳	۲۷۴	۲۷۵	۲۷۶	۲۷۷	۲۷۸	۲۷۹	۲۸۰	۲۸۱	۲۸۲	۲۸۳	۲۸۴	۲۸۵	۲۸۶	۲۸۷	۲۸۸	۲۸۹	۲۹۰	۲۹۱	۲۹۲	۲۹۳	۲۹۴	۲۹۵	۲۹۶	۲۹۷	۲۹۸	۲۹۹	۳۰۰

لوح سعادت زهره				
ح	۳	۱۵	۲	ر
۱۶	۱۷	نافع	۹	۴
۲۰۲	۱۰	۵	۱۲	جی
۱	۱۳	واحد	۲۰۳	هو
۲۰	۲۰۴	۷	۲	طه

لوح سعادت شمس						لوح شرف شمس					
۱۵	۱۲	۳۷	۳۹	۴۰	۷	الر	طه	ی	س	ح	م
۲۸	۳۵	۱۳	۱۱	۱۰	۴۲	طه	س	م	الر	ی	ح
۳۴	۲۵	۲۹	۲۴	۳۰	۱۷	ی	م	ح	طه	الر	س
۱۴	۳۶	۲۶	۲۱	۳۳	۲۰	م	ح	س	ی	طه	الر
۸	۴۲	۲۳	۲۸	۱۸	۳۱	س	الر	طه	ح	م	ی
۴۱	۹	۲۲	۲۷	۱۹	۳۲	ح	ی	الر	م	س	طه

لوح سعادت قمر			لوح شرف قمر		
۲۴	۲۶	۲۸	الر	طه	جمع
۳۱	۳۷	۲۳	۲۲۹	۲۳۶	۲۴۲
۳۶	۳۵	۴۰	نافع	۳۱۴	۱۹۴

لوح شرف عطاری				لوح سعادت قمر		
ق	الر	طه	م	۵۴	۵۳	۵۸
۴۸	۲۴۲	۹۹	۴۹	۵۹	۵۵	۵۱
۲۲۴	۷۲	۴۶	۹۸	۵۲	۵۷	۵۶
۴۷	۹۷	۲۲۴	۷۲			

لوح شرف زهره					لوح سعادت عطارد			
م	کا	ص	طه	الر	ق	۲۶	۱۳۴	ک
۹۱	۱۰۵	۲۳۰	۴	۹	۱۳۵	۲۱	۹۹	۲۷
۲۲۲	۴۲	۱۰	۹۷	۱۰۶	۲۲	۱۳۸	۲۴	۹۸
۶	۸۸	۱۰۷	۲۲۴	۴۳	۲۵	۹۷	۲۲	۱۳۷
ص	۲۳۵	۳۹	۷	۸۹				

۳۵	۳۱	۳۰	۲۷	۲۵	۲۰	۱۸	۱۷	۱۵
۳۴	۹	۳۲	۲۷	۲۸	۹	۲۶	۲۵	۲۴
۳۱	۳۲	۳۲	۲۸	۲۸	۲۷	۲۸	۲۸	۲۷
۹۶	۳۴	۳۳	۳۳	۳۷	۳۷	۳۷	۳۷	۳۷
۱۰۵	۱۰۶	۹۶	۷	الله	۳۲	۳۳	۳۳	۳۳
۱۰۱	۱۰۱	۱۰۵	۵۵	۳۸	۳۹	۲۹	۲۷	۳۸
۵۸	۵۹	۵۷	۳۵	۵۰	۳۹	۹۰	۹۵	۹۳
۶۱	۵۷	۵۸	۵۸	۳۷	۳۸	۹۷	۹۸	۷۹
۵۵	۵۵	۵۰	۳۷	۳۵	۵۱	۹۸	۹۱	۹۵

باب چهاردهم در بیان طلسم در قواعد کواکب
 ۳۸۲۴۸ چنانچه در خانه ۸۱ باشد بخت افتاد و این لوح بقایت
 سرفس است تمام الرفق کثیر الخواص عزیز الوجود و او را
 فاضی الحاجات مسکین گویند بهر نیت که وضع کنند میسر
 گردد مثلا در سلاطین و عمل و ریاست و اشرف افتاب
 بر کشد و بیدار ائمه و سادات و اشرف مشتری و دیدار
 خوانین و اصحاب عزت را بشرف زهره دیدار امر او اترک
 و دفع خصومات و طلب صلح بشرف و دیدار و زراد و تجارت

و اصحاب صناعت و امثال آن بشرف عطارد و دیدار مشایخ
 و رهاقین و اهل قلاع و طلب حاجات از ایشان و بناهای عالی
 نهادن و بیرون آوردن جواب ارکانها بشرف زحل و دیدار
 رسولان و پیغام فرستادن و مهمانی که بعوام الناس تعلق دارد
 بشرف قمر که طالع او تادو مواضع مشرف بفر عداوت تاباسا
 مراد بحصول بنو ندر انشاء الله تعالی

صرافه الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم الباری المتکبر ۲۳۱۳	الرب الغفور المقدم الرئی المجل ۲۳۹۶	الحق القیوم الغنی الراجح الباقی الرشید ۲۳۹۳	الاول المرئی المحکم الولی الفخ ۲۳۹۷
النور الصمد الحی المتین المملک الملک ذو الجلال والاكرام ۲۳۹۴	النافع العلی العظیم الباطن الحی المتکبر ۲۳۱۹	الملك القدوس المجید الخائض الجامع الروف ۲۳۸۴	الاحد العدل الخفیض الجیب الصور ۲۳۹۷
المصار الماجد السبع اللطیف الباعث القول ۲۳۸۸	الاول الاخر الاحد المیت المثال التوا الجید ۲۳۹۱	المقندر الباسط الوارث المسطر النافع الشهد ۲۳۹۸	القابض البصر الرهاب المصور الشکر الواحد الجلیل ۲۳۹۵
الوکیل المنعم المفضل المومن العلی القدير الحکیم الهادی الفریز الکبیر ۲۳۹۷	المهمی القناع الخیر البدیع الطاهر الجبار المجید الغفار ۲۳۸۶	الخالق القادر المعم الدافع المبدی الرقیب الکرم ۲۳۹۲	

هر کسی این طلسم در ساعت سعد بنویسد و با خود دارد در نظر
 جمیع خلائق عزیز و محترم و کرامی باشد و اگر کسی با مهم غطیمی

شد این طلسم در ساعت سعد نزدیک و با خود دارد و به
 در مهم روز البته بگیرد و اگر این طلسم برای محبت نویسد و بشود
 در در یک طعام کند هر کسی از آن طعام خورد از عشق دیوانه
 شود و آرام نگیرد و اگر خواهی کسی را از عشق خود بقرار کردانی
 این طلسم را در کلاب اندازد و سر روی خود را بشوید البته
 از عشق بقرار شود و اگر زنی را فرزند نشود این طلسم را در
 آب بشوید و از آن آب غسل کند البته حمل بهم رساند بفرمان
 خدا تعالی و اگر خواهی کسی را اواره کنی این طلسم را در آب
 مشک بشوید و در منزل آن بریزد البته آورده شود و اگر این
 طلسم را در ساعت مشتری بنویسد و با خود دارد از برای
 حاجتی کسی روز حاجتش برآورده شود و اگر خواهی میان دو
 کسی جدائی اندازی این طلسم را در ساعت زحل بر پوست
 چهار بنویس و در راه گذرانها دفن کند البته جدائی افتد
 که دیگر هرا نتوند دید و اگر خواهی میان جمعی تفریق اندازی
 در روز سه شنبه در ساعت زحل بنویس و با آب مرده
 خانه بشوید و در مقام آنها پاشیده متفرق شود اگر این
 طلسم را بنویسی و در سر خود پنهان کنی و برابر بزرگی رود
 حاجتش بزودی برآید و اگر کسی را از راه دور بیادری
 بنویس

بنویس و بر باد بیاویز اگر صد فرسنگ دور باشد بیای و اگر
 این طلسم را بنویس و با خود داری در ساعت زهره اگر
 در ویش باشی تو آنکر کردد و اگر در مشرف افتاب بر طلا یا
 بر نقره یا هفت چوش بکند و با خود دارد در نضر خلافت با
 سلاطین و عزت و با حرمت بوده باشد و در نضر امراء و حکام
 با حرمت و عزت باشد و اگر شک بیاورد کافر کرد و خواص
 این طلسم مغربی بسیار است و عدد سوره مبارکه یس

۴۴۱۴۴	۴۴۱۵۲	۴۴۱۵۷	۴۴۱۵۸	۴۴۱۴۰
۴۴۱۵۹	۴۴۱۴۲	۴۴۱۴۱	۴۴۱۴۲	۴۴۱۵۴
۴۴۱۴۲	۴۴۱۴۷	۴۴۱۵۴	۴۴۱۵۵	۴۴۱۴۲
۴۴۱۵۰	۴۴۱۵۹	۴۴۱۴۷	۴۴۱۴۲	۴۴۱۴۹
۴۴۱۵۰	۴۴۱۴۴	۴۴۱۴۰	۴۴۱۴۵	۴۴۱۵۲

۲۲۷۳۵۲ و علماء و حکما اتفاق نموده اند که این شکل مسعودترین شکلهاست و این برخاتم سلیمان نقش بوده و اصحاب علم جفر این را کند تاج الزهره می خوانند و شرح ابن حمد بسیار است هر بامداد باید نگاه کرده که فواید عظیم دارد و ماه نو بر این شکل نظر کند

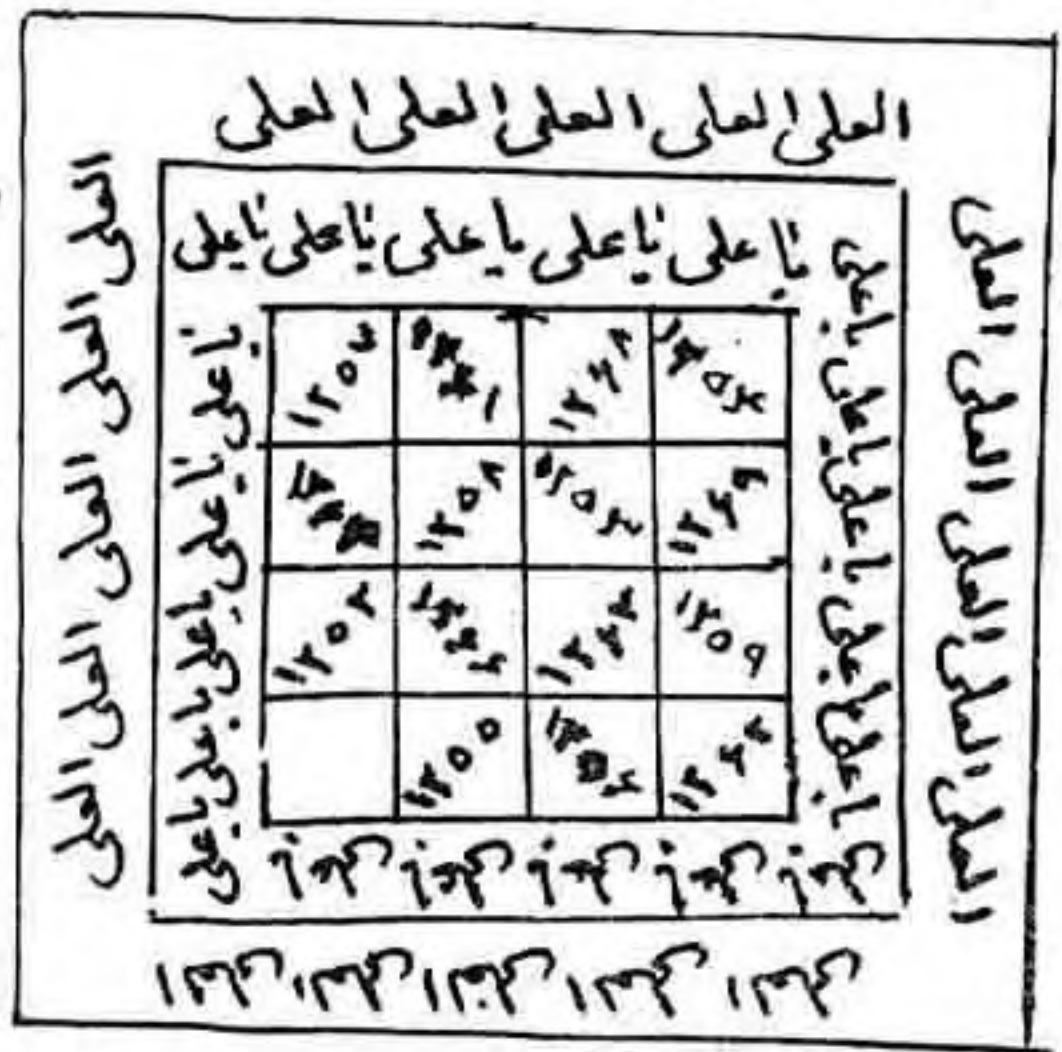


دشمن بونی فرموده که هر که بنویسد این اسم را باین طریق و با خود دارد و بعد که در دریا یکصد روزه روزی که خوار بود عزیز کرد و اگر در مرتبه اولی عالیقدر شود و اگر در دیش بود توانگر کرد و اگر

غریب بود بوطن خود باز رسد و بدشمن قوی ظفر باید و او را در میان خلق هیت تمام و تقرب ملوک و سلاطین باید و خواص بسیار دارد اما در وقت نوشتن باید که افتاب در برج حمل باشد و قمر با سعودین ناظر و اگر کتین ساقط بود و باید که احراف به هیچ کوب نباشد و در جین کتابت این لوح را بخور بسوزانند و در جای مشرف و خلوت پاک تنهائی را

اختیار کنند و با حضور دل نویسند بد آنکه هر که این خاتم را

بشرایط پیش کتابت کند و مکتوب را در میان رخت بار خراب نمند خواه در سفر یا در حضر محفوظ و محروس باشد دست رزدان و فاسقان و قاطعان طریق از تصرف در



آن ایمن باشد و جمله پیش وی دلیل و حقیق شود و اگر بوسلطان قهار یا ظالمی خونخوار در آید از ضرد و غضب و سیاست ایشان محفوظ و مصون ماند بلکه نسبت بعد در مقام لطف و احسان

شوند و بر حاصل این خاتم امور محجب و امر از غریبه شکست کرد و
و اگر آن را بر ظرف چینی پاک نوید بمشک و زعفران و کلاب و
کافور و باب طهور هم سازد و اشراب مریض کند خواه آن ان
مریض باطنی باشد و خواه ظاهری شفا یابد و اختلاف وی نیک
شود و هیت و مهمات شارت این در دلها مران کند و خواص
این خاتم بسیار است و از خوف نظر بد بفرستد احتضار می افتد

و خاتم بزرگوار این است
و اگر خواهی که خداوند طالع
بادی را مسخر کردانی بنویس
این مربع را در وقتی که فر
دربرج بادی باشد و در
باد بیاد بزد یا به پره چرخ
یا شاخ درخت میوه را در بیاد بزد



۲۲۸	۲۳۱	۲۲۳	۲۳۱
۲۳۳	۲۲۲	۲۲۷	۲۳۲
۲۲۳		۲۲۹	۲۲۶
۲۳۰	۲۲۵	۲۲۴	۲۳۵

و مربع اینست
اگر خواهی که خداوند طالع
اتنی را مطیع خود کردانی
باید که این مربع را در وقتی
که فر در برج آتشی باشد

از

نوشته در شیشه یا در سبب شربین یا در تخم مرغ یا در خیر گرفته

۸۷۷	۸۷۷۰	۸۷۲۳	۸۷۱۰
۸۷۲۳	۸۷۱۱	۸۷۱۶	۸۷۲۱
۸۷۱۲		۸۷۱۸	۸۷۱۵
۸۷۱۹	۸۷۱۴	۸۷۱۳	۸۷۲۴

و در آتش دهن کند مربع اینست
و اگر خواهی که خداوند طالع
آبی را مطیع خود کردانی بنویس
این مربع را در درون بنجر و سر
اورا محکم کرده در وقتی که فر

۸۷۲۵

دربرج آبی باشد در میان حوض یا آب جوی اندازد و مربع اینست

۱۳۱۸	۱۳۲۱	۱۳۲۴	۱۳۱۱
۱۳۲۲	۱۳۱۲	۱۳۱۷	۱۳۲۲
۱۳۱۳		۱۳۱۹	۱۳۱۶
۱۳۲۰	۱۳۱۵	۱۳۱۴	۱۳۲۵

اگر خواهی خداوند طالع خاکی
را مطیع خود کردانی بنویس
این مربع را در در مسجدی
یا جای پاکیزه در در مسجدی
در دره گذری انگس گذر

۱۳۲۶

کند در وقتی که فر در برج خاکی باشد عمل نتیجه خوب بدهد
اما بجهت احتیاط کار بنام هر که خواهد مربع اینست

۵۵۶۲	۵۵۶۵	۵۵۶۸	۵۵۶۵
۵۵۶۷	۵۵۶۶	۵۵۶۱	۵۵۶۶
۵۵۵۷		۵۵۶۴	۵۵۶۰
۵۵۶۳	۵۵۵۹	۵۵۵۸	۵۵۶۹

۵۵۷۰

باب پانزدهم

در بیان قواعد و ضوابط کلیه و جزئی که در اعمال این کتاب رعایت آن لازم است مشتمل بر پنج باب در شرایط و آداب عامه کلیه ملاحظه آن در مجموع اعمال خیر و شر ضرورت است مشتمل است بر دو آورده فصل در طلب اسناد کامل و عامل و گرفتن اجازت و تلقین از وی در آن در ریاضت میان و الفت و بصفات حسنه در توجه نام بشغل اعمال در ملاحظه استحقاق معموله در تغلیل و حلت طعام و ارتکاب صدم و صدقه در ترک اکل حیوانات و بقوات کریمه الروایح در طهارت کامل و تطهیر لباس و منزل در ملاحظه مبدا شریفه و اسکنه تبرک در اختیار عزت و خلوت کیفیت جلوس در حین عمل در سوختن بخور لایق داشتن معمول در تکرار عمل و صبر بر تاخیر نتیجه کتمان عمل در اتمام عمل در ذکر و تسبیح و صلوات در اختیارات شهور پانزدهم عشر محرم ذکر وی الله اکبر و اسم وی یا خیر المنزلین و عمل وی شجاعت و ثبات و عزم و تقویت قلب و ظفر جستن بر خصم و بیفرو را وسط وسط بهاه صفر ذکر وی الله اکبر و اسم وی یا مقلب الیلیل و النهار و عمل وی دفع سحر و چشم زخم و طرد موزیات و

و طلب ایمنی از شر دیو و پری ربیع الاول ذکر وی الله اکبر و اسم وی یا قادر مقتدر و عمل وی زیاده کردن آب در چشمه و کار ریز و دفع بلاها وافت از مزروعات ربیع الاخر ذکر وی الله اکبر و اسم وی یا ارحم الراحمین و عمل وی حفظ اطفال و نفع تجارت و سود یافتن از معاملات و غلبه کردن بر اعدای جهادی الاول ذکر وی الله اکبر و اسم وی یا حق و عمل وی هرز خواهد و طلب اولاد و سیر ولایت و تربیت اطفال جهادی الاخر ذکر وی الله اکبر و اسم وی یا مفیض النور و عمل وی تحصیل بلاد از اعداد دفع زلزلال و قحط و وبا و سایر بلیات رجب ذکر وی الله اکبر و لا اله الا الله بهمین عدد و اسم وی یا در واحد و عمل وی دفع سهم و سحر و فکین و دادن خشم و ایمنی از فخر ملوک و زوال خوف شعبان ذکر وی الله اکبر و لا اله الا الله بهمین عدد و اسم وی یا علیم یا حفیظ و عمل وی تاسس مصالحات و زوال بغض و ثوم ساختن دلها و سخت و اصلاح ستوران رمضان ذکر وی الله اکبر و لا اله الا الله بهمین عدد و لا حول و لا قوة الا بالله بهمین عدد و اسم وی یا حق یا قیوم و عمل وی تقویت حافظه و رفع نسیان و حفظ علوم و کشف مشکلات و دفع کل در طاعات شوال

باب پانزدهم

در بیان قواعد و ضوابط کلیه و جزئی که در اعمال این کتاب رعایت آن لازم است مشتمل بر پنج باب در شرایط و آداب عامه کلیه ملاحظه آن در مجموع اعمال خیر و شر ضرورت است مشتمل است بر دو آورده فصل در طلب اسناد کامل و عامل و گرفتن اجازت و تلقین از وی در آن در ریاضت میانہ و الفت و بصفات حسنه در توجه نام بشغل اعمال در ملاحظه استحقاق معموله در تغلیل و حلت طعام و ارتکاب صدم و صدقه در ترک اکل حیوانات و بقوات کریمه الروایح در طهارت کامل و تطهیر لباس و منزل در ملاحظه مبدا شریفه و اسکنه تبرک در اختیار عزت و خلوت کیفیت جلوس در حین عمل در سوختن بخور لایق داشتن معمول در تکرار عمل و صبر بر تاخیر نتیجه کتمان عمل در اتمام عمل در ذکر و تسبیح و صلوات در اختیارات شهور پانزدهم عشر محرم ذکر وی الله اکبر و اسم وی یا خیر المنزلین و عمل وی شجاعت و ثبات و عزم و تقویت قلب و ظفر جستن بر خصم و بیفرو را وسط وسط بهاه صفر ذکر وی الله اکبر و اسم وی یا مقلب الیملی و النهار و عمل وی دفع سحر و چشم زخم و طرد موزیات و

و طلب ایمنی از شر دیو و پری ربیع الاول ذکر وی الله اکبر و اسم وی یا قادر مقتدر و عمل وی زیاده کردن آب در چشمه و کار ریز و دفع بلاها و افت از مزروعات ربیع الاخر ذکر وی الله اکبر و اسم وی یا ارحم الراحمین و عمل وی حفظ اطفال و نفع تجارت و سود یافتن از معاملات و غلبه کردن بر اعدای جهادی الاول ذکر وی الله اکبر و اسم وی یا حق و عمل وی هرز خواهد و طلب اولاد و سیر ولایت و تربیت اطفال جهادی الاخر ذکر وی الله اکبر و اسم وی یا مفیض النور و عمل وی تحصیل بلاد از اعداد دفع زلزلال و قحط و وبا و سایر بلیات رجب ذکر وی الله اکبر و لا اله الا الله بهمین عدد و اسم وی یا در واحد و عمل وی دفع سهم و سحر و فکین و دادن خشم و ایمنی از فخر ملوک و زوال خوف شعبان ذکر وی الله اکبر و لا اله الا الله بهمین عدد و اسم وی یا علیم یا حفیظ و عمل وی تاسیس مصالحات و زوال بغض و ثوم ساختن دلهای سخت و اصلاح ستوران رمضان ذکر وی الله اکبر و لا اله الا الله بهمین عدد و لا حول و لا قوة الا بالله بهمین عدد و اسم وی یا حق یا قیوم و عمل وی تقویت حافظه و رفع نسیان و حفظ علوم و کشف مشکلات و دفع کل در طاعات شوال

باب پانزدهم

سؤال ذکر وی الله اکبر واسم وی یا منور یا علم الرشد
 و عمل وی طلب ساری و ابن دوام کردن قرأت ناشزه و
 معاد کلام و قبول در قلوب ذی یقعه ذکر وی الله اکبر
 واسم وی یا منعم یا مجمل یا مجرم یا مفضل و عمل وی هلاک ظلم
 تخریب بیوت و تخلیص مظلوم و نجات مجوس ذلجه ذکر وی
 الله اکبر سبحان الله بهمین عدد و الحمد لله بهمین عدد واسم وی
 یا حفیظ یا رقیب یا حیب و عمل وی حفظ اموال از درزدان
 و خائنان در هزنان و محافظت حیوانات غاریه و دفع خوابها
 رانیه در اختیارات ایام اسابع الاحد ذکر وی لا اله الا الله
 الحی القيوم واسم وی یا حی یا قیوم و عمل وی ساختن عمارات
 عمارات و ابتدای اعمال کلیه و طلب الاثنین و ذکر وی لا
 اله الا الله ذو الجلال و الاکرام واسم وی یا رحمن و یا رحیم
 عمل وی تمیبه اسباب سفر و معاملات و دفع قطاع الطریق
 و این از درزدان الثلاثا ذکر وی لا اله الا الله القدوس
 الجبار واسم وی یا ملک یا قدوس و عمل وی مناظرات علمی
 و کشف حقایق و دفع خصمان و دفع بلیات و افات الاربعاء
 ذکر وی لا اله الا الله الرحمن الرحیم واسم وی یا علی یا عظیم
 و عمل وی معالجات بدنی و ساختن اردویه و اشربه اشامیدن

در بیان اختیارات ایام هفته ۲۱۳

ان الخیس ذکر وی لا اله الا الله هو واسم وی یا کثیر
 یا متعال و عمل وی طلب مرادات و حاجات از اکابر طلب
 رزق و دفع دست تنگی الجمعه ذکر وی لا اله الا هو هو
 الاول و الآخر و الظاهر و الباطن واسم وی یا باقی یا غنی
 و عمل وی اجابت جمیع دعوات است و تمام اعمال خیر در وی
 معتبر است و نسبت این روز با ایام هفته چون نسبت دولت
 بدین و فضایل وی بسیار است التبت ذکر وی لا اله
 الا هو و الی العاقبه واسم وی یا فتاح یا رزاق عمل وی
 در او ابل روز مصالحه بین اثنین در آخر روز جزاعاری
 در اختیارات ایام فاضله و این ایام را ذکر و اعمال است
 و اسماء ان درین ذکر مندرج است و ان صفت روز است
 عاشورا ذکر وی لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم یا شانه الله
 و عمل وی قوت مشی و اثبات عزیمت و وقت زوال این روز
 محل اجابت دعوت است و در آن وقت هر که دعا کند بفرما
 حاجت مقرون شود غره رجب ذکر وی سبحان من لا یبغی
 التبیح الایمده و عمل وی طلب فتح و وسعت رزق و در
 مکابده خصم و نکت دشمن استفتاح ذکر وی ربنا افتح بیننا
 و بین قرنا بالحق و انت خیر الحافظین و عمل وی جتن دفائن

دخا یا در دفع جوع و عطش غزّه رمضان ذکر وی سوره
 فاتحه و عمل وی انهمزام عدد و تفریق فسقه و مطلع شدن
 بر اسرار خفیه عید فطر ذکر وی و الهکم اله واحد لا اله الا
 هو الرحمن الرحیم و عمل وی دفع هوم و عنوم و کشف اخزان
 و طرد شیطان ترویج ذکر وی ربنا اتم لنا نورا فاغفر لنا انک
 علی کل شی قدیر و عمل وی جمعیت خواطر و بصلاح آوردن
 کارها و تشیط کدات در عبارت عبد الصغی ذکر وی اللہ اکبر من
 کلما کبر و الحمد لله علی التوفیق و عمل وی هلاک اعدا و رفعتنا
 اجاب و حفظ عشا بر اذافات

در اختیارات روز عرفه چون موافق یکی از ایام اسابع افتد
 ذکر وی لا اله الا الله الواحد القهار الواحد الفرد الوتر الصمد
 الذی لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفو احد و اسم وی یا
 یا رحمن یا رحیم و عمل وی طلب امان از خوف و نقص و طرد
 و فقر و انقلاب و هر دفع ظلم و غلبه مشهور و جد و جهد
 در اکتساب مکارم الاشیین ذکر وی لا اله الا الله جامع
 الناس لا رب فیہ و اسم وی یا ایایم یا قایم یا باعث یا وارث
 و عمل وی دفع خوف و خلاصی از مهالك و باز یافتن امانت
 و صلح بین الاصدار و غلبه بر خصم اکتساب اخلاق حسنه

الف

الثلاثاء ذکر وی لا اله الا الله عظیم الصفات رحمن الارض
 و السموات و اسم وی یا قادر یا مقدر و عمل وی تسخیر
 ارض و دفع دشمن و تصرفات کلی در عالم الاربعاء ذکر وی
 لا اله الا الله ذو الطول العظیم و المن القديم و اسم وی
 یا جواد و عمل وی دفع شر جن و انس و چشم زخم و زبان بند
 و کفایت مهمات و خبر از غایب و حفظ در ابع و نکت خاسران
 و ظالمات الخیس ذکر وی لا اله الا الله مجیب المدعوات
 و مقبل العثرات و اسم وی یا منزل البرکات و عمل وی
 محبت دلها و مهابت نرد خلق و دفع وسواس و توهمات و
 تصرفات در امور کل الجمعه ذکر وی لا اله الا الله بلجاء
 المضطربین و ارحم الراحمین و اسم وی انکه صلوات فرستد
 بر حضرت رسالت صلی الله علیه و اله و سلم و عمل وی توسع
 رزق و تحقیق علوم در یافتن کنوز و ابقای ذکر جمیل و دفع
 سحر و بسنن عمارت و توفیق طاعات السبت ذکر وی
 لا اله الا الله علام الغیوب کاشف الکرّوب و اسم وی
 یا ساتر العیوب و عمل وی اخفای امور و قوت مشی و
 پنهان شدن خصم و خلاص از سجن و محفوظ ماندن از
 سقوط و امثال ان والله اعلم

در اختیارات لیالی از اسابع لیلة الاحد ذکر وی الحمد
 یله قبل کل واحد والحمد لله بعد کل واحد والحمد لله یعنی
 و یعنی کل احد و اسم دی یا صاحب کل بخوی و عمل وی
 خبر یافتن از مافی الضمیر نایم و جنت دقایق لیلة الاثنین
 ذکر وی سبحان الله ملاء السموات والارض وملاء العرش
 العظیم و اسم وی یا مکرم و عمل وی ازاله خوابهای مدخسه
 و دیدن خوابهای صحیح لیلة الثلاثاء ذکر وی الله اکبر ولا
 حول ولا قوة الا بالله و اسم یا نصیر و عمل وی دفع تدبیرات
 خصم و ردان بدبشان لیلة الاربعاء ذکر وی سبحان ربی
 العظیم و اسم وی یا سبده البریا عمل وی معالجات عین و اذن
 و دفع خفقات و ذات الریه و شرب اردیه لیلة الخمیس
 ذکر وی استغفر الله وی و انوب الیه و اسم وی یا محب
 المحسنین و عمل وی تسهیل مجاهدات و قدرت بر نیام
 لیل و تقویت قلوب و ارواح لیلة الجمعة ذکر وی اللهم
 صل علی محمد و آله النبی الامی و اله و اسم وی یا مالک
 یوم الدین و عمل وی رویت حضرت رسالت ۴ در خواب
 و مشاهده روحانیات لیلة السبت ذکر وی لا اله الا
 الله وحده لا شریک له محمد عبده و رسوله و اسم وی

یا منعم و عمل وی در امور ملک و اظهار عجائب حالات
 و فهم علوم غریبه
 در اختیارات لیالی متبرکه و این لیالی راهبین اذکار
 اعمال است چنانچه ایام فاضله و اداسه ان نیز در اذکار
 مندرجه است لیلة غزوه محرم ذکر وی سبحان ذی
 الملك والمکروت و عملش دیدن انبیاء و ائمة علیهم
 السلام در منام و هر کرا خواهی از اولیاء و صلحا اکرام یابد
 لیلة الرفع ذکرش تبارک الله رب العرش العظیم
 و عملش طلب قبول جاه و حرمت نزد ملوک و نقاد امر
 و رفعت درجات لیلة المعراج ذکرش لا اله الا هو له الا
 الاسماء الحسنی و عملش احضار روحانیات و دفع وسوس
 و خیالات و طرد هوام و سباع لیلة البرات ذکرش سبحان
 ربی الاعلی الوهاب و عملش ازاله اخلاق بد چون حقد
 و حسد و بغل و کتاب فضایل نفسانی لیلة عید الفطر
 ذکرش سبحان الملك القدوس و عملش طلب علوم خفیه و
 وسعت رزق و اطلاع بر دقایق اعمال غریبه و عجیبه لیلة
 عید الاضحی ذکرش الله اکبر الحمد لله و عملش طلب شفا
 و حفظ صحت و ازاله امراض و اوجاع و دفع خوف و خشیت

وردهشت ليله القدر ذكر من لا اله الا انت سبحانك انى
 كنت من الظالمين ووراسمش يا اعلم يا رقيب يا حفيظ
 ۵۴ و عملش امید است دولت و مکت و عمل هائی که
 تعلق بمشایخ و ارباب مناسب دارد و تسخیر قلوب سلاطین
 و افزون شدن ابناء و چاه و کار نیز و جمیع اعمال خیر
 در اختیارات ساعات منتظمه نهار بقول علمای مشارف
 و مغاربه و نزد ایشان هر ساعتی را نامی است و در هر
 ساعت يك عملی مفید است اما قول مشارف در ساعت
 منتظمه نهار این است برای اعمال الفتن و محبت نیک است
 یا نود برای دفع چشم زخم است نود برای طلسم شکار مرغ و ماهی
 سلخ برای دفع حیات و عقارب است معلق برای دفع سیاه و هوشت
 تمبور برای خلاص مجوس و عالجان بد و در برای تصرفات ملکی
 و صلح ملوک است بفرق برای دفع ظلم و زهر فقده است
 بدون برای منافع سفر و ایمنی از دزدان است بیون
 برای دخول سلاطین و حکام است جبر برای طلب
 اعمال کلید و محبت است صیگون برای بستن زبان خصمان
 و کثاردن نطق است
 در اختیارات ساعات منتظمه لیل بقول علماء مشارف

انوار

و مغاربه و نزد ایشان هر ساعتی نامیست و در هر يك
 عملی مفید است اما قول مشارف در ساعات منتظمه لیل
 خولم است برای عقد اللسان و اعمال خیر نیکت نزول برای
 اعمال حیوانات آبی است بقورش برای اعمال ناریانت چنین
 برای اعمال آگیر است چیر برای انگیختن سحاب و امطار است
 زرز برای دیدن مطلوب است در خواب باقون برای روا
 شدن حب از امراء و سلاطین ریه برای اعمال مزروعات
 سقر برای حفظ امتعد و نفوذ است ملحو برای اعمال سا
 نسبت ملو طقا برای معاملات و تجارت است مسلم
 برای اعمال صبر و سکون و وقار است الفت و محبت و
 صلح و نبل مرادات است
 در اختیارات ساعات برتسیمه از ایام وان نه ساعت است
 ساعت از غره محرم برای افتتاح امور و ابتدای اعمال خیر است
 ساعت اول و زوجه برای اعمال الفت و مودت و نوشتن
 مرزها است ساعت آخر و زوجه برای طلب قبول زجاهاست
 و احرام است بین الاذان وان خطبه از زوجه خواندن از
 اربعه مانوره و طلب مغفرت و عانیت است ساعت از اول
 از زوجه عرفه برای طلب فیض صوری و معنوی است تبضع
 و زاری ساعت آخر از زوجه عرفه برای طلب علمی است که از

ان نفع عام منصور باشد ساعت سیم از روز عید اضحی
 برای دفع متمران و رام ساختن سرکشان است ساعت
 اول روز از عید فطر برای مصالحه و موافقت بین الاضداد
 است در مشروط و محذورات جزئیة خاصه در اجابت دعوات
 اما مشروطات و ان دوازده است نوزده درجه سرطان یا نه
 درجه است سعدی در طالع باید و دیگری در عاشر یا رابع
 یا سابع قمر بکرب العرض سعد متصل باید مشتری یا راس
 باید و در ان حال اگر رابع بود بهتر قمر از صاحب طالع منصرف
 باید بمشتری متصل صاحب وسط سماء ناظر باید به بیت
 خود طالع اسماء در وسط باید ناظر بکوکبی که در عاشر بود
 کرب العرض و اشرف تا حد شرف با بیت خود باید و بهر
 وجه قوی حال باشد مشتری شرقی باید و زهره مغربی
 قمر از مشتری منصرف باید و براس متصل قمر با عطارد با کف
 الخصب که ستاره بعد است و در اجابت دعوات مدخلتی تمام
 دارد اگر راس با کف الخصب بر دنی الحال دعا مستجاب شود
 اما محذورات ان نیز دوازده است قمر از تحت الشعاع
 دور باید قمر از اتصال زحل دور باشد قمر از اتصال مریخ
 ساقط باید نشاید که مشتری راجع باشد مگر با راس

نشاید

نشاید که زهره راجع بود نشاید که مشتری بزحل ناظر بود
 نشاید که زهره بزحل مستقل بود نشاید که مشتری بمریخ ناظر
 بود نشاید که زحل با کف الخصب معادن یا ناظر مقارن بادی
 ناظر بود نشاید که در درجه کف الخصب بود
 مشروطات و محذورات بوجه منافع و مطالب مسا بر اعمال
 لطیفه اما مشروطات و محذورات بوجه منافع و مطالب و
 مسا بر اعمال لطیفه مشروطات دوازده است طالع برج ذیحجه
 باید ساعت مشتری باید خاصه در شب و روز ساعت زهره
 باید خاصه در شب و روزی نظر مشتری بطالع با صاحب
 طالع نظر زهره بطالع باید یا بصاحب طالع در حد و مسعود
 باید اصلاح عطارد البته واجبیت قمر در آخر یا اول بنور یا
 میانه بسنبله باید افتاب مع راس بغایت پسندیده است
 قمر در یکی از سعدین خوب است اتصال قمر بمشتری مناسب است
 مسعود در اول و در طالع اصلی تمام دارد
 اما محذورات و ان نیز دوازده است حدز کردن از ساعت
 زحل حدز از شب و روز زحل حدز از ساعت مریخ حدز از
 شب روز مریخ حدز از نظر زحل بمشتری حدز از نظر زحل
 بزهره حدز از نظر مریخ بمشتری حدز از نظر مریخ بزهره حدز

از اتصال عطارد بنحین حدرا از کون زحل از اوتاد حدرا از
 کون مریخ در اوتاد حدرا از آنکه طالع بروج معوج الطلوع باشد
 مشروطات و محذورات برای رفع مضار و مکاره و سایر
 اعمال قهریه اما مشروطات و ان یوارده است طالع بروج
 منقلب و معوج الطلوع باید قمر در بروج منقلب شاید نظیر
 یکی از نحین بقر لاین است نظریکی از نحین بعطارد مناسبت
 است ساعت زحل باید خاصه در شب و روز ساعت مریخ
 باید و خاصه در شب و روزی نیرین از یکدیگر ساقط باید که
 بعضی گفته اند که مقابله جایز است طالع در حد و در نحین باید
 اصطلاح عطارد در جمع اعمال خیر و مشروطتست بعضی گفته
 اند که قمر با راس در اعمال قهریه بنیابت نیکت قوت ان کوب
 که عمل تعلق بوی دارد صاحب طالع باید که بنحوی که مطلوب
 است ناظر بود اما محذورات و ان نیز دوا زده است
 حدرا کند از ساعت مشتری حدرا کند از ساعت زهره حدرا
 از شب روز مشتری حدرا از روز شب روز زهره حدرا از
 اتصال سعدین براس حدرا از نظر مشتری بزهره حدرا از
 نظر مشتری با قمر حدرا از نظر زحل بعطارد حدرا از مریخ بعطارد
 حدرا از نظر قمر بعطارد اصطلاح حال عطارد بمهر حال حدرا
 که

کند از آنکه طالع بروج مستقیم الطلوع باشد
 در اختیارات بر حالات خاصه قمر و اتصال وی بکواکب
 اما حالات خاصه قمر و ان هشت است نیره برای کشف
 ارواح و تسخیرات و مهمات و بناها و معاملات نیکت شرف
 برای طرح عمارات خالیه و یافتن سودها و مدد رسانیدن
 بنظرمان مع راس برای سلامتی اسفار و خوبی معاملات
 و اصلاح حال تاجران و دیدن خوابهای نیکو طریق برای
 قصد دشمنی و رفع ظلم و تخریب بیوت فتنه و منع مسم و خورد
 هبوط برای هلاک دشمن و خرابی خانهای ظالمان و دفع
 ایشان منع ذنب برای رفع زردان و قاطعان طریق
 و منع لشکر بیگانه از شهر و ولایت منع کید برای قصد
 دشمن مناسب است دیگر هیچ کار نشاید تحت الشعاع
 هیچ کار نشاید

در اختیارات حلول قمر در بروج منازل اما حلول قمر
 در بروج اعمالی که تعلق بلا طین دارد و مهم اسفار اعمال
 تزویج و بناها و بنا طین اعمال دیگران و اهل فضل اعمال
 معالجات نصرت در امور ملکی و طلسمات صید و تسخیر
 مباح مهمات مبایعه و معامله و شرکت و حفظ در رابع

اعمال دین و ملک و میل دادن طبایع بصدق و راستی قصد
 اعدا و رفع ظلم فسف و طلسمات عداوت و تفریق تعلم
 علوم و طلب جودت و صفای باطن مهمات زراعت و
 قنوت و رفع سحر و اندیشه مکر و عنده بستن عهدها
 و بیمان و عمارت حصون و حفظ قلاع اعمال خیر و صلاح
 و مصالحه بین اشین و طلسمات محبت و مودت
 اما حلول فرود منازل طلسمات دشمنی و اعمال کبیار
 و سمیا ابتدای اعمال و طلب حاجات و معاملات خواندن
 اربعه و در رویم در جودی حمل محبت بسیار لایق است
 مهمات ملکی و طلب مال و طلب حرب عمل شر و تخریب و
 عقد الرجال معالجات و سفر دریا طلب نصرت و مصالحات
 دیدن اکابر تفریق و تخریب و دفع سموم و تسلیط قطعیت
 و عداوت و طلسم طیسور بطلان سحر و طلسم حیات و عقارب
 مهربانی ملوک و صید قلوب و جرمناغ عبارات و طاعت
 و خلوت اولی اعمال روشنی و مهمات ملکی اعمال دشمنی
 و تفریق اکثر اعمال را شاید خاصه مودت دفع مکاره و
 ابطال سموم از همه اعمال حذر اولی اعمال خیر و عقد
 اللسان و عقد الشهوت تسخیر قلاع و نهج حب با البفض

سزجان

نیرنجات محبت و دعوات و ابتدای امور دفع ظلم و فسق و ایمنی
 از خوف اشتغال بذكر و دعای بد بر ظالمان و فاسقان
 اکثر اعمال را شاید خصوصاً عداوت دفع امراض و سلامتی
 ازافات و اعراض عمل باران و برف و ایمنی مزدوعات و
 مهمات اسفار و اکثر اعمال اعمال شر و آنچه تعلق بحرب دارد
 اعمال باغ و بستان و چشم و کاریز و الله اعلم

اما اختیارات ایام اسابع بوم الاحد اموری که تعلق
 بجاه و رفعت و مهمات ملکی دارد بوم الاثنین امور مسافران
 و خیر یافتن از غایبان و منع دزد بوم الثلثاء اعمال شر
 و تخریب بیوت ظلمه و تفریق و قطعیت بوم الاربعاء معالجات
 و دفع امراض و اسقام بوم الخمیس طلب حاجات از اکابر
 و اشراف بوم الجمعه مهم ازواج و اعمال محبت و مودت
 بوم السبت امور خفیه در تحصیل اسرار و غیران

در اختیارات برارباب ساعات و در ایام و لیلای و اختیارات
 بر ساعات روز و شب کواکب اما اختیارات برارباب ساعات
 از ایام و لیلای الاحد و لیلای الخمیس اول و هشتم شمس است
 مناسب است اعمال ملوک و بوم و نهم زهره است نیک است
 اعمال مناکحات بسم و دهم عطارد است خوب است تعلیم و تعلم

چهارم و یازدهم قمر راست لایق است اعمال صالح پنجم و دوازدهم زحل است مناسب است اعمال زراعت ششم مشتری راست طلب رزق هفتم مریخ است مناسب است مهمات بوده دستور بوم الاثین و لیلۃ الجمعة اول هشتم قمر راست اصلاح امور را نیک است دویم و نهم زحل راست مناسب است سیم دهم مشتری است اعمال اشرف لایق است چهارم یازدهم مریخ است مهم بخار به نیک است پنجم دوازدهم شمس است طلب رفعت شایسته است ششم زهره است تحصیل سرور و فرج مناسب است هفتم عطارد است طلب علم را خوب است بوم الثلاثاء و لیلۃ التبت اول هشتم مریخ است تصرف در امور ملکی لایق است دویم و نهم شمس است رام ساختن ملوک نیک است سیم دهم زهره است اعمال محبت را شایسته است چهارم یازدهم عطارد است بدعا طلب حاجات مناسب است پنجم دوازدهم قمر راست عمل مهمات نیکت در نفوس خلق ششم زحل است مهم محصولات خوب است هفتم مشتری راست طلب غنا لایق است بوم الاربعاء و لیلۃ الاحد اول هشتم عطارد است طلب ربح در معاملات خوب است دویم و نهم قمر است اصلاح اعضاء مناسب است سیم دهم زحل است

کشف حقایق نیک است چهارم یازدهم مشتری است تسخیر وزراء خوب است پنجم دوازدهم مریخ است عمل زیادتی جرئت خوب است ششم شمس است طلب زیادتی جاه لایق است هفتم زهره راست مناسب است طلسم محبت را بوم الخمیس و لیلۃ الاثین اول هشتم مشتری راست بجهت بیوت شایسته است دویم و نهم مریخ است عمل اسپینلا بر خصم نیک است سیم دهم شمس راست دفع قهر ملوک لایق است چهارم یازدهم زحل راست اعمال صید و شکار لایق است پنجم دوازدهم مشتری راست مهمات ملکی را شایسته بوم التبت و لیلۃ الاربعاء اول هشتم زحل است حصول کرامت را مناسب است دویم و نهم مشتری راست طلب منافع کلیه خوب است سیم دهم مریخ است عمل تعزیر بیوت نیک است چهارم یازدهم شمس است طلب حاجت از ملوک خوب است پنجم دوازدهم زهره است عمل دفع سموم شایسته است ششم عطارد است تسخیر جن را مناسب است هفتم قمر راست غزم سفر نیکت

اما اختیارات بر ساعات روز و شب کواکب بقول ابی الطیب تبریزی و این اختیارات بنیابت پسندیده است و نزد علما حروف و طلسمات و دعوات اعتبار تمام دارد

و در این فن اصلی کلی است و اثر پیوسته متصور باید داشت
 و حکما در اخفای این اصل از مردم نا اهل مبالغه تمام دارند
 و در شب زحل ساعت زحل مراد جمع از اهل ظلم چنانچه جا
 آرام نتواند گرفتن ساعت مشتری عقد النوم و تسلیط و
 سواس و ساعت مریخ به خرابی دیوار ظالمات و تفریق جمع
 ایشان و ساعت شمس ابطال سحر و دفع چشم زخم و ساعت
 زهره تکثیر شمار و خوبی زراعت و ساعت عطارد و تفریق جمعی
 از اوطان و ساعت قمر تسلیط مرض بر خصم خصوصاً کوری
 و در شب مشتری ساعت زحل تفریق جمعی که روز باز آیند
 و ساعت مشتری طلب معیشت و وسعت رزق و ساعت مریخ
 ابطال سحر و دفع خصم و ساعت شمس اتحاد و محبت در قلوب
 سلاطین و حکام است ساعت زهره محبت و صلح و پاکبختی
 و ساعت عطارد معاینه دیدن اشخاص روحانی و ساعت
 قمر طلب فتح و نصرت روز و شب مریخ ساعت زحل انگیزختن
 خصومات و اعمال قطع ساعت مشتری مهمات و تحریکات
 فتن و افات و ساعت مریخ قتل و هلاک اعداء و ترمید و
 ترمیض ایشان و ساعت شمس قبول نزد امراء و اهل اخبار
 و ساعت زهره مهمات در نظر خلق و ساعت عطارد رفتن

الفوز

و خصومات و ساعت قمر و دفع اعداء زبان بند ایشان روز
 شب شمس ساعت زحل قتل اعداء و غلبه بر اعداء در ساعت
 مشتری کفایت کردن شرابده شاهان ظالم و ساعت مریخ از
 دیار جیروت و شجاعت و ساعت شمس هیبت در نظر مردم
 و قبول خاطر ملوک و ساعت زهره قبول اجلال و تعظیم
 خلق و ساعت عطارد و ترمیض اعداء و آرام کردن بنده ساعت
 قمر اخراج دفاین و رفع الام زور شب زهره ساعت زحل
 تذلیل زنان سرکسی او ساعت مشتری ادای دین و وسعت
 رزق و ساعت مریخ مبتلا کردن بعتق و ساعت شمس اعمال
 خواتین محترمه و ساعت زهره طلسمات محبت و اعمال مصالحه
 و ساعت عطارد از دیار جاه و حرمت انقاد قول و ساعت
 روستی افکندن میان دو کس روز شب عطارد ساعت زحل
 دفع اعداء و غلبه نیکت بر ایشان ساعت مشتری عقد اللسان
 بسیار نیکت و ساعت مریخ مرض بر اهل ظلم و فسق و ساعت
 شمس اعمال که تعلق با اهل دیوان دارد ساعت زهره استخبار
 از امر ناهیه و ساعت عطارد معالجات کلیه و رفع الام و
 ساعت قمر مشاهده غیبات و کشف قبور روز شب قمر
 ساعت زحل عقد شهوت و دفع قرب و صیله اعدا ساعت

مشتري ميل دادن طبایع عامه بطاعات ساعت مریخ قوت
مباشرت و تحصیل اولاد و ساعت شمس جذب قلوب و استیلا
بر خلافت ساعت زهره هیجان محبت و غلبه عشق و موادت
و ساعت عطارد مطیع ساختن جان و تسخیر ارواح و ساعت
قمر اعمال محبت و سرعت نتیجه در آن

اما معرفت بیت و وبال کواکب زحل جدی دلواست
مشتري قوس حوت است مریخ حمل و عقرب است
شمس است زهره ثور و میزان است عطارد جوزا سنبله
قمر سرطان و وبال هر کواکب مقابله خانه اوست

اما شرف و هبوط شرف زحل درجه میزان و شرف مشتري
درجه سرطان و شرف مریخ درجه جدی و شرف شمس
درجه حمل و شرف زهره درجه حوت و شرف عطارد
درجه سنبله و شرف قمر درجه ثور و شرف راس
درجه جوزا و شرف ذنب درجه قوس و هبوط هر کواکبی

مقابل شرف است اما فرج و قوع و خیر
بدانکه فرج کواکب و نوح ایشان در طالع و سایر بیوتی باشد
از طالع واقع زحل در دوازدهم است و فرج مشتري در
بازدهم فرج مریخ در ششم فرج شمس در نهم و فرج

زهره در پنج فرج عطارد در طالع و فرج قمر در سیم و شرع هر
کواکبی بمقابل فرج اوست کواکب نهاری را که زحل و مشتري
و شمس است بر و ز فوق الارض و شب تحت الارض و بودن
کواکب لیل را که مریخ است و زهره و قمر است بر و ز تحت الارض
و شب فوق الارض خیر گویند و این سبب قوت کواکب بود اما
معرفت مزاجات و طبایع کواکب مذکور زحل و مشتري و مریخ
و شمس است و کواکب منونث زهره و قمر است

در قسمت حروف بر منازل در کتاب شمس المعارف آورده که
حروف اصیلیه بیت هشت است و منازل فلکیه نیز بیت دهشت
است و هر حرفی تعلق بمنزلی دارد و قسمت آن بطریق جمل مغایره
که نزد علمای حروف معتبر است بر این وجه است تعلق شرطین
که دو کواکب است تعلق به بطین دارد که سه کواکب است بشرط
که شش کواکب است بدینان که يك کواکبیت بهقعه که سه
کواکب است بهنعه که دو کواکبیت بزراع که دو کواکبیت
بنشره که دو کواکبیت بطرفه که دو کواکبیت بحیبه که چهار کواکبیت
بزیره که دو کواکبیت بصرفه که يك کواکبیت بعوا که پنج کواکبیت
بسمان که يك کواکبیت است مهله بعفر که سه کواکبیت بزبان که
دو کواکبیت با کلیل که سه کواکبیت بقلب که يك کواکبیت

فرد که دو کوبت بنعایم که چهار کوبت معجمه بلبده که
 عالی است از کوب بزاج که دو کوبت ببلغ که دو کوبت
 که دو کوبت باخبیه که چهار کوبت معجمه مقدم که دو کوبت
 معجمه بر فر که دو کوبت معجمه بر شاک که لک کوبت
 در ذکر اسما الله که تعلق بحروف بیت و هشت گانه دارد
 شیخ ابو عبد الله مغربی در کتاب تیسر المطالب در بعضی مواضع
 برابر حرفی یک اسم تعیین کرده و در بعضی زیاده یاد و از اسم
 که عامل حروف در اثنای شغل باعمال باید که تذکران اسما
 باشد تا فایده بر عمل منفرج گردد و ان اسم بر نوبت حروف
 جل اینست که فرموده پنج اسم است الله احد اله اول آخر
 هفت اسم است باری باسط باطن باعث بالغ امر
 بر بدیع بصیر هفت اسم است جابر جاعل جامع جبار
 جیل جواد جلیل چهار اسم است داعی دایم دلیل
 ریان رادو اسم است هواز حیث باطن و ان مناسب
 حال منتفی است و هادی از حیث ظاهر و ان لایق حال
 مبتدیت و بعضی گفته اند که اسم وی در اعمال خبر هادی
 است و در اعمال شرمه ملک است رادو ازده اسم است
 واجد واحد وارث واسع وافی وانی و تر و در و فی
 و کین

وکیل ولی وهاب رایک کم است زراع قال الله تعالی
 ام نحن الزارعون و بعضی گفته اند زکی است و صاحب
 کتاب در النظم آورده است که اسم وی زایل است را
 نه اسم است حبیب حفیظ حق حکیم حکم حلیم حمید حنان
 حق حنان رایک اسم است مطهر و صاحب در النظم غیر از این
 سه اسم دیگر آورده و ان طاهر و طالب و طابقی است رایک
 اسم است یسیر و بعضی گفته اند که اسم وی مخفی از غایب
 شدن شوکت که ویراست لهند در نهایت حرف تمیمی افتاده
 است و بعد از حرف الی واقع شده است که الت نفی است
 بذهب انها که لا را یکی از حروف داشته اند صاحب در النظم
 فرموده که حرف با اسم اعظم است بزبان عمرانی یواد است
 به بار فتح و او مشدده و از بنی اسرائیل تاویل می نماید
 زمان ندانسته اند و چهار اسم است کافی کبیر کریم کنیل
 رایک اسم است لطیف راده اسم است بقول تیسر المطالب
 ما جد مالک مانع مبین مجید ملک ملک مجیب منان
 مبین و صاحب در النظم آورده و برای بیت سالم دیگر
 هست که مجموع سی سه اسم اینست میدی متعال منکر
 منین مجیب محصی محبی منال مصور معز معطی مفید

حرف پنجم حار است هم چنین تا آخر حروف چنانچه در جدول
 در بیان معرفت و صفت لوح مثلث و حروف مزدجات
 و مفردات وی بدانکه لوح مثلث را در سه منسوب است
 بزحل و انرا عمل مائی این فن وقف زحل گویند اگر چه زحل
 نزدیک همه حکما کینه جو بخش ابراست اما لوح وی مشتملست
 بر اعمال متضادان نفع و خیر و شر بعضی از اعمال وی سعادت
 عظمی احداث کند و بعضی نحوست کبری ایجاد نماید و ان
 لوحی است مشتمل بر نه خانه مستوی الاضلاع و مستوی
 البیوت و هر خانه مشتمل بر حرفی است از حروف نه گانه
 مرتبه احاد ا ب ج د ه و ز ح ط ی و عدد این حروف
 که در بیوت مثلث مرقوم میشود ۴۵ موافق عدد اسم
 آدم و هر عدد در حروف هر ضلعی ازین مثلث ۱۵ است
 مطابق عدد اسم حواء و صورت اصل لوح اینست

ب	ط	د
ز		ج
و	ا	ح

اما معرفت حروف مزدجات و
 مفردات این لوح بدانکه چهار حرف
 این لوح از قبیل مزدجات است
 که آن هوب دوح و انرا بدرج
 گویند و چهار حرف دیگر از قبیل مفردات است ا ج ه ز ط

والله اعلم

واشهرش آنستکه که اجهزط باشد بواسطه آنکه مفرده مثلث
 این پنج حرف است و انرا طر جا خوانند و حروف مزدجات
 از برای اعمال خیر و حروف مفردات از برای اعمال شر و هر گاه
 که بعضی از بیوت مثلث مشتمل بر حروف باشد و بعضی بیوت
 خالی از مفردات مخصوصه باشد باعمال لطیفه از تالیف و
 تحریک محبت و قبول قلوب و تسخیر نفوس و کشف ارواح
 ملک و جن و امثال ان تصرفات کلیه بطریق لطف در
 عالم و هر گاه که بغرض بیوت این لوح محتوی بر حرف مفردات
 باشد و بعضی بیوت از مزدجات مخصوص بود باعمال غریبه
 از قتل و تدبیر اعداء و تفریق جمیع ظالمان و تخریب منازل
 ایشان و امثال ان از تاثرات عظیمه بر وجه قهر در عالم باذن اله
 در کیفیت رقم حروف در بیوت این لوح و ان چنانست
 که باعمال خیر مشغول گیرد و حروف مزدجات را در بیوت
 مفردات رقم زند یعنی ان بیوت که طر جا دردی مثلث
 است و ان دویم و چهارم و ششم و هشتم است چنانچه از لوح

مثلث که در فصل سابق مرقوم است معلوم میشود و صورتش
 اینست اگر باشکال عربی ارقام عددی نیز
 نوشته شود ابلغ بود و اگر باعمال شر مشغول

ب		
و		د
ح		

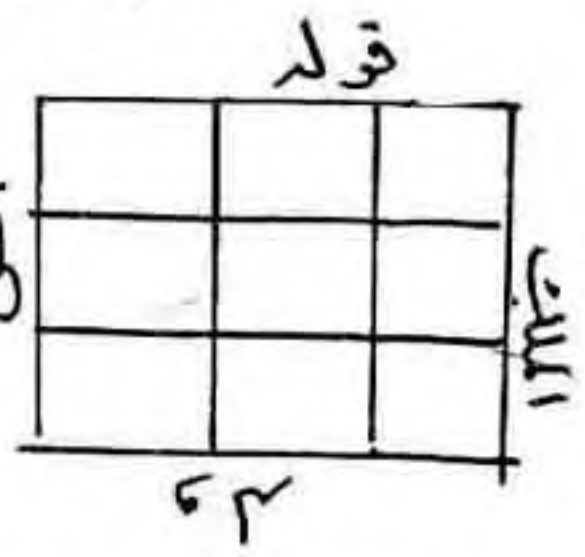
شود حرف مفردات را در بیوت مزدجات ثبت نماید یعنی این بیوت که حرف بدوح در روی مرقوم است وان اول و ۳ و ۵ و ۷ و ۹ است چنانچه در فصل گذشته از لوح مثلث

ج		ا
	ه	
ط		ز

مفهوم میگردد و صورت اینست اما رقم زدن حرفها در بیت وسط این لوح مقرر است و اگر چه این حرف

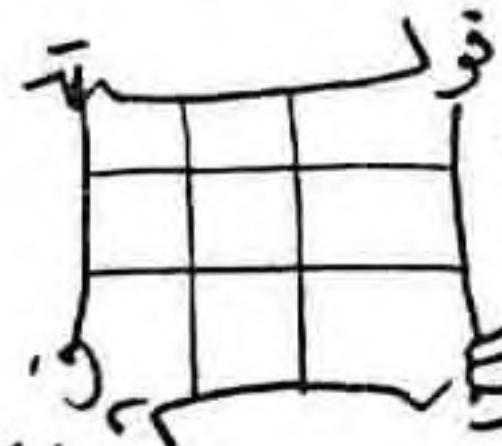
در نفس الامر از قبیل حروف مفردات است ان مشترك است میان اعمال مزدجات و مفردات و مخصوص هیچکدام نیست و عدد وی پنج است و خانه وی نیز پنجست و این خانه اصلی اوست چنانچه در لوح مزدجات هشتم خانه اصلی ح است که عدد وی هشت است در لوح مفردات نهم خانه اصلی ط است که عدد وی نه است و ازین جهت که خانه پنجم در وسط لوح واقع است از اقلب لوح گویند وان خانه بسیار مبارك است ولهمذا اسم طالب و اسم مطلوب و مادرش ان خانه است در جمیع اعمال خیر و شر اما رقم زدن کلمات و اسما بر خارج این لوح وان چنان است که چهار کلمه از کلمات قران بر اضلاع اربعه این لوح باید نوشت وان کلمات اینست آ قوله ۲ الحق ۳ وله ۴ الملك

و ابو الحامد الغزالی فرموده است که اگر این کلمات را شریفه اربعه را بوجهی بنویسد که هر يك بجای ضلع از اضلاع اربعه این لوح بنویسد بغایت

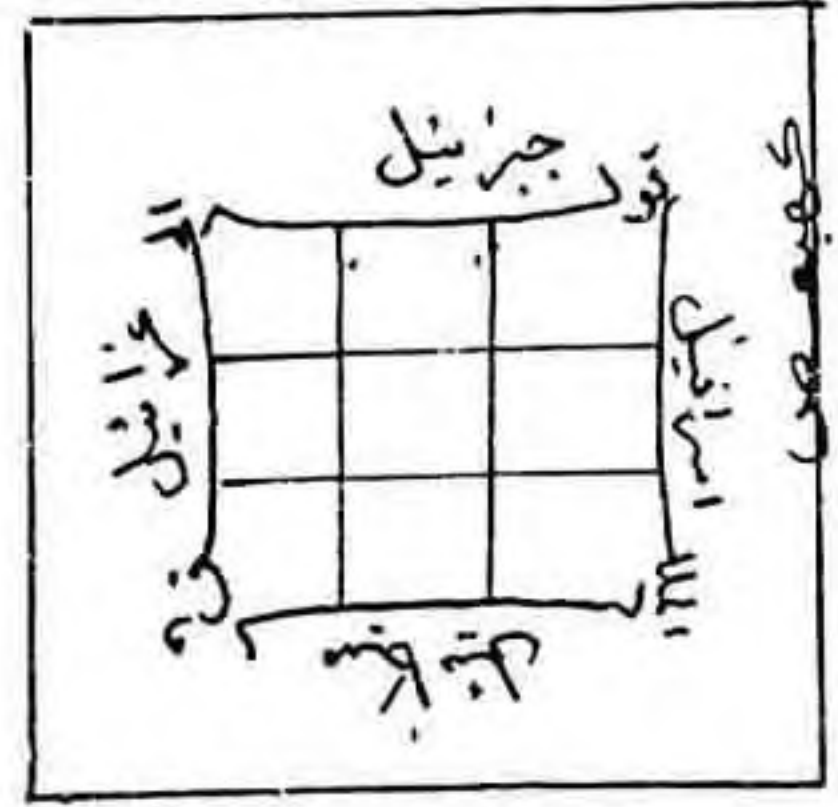


پسندیده باشد در حصول مقصود و وصول بمطالب عظیم نافع بود و بغایت سریع نتیجه باشد و صورتش اینست

نوشته بخاند که در هر کلمه از کلمات اربعه مذکوره ملکی مقرب موکل است که اسم وی بان کلمه باید نوشت اما بر کلمه قوله که اشاره بامر و غنی الهی است جبرئیل موکل است و نام وی بالای این کلمه است که ضلع اوست باید نوشت اما بر کلمه الحق که اشارت بموت است و ان اخى حقاین است عزرائیل موکل است و نام وی بالای ان کلمه که ضلع اوست باید نوشت اما بر کلمه وله که کتابت از ملك و خزانة عطا و ببط رزق الهی میکائیل موکل است و نام وی بالای این کلمه که ضلع سیم است ثبت باید نمود اما بر کلمه الملك که عبارت از مضمون الملك بومئذ لله است اسرافیل علیه السلام موکل است و نام وی بالای این کلمه که ضلع چهارم است



رقم باید زد و پوشیده نماید که جبرائیل و میکائیل عم خادم
 است از ملائکه مقربین که اسم وی اشمکائیل است و این اسم را
 بر ضلع این لوح میان اسم اسرافیل و جبرائیل باید نوشت
 و عزرائیل و میکائیل را عم خادمی است از فرشتگان مقرب
 که نام وی توائیل است و این نام بر ضلع اسیر لوح بد
 میان اسم میکائیل عزرائیل کتابت باید کرد و کهی عص
 را بر همین لوح و حروف جمع کلکات واسها کند بر این صورت
 که نموده میشود اینست



در قرائت و کتابت محبت
 و عداوت این لوح اما
 قرائت بکتابت اعزمت
 بدانکه این وقف شریف
 را عزیمتی است در کتابت
 اسماء الله که از هر عملی

از اعمال مزوجات و مفردات البه ۵ عم بار تلاوت کند
 بعد در حروف این لوح و بعد از تلاوت در اول و آخر هر سنی
 ان حروف را عمده باید گفت و ایت عزیمت اینست

كَمَا أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ فَأَخْلَطَ بِهِ نَبَاتَ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ
 هَشِيمًا تَذْرَعُ الرِّيَّاحُ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ
 الرَّحِيمُ يَوْمَ الْأَزْفَةِ إِذَا الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَآظِمِينَ
 مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَيِّمٍ وَلَا لَشَفِيعٍ يُطَاعَ عَ عَلِمْتَ نَفْسُ مَا
 أَحْضَرْتَ فَلَا أَقْسَمُ بِالْخُنْصِ الْجَوَّارِ الْكُنْصِ س ص ص
 وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقِ
 ف وَكَيْفِيَّتِ تِلَاوَتِ ابْنِ بَيْحِ ابْتِ بِكَيْفِيَّتِي حَاصِ مَذْكَورِ
 خواهد شد بعد از این اما قرائت و کتابت آیات محبت
 و عداوت و ان چنان است که در اعمال مزوجات بعد از
 اتمام آیه وَالْقِيَّتِ عَلَيْكَ مَحَبَّةٌ وَمَنِي وَآيَةِ يُحِبُّونَهُمْ
 كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ أَسْنَأُوا اشْدَّ حُبًّا لِلَّهِ وَآيَةِ يُحِبُّونَهُ
 وایت قد شغفوا حبا و امثال از تلاوت باید نمود
 خصوصاً ایت اول را که البه بیت بار باید خواند و بعد
 از آن بر ظهور معمول نیز باید نوشت و در اعمال مفردات
 بعد از اتمام ایت وَالْقِيَّتِ بَيْنَهُمُ الْعِدَاةُ وَالْبُغْضَاءُ وَ
 بعضی از سوره زلزال را و ایت فَقَطَّعَ دَائِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ
 ظَلَمُوا و امثال از قرائت باید کرد خصوصاً ایت اول را
 که البه بیت بار باید خواند و بعد از آن بر ظهور لوح نیز

کتابت باید کردن و در اثنای بغض از اعمال مزوجات و مفردات سور و آیات غیر از آنچه مذکور شد که تلاوت و کتابت باید نمود اشارتی بان خواهند رفت

باب هجدهم

در بیان اسماء ملائکه ایام صاحب سیر المصون فرموده است بر هر روز از ایام هفته دو فرشته مقرب موکلند یکی علوی سماوی و دیگری سفلی ارضی و عامل این لوح را لازم است که در هر روزی که بعمل از اعمال مزوجات و مفردات شغل گیرد اول از آن دو فرشته بنیاز تمام استمداد و استعانت جوید و بعد از اتمام عمل اسم ایشان را در ذیل معمول با بر ظهر لوح نیز رقم زند تا ببرکت التفات ایشان مقصود با سر و حود میرسد

ملك علوی ان ذوقائیل است بقادر بعضی نسخها بقان و ملك سفلی ان ابو عبد الله المذهب يوم الاثنين ملك علوی ان جبرئیل است و ملك سفلی ان ابو عبد الله الهمارث ملك علوی ان سلائییل است و ملك سفلی ان ابرالاحمر ملك علوی ان میکائیل است و ملك سفلی ان دونام دارد دو بعد و برفان

ملک

ملك علوی ان هر قائیل است بقادر بعضی نسخها بقان و ملك سفلی ان السيد شهورش ملك علوی ان قبايل است و ملك سفلی ان سینر عبد الرحمن و لقب وی ابیض ملك علوی ان صفائیل است بقادر بعضی نسخها بقان و ملك سفلی ان ابو نوح میمون السحابی اما کواکب ایام بدانکه هر حرفی از حروف این لوح منسوب است بکوی از کواکب سبعة و هر کوی منسوب است بروزی از روزهای هفته پس عامل در هر روزی که عمل خواهد کرد باید ملاحظه سعادت و محوست از روز و ان کواکب را لازم داند اگر عمل وی از قبیل مزوجات است روزی سعد بنظرات سعد اختیار کند و اگر از قبیل مفردات است روز محس با اتصالات محوست انگیز اختیار نماید و نسبت حروف و کواکب و ایام با یکدیگر بر این وجه است تعلق بزحل بروز یکشنبه دارد و یکشنبه منسوب با قباب است تعلق مشتری دبروز دوشنبه دارد و منسوب بقمر است تعلق بمریخ دارد و بروز سه شنبه و منسوب بمریخ است تعلق شمس دارد و روز چهارشنبه منسوب بقطارد است تعلق بزهره دارد و بروز پنجشنبه دارد و منسوب بمشتري است

اینه تاثیر و قوت وی در آنچه مذکور شد زیاده خواهد بود
نمانده بیشتر خواهد نمود و اله اعلم

در خواص دو فقره که بعضی جمعش با یکدیگر صاحب در
الظیم آورده که شیخ نصیر الدین بونی رحمد اله فرموده که هر
که ترسان بود از سری و در آن حال بگوید که بعضی جمعش
لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم از آنچه میترسد ایمن
شود و این معنی بکرات و مرآت از موده شده بحرب و
جمع و هم صاحب در الظیم آورده که پنج آیت است که منافع
فراندا ان از حد حصر تجاوز است و از جمله آنست که هر که از
لاوت کند در حالیکه در اید بر جباری عنید و حاکم که از طریق
صلاح بعید بود و شروی کنایت شود لیکن کیفیت فرانت
ان آیات چنانست که عقد اصابع نمی کند در حروف

کبعضی که در او ایل این آیات واقع است پس عقد
بهمام بینی کند و بگوید کما انزلناه من السماء فاخلط
بانات الارض فاصبح هشیماً ترززع الریاح پس عقد ابهام
سیری کند و بگوید بعد از ان عقد مسجده بینی کند بگوید
هو الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم پس عقد
مسجده سیری کند و بگوید بعد از ان عقد وسطی بینی

کن

کند و بخواند یوم الازفة اذا القلوب لدی الحناجر کاظمین
مالظالمین من حیم ولا شفیع بطاع پس عقد وسطی
سیری کند و بگوید بعد از ان حتم بینی کند و بگوید
علمت نفس ما احضرت فلا اقیم بالخس الجوار الكنس
پس عقد خنصر را کند و بگوید پس بعد از ان عقد خنصر بینی
کند و بگوید و القرآن و الذکر بل الذین کفرو فی عزة و
شقاق پس عقد بصر سیری کند و بگوید و بعد از اتمام
این عمل بران باره شاه عینور با ظالم جابر در اید از ان
جبار ظالم هیچ ضرری بوی برسد بسلامت و کرامت از
بیش وی بیرون اید صاحب در الظیم از ابو حامد محمد
غزالی روایت کرده که وی فرموده که چون اغنیای صحابه
رضی الله عنهم برسم تجارت بیرون میرفتند و اگر راه دشمنی
از قطاع الطریق یا سباع ضاره بیش میامدند گفتیم
اللهم احفظ امة محمد ص بالضر و التاید بالمص
و کبعض و جمیع و بنی و القرآن المجید و به ن و
والقلم و ما یطرون ضرران دشمن با ایشان نمیرسد
ابن نمیمی آورده که هر که المر را از بقره تا هم المفلحون

وَاللهُ لا اِلهَ الا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْمَصَّ كَهَيْعَتِ
 طَسْمَ طَهَ بِيْنَ صَ حَمَّ حَمَقَ حَمَّ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللهِ
 الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ قَنَ اَيْنَ مَجْمُوعٌ رَا اَبَسُوْرَه فَاتَمَّ بِرُورِقِ اَهْو
 بنوبید بمشک و زعفران و کلاب در شب جمع چهارم در هم
 یا پانزدهم از هر ماه که باشد بعد از نماز خفتن و آن نوشته
 را در غلافی نهاد از نی ناری که یکطرف دی بند باشد و
 سردیگر دیرا بموم کا فوری بند کند پس هر گاه که آن فی را
 بر باروی راست بندد و با طهارت کامل و لباس لطیف
 عزت و مهمابت و قبول وی در نظرها بسیار شود و باطن
 وی قوت گیرد و حل وی ثابت و مطمئن گردد و لبر شود
 و هیبت عظیم از وی در خاطرها سرایت کند و اگر فقیر بود
 غنی شود و اگر محزون بود مسرور گردد و اگر آن فی را بر
 طفلی بندد که از چیزها در خواب و بیداری ترسد و
 بسیار میگوید آن کرید از وی زایل شود باز آن الله تعالی
 صاحب دررالنظیم آورده که هر که حروف الْم الْم الْم الْم الْم
 الْم كَهَيْعَتِ طَهَ طَسْمَ طَس بِيْنَ صَ حَمَّ حَمَقَ
 قَنَ را بر خاتم نقره نقش کند روز پنجمه اول رجب
 و انرا در انگشت کند اگر خایف بود از جباری و ظالمی امین
 شود و حامل این خاتم اگر بر سلطان دراید بنظر دی

بزرگ

بزرگ نماید و مهمابت وی در دول سلطنت اثر کند و هر مرد
 که از وی خواهد بتوقف برآید و هر که این خاتم را در دهان
 گیرد و بمکد میراب شود و آن عطش از وی زایل گردد و آن
 خاتم را یکشنبه روز در دهان گیرد بمکد میراب شود و آن
 عطش زایل شود و آن خاتم را یکشنبه روز در آب باران
 گذارد و بعد از آن ناشتا بیاشامد قوت حافظه وی بفرزاید
 و اگر معزول بران مداومت نماید برای وی عملی و مشغلی
 پیدا شود و حاجت تصرف گردد و اگر زن حامله آن شود
 زود بشوهر رسد و اگر از ابر مصروع بندد اقامت یابد
 از شیخ شرف الدین ابو العباس بونی رحمة الله نقل کرده است
 صاحب دررالنظیم که هر کسی که کتابت کند بر ورق اهر بوجه
 در شب جمع چهارم از ماه که باشد بعد از نماز خفتن بکلاب
 و زعفران الْم بقره رانا هم المفلحون وَالْم آل عمران را
 تا الفرقان وَالْمَص اعراف رانا للؤمنين وَالْم رعد را
 تا الايؤمنون وَ كَهَيْعَتِ راطس رانا مبين وَ طَسْمَ را
 تا المبين و بِيْنَ رانا الحكيم وَ صَ رانا شقاق وَ حَمَّ مؤمن را
 تا النصير وَ حَمَقَ رانا الحكيم وَ قَنَ را المجدون تا اعظم
 پس آن نوشته را در میان ابوتی نهاد از نی ناری

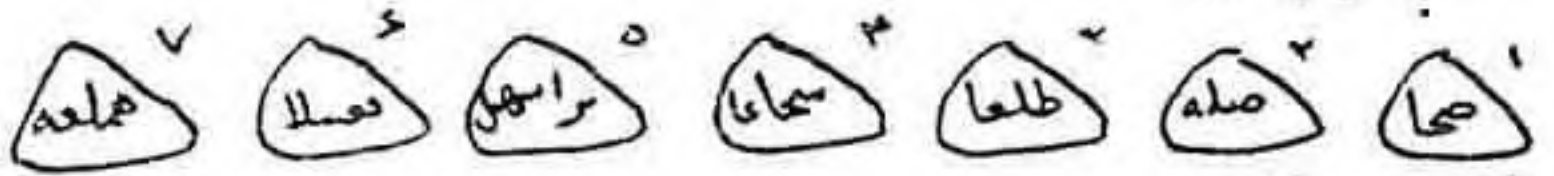
و در آن نك پنج ایت عزیمت را چهل پنج بار و ایت محبت را بیست بار بخواند و بر آن لوح نقش کند و اگر آن لوح را بنام و کمال شکر نویسد هم رو آورد پس اتمام نماید که آن کسی که مراد او است آن سبب را بگوید و بخورد آب آن شکر را تناول نماید اثر عظیم ظاهر شود از محبت عامل در دل معمول نه و اگر کسی لوح مثلث را تمام و کمال چنانچه گذشت بر طرف چینی نویسد پس دست راست خود را در فتنه که بر طهارت کامل بود بان آب پاک در آن طرف را بدین اب لوح را محو سازد و سعی تمام که معمول آن آبرایا شامد بروجهی رود که این طرفه العین معاملتواند بود از غایت محبت و الوقت در القای درش مفرط که برسد جنون رساند صاحب سر المصون آورده که کسی هفت قطعه نان هفت بار لوح مثلث را بنویسد با حروف مزوجات و ارقام عددی ایشان لیکن خالی از حروف عشره و کلمات اربعه قرآنی و اسماء ملائکه اما حروف هارا در قلب رقم زند با اسم طالب حروف مزوجات حروف مفردات و مطلوب و مادرش

ا	ب
ه	و
ز	ح

و ایت عزیمت را چهل پنج بار بر آن لوح خواند

الله

و اسماء ملائکه امروز را نام برد و از ایشان استعانت جوید بعد از آن در ظهر لوح از آن الواح سبعة کلمه از این کلمات سبعة کتابت کند و اگر مطلوب زنی بود این هفت قطعه نان را بخورد سگ ماده دهد و اگر مرد باشد بخورد سگ نر دهد تا عجایب بیند و آن کلمات اینست



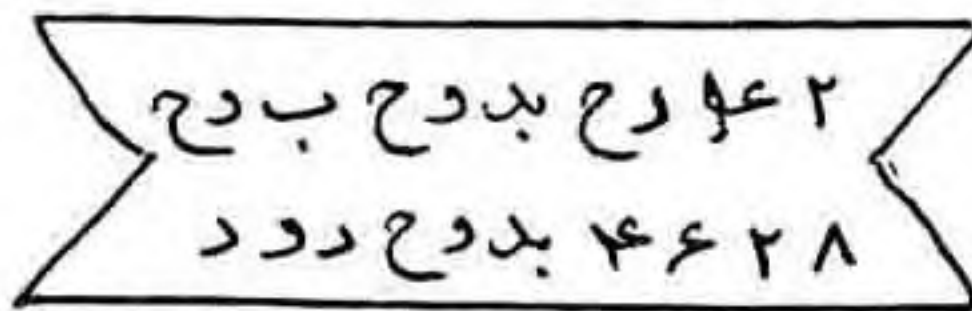
و اگر کسی بگیرد هفت برگ زیتون از هفت درخت و اگر زیتون نباشد سنجد و بر هر یک لوح مزوجات را با پنجه نوشته است غیر حروف عشره و کلمات اربعه و اسماء ملائکه بنویسد و آنچه خواندی است از آیات عزیمت و محبت بروی خواند و نام اسماء اعوان امروز بر روز ایشان استمداد جوید بر آن برگها نوشته را بچوبد و محلب و برك سداب دارد و در این محل یکی از اسم یا قریب یا سریع را مشغل گیرد بعدد حروف مکتوبه یا مبسوطه برایشان بخواند و بعد از آن بر کیمیا در شب تار بنویسد چنانچه هیچ احدی بر آن اطلاع نیابد روزی در کفین حامی که آتش میکنند بیفکنند بر آن تا امور عجیبه غریبه در محبت از جانب معمول در یابد در از دیار محبت مفرط دو نفوس صاحب سر المصون آورده که هر که خاتم مبارک

۲

۲

بارك را بر هفت ورق بویید خالی از حروف و آیات و
 اسماء لیکن آیات عزیمه را چهل و پنج بار و آیت محبت بیست بار
 بر آن نوشته خواند و آیت و آتومین کلّ فح عمیق را نیز بیست
 بار تلاوت کند و بمسطکی و مبعده و غیره بخورد پس در هر
 شبی يك ورق را از معمول برایش نهد در منزل خالی که هیچ
 احدی را بر آن اطلاع نباشد چون هفت روز بگذرد آن
 هفت ورق بسوزد مقصود بوجه اتم بمحصول پیوندد و اگر کسی
 بکیرد رقعہ از پیرهن مطلوب که بر تن وی شده باشد و عرف
 وی بر آن رفته لوح مثلث را بحروف مزجیات رقم زند خالی
 از حروف عشره و کلمات اربعه و اسماء ملائکه پس آیات آیات
 عزیمت و محبت را بعددی که مکرر مذکور شد بر آن لوح خواند
 و در ذیل آن شکل مستطیل بکشد بر آن صورت که در آخر این
 فصل مرقم میشود و حروف مزجیات را هم بعبیات انحراف و هم
 بصورت رقمی در آن شکل رقم زند و آیات محبت و عزیمت
 را بعدد مقرر بر آن شکل نیز بخوانند و آیات و لما جاء موسى
 ليقاتنا الى قوله صعقا و آیت انى امر الله و آیت و كلمه
 ربه قال رب ارنى النظر فى اليك قال لئن ترانى و لكن
 الى الجبل فان استقر مكانه فسوف ترانى فلما تجلى ربه

للجبل جعله دكا و خر موسى صعقا و آیت يوم نبطش البطشه
 الكبرى و انا منتقمون را بیست بار بر آن لوح شکل مستطیل خواند
 و این عمل روز یکشنبه کنند و ملک علوی و سفلی از روز را محافظت
 ساخته از ایشان استعانت جوید و بعد از آن آیت توکل یا ایا
 نوح میمون السحابی و انت یا صاحب هذا الیوم الملك
 حصیاً یئیل بتیج فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان
 پس آن رقعہ را فیتله سازد و در چراغ دان سبز نهد و پر
 از روغن زیتون بر آفرودد و روی بمنزل مطلوب و در
 حال سوختن آن فیتله هم تلاوت آیات عزیمت و محبت و
 عدد مذکور مشغول کند تا آن فیتله سوخته گردد مراد باطنی
 و جوه حاصل شود و اگر در حصول مقصود تاخیر واقع شود
 باز عمل از سر گیرد تا سه بار البته مراد حاصل شود باذن الله
 تعالی و صورت شکل مستطیل اینست



ایضا اگر کسی لوح
 مزجیات را خالی
 از حروف عشره

و کلمات اربعه و اسماء سنه ملائکه بر خرقة که از جامه درونی
 مطاوب گرفته باشد بمشک و زعفران و کلاب بان لوح این

نیز

خُشِعَتْ لَهُ الْأَصْوَاتُ وَوَجِلَتْ لَهُ الْقُلُوبُ وَذَلَّتْ لَهُ الْخَلَائِقُ
 مِنْ لَدُنِ الْعَرْشِ وَقَامَ بِأَمْرِ الرُّوحِ وَانْفَادَتْ لَهُ الْجَنُّ وَالْأَنْسُ
 وَالشَّيَاطِينُ وَالْأَرَاخُ وَأَدْعَيْتَ لَهُ الثَّرْوَةَ وَتَضَعَضَعْتَ
 لَهُ الْعِفَارِيَّةَ وَلَهُ الْمَخْذُومُونَ وَتَعَبَّدَ لَهُ الْمُتَعَبِّدُونَ كُلَّهُمْ
 أَنَا أَجِيبُوكُنِي وَأَطِيعُونِي نِيَامَا أَمْرُكُمْ بِي بَعْزِمَتِي وَكُنَا بِي هُوَ كِتَابُ
 اللَّهِ وَإِنَّ لِكِتَابِ غَرِيزِ ابْنِهِ الْبَاطِلِ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ
 خَلْفِهِ تَنْزِيلٍ مِنْ حَمِيدٍ حَكِيمٍ وَعَزِمْتَ عَلَيْكُمْ بَعْزِمَةَ الَّتِي فَرَّقَ
 كُلَّ عَزِيمَةِ الْعَجَلِ الْعَجَلِ السَّاعَةِ السَّاعَةَ بَعْزْتَ مِنْ أَزْدَادِ
 شَيْبَانَ أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ وَيَقْدِرْتَهُ مِنْ بِيَدِهِ مَلَكَوتِ
 وَالِيهِ تَرْجِعُونَ وَعَزِمْتَ عَلَيْكُمْ بَعْزِمَةَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ
 بْنِ عَبْدِ الْمَطْلَبِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَعَزِمْتَ عَلَيْكُمْ
 بَعْزِمَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَمَّ وَعَزِمْتَ عَلَيْكُمْ
 بَعْزِمَةَ سَلِيمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعَزِمْتَ عَلَيْكُمْ يَا رُؤُوسَ
 الزَّوَالِجِ بِنِجْنِ شَمْعُونَ وَبِنِجْنِ أَهْيَا شَرَاهِيئًا أَزْدَانِي أَصْبَادُ
 الْأَشْدَائِ عَزِمْتَ عَلَيْكُمْ بَعْزِمَةَ اللَّهِ الْغَلَاظِ الْأَشْدَادِ قَدُوسِ
 قَدُوسِ جَبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ مِنْ فِرْقَتِكُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ
 أَنْتُمْ الْمُحْضَرُونَ إِنَّمَا نَكُونُ نَزَائِي بِرَأْوِجِ الرَّادِي الْبِلَادِ وَالْبِقَاعِ
 إِنَّمَا كُنْتُمْ بَانَ اللَّهُ جَمِيعًا أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

عجلوا

عَجَلُوا وَتَهَيَّجُوا رُوحَانِيَّةَ الْمُحِبَّةِ فِي جَوْفِ وَقَلْبِ مَ ۲ مَ ۲ عَلَى
 حَب ۲ ۲ هَيَّا هَيَّا عَجَلُوا عَجَلُوا حَقِّ رَبِّنَا وَرَبِّكُمْ الرَّبَّ
 الْمَلِكِ الْجَبَّارِ الْعَزِيزِ الْقَهَّارِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 الطَّاهِرِينَ دَرْتَمِ مَرَعُوشِ بَكْوَيْدِ مَرَعُوشِ مَحْرَسِ
 تَفُوضْ أَدْرُمُوها ضَوْلَاعِ دَوْلَاعِ رَدْرَطَوْلَاعِ تَمْرَأَسْمَادِ
 عَمْرُثَا سَقِيهَا سَطِيحِ يَا مَنْ سَلِمُوا ثَاوَمِنْ شَيْفِ وَ
 حَطَفِ يَا عَجُورِي يَا طَيْفَالِقِ يَا سَطِيحِ يَا غَفِجِ يَا طَلْمُوحِ
 يَا عَالِي يَا رَوَائِي أَاهْلِقِجِ يَا مُنْتَصِرِي يَا فُوقِ يَا نَسِجِ يَا
 سَقْمُونِي يَا سَطْلِيحِ يَا مَعْدُونِي يَا دَرْمُوها تَمُوا

فائده کنز الاسرار اسناد دعای قریباً ابن نسخہ باسناد ۱۶
 صحیح آمده است و بسیار فایده دارد و عجایبها از این
 نسخہ پیدا شده و میشود و این دعا اسم فرشته کان مقرب
 است و هر کسی که باین دعا اعتقاد نکند کافر و عاصی گردید
 و باید که ازین دعا را نوشته یا خورد نگاه دارد که فواید و
 منافع بسیار دارد و از آن جمعه شانزده خواص بقلم آمده
 یاد دارند و خواسته این اسماء مبارک از فواید و منافع
 آن با خبر گردند اول آنکه روی بکلاب که دعا را بان

ه باشد بشویند و خشک نکند و بگذارد که بروی آنکس
 شك شود هر کسی که او را ببیند دوست و مهربان وی شود
 و هم آنستکه هر کسی ایند عارا بخواند و با خود دیند دشمن
 بروی ظفر نیاید چارم آنکه اگر خواهد در میان مردم با هیبت
 با صلابت باشد بر پوست شیر یا کرک بنویسد و در با
 زوی خود بندد که با صلابت و هیبت باشد ششم آنکه هر
 هرگاه بر پوست اهو بنویسد و با خود نگاه دارد در نزد
 مردم خواص و عوام عزیز و مکرم باشد پنجم آنکه هر کسی بر
 پادشاه و سلاطین حاجتی داشته باشد این دعا را بداند
 نیت بر پوست اهو بنویسد و با خود دارد مراد او حاصل
 شود ششم اگر خواهد دشمنی را بر طرف کند نیمه شب
 بگورستان رود و در میان دو گور بنشیند نیت هلاک دشمن
 نیت و چهار بار بخواند اند دشمن هلاک شود هفتم اگر کسی
 خواهد کسی را از عشق خود بیقرار گرداند هفت بار شك
 بگیرد به نیت آنکس بر پاره یکبار بخواند و بر آتش اندازد
 و اگر صد فرسنگ دور باشد خود را برساند و بیاید هشتم
 آنکه اگر کسی روزگار بمراد او نباشد و در محنت باشد
 چهل روز یا چهل شب هر روز چهل بار بخواند به نیت دولت

دولت چندان نعمت و دولت بروی جمع شود که حسابش
 نداند نهم اگر شهری را لشکر اعدا فرو گرفته باشد یازده
 اسبند بردارد و هفت بار بران بخواند و آن تخم در دور
 حصار در زیر گل پنهان کند و استعانت از اهل ایمان بطلب
 ان لشکر دشمن بهمزیمت بروند بفرمان خدایم دهم آنکه
 هرگاه ایند عارا بنویسد و با خود نگاه دارد زبان چهار گون
 عالم آن بدی بروی بسته گردد یازدهم آنکه اگر کسی را
 ارواح خبیثه رزده باشد ایند عارا بشک و زعفران بر قدح
 سفید بنویسد و بخورد و شفا یابد دوازدهم اگر
 کسی ایند عارا بنویسد و پو بارزی خود بندد امان یابد از جمع
 بدیهای عالم سیزدهم اگر کسی قرض دارد و ندارد شب
 جمعه دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت یک حمد و چهل
 بار یا غنیات المستغین اغثنی و نیاز بدی نگاه بی نیاز بود
 خداوند قرض مرا از خزانه خود ادا گردان که برکت ایند عارا
 قرض او داده شود چهاردهم آنکه اگر در میان زن و شوهر
 ناسازگاری باشد روز جمعه چهل یکدانه نخل سفید بگیرد
 و بخت حلال خود بخواند و آن نخل را پنهان کند که برکت
 ایند عاران محبت میان ایشان بهم برسد که شرح نداشته

باشد یا نود و نهم اگر کسی تنگ روزی باشد چهل روز بعد
از هر نماز یکبار این دعا بخواند خداوند تبارک و تعالی چنان
دهد که حد نداشته باشد و متعجب نباشد شایسته نود و نهم اگر کسی
محبوسی دارد که خواهد بیاید چهل یکبار بر کرد سفید بخواند
به نیت او که اگر صد فرسخ دور باشد که بیاید و اگر بیشک و
زعفران بنویسد بر اعضای برهنه خود مالداگر صد فرسخ
راه برود مانده نشود و اگر خواهد کسی را از مقام خود اواره
کند هفت نوبت بر خاک فریودان بخواند و در مقام ایشان
باشد که اواره شود و اگر مهمی بیش اید روز جمعه دوازده بار
الحمد بان نیت بخواند تا جمعه دیگر مهم او کفایت شود بفرمان
خدا تعالی بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ
قَرِيبًا أَلْمَسْتُكَ أَنْ تَقْضِيَ حَاجَتِي يَا أَحَدُ يَا أَحَدُ يَا أَحَدُ أَلْمَسْتُكَ
وَأَطِيعُوكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْعَزِيمَةِ الشَّرِيفَةِ الْعَظِيمَةِ الْبَلِيعَةِ
الْمُبَارَكَةِ الْمَيُومِنَةِ الْمُقَدَّسَةِ الْعَجَلِ الْعَجَلِ الْعَجَلِ الشَّاعَةِ
التَّاعَةِ التَّاعَةِ الرَّاحِ الرَّاحِ الرَّاحِ أَجِيبُونِي وَأَطِيعُونِي
وَسَجِدُونِي وَارْخُلُونِي بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ
عَلَى وَكَيْلِ اللَّهِ وَبِحَقِّ أُمَّةِ الْمُعْصُومِينَ وَبِحَقِّ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ أَجِيبُونِي وَأَطِيعُونِي أَحْضُرُونِي يَا أَرْوَاحَ الْجِنِّ

يَا حَصَابًا يَا نِسَاءَ يَا سَائِرَ يَا بَارِدُ يَا أَرْدُ يَا أَحَدُ يَا عَقَبُ
يَا سَحْبُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ قَرِيبًا وَجَلَدًا وَمَلَأَ
رَبُّونِيَا شَهْوَى يَأْتُمُونِي ثَلَاثًا ثَلَاثًا أَوْ رَطَا أَوْ رَطْبًا عَنُطًا عَنُطِيًا
طُوطُنًا طُوطَا طُنْطَا طُوطِيًا أَهْيَا شَرَاهِيًا قَدْمِيًا
هَلْ مَدَّ هِيًا هَرَجْنَ أَهْوَايُنِي أَطْرَائِي أَسْرَائِي صَرَطْنَائِي
وَقَبَائِي كَفَائِي بَطْرَائِي طَرَصَائِي جِرَائِي وَسِكَائِي
إِسْرَائِي وَعَزْرَائِي مَجْبَطَائِي ثَبَائِي خَسْرَائِي رَوَائِي
رُومَنَائِي سَخَائِي أَشْرُوتِيَا أَسْرُودِيَا وَغَنَائِي
أَهْبَائِي أَعْمَائِي أَعْنَائِي كَنَائِي مَطْرَائِي عِلْمَائِي
طُودِي مَعْلَائِي قَدْحَائِي بَرَزْعَائِي حُورَائِي
شَفَطَائِي مَطَائِي رَبَائِي مَطْرَائِي مَكْوَائِي أَكْوَائِي
أَلْمَائِي أَكْمَائِي أَطْرَائِي شُونَائِي زَرْخَطَائِي نُونَائِي
نُورَائِي قَدْتَائِي مِهْرَائِي مَهْيَائِي هَلَائِي طَبَائِي
بَيْلِ طَبَطْبَائِي قُوطَائِي مَوْطَبَائِي سَرَسَائِي نُونَائِي
قَدْقَائِي مَهْرَائِي مَهْيَائِي أَهْلَائِي طَبَائِي
بَيْلِ طَبَطْبَائِي قُوطَائِي مَوْطَبَائِي سَرَسَائِي نُونَائِي
بَيْلِ صَعْقَلَائِي أَشْمَائِي نَعَطَائِي مَهْرَائِي مَوْمَرَائِي

